



Azərbaycan Elimi



موسسه غیرانتفاعی آتم باهاری اقلیمی

114P 4-فصل في معرفة ما ينبغي أن يكون عليه



رویا برای

روزنامه خانبه راه اقل بیاضی در ایستگاه خانبه راه خانبه راه
۱۳۵۰ - خانبه راه اقل بیاضی در ایستگاه خانبه راه خانبه راه
خانبه راه اقل بیاضی در ایستگاه خانبه راه خانبه راه

روما غالیو والیون ایالتیہما لا تعصی وازو انہما یجاز علیہما
انما لا یبطل

اگر بیلدھی چر چوہہ سیندھ لافروٹا یا چاٹھا لکڑی یا گھوٹا



سازمان نظامی
نیروی فضایی



اہمیت و جایگاہ فولکلور

کمنگوی ویژه آنالج با غایبها سوالی

■ خانہ شاہ سرگھی	■ دکتر حمزہ القریپرانی	■ سوسن بوانہ ریس	■ علی کمالی	■ پریا راکھ
■ آجمل فاسمخانی	■ زبیر عباسی	■ لاکہ ڈوٹھاری	■ علی خاتما ہانی	■ احمد اسلمی
■ گوہر انصاری	■ یحیٰ یات فوہ	■ امیر مولوی	■ دانشم شاہیدی	■ ابوالفضل عربوسو
■ محمد علی نوحانی نسین	■ محمد شاہ شفقوٹ	■ خاتون کمالی	■ علی خانہیلی	■ اسم غلامہ
■ سعیدہ بالکڑا	■ فریاداسوی	■ رفیق جبرانیلی	■ حنا اربابو	■ جولہ شہبازک (شہزادی)
■ احمد نیادی چاروچ	■ اسد فیل سالارین	■ رحمان کاریمین	■ فیلا شاہ	

آذربایجان، ۹۷-۹۶

مجلس و هیئت مدیره، آمارهای - ۱۳۸۹

اللهين آدى ايله



آذربایجان ائل بیلیمی

درنگی نین آلیق ایچ بولتنی

Azərbaycan Elbilimi 96- 97

سای ۹۷-۹۶

چیلله و دوندوران

(دی و بهمن) آیلاری - ۱۳۹۶

رئداکسیا هئیتی:

علیرضا صرافى

سوسن نواده رضى

على براننده (تورك)

صفحه، جلد تنظيمی:

مهدى ميمندى

جلدين اوست شكيلي:

عاشيق غافار ابراهيمي

و يوسف بى عباديان

ائل بيليمي درنگي نين دستان گنجھ سينده



E_mail. info@azelbilimi. com
www. azelbilimi. com

۹۶- جى ساي. چيلله (دى) آيى ۱۳۹۶

باش يازار: عليرضا صرافى

به عنوان سرمقاله.

خلاصه اى از طرح نوين «دستان» عليرضا صرافى، دكتور منيره اكبرپوران ۴

آراشديرما، مقاله، راپور

ائل بيليمي نين تانيتما گنجھ سي. سوسن نواده رضى ۹

ائل بيليمي نين ۲- جى «عاشيق دستان» گنجھ سي. سوسن نواده رضى ۱۶

برنامه بازديد از كميجان و جلسه فرماندارى. احسان قاسمخانى ۱۸

تورك چاديرى اوزرينه. آلى چاندارلى شاهين / كيومرث اسلامى ۲۲

باغلاما نهدير. نورالدين سيدوف / عليرضا صرافى ۲۸

فولكلور اؤرنكلرى

اينانجلار، مراسيملر، عادتلر، ديلر، ميتولوزى، اووونلار و...

خيدير در نيارق نمين. محمدعلى اوجاقى نمين ۳۱

نورشيد. سعيدة پاك نؤاد ۳۳

آداب و رسوم شب چله در چهاربورج «سيرا سالى» و. احمد جوادى چاربورج ۳۶

قديم تبريزده بايغي اينانجلاردان. زيور عباسى ۳۸

ماهينلار، آغيلار، نغمه لر، باياتيلار، نازلامالار، لايلابلار، نوحه لر و...

زنجان بؤلگه لر بنده تولوق چالخاما نغمه لرى. بهزاد بيتا فرد ۴۲

ازنديران دان باياتيلار: بشلر. محمدرضا شاهسون ۵۲

كؤورنگدن باياتيلار. فرياد ناصرى ۵۴

ياس باياتيلارى. اسماعيل سالاريان ۵۶

سربنددن بير باغلاما. امير مولوى ۵۹

شسئون ماهينلاريندان. آستاناى آتش قويوشام. عاشيق گوش ۶۰

باياتيلار (۶). على خالط آبادى ۶۱

قاليب سؤزلر

(آتا سؤز، دنيم، آقيش، قارغيش، آند و حربه زوربا، قاخنج...

آند اولسون گوشه، اودا، چيراغا، اوجاغا... رامين جبرائيلى ۷۰

ناغيللار، لطيفه لر، روايتلر

صاحب سلطان خانيمين ناغيللارى. رسول كاربرينى، تانسو خياوى ۷۳

آغاجدان قولچاغين ناغىلى. زيور عباسى ۸۶

شسون لطيفه لر بندين. آعا شيخ. على حاجبلى ۸۹

بئمكلر و ايچه جكلر

سوغان شيله سي. حنا آرياپور ۹۲

خيتاب. ليلا ندايى ۹۴

۹۷- جی ساي. دوندوران (بهمن) آبي ۱۳۹۶

باش بازار: عليرضا صرافي

عاشيق ياراديجيلغى

(عاشيق شعري، عاشيق موسيقيسى، عاشيق داستانلاري و ...)

موسيقي عاشيق، ميراث گرانبها. اصغر علينژاد ۱۰۰

تيكان تپه ماحالي نين عاشيق مكتبي و عاشيق هاوالاري. احمد اسدي ۱۰۲

ال ايشلري

(انو وسايلي، ايش وسايلي، موسيقي آلتلري، ساواش آلتلري، دوشمه لر، گنيم لر...)

چوختا! چوبي به جاي دفتر حساب! احمد جوادي ۱۰۷

فولكو بازي، فولكو شعر

شيرين خاطره لر. زيور عباسي ۱۱۰

قورد سگان. ذکيه ذوالفقاري ۱۱۴

منه ده بازار دنديلر! ذکيه ذوالفقاري ۱۱۶

هؤووشنه. ذکيه ذوالفقاري ۱۱۷

شمي نين توبو. محمدعلي اوجاقي نيارق ۱۱۹

بير فولکوریک خاطره. ابوالفضل فردوسي ۱۲۱

شيفاهي تاريخ، مونوگرافي

علي کمالی نين ادبي ارثي بير باخيشدا. عليرضا صرافي ۱۲۳

حاييف سنه مدحسن خان. علي کمالی ۱۲۶

من چالديرانام. جواد قصابزاده (شواق) ۱۵۳

رويا خانيم راک حاقيندا اؤزل صفحه لر

قيسسا اؤز کئچميشيم. ۱۶۳

آنامين ناغيللاريندان: قاري ننه ايله قارقالار ۱۶۶

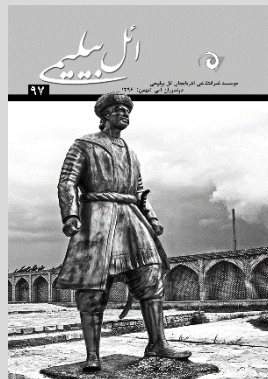
خوروزونان پادشاه ۱۶۷

قاري ايله پيشيك ۱۶۹

اصلت ناغيلى ۱۷۱

۹۷- جی ساين ضميمه سی - (ضمیمه ۶)

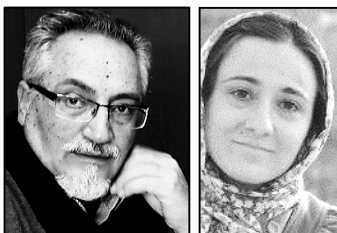
اهميت و جاينگاه فولکلور. گفت وگوي ويژه آناج با عليرضا صرافي ۱۷۵



۹۶- جی سائی

چیلہ (دی) آئی

۱۳۹۶



به عنوان سرمقاله

خلاصه‌ای از کلیات طرح نوین «دستان» علیرضا صرافى، دکتر منیره اکبرپوران

مقدمه

با توجه به اینکه سال ۲۰۱۸ میلادی شهر تبریز به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی شناخته شده، لزوم بهره‌مندی از جاذبه‌های فرهنگی هنری این شهر بیشتر احساس می‌شود. یکی از پتانسیل‌های فرهنگی که شکل کنونی ایفای عاشیقی به مهجور ماندن آن منجر شده و فعال کردن دوباره‌ی آن می‌تواند بازتاب جهانی داشته باشد، اجرای یک سنت رایج قدیمی بنام «دستان» است. هدف از تهیه این گزارش ارائه یک چشم‌انداز عمومی از کلیات پروژه نوینی است که سنت دستان را در فضای شهر تبریز زنده می‌کند.

مطالبی را که ذیلاً مطالعه خواهید فرمود، خلاصه‌ای از سه بخش اول یک پروپوزال نسبتاً مفصل است. این پروپوزال اخیراً تهیه و در اختیار برخی ارگان‌های ذیربط قرار داده شده است. در آن ضمن معرفی این طرح ابتکاری، محسنات اجتماعی و اقتصادی آن نیز به طور تیتروار ارائه شده است.

۱. کلیات پروژه:

پرواضح است که گردشگران تنها برای دیدن خیابان، مغازه و درودیوار شهر به تبریز نمی‌آیند، جاذبه‌های آثار تاریخی و موزه‌ها نیز تنها برخی از نیازهای سیاحتی گردشگران را

تأمین می‌کند و تبریز امروز فاقد آیین فرهنگی منحصربه‌فردی است که بازتاب جهانی داشته باشد و در خاطره‌ها بماند.

نزدیک شدن نقش عاشیق‌ها به نقش خواننده و نوع زمان‌بندی اجرا که امکان روایت در چند نشست پی‌درپی را فراهم نمی‌کنند، باعث شده نوع ادبی داستان در معرض نابودی قرار بگیرد^۱. درحالی‌که درگذشته داستان‌ها در چند جلسه‌ی پشت سر هم اجرا می‌شدند و به‌این‌ترتیب انبوهی از مخاطبانی که داستان را پیش‌تر شنیده بودند یا در اجرای قسمت‌های پیشین حضور داشتند در فضایی آیینی و تئاترگونه گرد هم می‌آمدند. این گردهمایی فرصتی بود برای اینکه خاطرات مشترک و بستر اجتماعی خاصی شکل بگیرند. خوشبختانه هنوز در ایران عاشیق‌هایی هستند که قادر به اجرای داستان هستند و می‌توانند شور و هیجان یک آیین واقعی را زنده کنند. انتظار می‌رود یک چنین گردهمایی پرهیجانی افراد را در تعامل فرهنگی با فرهنگ و جامعه خویش قرار داده و فضای شهری منحصربه‌فردی خلق کند که روابط بین شرکت‌کنندگان را تحکیم می‌بخشد.

در این راستا، می‌توان نسبت به بسیج نیرو و اجرای پروژه «دستان» در سطح شهر تبریز اقدام کرد. روال کلی پروژه داستان به‌این‌ترتیب است که گروهی مرکب از دو یا سه عاشیق به همراه نوازندگان بالابان و دایره و... ظرف یکی دو ساعت و طی چند روز متوالی در یکی از گردشگاه‌ها و میادین و یا سالن‌های سرپوشیده شهر بخش‌هایی از یک داستان مشهور عاشیقی مانند کوراوغلو، عاشیق غریب، اصلی - کرم و... را اجرا می‌کنند، یکی از عاشیق‌ها به‌عنوان راوی، داستان را نقل می‌کند و دیگر عاشیق‌ها (یا خواننده‌ها) که در نقش شخصیت‌های داستان ظاهر می‌شوند، دیالوگ‌های منظوم را با سازوآواز اجرا می‌کنند. راوی و سایر اجراکنندگان داستان برحسب مورد می‌توانند با حرکات و فیگورها یا حالات چهره، صحنه‌ی داستان را در چشمان گردشگران جان بخشند. لباس‌های عاشیق‌ها می‌تواند متناسب با نقش داستانی آن‌ها انتخاب شود.

۲. نوآوری پروژه

اجرای یک روایت داستانی موزیکالی که از دل یک سنت مردمی برآمده، با استفاده از امکانات جدید فناوریانه در عرصه عمومی تاکنون در سطح کشور بی‌سابقه بوده است. تاکنون عاشیق‌ها اگر به روی سن آمده‌اند صرفاً برای خواندن یکی دو ترانه و یا نواختن تک‌ساز دعوت‌شده‌اند و اگر برحسب اتفاق مجبور بوده‌اند، حداکثر مقدمه‌ای بر آواز خود بگویند آن

^۱ - می‌دانیم که امروز در سطح جهان جز در آفریقا و قسمت‌هایی از سیبری داستان اجرا نمی‌شود.

را در یکی دو جمله یا پاراگراف به صورت نثر بازگو کرده‌اند که این به معنی داستان‌سرایی نیست.

نکته مهم دیگر اینکه در کشورهای ترک‌زبان مانند ترکیه و جمهوری آذربایجان و ترکمنستان و... نیز هرچند سنن قوی عاشیقی وجود دارد، اما تاکنون روی بازآفرینی مدرن داستان‌ها اقدامی جدی صورت نگرفته و اگر این کار در تبریز برای اولین بار صورت پذیرد، پایه‌گذاری آن بنام شهر و کشور ما ثبت خواهد شد که خود الگویی برای کشورهای همجوار محسوب می‌شود.

جاذبه‌های این پروژه چندان است که با اجرای موفق آن گردشگرانی که به تبریز می‌آیند، علاوه بر اینکه بخشی از وقت خود را صرف بازدید آثار تاریخی و موزه‌ها و بازار و... می‌کنند، خواهند کوشید به تماشای اجرای داستان بروند. هرچند داستان‌گویی به زبان ترکی خواهد بود، اما حرکات بدنی مانند، فیگورها و ژست‌ها برای همگان قابل فهم‌اند و زبان موسیقی و شور و هیجان صحنه (که طراحی لباس و دکور بر قدرت آن می‌افزایند) هر شرکت‌کننده‌ای را جذب و او را در خاطرات کهن شهر شریک می‌کنند. ضمن اینکه برای توریست‌های ناآشنا به ترکی می‌توان بروشورها و یا دفترچه‌هایی تهیه کرد و در آن خلاصه‌ای از داستان را به زبان‌های فارسی و انگلیسی و... آورد. بدین ترتیب نیرویی بسیار قدرتمندتر از آنچه در صنعت تئاتر «نفس‌سالن» نامیده می‌شود تماشاگران ناآشنا به زبان ترکی را نیز در بر گرفته با اجرا همراه خواهد کرد.

۳- اهداف پروژه

الف: هدف اصلی فرهنگی: توسعه فرهنگ جامعه با استفاده از سنت‌های بومی و شفاهی مردم

➤ اهداف جزئی فرهنگی:

- بازخوانی و تقویت فرهنگ بومی و سنت ادبیات شفاهی مردم
- ارائه فرهنگ عاشیقی داستان‌سرایی با ابزارها و روش‌های مدرن
- آشناسازی جوانان با ارزش‌های فرهنگی نهفته در ادبیات شفاهی مردم
- معرفی فرهنگ بومی مردم به هنرمندان و اهالی فرهنگ
- معرفی فرهنگ بومی مردم به گردشگران داخلی و خارجی
- شکل‌گیری بستری برای تعاملات فرهنگی بین استانی

ب: هدف اصلی اجتماعی: توسعه بستر اجتماعی جامعه با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی
اصیل بومی

➤ **اهداف جزئی اجتماعی:**

- مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب و از خودبیگانگی نسل جوان
- تقویت اخلاقیات جامعه
- برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت شهروندان
- پاسخگویی به نیازهای معنوی مردم با استفاده از موسیقی بومی و ادبیات شفاهی

ج: هدف اصلی اقتصادی: تقویت بستر اقتصادی جامعه با توجه به مؤلفه‌های فرهنگ اصیل
بومی

➤ **اهداف جزئی اقتصادی:**

- بازتعریف و ایجاد رشته هنری جدید تحت عنوان "یئنی بوی" یا "دستان‌گویی نوین"
- شکل‌دهی بستری برای اشتغال بیشتر عاشق‌های سنتی
- ایجاد بستری جذاب برای ارائه سایر هنرهای بومی مرتبط و اشتغال‌زایی از طریق آنها؛ از جمله ارائه صنایع دستی، غذاهای محلی، عروسک‌سازی بومی و...
- ایجاد بستری برای شکل‌دهی و تقویت کلاس‌های آموزشی آشناسازی مردم و علاقه‌مندان با هنرهای بومی
- ایجاد بستری برای شکل‌دهی و تقویت دوره‌های آموزش حرفه‌ای هنر عاشقی دستان‌سرایی و سایر هنرهای بومی

چنانچه ملاحظه می‌شود این طرح ابتکاری مزایای اجتماعی و اقتصادی فراوانی دارد و در راستای توسعه پایدار جامعه تعریف شده است، لذا در صورت حمایت سازمان‌های دولتی و ارگانهای شهری می‌توان یک یا چند داستان را به عنوان طرح پیشرو (پایلوت) اجرا کرد و نهایتاً ابعاد آنرا توسعه داد.

آراشدیرما،
مقاله،
راپور



اٲلبیلمی نین تانیتما گٲجه سی سوسن نواده رضی

اٲلبیلمی موسسه سی چالیشمالاری نین ۹- جو ایلی بیتیب، ۱۰- جو ایلینه کٲچدیگی، تبریز ۲۰۱۸ اولایینا توش گلیب. تبریز ۲۰۱۸ فرهنگی- معنوی میراثیمیزلا دریندن ایلگیلی اولدوغو اوچون، ایستر- ایسته مز اٲلبیلمی موسسه سی نین اهدافی ایله اوست- اوسته دوشمکده و حتی عینی دوغولتودا (راستا دا) ساییلیر. بو اوزدن موسسه نین مودورلر هئیتی بو موسسه نین چالیشمالارینی داها دا آرتیق اٲلیمیزه و مسئول لاریمیزا تانیدیب، فعالیت دایره سینین داها دا گٲنیش لندیرمک اوچون شرقی آذربایجان اوستانداری نین تبریز شهرداری سینده عالی مشاوریری و تبریز ۲۰۱۸- ین تام الاختیار نوماینده سی، آقای میرعلی اصغر الموسوی و همراهلارینی اٲلبیلمی موسسه سی نین چالیشمالاری ایله یاخیندان تانیش اولوب، گله جکده ایش بیرلیگی آپارماق امکاملارینی دیرلندیرمک اوچون جمعه آخشامی ۲۱ دی ۱۳۹۶ اٲلبیلمی موسسه سینده قوناق ائندیلر.

تبریز- ۲۰۱۸ تده شهرداری عالی مشاوری و استاندارین تام الاختیار نماینده سی اولان جناب آقای الموسوی و همراهلاری دا اشتراک ائندیکلری بو ایکی ساعاتلیق برنامه ده اٲلبیلمی طرفیندن علمی دانیشیق و متنوع فولکلوریک برنامه لر، موسسه نین همتی ایله گون اوزو گون کتابلار سرگیسی، فولکلوریک نومایش و آیینی مراسم و آذربایجان میطباخیندان کیچیک بیر اورتک قوناقلار اوچون تدارک گورولموشدو.

اٲلبیلمی موسسه سی نین گوجلو آپاریجیسی، گونش خانیم امانی، برنامه نین باشلانغیچیندا موسسه نین قوروجوسو آقای مهندس صرافینی دانیشماغا چاغیردی.

سونرا آقای قابل نژاد آذربایجان کندلرینده آپاردیغی میدانی آراشدیرمالار و چالیشمالارینا گوره اطرافلی دانیشدی. آقای قابل نژاد آذربایجان کندلرینده اولان گله نکلر و فرقلی- فرقلی مراسم لردن سوز آچاراق بو فولکلوریک ثروتین توریزم قایناغی اولدوغونو و اولکده یه قازانچ گتیره بیله جگینی وورغولادی.

سونرا، اٲلبیلمی نین بالاجا اویه لریندن اولان آراز و دنیز «تبریز» عطیرلی بیر نچه بایاتی قوناقلار اوچون اوخودولار و بویوک آلفیش آلدیلار.

برنامه‌نمين داواميندا آقاي الموسوي ائلبيليمي اعضاسي و گلن قوناقلار اوچون فرهنگي چاليشمالار و تبريز ۲۰۱۸- هـ گۆره دانيشديلار و جماعت ايله مسئوللارين بو مناسبت اوچون امكداشليق ائتمه‌لرينه تاكيد ائتديب، ائلبيليمي موسسه‌سي‌نين چاليشمالاريندان تقدير و تشكر ائتديلر.

پروگرامين دواميندا سناريوسونو روياناخانيم راک- يني يازديغي «آباجي خانيم» نومايشي‌نين امانورجا اجراسي، هر كسين اورگيني آچيب، اوزونو گولدوردو. آنجاق جناب الموسوي بؤيوك اناسيني خاطيرلاييب گۆزو ياشالدي. اوندان سوروشدوغوموزدا، "منيم ده بؤيوك نهم بله‌ايدى، او يادىما دوشوب، دويغولانديم" دئدى.

بو نومايش ده ليلا خانيم آذرى (سريه رولوندا آباجي خانيمين گيليني)- روياناخانيم راک (آباجي خانيم رولوندا) و گنج هنرمند مهدي تيغ زن (آعا كيچيك آعا، آباجي خانيمين كيچي اوغلو رولوندا) اوينديلار.

ائلبيليمي تانيما گنجه‌سينده «آباجي خانيم» نومايشينده ليلا خانيم آذرى «سريه» رولوندا قايناناسيندان آرزو ائله‌ديكي «ماحموديه» و «اوزومو گوشوارانين» پولونو آليب سئوينجك دوشدو. هابئله گنج صنعتكار فولكلور چوموز، مهدي تيغ زن، گۆزل قوال ايفاسي ايله قديم فولكلوريك ماهنيلاردان بير- ايكي سيني جانلاندirdي.

سونرا گنج فولكلور چولار، ناصر زارعين رهبرليكي ايله بيرليك گروپو، شهرداري‌نين تبريز ۲۰۱۸ اولايي‌نين تام‌الاختيار مسئولونا ياللي آييني رقصي سوندولار. بو گروپون گئييم‌لري، آذربايجان يئرلي گئييم‌لري اوزره اوزمانجا آراشديرمالار آپاران ناصر زارع طرفيندن حاضيرلانميشدي.

ائلبيليمي تانيما گنجه‌سي‌نين لاپ جانا ياپيشان دادلي بؤلومو «تبريز ايكيندي سفره‌سي ايدى. بو سوفرده گۆي كوكوسونو خانيم آبدار، يئرآلما تيكة‌لريني خانيم نواده رضى، قايقاناغي خانيم فتاحي، لبلبي‌ني خانيم آذرى، يئمه‌لي گۆيونو خانم سعيدى و باشقا خانيملار حاضيرلاميشديلار.

آقاي الموسوي برنامه‌نين سونوندا سرگي لنميش كتابلاردان گۇروش ائتدى و بو ائنادا گنج فولكلور چولارلا دا گۇروشوب دانيشديلار، بعضي وعده‌لر ده وئردى كي گرچكلشمه‌سيني اومود ائديرىك. قادينلارين موسيقي و باشقا صنعت ساحه‌سينده چاليشمالارينا گۆره ده مثبت و ائتكيله‌ييجي نظرلر سؤيله‌دى.

ائلبيليمي تانيما گنجه‌سي، كتاب سرگيسينده اولكر خانيم داغقيزي سوركلي شكيل چكيپ مراسيمي ثبت ائتمه‌سيندن علاوه، سرگيني ده لايقينجه اداره ائله‌ييب كتابلاري تانيديردى.



جناب الموسوی قوناقلارا دانشیارکن



مهندس صرافی قوناقلارا دانشیارکن



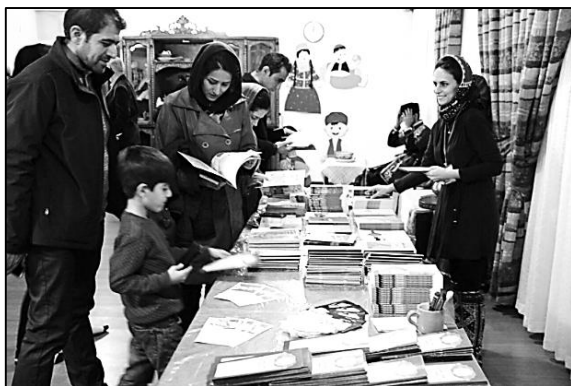
آباجی خانیم نومایشیندن صحنه لر



بوتا رقص گروپو یاللی گندرن



مجلسین سونوندا جناب الموسوی رقص گروپو عضولریله دانیشارکن



کتاب سرگیسی



آخشام یئمگی سوفره میز



جناب رحیم قابل نژاد قوناقلارا
دانیشارکن



آراز و دنیز امانی



ساغدان آقالار: قابل نژاد، الموسوی، هودفر (موسسه ده قورولان کورسو اوتاغیندا)



اٺلبليمي نين ۲- جي «عاشيق دستاني» گنجھسي سوسن نواده رضی

جمعه آخسامي ۲۱ دي ۱۳۹۶، اٺلبليمي موسسه سينده ايکينجي عاشيق دستان گنجھسي کڻچيريلدي. بو گنجھنين دستانيني ايفا ائڊن اوستاد عاشيق غفار ابراهيمي ايدی. بالابان اوستادي آقاي يوسف عباديان و قوال اوستادي آقاي سيفعلي حقي ده اونو مشايعت اٺنديلر.

قئيد اٺتمک لازمدير کي بيرينجي عاشيق دستان گنجھسي آبان آبي نين بيرينجي هفته سينده کڻچيريلميشدير.

بو مراسيمده تبريزدن اشتراک ائڊن بير چوخ فولکلور ماراقليسي و عاشيق دستانينا علاقه سي اولان ادبياتيچي و صنعت سنور قوناقلاردان باشقا، کوموزاندان دا چوخ ڏيرلي قوناقلاريميز واريدی. او جمله دن: غلامرضا کميچاني و جناب کرباسي کوموزان شهر شوراسي عضوو (دعوتليميز اولاراق مرکزي اوستانين کوموزاندان)، مهندس احسان قاسمخاني دعوتليميز اولاراق اراکدان (و اوچو ده محتشم بوزچالي اٺليندن)، مهندس حميد شافعي (دعوتليميز اولاراق بير هفته اونجه اورک عملياتينا رغما اورميهدن گلييلر)، خانم دکتر منيره اکبر پوران و آقاي موسوي تهراندان گلमيشديلر.





ساغدان: غلامرضا کميجانی، مهندس احسان قاسمخانی، محمد عليپور مقدم، عاشيق حسين ساعی، مهندس جعفر كيوانچهر، مهندس زیدی، مهندس حميد شافعی



ساغدان سولا: عاشيق غافار ابراهيمی، علی برازنده، جناب کرباسی کميجان شهر شوراسی عضو، عليرضا صرافى



برنامه بازدید از کمیجان و جلسه فرمانداری احسان قاسمخانی

روز ۲۸ دیماه ۱۳۹۶ ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر جلسه‌ای در خصوص ویژه‌نامه بزچلو در سالن جلسات فرمانداری شهر کمیجان تشکیل گردید. در این جلسه که با حضور فرماندار محترم و تنی چند از مقامات شهرستان کمیجان و نیز جمعی از فرهیختگان و هنرمندان منطقه به همراه تعدادی از اعضای مؤسسه ائل بیلیمی تشکیل شده بود، جناب آقای مهندس سلیمانی فرماندار محترم کمیجان، سخنان مهمی ایراد فرمودند. ایشان ضمن اشاره به اهمیت جایگاه چشم‌انداز فرهنگی در بین سایر چشم‌اندازهای توسعه‌ای شهرستان کمیجان، فرهنگ را به مثابه بستری برای رسیدن به توسعه پایدار حقیقی توصیف نمودند. آقای سلیمانی با اشاره به فعالیت‌ها و دستاوردهای ذی‌قیمت فرهنگی گروه «بیزیم بزچلو» ابراز امیدواری کردند که در سایه چنین تلاش‌هایی به زودی زود غبار محرومیت از روی شهرستان کمیجان زدوده شده و این شهرستان غنی در جرگه یکی از پیشروترین و نام‌آورترین شهرستان‌های کشور قرار گیرد. فرماندار محترم شهرستان کمیجان ضمن اشاره به فعالیت‌های تقدیرآمیز مدیران مؤسسه «ئل بیلیمی» حرکت ایشان را گامی مهم در راستای حراست از فرهنگ غنی ایران و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان دانستند. ایشان در پایان همگان را به شرکت فعال در برنامه همایشی که در بهار سال ۹۷ در کمیجان برگزار خواهد شد، دعوت نمودند و از کلیه فرهنگ‌دوستان و اصحاب قلم بزچلویی برای کمک به هرچه پربرتر کردن محتوای ویژه‌نامه بزچلو (کمیجان) دعوت به عمل آوردند.

در ادامه آقایان محمد کمیجانی (جاوید راد) و غلامرضا کمیجانی از پژوهشگران و فعالین اجتماعی برجسته کمیجان، درباره برخی از فعالیت‌های خود در این راستا صحبت نموده،

رهنمودهایی جهت برگزاری هرچه بهتر و باکیفیت‌تر همایش و نگارش ویژه‌نامه بزچلو ارائه دادند.

اینجانب (احسان قاسمخانی) نیز به عنوان سردبیر نشریه ائل بیلیمی (ویژه‌نامه بزچلو) نیز طی گزارشی از نحوه پیشرفت کار و مطالب جمع‌آوری شده، مواردی عنوان نمود و نهایتاً آقای مهندس علیرضا صرافى مدیر عامل مؤسسه ائل بیلیمی به بیان نقطه نظرات خود پرداختند. محور سخنان ایشان ضرورت توجه به فرهنگ مردم به مثابه یکی از عوامل لازم برای توسعه پایدار جوامع بود. ایشان ضمن ارائه تعریفی از فرهنگ مردم و بخش‌های متنوع آن، به اهمیت نقش ایل بزچلو در تاریخ ما اشاره کردند و اظهار داشتند که اینجا سرزمین سردار بزرگ صفوی اودور بهادر (آدور بادورخان) است، سرکرده ایلی سلحشور که با شکست دادن شیبک‌خان در مرزهای شمال شرقی امپراتوری صفوی و مستقر نمودن بخشی از ایل بزچلو در سرحدات شمال غربی (گرجستان) هر دو مرز شمال شرقی و شمال غربی را برای مدت‌ها امن ساختند و حق بزرگی در تثبیت مذهب تشیع و تشکیل یک دولت ایرانی مقتدر داشتند. ما چند مؤلفه مهم هویتی از جمله: ایرانی بودن و شیعه بودن خود را مدیون این ایل ترک‌تبار هستیم، لذا اگر بتوانیم خدمتی به فرهنگ منطقه کمیجان بکنیم، برایمان به عنوان یک ایرانی مسلمان شیعه افتخاری خواهد بود و در واقع بخشی از دین تاریخی خود را به فرزندان این ایل ادا کرده‌ایم.

آقای مهندس صرافى اظهار داشتند کمتر جایی را سراغ دارم که مسئولین آنجا توانسته باشند میدانی چنین گرم برای مشارکت مردم به‌خصوص فرهیختگان آنان ایجاد نمایند و خود نیز همسو با آنان صادقانه و صمیمانه کمر همت بالا زنند و کار کنند، لذا همه کمیجانی‌ها باید قدر این فرصت طلایی را بدانند و نسبت به توسعه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی شهرستان خود بکوشند.

سپس هر یک از حاضرین درباره‌ی وظایفی که در تدوین این ویژه‌نامه می‌توانند بر عهده داشته باشند، مطالبی عنوان نمودند. در پایان هدایایی به حاضرین تقدیم شد.

قابل ذکر است که این دومین نشست ائل بیلیمی بود که به طور اخص در رابطه با کمیجان تشکیل شده بود. جلسه اول مؤسسه ائل بیلیمی با حضور برخی فعالین و محققین کمیجانی و فرماندار و شهردار محترم کمیجان یک ماه پیش‌تر در تهران و در محل دفتر مؤسسه برگزار شده بود.



تعدادی از شرکت کنندگان در جلسه ائل بیلمی در دفتر تهران ۱۵ آذرماه ۱۳۹۶
 ردیف نشسته از راست: آقایان موسوی، حاجیلی، صراف، سلیمانی، مرادی،
 آقچه کهریزی
 ردیف ایستاده از راست: آقایان و خانم‌ها: امیری، چمنسرا، اکبرپوران، محوی، کمیجانی
 جاوید راد، حیدری، کمیجانی



گوشه‌ای از جلسه فرمانداری کمیجان



نشسته از راست: آقایان: محمد کمیجانی جاوید راد، مهندس علیرضا صرافى، مهندس
سیامک سلیمانی، علی حاجیلی
ایستاده از راست: غلامرضا گلابی، حمید جباری، جاوید راد، دکتر منیره اکبرپوران،
روح‌انگیز محوی، رضایی، غلامرضا کمیجانی، علی اکبر آقچه‌کهریزی، احسان
قاسمخانی، عاشیق گونش، ابراهیم کمیجانی، کرباسی



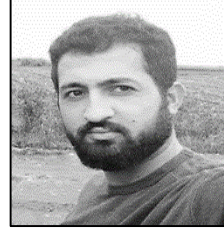
در موزه نقاشخانه عیسی خان بهادری
دور میز از راست: مهندس قاسمخانی، خانم دکتر اکبرپوران، مهندس صرافى، عاشیق
گونش، جناب حاجیلی، جناب آقچه‌کهریزی، سرکار خانم محوی، جناب کمیجانی

تورک چادىرى اوزرىنه

يازان: دوكتور اصلى

چاندارلى شاهين

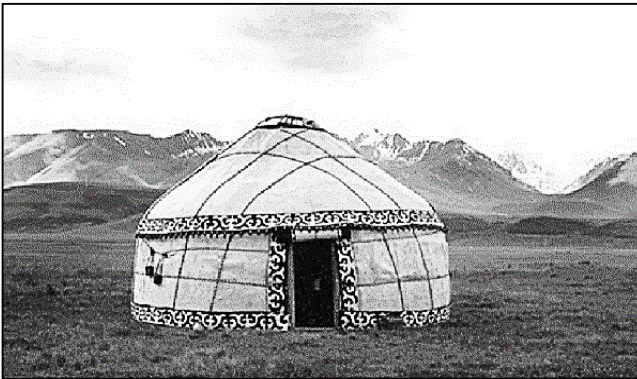
كۆچورن: كيومرث اسلامى



◀ خلاصه

كۆچرى ياشام طرزى نىن حاكيم اولدوغو دۇنمىلرده، آردىجيل يايلاق و قىشلاقلار آراسىندا كۆچرى توپلوملار سىغىنماق و اوتورماق احتياجىنا جاواب اولاراق چادىر تىپى ائولر قوللانيرمىشلار. قورولوب، سۆكولمەسى و داشىماغىدا بىر او قدر راحت اولدوغو دا كۆچرى و حرىكەتلى ياشام شىكلىنه اويغونلوق گۇسترمىش دىر.

بو طرز ياشامىن اۇنمىلى بىر پارچاسى اولان چادىرلار اوتوراق آنلامىندا ياشاماق اۇزلىكلىرى و يۇنەتىملىك، صنعتكارلىق و دىنسللىك بوتون آلانلاردا ائتكىلى بىر سىموول اولاراق وارلىق گۇسترمىش دىر. بىر چوخ چادىرلار ايچىندە قوللانما و گئنىش فزاسى آچىسىندان اُن چوخ يايقىن اولان «يورد» آدى وئرىلمىش چادىرلار دىر. بو يورد تىپلى چادىرلار بىر سىرا يئرلەشك اۇزلىكلىرى حاياتا كئچدىكدن سونراكى دۇنمىلرده و معمارلىق عنعنەلرىندە اۇنمىلى بىر ائتكى بوراخمىش دىر.



◀ گيريش

حئيوان دارليق اکونومی سینه دایاقلی و باغلی اولان کؤچری یاشام طرزینی منیمسه میس اولان توپولوملاری ایچینده اولان شرایطلر گونده لیک حیات و دوشونجه طرزلرینه ائتکی قویموشدور.

اوجا داغلار، گئنیش چؤللوکلر و چتین اقلیم دوروملاری اونلاری دوغال شرطلری ایله آردیجیل موجدیلهیه مجبور ائتمیش دیر. گونده لیک یاشام ایچری سینه حیات هر زامان حرکت ده دیر. اونلار گئرچکله بیله جک اقلیم دییشیکلیکلری و هر بیر تهلوکه قارشى سیندا هر زامان حاضر اولمالی دیلار.

حئیوانلارینی اوتلاماق اوچون گئندیکلری بؤلگه لرده ده اوتراق لارینی قیسا سوره ده حاضر دورومدا ساخلامالی دیلار (دیاربکی رلی، ۴۸: ۱۹۷۲). تورک چادیری صاحب اولدوغو بو ایشلک اؤزلیکلری ایله ساده جه تورک دولت لرینین حیات لارینی دئیل، بیر چوخ قونشولاریندا دقتینی چکمیش و اونلارین دا حیاتینی راحتلامیش دیر.

چین لی دولت آداملارینین قیشین بؤیوک قیسمی نی سارایلارینین چئوره سینه قوردوقلاری چادیرلاردا کئچیرمه لری، ۷- جی یوزایللیکده چین ده بیر تورک چادیری مودئلی باشلامیش دیر (قومیلئو: ۲۰۰۷، ۲۲۴). چادیر سؤزونون ائتیمولوژیسی ایله ایلگیلی فرقلی گؤروشلر واردیر.

تورک دیلینین آن قیمتلی یادگاری اولان «دیوان لغات تورک» ده «چا- چیر / چاتیر» سؤزلرنین یانیندا «آلاچو» و «اوتاق» دا چادیر آنلامیندا وئریلمیش دیر. «کئرئگو» اوچون چادیرین یانی سوره قیشلیق ائو آنلامیندا یئتیرمکده و قیشلیق چادیری آدلانمیش دیر (د. ل. ت، ۴۰۶، ۴۴۷).

تورک دونیاسینا عاید سؤزلوک اثرلرنین بیر باشقاسی اولان و کومان / قیپچاق لارین دیل شوناسلیق اؤزلیکلری ایله کولتورل حیاتلارینا دایر کودکس کومانیکوس (cumanicus codex) اثرینه باخاندا «چادیر» و «یورد» سؤزلری چادیر آنلامینا گلدیگی گؤرونمکده دیر (گرؤنېچ، ۴۸: ۱۹۹۲، ۲۳۵).

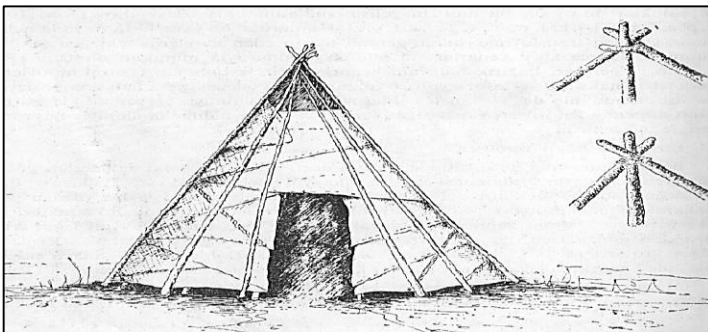
کودکس کومانیکوس- دا کلوب، باراکا، ائوجیک، قارغی و چؤپدن دوزلدیلن سیغیناق آنلامیندا وئریلن «آلاچوق»، و. رادلوف طرفیندن «آلاچیق» قوللانیمی ایله آغاج قابیغیندان دوزلمیش یورد شکلینده آچیق لاندیش دیر (رادلوف: ۱۹۵۶، ۲۸۰؛ گرؤنېچ، ۱۹۹۲، ۴).

«دده قورقود» کتابیندا چادیر اوچون «چادیر»، «چتیر»، «شامی» و «اوتاق» سؤزلری قوللانیرکن «بان» چوخ بؤیوک، آلتین باشلی بؤیوک چادیر، «برگه» اوتاق آنلامیندادیر.

«گردک» زفاف چادیری اولاراق کئچمیش دیر. «گون- لوک» ایسه گون دوشن چادیر آنلامیندادیر (ائرگین، ۲۳- ۲۱: ۲۰۱۱، ۶۱؛ تورون، ۲۰۱۱؛ ۱۲۵۵- ۱۲۵۳). چادیر آنلامینا گلن بیر چوخ فرقلی آدین موجود اولدوغو، چادیرلاری چئشیدلی و گئنیش بیر جغرافیایا یاییلمیش اولان تورک توپلولوقلارین هر بیرینین فرقلی دیل اؤزلیکلره صاحب اولماسی ایله علاقه داردیر.

◀ تورک چادیرلارینین شکیل اؤزلیکلری

قوللانیلان چادیر و یا بؤیوکلوک و شکیل آچی سیندان فرقلی لیک گؤسترن بیر چوخ چادیر ایچینده بلکه ده آن چوخ یایغین اولان آغاجلارین بیر- بیرى ایله چاتیشاراق مخروط بیر شکیل مئیدانا گتیرمه سی ایله باشلامیش دیر.



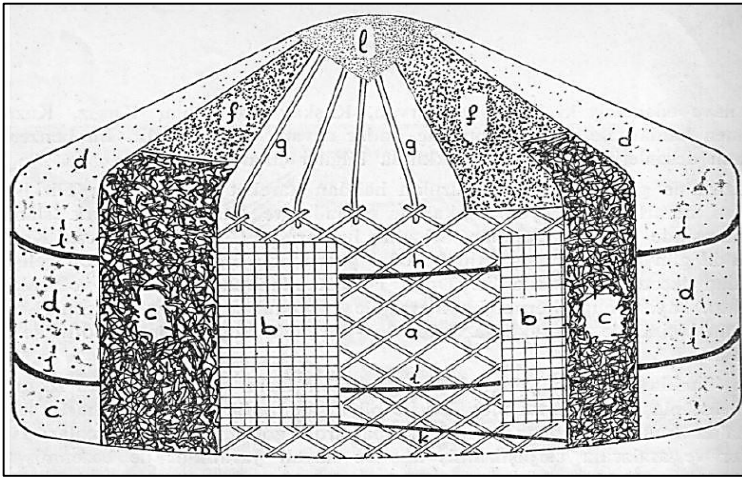
۱- جی شکیل: مخروط چادیرلار

مخروط تیپلی چادیرلارین ایسکلتی، ۱۴- ۱۰ دیرگین آلت طرفیندن دایره شکیلینده یان- یانا دوزولرک، اوچ قیسمتیندن ده تک بیر نقطه ده چارپاز شکیلده دوزلدیلیر (رادلوف، ۱۹۵۶؛ ۲۷۸). بو شکیلده چادیرلارا «چوم» و یا «قاپا» آدی وئریلمیش دیر (دیاربکیلی، ۱۹۷۲؛ ۱۴۴).

تورکوستاندا یاشایان تورک قبیله لری آراسیندا آن چوخ قوللانیلان چادیر تیپی «یورد» آدی وئریلن چادیرلاردیر. «توپاق ائو» ویا «قیییز اؤی» (Qiyiz Evi) ده دیییلن بو چادیرلار آن اُسکی دؤنملرده «کروگ» (د. ل. ت؛ ۴۴۷) اولاراق آدلاندیریلیمیش دیر. گئنل اولاراق دایره شکیللی، توپارلاق اؤرتولو و اوست بؤلومو اورتادان دلیک شکیلده حاضرلانیان یورد تیپلی چادیرلارین اُصلینده ایکی شکیل ده اولورلار.

بونلاردان ایلکینده چادیر دوواری یئرہ تاخیلان دیرکلردن مئیدانا گلیرکن باشقا شکیل ایسه قاتلانان بیر آغاج چرچیووه لی اولور (رادلوف، ۱۹۵۶؛ ۲۸۰- ۲۷۹). ایلك «یورد»

شكىلى چادىر اوزره دىركلر يىتره تاخىلماسى ايله دوزنلنن بىر اسكلته صاحبدىر. بوتون چئورەسى يۈنلۈ پارچا (كئچە) ايله اۋرتولدوكدن سونرا دىش و اورتا بۇلومو بىر ايپلە باغلانير. قاپى چرچىوھەسى شكىلىدە ايرىلان بۇلوم، ايكى قاتلى اولاراق تىكىلمىش بىر كئچە ايله اۋرتولور (رادلوف، ۱۹۵۶: ۲۷۹). يايقىن اولاراق قوللانيلان باجالى و قفسلى شكىل چادىر ايسە يووارلاق افقى بىر بۇلوم و قوبهەلى اولور و اسكلتى ايسە آغاجدان قوللانيليردى. اۋرنك اولاراق ھونلاردا چادىر دىركلىر بىلىرلى بىر بۇلگەدەكى آغاجلاردان تامين اندىلمك دەدىر. دىركلر، باتى توركوستاندا توت آغاجىندان، قازاق، قىرغىز و اۋزىكلردە سارى سۇيود آغاجىندان، بىر سىرا توپولمولاردا ايسە چام آغاجىندان دوزەلدىرىلمىش دىر (دىاربىكرىلى، ۱۹۷۲: ۴۹؛ اۋگل، ۲۱-۲۰: ۱۹۸۴).



۲- جى شكىل: يورد چادىرى

يورد تىپى چادىرلار يىن قورولوشو اوچ مرحلهدن شكىللىنىر: ايلك مرحله يىترە اۋلچو ايپى ايله دايرەنىن جىزىلماسى ايله باشلايىر كرگرلر يا قانادلار يان- يانا دوزولوب كئچى درىسىندىن بىر- بىرىنە باغلانير. چادىرىن بۇيولوگونە گۆرە بئش و يا سىككىز دىركدن دوزىلدىلير. گئنىشلىك و يوكسكىلىگى و قاناد سايى ايله بىر يوردون اوزونلۇغو بئش و يا يئددى متر، يوكسكىلىگى ايسە دۇرد متر آراسىندادىر (رادلوف، ۱۹۵۶: ۲۸۰؛ دىاربىكرىلى، ۴۹-۵۰: ۱۹۷۲).

ايكىنجى مرحله، چادىرىن تاوان و يا سقفدەكى چاتقى، دوگون و يا دىركلر يىن چاتىشما يىترىدىر. بو دوگون آلتىنە «اوك» يا «اوق» آدى وىرىلىر. اوكلار يىن اوجو تپەدە «چانگاراك»، «شانراك» يا «توينوگ» كىمى آدلارلا سۇيلىنمك دەدىر. اوچونجو مرحله ايسە چادىرىن

اۋرتولمەسى دىر.

كى «چىي» آدى وئىرلن بىر حصير ايله اورتولور. كاشغارلى ماحمود چادير اۋرتوسو اوچون «آريغ» سۇزون قوللانيركن (د. ل. ت، ۱: ۳؛ ۳: ۱۲۸). اُن سون اولاراق چاديرلار ياشايان قىبىلەر طرفيندن اۋزلىرینه عايد اشاره و موتيو شىكلىندە ايشلىنير و بو شىكىلدە ھانسى چاديردا كىملىرىن ياشادىغى چاديردا باخىلىدىقدا بللىنير (آرسئون، ۱۹۷۵: ۳).

◀ تورک چادىرى نىن سوسىيال حيات ايچىندە كى يئرى

يىلاق و قىشلاقلار آراسىندا مسافرت سىراسىندا، چاديرلار قورولوب و داشىنماسى، حىئوندارلىق و باشقا حيات طرزى گۇرومىكەدەير. چىن قايناقلىرىندا ھونلار و گۇكتوركلرىن كىچە چادىرلى آرابالارىندان سۇز گىتمىكەدەير.

اويغورلار دا عىنى گلەنگى سوردورموشدولر (ۋگل، ۴۰۱: ۱۹۸۵؛ چورولوب، ۲۸: ۱۹۹۳). آرابالار اوزرىنە يئرلىشىدىرلن چاديرلار اسلام اۋنجهسى دۇمىدە توركوستان جوغرافىياسىندا ياشايان تورك دولتلىرىن يانى سىبرا يوزايللر سونرا دوغو آروپا ساحەسىندە دە گۇروموشدور.

تورك كولتورونون گلەنكسلل ائوى چادير، ايچىندە ياشايان انسانلاردا بىر مكان ايچرىسىندە گىنىش بىر امكانلار سونسا دا كۇچرى ياشام طرزىندەن دولايى چوخ گىنىش عايلەلرىن ياشاماسىنا آل وئرىشلى دىيىلىدور. بو دورومدا ائولنن اوغوللاردا عايلەدن پايلارى وئرىلەر عايلە چادىرى نىن يانىندا يىنى بىر چادير اچىلمىش دىر.

عايلە چادىرى و اطرافىنداكى باشقا چاديرلار سونوجدا بىر چادير توپولوگو آرايا گلمىشىدور. بىر نىچە عايلە نىن بىرلىكدە چاديرلارنى قوراراق ياشادىقلارى يئرە «آوول» يا «آووا» آدى وئرىلمىشىدور (دىاربىكرلى، ۴۵: ۱۹۷۲). چاديرلار تورك تارىخى ايچىندە اۋنملى بىر كولتورل كىملىك اۋيەسى اولاراق يئر آلمىش دىر.

گونىدەلىك ياشامدا، ساواشدا، گلەنك و تۇرنلردە رنگ و چىشىدلرى ايله فرقلى آنلاملاردا سىموول اولموشدور (چوروك- چىچىكلر، ۱۹۸۳: ۳). «دە قورقود» كىتابىندا يئر آلان «... بىر يئرە آغ اوتاق، بىر يئرە قىزىل اوتاق، بىر يئرە قارا اوتاق قوردورموشدور. كىمىن كى اوغلو، قىزى يوخ، قارا اوتاغا يئرلىشىدىرىن... اوغلو اولانى آغ اوتاغا، قىزى اولانى قىزىل اوتاغا يئرلىشىدىرىن...» ايفادەلرى بونو اچىق شىكىلدە اورتايا قويور.

يىننە «ياشيل چايىن اوزرىنە بىر قىرمىزى اوتاق تىكىلمىش... بو اوتاق بانو چىچىك اوتاغى ايمىش...» شىكىلىندە كى جملەلر قادىنلارنىدا اۋزلىرىنە عايد اۋزل چاديرلارنى نىن اولدوغو و

بونلار اوچون قيرمیزی رنگين اولماغىنى دوشونموشلر (اثرگين، ۲۱: ۲۰۱۱، ۶۳-۶۲).
 توركلر چادير قوبه سينده كى دليگى گويون قاپيسى اولاراق قوتساللاشديرميشديلار.
 توركلرده گويون ديرگى، دونيانين مركزى اينانجى وار ايدى. گويون قوبه سى يئرده و
 يئرين قوبه سى گؤكده دير. گويون قوبه سى اولاراق «دمير قازيق» و يا «آلتين قازيق»
 ددئيكلىرى قطب اولدوزونو دوشونموشدورلر.
 اينانجا گؤره قطب اولدوزو گؤك ايله يئرى، روح عالمى ايله ماددى دونياسىنى و انسان ايله
 تاترينى بير- بيريندن آييران بير قاپى دير. بو آنلايشين بير داوامى اولاراق چاديرين ديرگى ده
 گويون ديرگى كيمي دير (تاش، ۲۰۰۲: ۱۴۸؛ اؤگل، ۲۰۱۰: ۲۵۳-۲۵۱-۱۸۴-۱۷۴-۱۷۰).
 دولت دوزى نين تملى عايله دن و چاديرين ايچيندن باشلاماق دادير. چاديرين تام
 اورتاسيندا يئر آلان اوجاق قوتساللىق درجه سينده اؤنملى دير. عايله اوجاغى ايسه اونو تمثيل
 ائدير. سونوج اولاراق چادير دىنى، سوسىيال و سنتكارلىق آلانلارداكى ائتكيسى ايله كؤچرى
 ياشام كولتورونون آيريلماز بير پارچاسى اولموشدور. توبلومون باخيشلارين يانسىلايان
 اؤنملى بير موتيو و سيمبول اولموشدور.

قايناقلار

- آرسئون، جلال آسد، صنعت آنسيكلوپديسى، سى. آى. مىلئ ائيتيم باقانىلىغى يايينلانى، (۴).
 باسقى)، ايستانبول ۱۹۷۵.
- بوزكورت، نئى، «چادير»، اسلام آنسيكلوپديسى، سى. ۸، تورك ديانت وقفى يايينلارى،
 ايستانبول ۱۹۹۳.
- كارپينى، پلانو، موغولىستان سياحت نامه سى (۱۲۴۵-۱۲۴۷)، (چئو. ارگين عيان)، گئجه
 كيتابلىغى، آنكارا ۲۰۱۴.
- چوبان اوغلو، اؤزقول، "باتى سىبيريا تورك كولتورو تتكيكلرينه گؤره آغاجى نين تورك
 ميتولوژي سينده «قوتسال» لاشمانين مادي كولتورل نندلرى" حاجت تپه اونيورسيتته سى باسيملانى،
 آنكارا ۲۰۱۱، س.س. ۲۴۵-۲۴۷.
- چوروحلو، ياشار، تورك صنعتى نين ABC، سى، سىماوى يايينلارى، ايستانبول ۱۹۹۳.
- چوروک، جناب- ارگين چيچكلرى، اؤرنكلرى ايله تورك چاديرلارى، عسكرى موزه يايينلارى،
 ايستانبول ۱۹۸۳.
- دميربولاق، عايشه گول، «اركن دوير تورك صنعتى نين كايناكلارى» مرمه سوسىيال
 آراشتيرمالار درگيسى، سايبى ۳، ايستانبول ۲۰۱۲، س.س. ۱-۱۱.
- دياربكيلى، نجات، هون صنعتى، مىلئ ائيتيم باسيملانى، ايستانبول ۱۹۷۲.
- ارن، حسن، تورك دىلى نين اتيمولوژيك سؤزلوگو، بيزيم بورى باسيملانى. آنكارا ۱۹۹۹.

باغلاما نہ دیر نورالدین سیدوف کؤچورن: علیرضا صرافی

"تاپماجالارا یاخین اولان ژانرلاردان بیرری ده باغلامادیر، باغلامالار فورم اعتباریله ماهنی شکلینده اولوب، مضمون جهتدن تاپماجالارا یاخینلاشیر. بورادا سوآل و جواب فورمو واردیر. همین سوآل و جوابلار شعر ایله اؤزو ده دئییشمه شکلینده اولور. بیر- بیرله بحثه گیریشیب دئییشمنعاشیقلاز ماهیر صنعتکار اولدوغونو حاضیر جوابلیغینی ثبوت ائتمک اوچون بو باغلامالار چوخ مهارتله دوز دیلمه لیدیر. محض بونا گؤره ده باغلامادان زنگین وزن و قافیله، گؤزل آهنگدارلیق، درین معنا طلب اولونور، چونکو دئییشن عاشیق رقیبیدن اوستون اولماق اوچوندین معنالی زنگین بدیعی فورمالی شعرلر دئمگه چالیشمالیدیر. مثلا:

سوال:

او نه دیر کی اؤزو واردیر داتی یوخ؟
نه خلعتدیر تیکیشی یوخ قاتی یوخ؟
او نه شئی دیر دوهسی یوخ آتی یوخ؟
اوزون گئدر بیر توکنمز یولو وار.

جواب:

او کؤلکه دیر اؤزو واردیر داتی یوخ
دری دوندور تیکیشی یوخ قاتی یوخ
او گون، آیدی دوهسی یوخ آتی یوخ
اوزون گئدر بیر توکنمز یولو وار.

باغلامالارلا تاپماجالارین بیر- بیریندن معین فرقلری ده واردیر. بو فرقلردن بیرری ده اودور کی تاپماجالارین مولفی معلوم دئییلدیر. دئییه بیلرلر کی هر بیر تاپماجانین دا ایلک یارادیجیسی واردیر و اولموشدور. بو دوغرو دور لاکین تاپماجالاری ایلک یارادان اولسا دا

اونون آدی ایتیپ گئتمیش، ایلک واریانتی خالق طرفیندن عصیرلر بویو ایشلنمیش، دیشدیرلمیش و شکیلدن شکله سالینمیشدیر کی بورادا دا تاپماجانین ایلک مضمونندان گومان کی چوخ آز شئی قالمیشدیر.

بئله لیکله دؤنوب اصل خالق مالی اولموشدور. لاکین باغلالمالار بئله دئییلدیر. اونلارین اکثریتی نین مولفی معلومدور. بعضیلری ده دستانلاردا محافظه ائدیلیب ساخلانمیشدیر. بو نوع فورما اعتباریله تاپماجادان معین قدر فرقلنیر. عمومیتله تاپماجادا جوابلار شعر ایله دئییل، عادی سؤزلرله دئییلیر. باغلاما و دئییشمه لرده ایسه بیرینجی سؤال نئچه میصراعدان عبارتدیرسه، وئرلن جواب دا شعیرله دئییلمه لی و بیرینجی نین مصراعلارینا برابر اولمالیدیر. بوتون بونلارلا یاناشی، اونو دا قئید ائتمک لازیمدیر کی باغلالمالار دا تاپماجالارین بیر نوعودور.

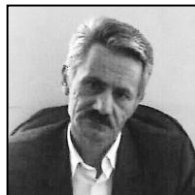
پونکو فرقلی جهتلرینه باخمییاراق، او ژانرین بوتون قایدا- قانونلارینا جواب وئریر. مولفلری معلوم اولسا دا همین باغلالمالار گئنیش خالق کوتله لری ایچریسینه کئچمیش، یئنی- یئنی واریانتلاری عمله گلیمیش، حتی معین دیشیکلیکلره ده اوغرامیشدیر. مثلا:

او نه دیر کی گویدن یئره ساللانیر
 او نه دیر کی هر نه وئرسن آللانیر
 او نه دیر کی گوڭگیندن ناللانیر
 اوستا ایسن بوندان منه جواب وئر!

حاضیردا بو باغلالمادان اوچ مستقل تاپماجا یارانمیشدیر. بونا گؤره ده ح. زیناللی "آذربایجان تاپماجالاری" کتابیندا بایاتیدان یارانمیش اونلاردا تاپماجا نمونه سینی وئرمیش و باغلالمالاری تاپماجانین بیر نوعو کیمی تصنیف ائتمیشدیر.

فولكلور
اؤرنكلرى
(اينانجلار،
مراسيملر،
دببلر،
ميتولوژى،
اوسونلار و...)

خیدیر در نیارق نمین محمدعلی اوجاقی نیارق



بعضی از جشن‌های پیش از اسلام در میان ما آذربایجانی‌ها جایگاه خاصی دارد. بعد از اسلام این جشن‌ها یکی از عوامل تعیین و تشخیص هویت ما بوده است. اسطوره‌ها و آیین‌های مربوط بدین رسوم در نوشته‌های زرتشتی و همچنین در آثار مؤلفان سده‌های اولیه اسلامی ثبت و ضبط شده و بعضی از رسم‌های کهن بخصوص مربوط به «خیدیر نبی» هنوز هم تا روزگار ما دوام یافته است.

نوشته حاضر به مناسبت همین ایام «خیدیر نبی» تهیه - تنظیم و تقدیم عزیزان فرهنگ دوست می‌گردد.

چهار روز آخر چله بزرگ «بؤیوک چیلله» و سه روز اول چله کوچک «کیچیک چیلله» - یعنی هفتم تا سیزدهم بهمن‌ماه در نیارق به خیدیر نبی معروف است. در گذشته این روزها روستا با برگزاری آیین‌های ویژه حال و هوای خاصی پیدا می‌کرد از جمله این آیین‌ها تهیه «قووت» بود که با ترکیب و آسیاب کردن گندم برشته — بَزَرک "bazarak" نخودچی - عدس و... به دست می‌آمد.

بنابر گفته کهن‌سالان روستا و بر اساس منابع تاریخی در گذشته مقداری از قووت تهیه‌شده را در سینی بزرگ که در نیارق به «مئژمئی» معروف است، ریخته در اتاق خلوت می‌گذاشتند و عقیده بر این بود که حضرت خضر نبی با قمچی آن را متبرک می‌نماید. فردای آن روز قووت تبرک شده در بین یئددی قونشو «هفت همسایه» تقسیم می‌شد.

تا دهه‌های گذشته تهیه قووت در بین اهالی فرهنگ دوست نیارق مرسوم بود و تنها آسیاب "دیبرمان" روستا روزهای پررونقی را پشت سر می‌گذاشت و بنا بر احترام بر آیین پیشینیان در این روزها فقط قووت آسیاب می‌شد و آرد کردن گندم می‌ماند بعد از آیین

خیدیر نبی. بعضی هم با ال‌داشی (آسیاب دستی) اقدام به تهیه قووت می‌نمودند که متأسفانه با ازکارافتادن تنها آسیاب روستا و خارج شدن ال‌داشی از چرخه زندگی مراسم مربوط به خیدیر هم به حال متروک درآمد.

حقیر به‌خوبی به یاد دارد که قووت را با شکر و یا دوشاب قاتی کرده و می‌خوردیم که خیلی خوشمزه و مقوی بود.

در باورها هست که خیدیر نبی دم‌گرمش را در چهارعنصر اصلی یعنی آب، آتش، خاک و باد می‌دمد.

خیدیر الیاس، خیدیر الیاس

بیتدی چیچک‌گلدی یاز

در گذشته در ایام خیدیر معمولاً برف زیادی می‌بارید طوری که پیران روستا نقل می‌کنند و شادروان بابا صفری هم در تاریخ اردبیل اشاره کرده، دالان‌ها و تونل‌هایی برای عبور و مرور در زیر برف ساخته می‌شد و بعضی روزها چنان برف می‌بارید که درهای خانه‌ها به‌کلی پوشیده می‌شد و اهالی به کمک همدیگر در خانه‌ها را بازگشایی می‌کردند و به علت انباشته شدن برف از تنگه‌های روستا به پشت‌بام رفته و رفت‌وآمدها از طریق پشت‌بام صورت می‌گرفت و ارتباط نیارق با روستاهای اطراف و شهرها تا هفته‌ها قطع می‌شد.

هرچند در زمان‌های گذشته مردم در مضیقه بودند و امکانات امروزی برای گریز از سرمای طاقت‌فرسای زمستان نبود ولی استفاده از گرمای لذت‌بخش کرسی، نشستن دورهم و گوش دادن به صحبت‌های حکیمانه پیران خردمند و نقل داستان‌های فولکلوریکي مانند داستان کور اوغلو، اصلی - کرم، مختارنامه و خوردن شب‌چره از قبیل: گردو، فندق، ایبده، انجیر و قوورقا و... چنان شور و شوق به ادامه زندگی می‌داد که سختی‌های زمستان را از یاد می‌برد...

منابع

تاریخ و فرهنگ نمین - فرح‌بخش ستودی

اردبیل در گذرگاه تاریخ - بابا صفری

چند جمله کلیدی در اساطیر گاه‌شماری - انا کراسنولسکا "ترجمه ژاله متحدین"

آذربایجان شیفاهی خالق ادبیاتی - پاشا افندی یو باکی "الفبامیزا چئویرن محمدعلی اوجاقی

نیارق"

مصاحبه با کهن‌سالان نیارق

و.....



نورشید سعیده پاک‌نژاد

شخص منبع: رقیه مهندسی نمین، ۸۵ ساله

تقریباً تا شصت، هفتاد سال پیش از این در منطقه‌ی نمین، نورشید جزو مراسم عید نوروز بوده است. متأسفانه حالا منسوخ شده و اجرا نمی‌شود. چند روز مانده به عید، دسته‌ای از کودکان و نوجوانان - نباید کمتر از چهار نفر باشند - به دم‌درمنازل آمده و شروع به خواندن اشعاری - اغلب مذهبی - می‌کردند. صاحب‌خانه در آخر به فراخور حال خود چیزی مانند پول یا مقداری گندم، تخم‌مرغ و یا آجیل و خشکبار هدیه می‌داد.

چیزی که در این اشعار جالب‌توجه و بسیار زیباست، این است که به‌صورت ترجیع‌بند، گفته‌شده و این نشان از ذوق و قدرت ادبی مردمان منطقه در آن زمان و پیوند عمیق ادبیات و شعر با زندگی روزمره دارد. سراینده‌ی این اشعار مردم عادی کوچه و بازار بوده‌اند که برای زیباتر و پرمحتواتر کردن زندگی تلاش نموده‌اند.

تا جائیکه، یادمانده اشعار نورشید را تقدیم خوانندگان مجله‌ی اثل‌بیلیمی می‌کنم:

بویون چارشنبه‌دی، صباح آدینا
بیر کوئینک بیچمیشم یارین آدینا
باخسین یاخاسینا، سالسین یادینا
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلوز، آیوز، هفتوز، گونوز مبارک

بویون چارشنبه‌دی خونچا بزرلر
اونون قیراغینا نوغول دوزرلر
یارین آجی سؤزلرینه دؤزرلر
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلوز، آیوز، هفتوز، گونوز مبارک

باشینا آلیبدی قیزیلدان تئشتی
فیرلانا- فیرلانا چای لاری کئشتی
یاری گؤزل اولانین یئری بهشتدی
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلو، آیوز، هفتؤز، گونوز مبارک

طوطی قوشو نه قالخیرسان هوایه؟
غم لر الیندن گلیمیشم نوایه
گلن ایل بو واخت گئدرسین کربلایه
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلو، آیوز، هفتؤز، گونوز مبارک

امیر المؤمنین تخته چیخاجاق
منجملر بو تقویمه باخاجاق
شیرین شربت سو یئرینه آخاجاق
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلو، آیوز، هفتؤز، گونوز مبارک

جناب جبرئیل نامه گتیردی
گتیرجگین پیغمبره یئتیردی
مبارک قوللارین گؤیه گؤتوردی
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلو، آیوز، هفتؤز، گونوز مبارک

خوراسان یولوندا سالدیررام حمام
او خودوم درسیمی ائله دیم تمام
سنه قوربان اولوم اون ایکی امام
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلو، آیوز، هفتؤز، گونوز مبارک

خوراسان يولوندا سالدیررام گونبز
اوخودوم درسیمی، دئدیلهر بیلیمز
سنه قوربان اولوم گۆزه گؤرونمز
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلوز، آیوز، هفتؤز، گونوز مبارک

خوراسان يولوندا سالدیررام قالی
اوخودوم درسیمی دئدیلهر بلی
سنه قوربان اولوم حضرت علی
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلوز، آیوز، هفتؤز، گونوز مبارک

گئدودن دئیون او تازه جه گلینه
حنا یاخسین الینه- عنبرینه
خودا وئرسین اونا اولاد قرینه
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلوز، آیوز، هفتؤز، گونوز مبارک

مختار، قمری کیمی ائلردی جنگی
شیرین لیک ائلییون، آتون فیشنگی
یومورتا بویویون بیر نچه رنگی
سیزون بو تازه بایراموز مبارک
ایلوز، آیوز، هفتؤز، گونوز مبارک

و در آخر این اشعار هم، این شعر را خوانده، هدیه‌ی خود را گرفته و به خانه‌ی بعدی می‌رفتند.

آی خالا- خالا یوروندی
یوک دیبینه سوروندی
آلاه بالای ساخلاسین
دور بیزی یولا سال ایندی.



آداب و رسوم شب چله در چهاربرج

«سیرا سالدی» و «گون سیمک»

احمد جوادی چاربرج

شب یلدا (چیلله گنجه سی) در چهاربرج و آذربایجان غربی پایان فصل پاییز و شروع فصل زمستان است و ۴۰ روز اول آن را «بؤیوک چیلله» /bʏɯk ɟɪllə/ یا چلِ بزرگ، ۲۰ روز بعد را «بالا چیلله» /bala ɟɪllə/ یا چلِ کوچک و ۳۰ روز آخر را «بایرام آیی» /bayram ayɪ/ یا ماه عید می‌گویند.

با شروع چل، مردم چهاربرج آداب و رسوم جالبی را به نام «سیرا سالدی» /sıra saldı/ برگزار می‌کنند. در این مراسم همسایگان و اهالی یک منطقه از چهاربرج در خانه یکی از همسایگان جمع شده و تصمیم می‌گیرند که هر شب از پاییز و زمستان را در خانه یکی از آن‌ها جمع شوند و به اتفاق هم شب‌نشینی کنند. بر همین اساس به ترتیب کل همسایگان هر شب از زمستان را مهمان یکدیگر می‌شوند و لحظاتی شاد و به یادماندنی را برای هم رقم می‌زنند. معمولاً در این گونه شب‌نشینی‌ها هرکس خاطره جالب و شنیدنی داشته باشد یا داستان جالبی بلد باشد دیگران را پای صحبت‌های خودش جمع می‌کند. بایاتی‌ها، تاپماجالار، اشعار بزرگان و حماسه‌هایی مانند کوراوغلو نقل چنین محافلی می‌گردند. خوردنی‌های غالب این محافل نیز سنجد، به، سیب و میلخ /mılax/ (انگور) است که مادران چهاربرجی از تابستان در انباری‌ها و کلبه‌هایی موسوم به «آل دامی» /əl damɪ/ نگهداری می‌کنند.

بعد از پایان یافتن چلِ بزرگ، چلِ کوچک شروع می‌شود. چلِ کوچک نیز در چهاربرج یک سنت و آیین فال مانند جالبی به نام «گون سیمک» /gʊn sɛpmək/ دارد. این رسم جالب بدین صورت است که در آخرین شب چلِ بزرگ در جمع اهالی منطقه موردنظر، یکی



از بزرگان و ریش‌سفیدان این منطقه، ۲۰ روز چلِ کوچک را مابین اهالی این منطقه تقسیم می‌کند و هرروز را به نام یکی از این اهالی در نظر می‌گیرد. مثلاً از شخصی که خانه‌اش در سر کوچه یا خیابان قرار دارد شروع کرده و اولین روز چلِ کوچک را روز آن شخص قرار می‌دهد و مابقی روزهای چل را بین تمام خانواده‌ها به ترتیب مکان قرار گرفتن خانه‌شان تقسیم می‌کند به طوری که هرروز چله به نام یک شخص نام‌گذاری می‌شود. اگر در یکی از این روزها هوا آرام و خوب باشد اهالی با خودشان می‌گویند که “بو گون کیمین گوندور؟” و نام شخص موردنظر را جويا می‌شوند و می‌گویند که “اونون اوزو یاخچی‌دیر” یعنی او آدم خوش‌یمنی است. ولی خدا نیاورد روزی که هوا کولاک و سرد باشد و یا اتفاق بدی در آن روز رخ بدهد! که در آن صورت شخصی که آن روز به نامش است در میان اهالی به شخص بدیمن و “بد اوغور یا اوغورسوز”/ugursuz/ مشهور می‌گردد. متأسفانه باگذشت زمان این رسوم جالب کم‌کم از یادرفته و امروزه در چهاربرج محدود خانواده‌هایی هستند که این رسوم را اجرا می‌کنند.



قدیم تیریزدە یایغین اینانجلاردان زیور عباسی

کەچمیشدە دئیردیلر:

• گون توتولمانین دولته (حاکمیتە) ضرری اولار، آی توتولمانین مجتهدە (ملته) ضرری اولار.

• اولدوز کئچندە (سوزندە) تانیدیغیمیز ان یاشلی کیمسە اؤلر.

• ایلان دریسینین ائودە ساخلاماغینین دوشر- دوشمزی اولار.

• تولکو قویروغون ائودە ساخلاماق اوغورلو اولار.

• قدیم زمان ائولردە چۆرک پیشیریپ، بیر- بیرینین اوستونە ییغیب، یخدان اوستە قویاردیلار. او زمانلار ایلان چوخ اولاردی و گاهدان ائولرە دە گیرردی. گاهدان ایلان یخدان اوستە اولان چۆرکلرین اوستوندە جمعه ووروب، اوتوراردی، اوندان ایلانین اوزو ایلە چۆرگە برکت گتیرمگینە اینانیپ، دئیردیلر: - چۆرگیمیز اوستە ایلان یاتیپ، یعنی نەقدر یئسک، چۆرک قورتولماز.

• ساریمساق اکمگین دوشر- دوشمزی اولار. اگر دوشمەسە اکینە جان و یا مال ضرری یئتیشردی.

• گون دالدا سیندا (گون باتان زمان) اوشاق وورمازلار. اگر بیرین سن وورسان، بیرین دە بیزدن یئلر وورار.

• داغ (ایستی) سویو یئرە تۆکندە «بسم الله» دئیین. بیزدن یئلر «بسم الله» دان قاچار. دئمەسک قاینار سو اوستلرینە تۆکولر، قارقیش ائدرلر، آدام اوغلو زیانین گۆرر.

• اینگین قاباق دیزلریندە اولان سومگون آشیقی ایلە اوینامازلار. او آشیقی بیرینین دامینا دا آتمازلار. اینانجلار گۆرە او آشیقی بیرینین دامینا آتسان، او ائو تۆکولوب، ویران اولار.

• آینانی گون قاباغینا توتوب، ائو شوق سالمازلار. هانسی ائو آینا شوقو دوشسە، او ائودە اۆزل لیکلە ار- آرواد آراسیندا دعوا دوشر.

• نظرله مكدن قوروماق اوچون، قيز- گلین لر ياش اوزرلیک لری دریب، رنگ به رنگ ساپلار دوزوب، آینا دۆره سینه، یئلیپگه و یا عکس قابلارینا یاپیشدیریب، گۆز قاباغینا آسلاردیلار. اینانچلار گۆره ائوه گیرینن گۆزو بو اوزرلیک لره ساتاشار و نظر وورماغی نین قاباغین آلا. سحر دن- سحره ائولرده اوزرلیک سالارلار، اما آخشام اوستو اوزرلیک سالماغین اثری اولماز.

• بیر ائوده خطا- بلا چوخ اولسایدی، بیر نفرین نظرله مگینه اینانیب، کیم گلیب، گئدنده بئله اولماغا دقتلی اولاردیلار. اگر نظرله ین آدمای تاپسایدیلار، اونون باشماغی نین آلتیندان و یا پالتاریندان بیر ذره گیزلینجه کسب، نئچه یول آیرجیندان چۆر- چۆپ ییغیب، بیر آز اوزرلیک ایله یاندیریب، ائوین آداملاری و بور- بوجاغینا توسوسونو وئردیلر. بئله لیکله بدنظر او ائودن چیخاردی.

• ایشلرده تک صبیر، جوت صبری ملاحظه ائلیین. یعنی بیر ایش باشلایاندا اگر بیر نفر تک آسقی رسایدی، ال ساخلا ییب، صلوات چئویریب، صدقه چیخیب، سونرا ایشی باشلاردیلار. البته بیر عده ده دئیردیلر: «بیزه تک صبیر دوشمز» و او ایشی گۆرمکدن واز کئچردیلر. اگر ده بیری جوت آسقی رسایدی، شکر ائلییب، ایشین اوغورلو اولماغین سانیب، آرخایین باشلاردیلار. اگر ده ایکی دنه دن چوخ آسقی رسایدیلار- خئیردن- شردن سوووشدو، ایشیزده اولون!- دئییه صبیره اؤنم وئرمزدیلر.

• قئیچی نین آغزی آچیق اولسا، دشمن نین آغزی آچیق اولار و هر یئرده آدمای پیسلرلر. ایش قورتولاندان سونرا قیچی نین آغزین باغلییب، اورتادان گۆتورلر.

• باشماقلار اوز- اوزه دوراندا یا دا بیر- بیرینین اوستونه چیخاندا ادامین غیبتین ائللرلر. اوندا باشماقلار توپوروب، چئویریب، جوت قویارلار.

• ائوده و یا دیوار باشیندا پیشیک اوزون یوسا، اوزو هانسی ائوه طرف اولسا او ائوه قوناق گلر.

• چایی سوزجگدن سوزمه سهرلر ایچینده تیلیف گلر. چای تیلیفی نین ایچینده اوزون چۆپ اولسا، دوروب، ائوه- قوناق گله جک- دئییه، ائوی ییر- ییغیش ائلییرلر.

• بهانه توتوب، چوخ آغلایان اوشاغا- باش یئین اوشاق- دئیرلر. یعنی او اوشاغین آتا و یا آناسی تئز اؤلر!

• بیری اوتوراندا دیزلرین قوجاقلاسا، دئیرلر: غم گتیرر، آچ قوجاغیوی.

• اوشاق ایچقیرماق (ایشقیراق) توتاندا اونون ایچقیراغینین قاباغین المایب، دئیردیلر: قورساق گئندیر.

• یاشلی خانیملار پالتارلارینین یاخاسینا سانجاق تاخاردیلار. اینانچلار گوره «جن» دمیردن قورخار و سانجاق یاخاسیندا اولان آداما ظفر توخونماز.

• کئچمیش ده ساری، قره، گۆی و قهوه‌ای مونجوق لاری ساپا دوزوب، خانیملارین بوینونا و اوشاقلارین سول چیگیلرینه باغلائییب، دئیردیلر: بو مونجوق لار قویماز ناخوشلاسین و یا بیله‌سینی قارا باسیسن.

• زاهی خانیم قیرخی چیخمییانا کیمی، (اوشاغینی دوغاندان قیرخ گون کئچنه کیمی) قبر اوستونه گئتمزدی.

• قیرخی چیخمییان اوشاغین اوستونه چیی (پیشمه‌میش) ات گتیرمزدیلر. اگر قیرخلی اوشاق اولان یئرله پیشیریلمه‌میش ات آپارسان، اونون بوینو اوستونده دورماز.

• قیزیلجا توتان اوشاغین باشینین اوستونه بیر قابدا قیرخ یومورتا قویوب، بیر کاسا سو، ایچینده ده بیر تسبیح قویوب، گونده اوچ دفعه تسبیحی سویا سالیب، اوشاغین اوستونه چیلردیلر. (چۆرک سولماق کیمی) بو ایشه چیلله‌له‌مک دئیردیلر.

• قیزیلجا توتان اوشاغین اوستونه قیرمیزی بیر پارچا سالیب، یا دا قیرمیز پارچانی اوشاق اولان اتاقدا پرده کیمی آسلائییب، دئیردیلر: قیرمیز قیزیلجانی سئویندیریب، سولدورار.

• قیزیلجا توتان اوشاغین باشی اوستونه قویان یومورتالاری بیر یوخسولا وئردیلر. اینانج‌لارا گۆره یومورتالار قویماز گلن قوناقلارین گۆزو اوشاغا دیسین.

• اگر بیر یئرده ایینه گۆرسه‌لر، اونو گۆتوروب، اوجا بیر یئرله سانجارلار. بیر کسین ائویندن اۆز ائولرینه ایینه گتیرمزلر. اگر بیریندن تیکیش تیکمک اوچون ایینه آلسالار دا، اونو قایتاریب، صاحبینه وئرلر.

• زاهی‌نین قیرخی چیخمایینجا، ائوده تک قویمازلار. کۆرپه‌نین ده باشی اوسته قیرخ گونه کیمی پیچاق قویارلار.

• خوروز واخت‌سیز بانلاسا، و یا تویوق بانلاسا، شوم اولار. بانلایان تویوق و واخت‌سیز بانلایان خوروزو سیده وئرلر.

• اوشاغا ایکی یاشینا کیمی بال وئرمزلر، دیلی پلتک اولار.

• کیرپیک سعلیننده، (بیر نوع عصبی تیک کی، اوندان کیرپیک دلیل‌سیز تیتیره‌ییر) اوستونه بالاجا قیرمیزی رنگده ایپ یاپیشدیریب، دئیرلر: - خئیرلیگه سعلیه‌سن، من سنی سئویندیریم، سن ده منی سئویندیر - چوخلارینین اینانجینا گۆره کیرپیک سعلیماغین دوشر - دوشمزی اولار.

• بویلو خانیم آیا باخماز. باخسا اوشاغی‌نین اوز - گۆزونه آی خالی دوشر.

• اذان چاغی ائو سوپورمزلر. ائوین برکتی گئدر.

• یئمگی باشلاپاندا بسم‌الله دئسن، بیزدن یئی‌لر یئمگینه ال وورمازلار و یئمک برکت‌لی اولار.

ماھنیلار، آغیلار،
نغمه‌لر، بایاتیلار،
نازلاملار،
لایلالار، نوحه‌لر
و...

زنگان بۇلگه لرینده تولوق چالخاما نغمه لری

تولوق اوخشاملاری

بهزاد بیات فرد (حسرت زنگانلی)



آذربایجانین مدنی- فیکری تاریخی ان اسکی عصرلردن باشلامیش بو گونه قدر یاشاییشینا داوام وئریب. تاریخ بویونجا آذربایجاندا یاشایان تورکلرین دوغال احساس، آیدین دوشونجه و کوتله وی حیات تجربه لری بوردا جانلانا رق اؤز قاینار باجاریقلاریندان باش توتوب ایل لری آرخادا قویوب بیزیم الیمیزه چاتان مدنی- فیکری بؤلوملردن بیر ده **تولوق چالخاما نغمه لری** اولموشدور.

فولکلور فضالاریمیزا بیر باخیش سالاراق، آذربایجان آغیز ادبیاتیندا دولانان تولوق اوخشاملاری اسکی زامانلاردان دیل به دیل _ سینه به سینه دولانمیشسا ایندیهه اونلارین یئری بیزیم ادبیاتیمیزین باغریندا بوشدور. دئمهلی بو یئرین بوش اولماسی منه آغیر گلرک، نییتم بو اولدو کی بو اوخشاملاری بیر یئر توپلام.

خاتینلارین و قوجا نه و گلینلرین تولوق اوخشاماسیندان آماجلاری دئمک ده تولوغون آیرانی و کرهسی نین برکتلی اولماغی ایمیش.



تولوغون چئشىدلى شكىل لرى:

ئائلر ايچرە چپيش دن جورلنن تولوغا (ائيمه) دئىيلير.
كئچى درى سيندن جورلنن تولوق كى ايندى ده كندلرده ايزى واردير ائله (تولووق) دئىيلير.
بىر ايل ليك دانانين درى سيندن جورلەنن تولوغا (گووسو) دئىيلير.
آشاغى دا گلن تولوق نغمەلرى زنگان ماحاليندان توپلانيبدىر:

خرمدره نين نصير آباد كندى:

ناھيد مھديخانى، ۵۶ ياشلى، ساوادسىز

بالام بئچە دايسى
باشدا كەچە دايسى
چالخالايير تولوغون
ايران ايچە دايسى

زھرا مھديخانى، ياشى؟؟؟، ساوادسىز

ننەم قويون ساغارميش
تئلى ساچى آغارميش
تولووق چالخالاييب او
زومار كرە يىغارميش

زنگانين موشامپا كندى:

سلمە باقرى، ۵۵ ياشلى، قرآن ساوادى وار

آتما- آتما تولوغوم
قىزىل چاتما تولوغوم
سنى چالخييان قىزلار
خستە دوشوب تولوغوم
اوبا كؤچدو تولوغوم
گئجە گئجەدى تولوغوم
سنى چالخييان قىزلار
خستە دوشدو تولوغوم

زنگاین آغ کندی کندی:

فرح محمدی، ۵۴ یاشلی، ایکینی اوخویور نهضتده

آغ تولوق، آبی تولوق
بئی لرین بابی تولوق
آخشام دایی سی گلیر
دولدور دا قایی تولوق

زنگاین آزادسغلی کندی:

سید آمنه موسوی، ۷۶ یاشلی، ساوادیسز

هویلو تولوق های تولوق
آخلی تولوق وای تولوق
دادلی کرهن دیر ثمر
یوخدو سنه تای تولوق

ماهنشانین تورباقلی کندی:

خاور سرابی، ۹۵ یاشلی، قرآن ساواد

سس آت هامی قالخالار
قوجا تولوق یالخالار؟^۱
قیزیم دا ال آتماسا
گلین لریم چاخالار

زنگاین دولاناب کندی:

آذر کهالی، ۷۵ یاشلی، ساوادیسز

ائیران کره آیینار
قاتیق کره قاییرار
چاگیر گله قوناغی
گووسو بیر ائل دویورار

^۱ - یالخاماق: چالخالماق

زنگانين دره ليک کندی:

اصلي حيدري، ۸۶ ياشلي، ساوادسيز

قاب دولوسو وار قاتيق
دولدور گله تولوغا
چاغير گلين قيزلاري
سن دوگمه له تولوغا

زنگانين باغليجار کندی:

فاطمه شرفي، ۵۵ ياشلي، اوچو اوخويور نهضتده

لپله نن^۱ اولدون تولوق
ايپلري يولدون تولوق
تئنچه^۲ گتيرسين گلين
آيرانا دولدون تولوق

زنگانين دگيرمان دره سي کندی:

عالم رسولي، ۷۶ ياشلي، ساوادي؟؟؟

تويدو بو ائوده بوگون
قازانچا گويدن آسين
اوغول بالا تويودو
قويون تولوق اويناسين

ماهنشانين سنگبين کندی:

بلقيس عشقي، ۸۷ ياشلي، ساوادسيز

سيني فينجاني واردی
رفجه گولداني واردی
قوناق گلين ائوميزه
تولوق آيراني واردی

^۱لپلنمک: لپه لنمک، ترپنمک

^۲ - تنينچه: قازانچادان كيچيك قابا تنينچه

زنگانين پيله خوس كندى:

زينب خادم رضايى، ۷۰ ياشلى، ساوادسىز

قورار اودو اوجاغى
سوتدن آلاز قايماغى
گلين تولوق چالخالار
خوروز بانلايان چاغى

زنگانين قويطول كندى:

ريحان جعفرى، ۱۶ ياشلى

قوورو چاينيكين بوغو
چالخاليرام تولوغو
قاتيغى كره سالام
يئيه جك اوندان بالام

زنگانين بوغدا كندى كندى:

آرام محمدى، ۸۴ ياشلى، قرآن ساوادلى

شاغا شاق هي سس گلير
اولمايا گؤيدن گلير
آنم آسيب تولوغو
ايچرى ائودن گلير

چايبارا ماحاليندان:

زهير محمدى، ۲۴ ياشلى، ديپلم

آيران آشا تره سال
در زمينى وره سال
آداخليم قوناق گلير
تولوغوم تئز كره سال!

ماهنشانين قارا داش كندی:

عافیه بیات، یاشی؟؟؟، ساوادیسز

سئوین شاد اول تولوغوم
گوجلنسن قول تولوغوم
سنه نظر دیمه سین
کره سی بول تولوغوم

زنگانین بولاماجی کندی:

جیران کریمی، ۸۳ یاشلی، نهضت ده اوخویور

دورون گلین آی بالا
قوناق گلیب دیر خالا
قاتیق تۆکون تولوغا
چالخیاق کره سالا

ماهنشانین قیزیلجا کندی:

معصومه حیدری، ۹۵ یاشلی، ساوادیسز

گووسدور بیزیم تولوق
سندهدیر گوزوم تولوق
اؤلسم قالاجاق سندده
هلبت کی ایزیم تولوق

زنگانین چیر کندی:

زهرا کریمی، ۷۲ یاشلی، کاردانی خیاطی

تولوق تولوق جان تولوق
بیر سوز دئییم قان تولوق
چالخیرام بول کره وئر
گلیر بیزه خان تولوق

زنگان امام کندی:

صفیه حسنی، ۲۵ یاشلی، ساوادیسیر

تولوغوم چالخان یاغ اولسون
کرهسی قایماغ اولسون
اؤزگه یئسه درد یئسین
یولداش یئسه چاغ اولسون
.
تولوغوم جانین دری دیر
سنی چالخیان پری دیر
قاپی سسی گلیری
قاپی دالیندا اری دیر
.
تولوغوم ایچین توخ گومان^۱
سنه تای تولوق یوخ گومان
بیر ائل قوناق گلمه لی
آیران کرهن چوخ گومان

زنگان آشاغی ورمزبار کندی:

گلی نظری، ۵۵ یاشلی، ساوادیسیر

تولوغوم ائل لردن گلیر
دورنا گؤل لردن گلیر
سنی چالخیان قیز گلین
سسی ائولردن گلیر
.
تولوغوم چالخان گرکدن
سالما منی چؤرکدن
ال دستامارلی ایندی
آسدیم سنی دیرکدن

^۱ - بئله ظن ائدیرم کی قارنین توخ دور



سلطانیه شکور آباد کندی:

فاطمه رحمتی، ۲۶ یاشلی، قرآن ساوادلی

بو داغین سرهسی دادلی
 آشی نین ترهسی دادلی
 تولوغون ایچینده ایران
 یئمگه کرهسی دادلی
 .
 کووسومدو یایماق اولماز
 برکتدی سایماق اولماز
 بئله تاملی دیر کرهسی
 یئمکله دویماق اولماز

ماهنشان مادآباد کندی:

گلگز خدایی، ۷۵ یاشلی، ساوادسیز

سود دیبی، تولوق دیبی
 قوربانین اولسون بی بی
 سود یالا، قایماق یالا
 قوربانین اولسون خالا
 .
 تولوق سنی آسایدیم
 یاغلی تاسا باسایدیم
 اوغلوم بؤیوک اولاندا
 قیلپی قازان آسایدیم

خدابنده امير لو كندی:

رغیبه اسلامی، ۵۰ یاشلی، ساوادیسز

حرده حرده تولوغوم
ایپک پرده تولوغوم
هرکیم سنی ایسته مه سه
دوشسون درده تولوغوم
تولوغوم گلیر ائل لردن
باشینا سانجیب گوللردن
تولوغومو حاق ساخلا سین
یامان گۆز یامان دیل لردن

ابهیر چرگر كندی:

زیورمه دیون، یاشی بللی اولمادی، ساوادیسز

هشتی هوشتی تولوغوم
اوبا کؤشدو تولوغوم
بی لر بیزه قوناقدیر
دولدور تشتی تولوغوم

ایکی سای اوخشاما کی دالدا سیندا بیر ساو واردیر:

۱- قیزی بی ایل لیک گؤندیر شهرده درس اوخوماغا، سونراسی گلین سؤز وئیر
بیر ایل قاینانانین ایشلرین ائوده گؤرسون. قاینانا گلینی نین ایشلرین بینمه یه رک
بو اوخشاما نی اوخویور:

زنگانین رجئین یا یلاغی:

گلزار شاهمرادی، ۲۳ یاشلی، لیسانس حسابدار

دؤزنمیر هئچ بیر یله
او قانلی دی دیری یله^۱
ایش گؤرور آما گئدیر
قاش قاباغی یئر ایل

^۱- او دیرلرین دوشمانیدی، ایسته بیر هامی اولسون

جانخمشام گلیندن (زینهارا گلیمیشم)
 یاریم متیر دیلیندن
 او چالخیان تولوق دا
 گیلئیلی دیی الیندن

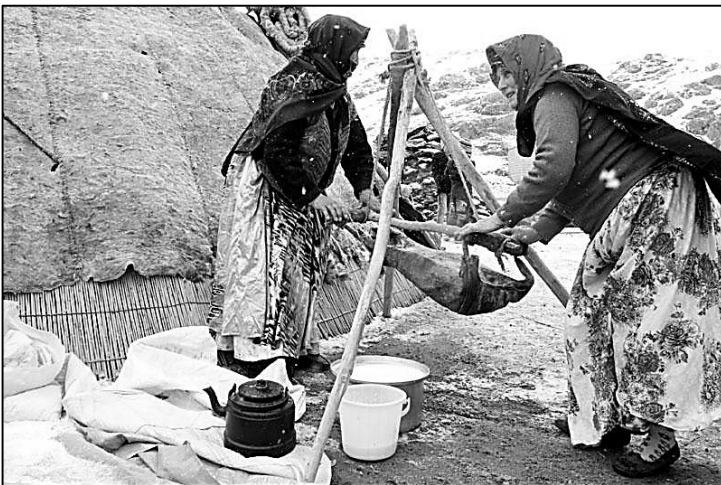
۲- قونشو گلیب ائوین ارلیک قیزی نین تولوق چالخاماسین گؤررکن بو اوخشامانی
 اوخویار:

زنگانین میرزه خانلی کندی:

الهام عزیزى، ۵۴ یاشلى، نهضت ده اوخویور

ماشاللاسی وار قیزین
 ائلچی دن قاپی دولدو
 دئیین آتاسی گل سین
 اره وئرمه لی اولدو

ماشاللاسی وار قیزین
 یون ائییریر جهره سی
 چالخالنیر تولوغو
 آرتیملی دی کره سی



ISNA

PHOTO: Mostafa Ghorban movahhed

ازندریان دان بایاتیلار: بئش لر محمدرضا شاهسوند

نوت: آشاغیدا اوخویاجاغینیز ماهنیلار ملایرین ازندریان (Əzəndərian) کندیدن محمدرضا شاهسوند جنابلاری طرفیندن توپلانمیش و نجوای فرهنگ درگيسنی نین ۱۱- ۱۲ جی سایلاریندا چاپ اولموشدور.

محمدرضا شاهسوند یازیر: اصلینده بئش بنددن اولوشان بایاتی فورموندا ماهنیلایمیزا ازندریان دا "بئش" دئیرلر، توی و شنلیک مراسیملرینده ایسه آشیقلا- "بیر بئش سؤله" دئییه مراجعت ائدرلر.

قئید ائتمک لازمدیر کی ازندریان دان علاوه بوتون مرکزی اوستانلاردا (قم، تهران، البرز، قزوین، مرکزی)، قوشما و گرایلی سبکینده اولان و آشیقلا طرفیندن اوخونان شعرلره بئش دئییلر. بوردا وئرلین شعرلره هامیسی یئددی هیجالییدیر و قافییه دوزولوشو اعتباریله ایلک آلتی شعر بایاتی فورموندادیر، یئددینجی سایا، سکگیزینجی ایسه اوشاقلارین اوخودوغو تیرینگیلر سیراسیندا یئرلشدیرمک اولار.

بو بئش لر ساغدا عرب قرافییکاسیله معیار دیلده، سولدا ایسه لاتین آلفابه سینده و ازندریان شیوه سینده وئرلیمیشدیر.

علیرضا صرافی

1-

Aq imama ağaşlare

Yaşelde yarpaqlare

Xoda versen moradem

Yanderem ɣeraqlare

2-

Aq imam yolem ussə

Bazubət qulem ussə

Xuda versen moradem

Beş qəndil gəzmə ussə

-۱

آغ امام آغاشاری

یاشیلدی یارپاقلاری

خودا وئرسین مورادیم

یاندیریم چیراقلاری

-۲

آغ امام یولوم اوسته

بازوبند قولوم اوسته

خودا وئرسین مورادیم

بئش قندیل گؤزوم اوسته

3-

Ayə bax ulduze bax
 Damda durən qezə bax
 Qez qardaşın ٴlməsən
 Uzun ٴndər bizə bax

4-

Oğlan, oğlan naz oğlan
 Şirazda bəzaz oğlan
 Qələm dəvətin gətir
 Mən deyəni yaz oğlan

5-

Bu dağda ceyran gəzər
 Ələyəqen daş əzər
 mən neyləmişəm yara
 yar mənənən kənar gəzər

6-

ٴexdem dam arasənə
 baxdem ay parasənə
 qəzəl gol gonٴa vereb
 yar gireb arasənə

7-

Aq quin qərə quin
 İldə vere bir cٴt quze
 Bire yəsinin ruze
 Bire ٴubanin muzze

8-

hay nənə, ha, hay nənə
 du ٴaynə qoy dəmə
 ٴım gedem xərmənə
 xərmənimiz uzaxde
 atem qeٴolaxde

۳-

آیا باخ، اولدوز باخ
 دامدا دوران قیزا باخ
 قیز قارداشین اۆلمه سین
 اوزون چۆندر بیزه باخ

۴-

اوغلان، اوغلان، ناز اوغلان
 شیرازدا بزاز اوغلان
 قلم داواتین گتیر
 من دئینی یاز اوغلان

۵-

بو داغدا جئیران گزر
 ال آیاغین داش از
 من نیللمیشم یارا
 یار مندان کنار گزر

۶-

چیخدیم دام آراسینا
 باخدیم آی پاراسینا
 قیزیل گول قونچا وئریب
 یار گیریب آراسینا

۷-

آغ قویون، قارا قویون
 ایلده وئره بیر جوت قوزو
 بیر ییه سینیه روزو
 بیر چوبانین موزدو

۸-

های ننه ها، های ننه
 دور چایینی قوی دمه
 ایچیم گندیم خرمنه
 خرمنیمیز اوزاقدی
 آتام قیچی چولاقدی



کۆورنگدن بایاتیلار

آنامین آرا- سیرا اوخودوغو بایاتیلاردان

فریاد ناصری

بو بایاتیلار <http://hemedan-az.blogspot.com> دان نقل اولموشدور. فریاد ناصری همین بایاتیلارین یانیندا معیار دیل و یئرل دیالکتلر حاقیندا دیرلی بیر نوت دا یازمیشدیر. او یازیر:

"دوستان تفاوت لهجه را در مورد شعرهای عامیانه از یاد نبرید. معیاری اگر باشد در شعرهای عامیانه، یکیش همین تفاوت رنگها و لحنهاست. بله داشتن {زبان} معیار مهم است اما زنده بودن و پویایی در حفظ همین تفاوتهاست. این که "گلیر" در لهجهای که این شعر را سینه به سینه آورده "گلی" شده، یا "یاریمین" را "یاروموی" کرده است، همان تفاوت است.

کاری به درست و غلط بودن و روند این متفاوت شدن ندارم. این شعرها جایی که من هستم اینطور خوانده می‌شوند. حالا شاید با هزار دلیل تاریخی و زبان‌شناسانه شما ثابت کنید که این لهجه غلط است و نباید باشد و باید به {زبان} معیار برگردیم. اما یک سؤال، سعی در یکدست کردن امور تحت عنوان معیار چه نامی می‌تواند داشته باشد؟"

ع. صراف

سو گلی آخماغونان
 داش قَیه‌نی بیخماغونان.
 یار یاردان نئجه دوپسوی
 دالدادان باخماغونان؟

بولاغ باشو بوز باغلار،
 دۆرد دۆورو یارپوز باغلار.
 اوغلان قیزی دردیندن
 یاراسونا دوز باغلار.

بولاغ باشوندا دورما
 بولاغو بولاندورما!
 آدام اؤلوه، قان دوشو،
 گۆزلری دیولاندورما!

سو گلی ایلان دیلی
 دیلسیزی دیل‌لندیری.
 یاروموی شیرین دیلی
 گؤل بخچه‌ن گؤل‌لندیری.

اوغلان آدوی مەددی
!... ەلر! دولو قتددی
بیر ال دادام جانوی چو
اورگ، اورگە بتدی.

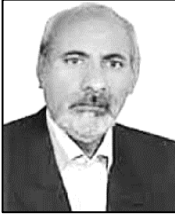
اوغلان آدوی دئی گینن!
وئریم رئیحان یئی گینن.
بابای اوودن گندندە
تنز گل منە دئی گینن!

بو کوچە دار اولایدو
او گلن یار اولایدو.
ایکی میزە بیر کۆینک
یخەسی دار اولایدو.

کەلیگی پیچاخلادوم
تو کونو ساچاخلادوم.
یوخودا یارو گۆردوم
یثرینی قوجاخلادی.

متندە گندن کۆورنگ آغزی اۆزل لیکلری اوچون بیر نئچە آچیقلاما:

Kövrəng ağzı	کۆورنگ آغزی	معیار دیلدە
BULAĞ BAŞU	بولاغ باشو	بولاق باشی
QIZIY	قیزی	قیزین
SU GƏLİ	سو گلی	سو گلیر
BƏXÇƏNE	بخچەنئی	باغچانی
DOYSUY	دویسوی	دویسون
BİR ƏL DADAM CANÜY-ÇÜ	بیر ال دادام جانوی چو	بیر تک قارداشیم جانی اوچون
ÖVDƏN	اوودن	اؤودن



یاس بایاتیلاری اسماعیل سالاریان

اشعار " یاس بایاتیلار " یا " بیت بیجه " خوانده شده توسط اسماعیل سالاریان به قرار زیر است:
منبع: " کتاب نگاهی به زبان و ادبیاتی ترکی خراسان نوشته اسماعیل سالاریان (هنوز چاپ نشده)

ادبیات مرثیه ترکی با سابقه تاریخی و وسعت و گسترش فراوان، آن چنان در بین ترکان اهمیت یافته است که جزء لاینفک زندگی آنان گشته است. ادبیات مرثیه تبلور اندوه، غم و حزن توده مردم است و به همین دلیل نیز از تاریخ دیرینی برخوردار است. در مطالعه فرهنگ و آداب رسوم مردم می بینیم که ترکان قدیم در مراسم " یاس " یعنی عزاداری با خواندن " بیت بیجه " یا " بیغی "، حزن و اندوه خود را به زبان می آوردند و این نوعی تسکین قلبی آن ها بود.

بیغی لار همان ها که در مرگ بزرگان و امیران و شاهزادگان ترک سروده می شد و نمونه هایی از آن در مرگ آلپارتونقا (افراسیاب) در دیوان لغت الترک محمود کاشغری با قدمت هزار ساله سروده شده است.

بیغی تا فقط در قالب بایاتی گفته می شود. در مجالس زنانه نیز توسط زنی که ییغلاشما را هدایت می کند، بیان می شود و در مجالسی که نوحه خوان و مداح هست، توسط وی بیان می گردد. برای نمونه عبارات زیر در رثای فرزند توسط مادر داغدار بیان می شود:

یاندیم یاناسن (ای فلک)،

اوجا بوی بالامی دویونجه گؤرمه دیم،

نهننگ اوّلسون کاش قئییتیپ سن،

من یئرینه اولیدیم، یارالییام بالام.

ترجمه: (ای فلک) سوختم بسوزی، فرزند قد بلندم را سیر ندیدم، مادرت بمیرد، کاش برمی گشتی من به جای می مردم، زخمیم فرزندم.

البته بعضی از این ییغلاشماها به علت طبع شعری گوینده‌اش دارای وزن خاصی بوده و ماندگار گردیده‌است. در خراسان نمونه‌های فراوان داریم از جمله: ییغی محمدتقی خان پوسیان معروف به کلنل و ییغی ججوخان

در مجالس عزاداری امام حسین (ع) با توجه به موضوع مرثیه و این که برای کدام یک از دلاوران دشت کربلا خوانده می‌شود، به تناسب آن نیز ییغلاشما بیان می‌شود. که به ذوق و سلیقه مداح نیز بستگی دارد.

در اینجا ابیاتی چند از یاس "بایاتیلاری" که در قالب بایاتی فولکلوریک خوانده می‌شود:

ای فلک داد الیندن،

اولمادیم شاد الیندن

یامان یئرده ییخیلدیم،

توتمادی یاد الیمدن.

ترجمه: داد از دستت فلک، از دستت شاد نشدم. در وقت و جای بدی افتادم، هیچ یک از آشنایان از دستم نگرفت.

سو گلر آخر گندر،

چیللاری ییخار گندر

بو دونیا بیر گیزگی (گوژگو) دی،

هر گلن باخار گندر.

ترجمه: آب میاید و روان می‌شود. سنگ‌های روی هم انباشته را به زمین میزند و میرود. این دنیا یک آینه است، هر که میاید و نگاهی می‌کند و می‌رود.

قیزیل گوْلوم پرپر اولدو،

درمه‌دیم پرپر اولدو

گوْزل آدینگ دیلیمده،

همیشه ازبر اولدو

ترجمه: گل سرخ پرپر شد. نچیدمش، پرپر شد. نام زیبایت بر زبانم، ورد زبانم شد.

دئیرم آی یارالار،

دردلی اولان سارالار

ووردی فلک قلبیمی،

ساغ اولمایان یارالار.

ترجمه: می‌گویم ای زخم‌تا، هرکس درد داشته باشد، زرد (پژمرده) می‌شود. فلک قلبم را نشانه رفت، ای زخم‌هایی که التیام نمی‌یابید.

دومانندی اوجا داغلار،
 گئندیب خزانه باغلار
 هر کیمین جوانی ائلسه (اؤلسه)،
 اؤلونجه یانار آغلار
 ترجمه: کوه‌های بلند را مه گرفته، باغ تا را خزان گرفته، جوانِ هر کس بمیرد، تا مرگش
 می‌سوزد و گریه می‌کند.
 باخدییم قلم قاشینه،
 یازدییم قیبر داشینه
 سندن سورا کیل (کؤل) اولسون،
 بو دونیانین باشینه
 ترجمه: به زیبایی‌های صورتش نگاه کردم، بر روی سنگ قبرش نوشتم. بعد از تو خاکستر
 (خاک) بر سر این دنیا باد.
 بو دنیا نه یالاندی،
 اؤستومه غم چالاندی
 هامی گئدر دونیادان،
 بیر یاخچیلیق قالاندی
 ترجمه: این دنیا چه دروغ است. به رویم غم ریخت. همه از دنیا می‌روند، فقط خوبی باقی
 می‌ماند.
 از نوشته بالا و مثال‌های ارائه شده با قاطعیت تمام می‌توان گفت که نوحه، مرثیه و
 عزاداری ترکی بخشی از اعتبار خودش را مدیون همین ییغلاشماهای جان‌گداز است.
 منبع: تلخیص و اختصار از کتاب نگاهی به زبان و ادبیات ترکی خراسانی، نوشته اسماعیل
 سالاریان (هنوز چاپ نشده)



سربنددن بیر باغلاما امیر مولوی

(باغلاما سربند آغزیلا یازیلیمیشدیر)

سوآل

او نمهدئر هر نه وئرین آلالتر
او نمهدئر دال و دؤشدن ناللاتر
او نمهدئر پاجالاردان ساللاتر
او نمهدئر هولاردان جاللاتر

جواب

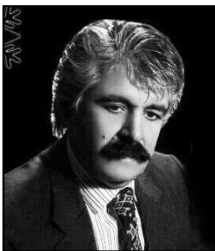
او اوشاق دئر هر نه وئرین آلالتر
او آق پولدور دال و دؤشدن ناللاتر
او ایشیق دئر پاجالاردان ساللاتر
او یاغئش دئر یل هولاردان جاللاتر

سوآل

او هانگی مسجددئر، چیراغی یوخدئر
او هانگی کتابدئر، وراغی یوخدئر
او هانگی قلمدئر، قاراسی یوخدئر
او هانگی بی جهدئر، ایککیسی یوخدئر.

جواب

قبیر بیر مسجددئر، چیراغی یوخدئر
سینه دفتری دئر، وراغی یوخدئر
دیل ائله قلمدئر، قاراسی یوخدئر
حق تاری بی جهدئر، ایککیسی یوخدئر.



شسئون ماهنيلاريندان آستانايا آش قويמושام عاشيق گونش

قايناق شخص: آنامين خالاسى زوليكها خانيم

بير ار آرواد وار ايميش ، آلاھ بولارا بير اوغلان وئير، آدين قويورلار ممدعلی، کيشی بوغدا آپارير دگيرمانا ، آخشام اولور، قاش قارالير، قاران قاريشير، کيشی گليب چيخمير. سحردين آروات ناھارا آش قويوب، کيشی دن خبر اولماييب ، آخشام شام اوچون چؤلمکده آت آسيب اوجاقدا، آما کيشی گليب چيخماييب، خانيم گليب اوشاغين يوخلاتسين بالا- بالا ميزيلداييب ، اوشاغينا لايلاي ايله بيله دئير :

دده ن گنديب دگيرمانا
معطل قويوب منی یونا
باخيرام گؤيده دومانا
ممدلی جانيم لای لای
دينيم هم، ايمانيم، لای لای

آستانايا آش قويמושام
اوستونه لاواش قويמושام
تک ياسديغا باش قويמושام
ممدلی جانيم لای لای
دينيم هم ايمانيم، لای لای

ايلديريملار چالير داغا
نئجه تک گئديم اوتاغا
ھاوا توتوشدو قار ياغا
ممدلی جانيم لای لای
يائدي دگيرمانيم، لای لای

تنديره باخ اوت قويמושام
چؤلمکده ده آت قويמושام
صبح ايچمگه سوت قويמושام
ممدلی جانيم لای لای
باشينا دولانيم، لای لای



باياتيلار (۶) على خالط آبادى

من عاشق، سسە گل لم
نالە يە، سسە گل لم
ياد ائلدىن قاچا بىلىم
يوللارى كسە گل لم

آى قىز، سنە مايلم
بوينوندا حمايلم
دوست پايى شيرين اولار
هر نه وئرسن قايلم

چاغىردىم صنم، صنم!
سس گلدی: منم، منم!
دئدىم: لبين كيم امسين؟
دئدى كى: سن ام، سن ام!

پنجره ده قوش منم
داش آتسالار دوشمنم
يار منە قاش- گۆز ايئلر
من هئچ باشا دوشمنم

روم منم، عراق من
اويانان چيراغ منم
قول تك چؤلله دوشموش
ائلىمدن ايراق منم

يوللارى آچيب گل لم
داغ- داشى، آشيب گل لم
گۆيلون منى ايسته سە
ياد ائلدىن قاچيب گل لم

گئدرم، گينه گل لم
كافر م دينه گل لم
اون ايل زنداندا قالسام
قورتولسام، گينه گل لم

گول آغاجى دگيلم
هر گلنە اگيلم
اگيل اۆپوم اوزوندن
من اۆزگە سى دگيلم

داغ باشيندا، سار منم
قلبى قارا، تار منم
دئيرلر يار كوسوبدى
بلكه گوناھكار منم؟

يئرسيز سۆز دانىشمانام
هر ايشە قارىشمانام
چكىل دىنديرمه منى
كوسموشم بارىشمانام

باغچالاردا گول منم
بولبول سنسن گول منم
سندن من آیریلالی
آغلایارام، گولمنم

هر درده دوزن منم
ایمی اوزن منم
گۆز یاشلی، اورک داغلی
سرگردان گزن منم

آغاجدا پوسته منم
دیبینده خسته منم
سئوگیلیمی وئرسه لر
بهشتی ایسته منم

بولاغین باشی منم
دیبنی نین داشی منم
بولاغدا کی قیزلارین
گۆیول سیرداشی منم

قارالی، آغلی منم
قانادی باغلی منم
هامی نین دردی اولسا
اورگی داغلی منم

قلیانلی بایاق چکدیم
دولدوردوم بایاق چکدیم
یاری بیوفا گوردوم
یولوندان آفاق چکدیم

داغلاری آشدیم گلدیم
سئل کیمی داشدیم گلدیم
بیر جوت اوپوشدن اؤترو
یارنان ساواشدیم گلدیم

داغلاردا گزه ن منم
عهدیم وار بزنمنم
اورگیم یارالیدی
چوخ درده دوزمنم

بوداغدان آشان منم
ائلله قوشان منم
قاینار غم قازانیندا
قاینایان جوشان منم

داغلارین قاری منم
گون دوشسه اریمنم
قبریمی قوزیده قاز
جوانام چورومنم

اوزوگون قاشی منم
اوستونون داشی منم
غربتده آغلایانین
گۆزونون یاشی منم

عزیزیم، آغلامازدیم
گولمزدیم، آغلامازدیم
بیلسه یدیم وفان بودور
سنه بئل باغلامازدیم

داغلاری گزدیم گلدیم
داشلارین دوزدوم، گلدیم
یاری بیوفا گوردوم
ایمی اوزدوم گلدیم

عزیزیم یارالاندیم
اوخ دیدی یارالاندیم
یار قدریمی بیلمه دی
من اوندان آرالاندیم

سو تک آر خا دولانديم
ساپ تک چارخا دولانديم
ظالم فلک اليندن
قورخا- قورخا دولانديم

عزيزيم، گونه يانديم
گون چيخدی گونه يانديم
عالم بير دفعه يانسا
من دونه- دونه يانديم

گؤيده اولدوز اولايديم
خوشبخت بير قيز اولايديم
يار قاپيدان گيرنده
اوده يالقيز اولايديم

يانان چراغ اولايديم
يولدان ايراغ اولايديم
ياريم سويلا گلنده
قاینار بولاق اولايديم

بوداغی آتيلايديم
قول اولوب ساتيلايديم
وفاسيز يار اليندن
اؤليديم قورتولايديم

آخ- وای دئديم قاريديم
آخ- وایدان نه ياريديم
تازا ياغان قار کیمی
گون وورماميش اريديم

فلکی دینديره يديم
بيلمزين بيلديره يديم
منه يازی يازاندا
قلمين سينديريديم

ياتميش ايديم اويانديم
درده غمه بويانديم
دأش اولسايديم اريرديم
تورپاق ايديم، دايانديم

بولاقدا بوز اولايديم
اوسته يارپيز اولايديم
يار بولاقدا گلنده
اوردا يالقيز اولايديم

اوزوکده قاش اولايديم
يارا سيرداش اولايديم
قیزلار اوتوران يئرده
من ده بير داش اولايديم

عاشيقلا تن اولايديم
سازلا اؤتن اولايديم
اغيار جانين آلماندا
عزرائيل من اولايديم

بو داغا بول سالايديم
کاروانی بول سالايديم
گونوم او گون اولايیدی
بوینونا قول سالايديم

کهر اوسته مينه يديم
يول آشاغی سوره يديم
يار اوزونو گيزله دير
بلکه بويون گؤره يديم

بير درديم وار کاغاذيم
سن ايله جار کاغاذيم
يئتنده يار يانينا
ديل آچ يالوار کاغاذيم

من عاشق بىر دىنارىم
بىر دىنىم، بىر دىنارىم
فلک گل قىيما منە
آغاجدا بىردى نارىم

عاشق سوزگون گۈزلىرىم
غمدن اوزگون گۈزلىرىم
گۈزلىدىن دوبا بىلمىز
باخسا يوزگون گۈزلىرىم

عزىزىم يادا ئىلىم؟
ياد اوغلى يادا ئىلىم
گۈرۈر آه و زارىمى
گلمىر امدادا ئىلىم؟

سو گلىدى باغا ئىلىم؟
دگدى اوتاغا ئىلىم
يارىم مىندن كوسوبدى
گلمىر اوتاغا ئىلىم؟

قىزىل گول آشدى ئىلىم؟
دىلىم دولاشدى ئىلىم
خىرداجا يار يولوندا
خيالىم چاشدى ئىلىم؟

باغا سو دوشدو ئىلىم؟
آغاجلار ايچدى ئىلىم
كىرپىكلرىن اوخ كىمى
قلىمى دئشدى ئىلىم؟

درده گونونده اۈز جانىم
دردى ساپا دوز جانىم
يارا قوربان وئىرىم
اگر اولسا يوز جانىم

ائله مى بختىارىم
بختىمىن تختى يارىم
اوزونده گۈز ايزى وار
سنه كىم باخدى يارىم؟

ائولرىنده وار كىلىم
لال اولسون منىم دىلىم
گئىدندە كوسدى گئىدى
گلسە نىجه دىندىرىم؟

من عاشق يارا ئىلىم
دوشوبدى سنه مىلىم
گۈيول ايسىر ال چاتماز
اوزاقدى آرا ئىلىم؟

گئچمه يىر سۈزۈم ئىلىم؟
بو درده دوزۈم ئىلىم
آه چكسم عالم يانار
چكمه سم اۈزۈم ئىلىم؟

درد- غمىم چوخدو ئىلىم؟
اوركدە اوخدو ئىلىم
توش گلىدىگىم بلانىن
چاراسى يوخدو ئىلىم؟

من عاشق بالا جانىم
حسرتدە قالا جانىم
يارىن آلا گۈزلىرى
ايسىتە يىر آلا جانىم

عاشىق نار آلان جانىم
هئىوا بار آلان جانىم
بيوفا يار يولوندا
سولوب، سارالان جانىم

قورودو ازن جانیم
هر درده دوزن جانیم
اثلیندن اوزاق دوشوب
سرگردان گزن جانیم

عزیزیم، من دولانیم
من دؤنوم من دولانیم
آلاه سنی ساخلا سین
سایه نده من دولانیم!

یاد اوزدی جانیم منیم
آخیتدی قانیم منیم
عؤمرو باشا وورماغا
یوخدور گمانیم منیم

قاینار قازانیم منیم
چالار اوزانیم منیم
دوشسون الدن قلمین
یازی یازانیم منیم

بارماغیم بئشیدی منیم
دورانیم گئشیدی منیم
جفا چکدیم جان قویدوم
آخیریم هئش دی منیم

سونایام گول اوسته ییم
بولبولم گل اوسته ییم
گل بیر قول - بویون اولاق
گئدیریم، یول اوسته ییم

درد منیم، دوزوم منیم
کئچمه بیر سؤزوم منیم
اؤلسیدیم قورتاراردی
حسرتدن گؤزوم منیم

عاشیق یارالی جانیم
سیزلار یارالی جانیم
عزرائیل گئت ائشیگه
منیم یار آلی جانیم

داغلار داغیمدیر منیم
غم اوولاغیمدیر منیم
دیندیرمه قان آغلارام
یامان چاغیمدیر منیم

یاریلدی جانیم منیم
تؤکولدو قانیم منیم
فلک آلدی الیمدن
دینیم، ایمانیم منیم

چای منیم، چشمه منیم
چاییمدان کئچه منیم
من سنه هاچان دئدیم
سویومدان ایچمه منیم؟

قرنفیلیم، دسته ییم
بولبولم قفسده ییم
گئدین دئیین یاریما
حسرتیندن خسته ییم

شیرین چایین قندیدیم
زولفونون کمندیدیم
دونیانى سئل آپارسا
گؤز لرینین بندیدیم

من داغلاردا چیچگم
ال وورما کؤینکچگم
هامیا چیرکین اولسام
اؤز یاریما گؤیچگم

اوخ گئتدی، قالدی یاییم
گۆیه قالخدی ھراییم
نصیبیم آیریلیقدی
قسمتده یوخدو پاییم

جانیم اویاغا قوربان
گلن قوناغا قوربان
قاشا- گۆزه حیرانام
بیللور بوخاغا قوربان

دادا چاتانا قوربان
کۆینک کتانا قوربان
اۆز یارینندان خبرسیز
یالقیز یاتانا قوربان

سویون بندینه قوربان
یارین فندینه قوربان
وردان کئچن مارالین
سینه بندینه قوربان

عزیزیم آغ آلمادان
دولودور باغ آلمادان
اورگیمین یاراسی
کئچیدر ساغالمادان

سو ایچیرم چاناخدان
بال سوزولر دوداخدان
اۆزوم گلّه بیلیمیرم
سلامیم وار اوزاخدان

اینجی بوردان، دۆر بوردان
مین آتینی سور بوردان
مجلسده یئرین تانی
دئمه سینلر دور بوردان

عزیزیم نئجه ساییم
دردیم چوخ نئجه ساییم
سن سیز کئچن گونلری
عؤمرون نئجه ساییم؟

آلما آتانا قوربان
آتیب توتانا قوربان
مخمل دوشک، توک بالش
اوندا یاتانا قوربان

عزیزیم، قوزو قوربان
قوچ قوربان، قوزو قوربان
مردین بیر تک توکونه
نامردین یوزو قوربان

آی دوغدو منارادان
اؤلمرم بوبارادان
منی یئتیر یاریما
واری یوخدان یارادان

بیر قوش گلیر هاوادان
قانادی زیل قارادان
یاخشى قوناق ساخلادین
اٹیون اولسون آوادان

باغلار سیلکیندی باردان
دشمن کام آلدی یاردان
نولا بیر خوش گون گلّه
بیزده قورتاراق داردان

ایشیم آشمادی باشندان
گۆزوم دویمادی یاشندان
فلک منه وئرسه یدی
وئردی ازل باشندان

بیر قوش گلیر، آغ داشدان
خبر وئیر، قارداشدان
قارداش باجیدان دویسا
باجی دویماز قارداشدان

یورولدوم آغلاماقدان
آرخا سو باغلاماقدان
باغدا خزل قالمادی
یاراما باغلاماقدان

گئجه کچدی قارالدان
سنی سئچم مارالدان
نه دردیم وار، نه غمیم
سنسن منی سارالدان

هئج درمه دیم یاریمدان
ایم اوزدوم یاریمدان
داغلار دومانا دوندی
منیم آه و زاریمدان

عاشقام هاراییمدان
ائل یاتماز هاراییمدان
گونده بیر کرپیچ دوشور
عؤمرومون ساراییندان

عزیزیم، اوخاندان
او سولطانان، او خاندان
بیر دسته گول اولایدیم
آسیلایدیم یاخاندان

من عاشیق، ایلقاریندان
سؤزوندن، ایلقاریندان
یارینا ایلقار وئرن
دؤنرمی ایلقاریندان؟

من گلیردیم بولاقدان
یاریم چیخدی قاباقدان
یالواردیم آخر آلدیم
بیر اؤپوش بال دوداقدان

قوو توکندی چاخماقدان
سو دایاندی آخماقدان
گؤزلریمه قان دامدی
یوللارینا باخماقدان

گول آلدیم، گول تاخاندان
آلیب آسدم یاخامدان
بیر لام آخان سودان قاچ
بیر ده یئره باخاندان

یارالاندیم یانیمدان
قوشلار دویماز قانیمدان
سن منی آتدین گتدین
من ده کئچدیم جانیمدان

قورون یئره باخاندان
سو کیمی لام آخاندان
گیزلتمه شوخ ممه نی
قوی گؤرونسون یاخاندان

عزیزیم، آل بوندان
یاناق بوندان، خال بوندان
دلی شیطان دئییری
دور بیر اؤپوش آل بوندان

گئتمرم اوتاغیندان
گول سینا بوتاغیندان
ایگیت آتین سگیردر
دشمنین یاتاغیندان

آرى دويماز باليندان
گۆزل چيخماز شاليندان
اوستومه نور سىپىلدى
يارين آي جماليندان

دولان گل بيزه جيران
زولفون تۆك اوزه جيران
قورخورسان ياد اووچودان
گل چيخما دوزه جيران

آلما وئرسىم آلمازسان
سن آلمادان قالمازسان
هانكى باغين گولوسىن
آچىلارسىن سولمازسان؟

عزىزىم، پرده سالان
اوزونه پرده سالان
گۆروم اوزو گولمه سىن
منى بو درده سالان

سۆز- صحبتى ناز، اوغلان
حال- داماغى ساز، اوغلان
اؤزون گلّه بىلمىرسىن
هر سۆزون وار ياز، اوغلان

قارا- قاراشين اوغلان
پستك ياراشير اوغلان
گليب قاپيدان كئچمه
آنم ساواشير اوغلان

داغلارين، هاراييندان
ائل كوچدى هاراييندان
مردىن داخماسى ياخشى
نامردىن ساراييندان

قىزىل اوزوك تاخمازسان
سن قىزىلا باخمازسان
هانكى چاين سويوسان
هر طرفه آخمازسان؟

پرىشانام، پرىشان
يوخ حالىمى سوروشان
هانى من تك دونيادا
دردى- درده قارىشان؟

اىلقارين اولدى يالان
گۆيلومو ائتمه تالان
ايرىلسين آيرى دوشسون
بىزه ايرىلىق سالان

كۆينگى ياشىل، اوغلان
عجب ياراشير، اوغلان
گۆزوم- گۆزونه دوشجك
دىليم دولاشير، اوغلان

آي چىخدى پشمان- پشمان
گون دوغدى اوننان دشمان
اوركده بىر درديم وار
نه دوست بىلير، نه دشمان

قالیب سۆزلىر
(آتاسۆزى، دئىم،
آلىش، قارىش،
آند و حربە - زوربا،
قاخىنچ،...)

آند اولسون گونشه، اودا، چیراغا، اوجاغا،... رامین جبرائیلی



آند ایچمک قوتساللیقلاری آرایا چکیب بیر سؤزون یا بیر ایشین دوزلوگون وورغولاماقدير.
نهیه یا نهله آند ایچمک نهیی یا نهلری قوتسال سانماغا باغلیدير.
تورک ائل لرینده هر بیر سؤزدن اؤتور آلاها آند ایچمک قینانیلدیغی اوچون تانرییا یا
همان آلاها آند ایچمک چوخ آغیر بیر ایش ساییلیر. اینانجلار بئلهدير کی دئیرلر:
«آلاها آند ایچمک آغیر آنددیر! آغیر آندین آلتیندان چیخماق اولماز»
هردن ایسه تئز- تئز آلاها آند ایچنه سؤیلهیرلر:
«دؤرد پارالیق سؤزدن اؤتور تئز- تئز آلاها آند ایچمه! الله بئلیندن ووراجاق هاا»
بورادا الله بئلیندن ووراجاق هاا، یامانلیقلارلا اوغورسوزلوقلارلا اوغراماق آنلامیندادیر.
اصلینده بو سؤز تانری نین قوتساللیغینی قوروماق اوچون سؤیلهیلیر.
تانرییا تئز- تئز آند ایچمهک اوچون تانرییا یوخ بلکه قوتسال سانیلان، سایغین
وارلیقلاردان ساییلانلارلا آند ایچیلیر. قوتسال یا سایغین ساییلان وارلیقلار ملی اینانجلاردان
قایناقلانیرلار. تورک اینانجلاری اوچ اساسین اوستونده جانلانیرلار:

۱. دوجا گوجلری

۲. خاتین آنالارلا بی آتالارین یولو «تؤره»

۳. گؤی تانری

بو اوچ اساسین اوچونه ده آند ایچمک اولار آما چون تانرییا تئز- تئز آند ایچمک تانرییا
سایغیسیزلیق ساییلیر، تانرییا آند ایچمکدن قاباق دوجا گوجلرینده یئر توتان قوتساللیقلارلا
یادا تۆرهیه یئرلشن سایغینلیقلارلا آند ایچرلر. البتده تورک اینانجلاریندا اولدوقجا آند
ایچمگه یاخشی باخیلیر! ائل آراسی تئز- تئز آند ایچن آداما اوز توتوب سؤیلهیرلر:
«سن بو تئز- تئز آند ایچمگینله توفاعیمیزی داغیداجاقسان»
«آند ایچمگی نوخود- کیشمیش ائدیپ تئز- تئز آغزیندا چئینمه، بسیندیر!»
«آی دیلینده چیبان چیخسین، آخی نییه تئز- تئز آند ایچیرسن»
«بو قارا آندین آلتیندان نه اؤزون چیخا بیلهجکسن، نه ده بیز!»

دوغا گوجلرينده آند ايچيلجكلر

۱. گونش: ايشيقلين قايماغى - ياخشىلىقلارين آناسى - يامانلىقلارلا قارا - قورخولارين دوشمانى

۲. اود: گونشين بير پارچاسى، يئر اوزونده قارانليغا قارشى ان كسگين ياراق، اؤلدوروجو سويوقلارين دوشمانى

۳. چيراق: گونشله اودون بيرلشيمى، گئجه نين باغرينا گوندوزون سونگوسونو ووران، گونشين دوغوشونا اولان اومود قاپيسى

۴. اوجاق: توپلانتي يئرى، گونشله اودو بيرده چيراغى بير يئرده توتان، تانربيا تاپينماجين يئرى، آئينى رقص لرله مراسيم لرین اولوناجاق يئرى

آدلارى چكىنلردن قيراق دوغا گوجلرينده آند ايچيله جك بير چوخلارى وار. اؤزليكه آى، دنيز، داغ، سو، چاى، چؤرك، دوز، داش، توپراق، آغاج،...

خاتين آنالارلا، بى آتالار يولوندا آند ايچيله جك چوخلو وارليقلار وار. گونو بو گونده اونلارلا آند ايچيلر.

«آنام جانى دوز دئييرم»

«آتام جانى»

«بالام جانى»

«آند اولسون آنامين سودونه»

«آند اولسون بابامين گوورونا»

«آند اولسون دوغولدوغوم گونه»

«آند اولسون حاقي سلاما»

«آند اولسون شرافتيمه»

«اؤزوم اؤلموشو دوز دئييرم»

دونىادا هئچ بير ايشين سونوجسوز اولماديغينا، هر نه يين آلقاق - اوجالينى اولاي بيلمه سينه، ياخشى نين يامان اوزو - يامانين ياخشى اوزو اولاي بيلمه سينه اينانان تورك دوشونورلرى هر بير ايشى حتى ان كيچيك ايشلرى بئله تام حساب - كتابلا گؤرمگى هر بير كسه دؤنه - دؤنه اؤيود وئرك، آييق اولون بويورموشلار. تورك دوشونورلرى همان دونيا گؤرموش آغ بيرچك آنالارلا آغ ساققال آتالارديرلار.

اونلار زامان - زامان هر نه يي ياشاميشلار، ياشاماديقلارينى دا سينه دن - سينه يه گلن اينانجلارين، دبلرين، بويوروقلارين، اؤيودلرين واسيطه سييله اؤيرنميشلر.

«آتا - آنام من جان ايديلر، ايكي من جان بيلرديلر! ايكي من جانديلار، دؤرد من جان بيلرلر»



ناغیل لار،
لطیفه لر،
روایت لر،

صاحب سلطان خانمین ناغیلاری: اوج قارداش لار ناغیلی یا ملیک ممد رسول کاربرینی، تانسو خیاوی



صاحب سولطان خانیم آغایی

سسی ییغان: رسول کاربرینی، صاحب سولطان خانمین اوغلو
سسدن یازیا کئچیرن: تانسو خیاوی

سلاملار، بو گون ۲۳ دی، ۱۳۹۶ شمسی ایلی
بو گون آنام «صاحب سولطان خانیم آغایی» ایسته ییر «اوج قارداشلار» ناغیلینی دئسین.

«بسم الرحمن الرحیم»

اوج قارداش لار ناغیلی

بو ناغیل صاحب سولطان خانمین دانیشدیغی شیوه ایله (اوجان یا بستان آوا شیوه سیله)
قلمه آلینمیشدیر.

گونلرین بیر گونونده بی دانا پادشاه وار ایدی. بونون اوج دانا اوغلو وار ایدی. بو مریض
ایدی، ایستیردی دنیادان گنده، اوغلانلارین چاغیردی، اوچونه ده وصیت ائله دی، دئدی:
- اوغول منیم هر یئرده باغیم واردی، گئدین، دولانین. ولی گون باتان طرفده باغیم وار،
اورا طرف گنتمه یین.
بالا قارداشین آدی ملک محمد، اورتانجیل قارداشین آدی ملک احمد، بؤیوک قارداشین
آدی ملک جمشید.
بونو دئدی، دنیادان گئتدی پادشاه.

بیر مدت کئچندن سورا، بو قارداشلار دئدی کی، گلین گئداخ گؤراخ اوردا نمنه وار بیزییم
آتامیز بیزه روا بیلیمه دی اورا گئداخ. بولار هییم بیر اولوب، گئدهلر. گئدهلر باغین قاپیسین
آچالار، گؤرهلر بابا بو باغ هامیسیندن یاخجی دی. نه گؤزل میوهلر، نه گؤزل آغاجلار. دئدیملر:

– آتا آلا سنه رحمت ائله سین بورانی نییه بیزه روا بیلیمیردون؟

باغین اوچ طرفین دولانلار، دؤردونجو طرفده گؤرهلر بی دانا قویو واردی. دییرلر:

– هر نه وار بو قویودا وار!

بو قویونون آغزین آچالار. بؤیوک قارداش دییر کی:

– منی ساللایین اورا، گؤروم نه وار اوردا.

بونو ساللالار، بو اورتانبیل^۱ ده دییر:

– یاندم، دوندوم، اؤلدوم منی چکین.

چکرلر. آرا قارداش دییر کی:

– منی ساللایین.

ساللالار، اودا همن جور دییر:

– یاندم، دوندوم، اؤلدوم منی چکین. چکیرلر بونو دا. ملک محمد بالا قارداش دییر:

– من دئسم یاندم، دوندوم، اؤلدوم چکمیین منی.

بالا قارداشی ساللالار. بالا قارداش دا همن سؤزو آرالارا یئتیشنده دییر:

– یاندم، دوندوم، اؤلدوم چکین منی.

چکمزلر. ساللالار بو گئدر تکه. همن او یاندم، دوندوم، اؤلدوم کی وار ایدی... او دئولرین
طلیسمی ایدی قویونون آرالاریندا کی، هئچ کس گلمه سین بورا. آشاغیسی ندا یوخویدو،
یوخاریسیندا دا یوخویدو. آرالاریندا ایدی او یاندم، دوندوم، اؤلدوم طلیسمی.

ملک محمد گئتدی تکه گؤردو بلی، قویونون دوواریندا بیر قاپی واردی. بو قاپینی آچدی،
گؤردو ائله بورا دا ائله همن جور بیر دانا قشه باغدی، نه گؤزلیکده. گؤرر بیر دانا قصر واردی،
گئچر قصره. گؤرر بیر دانا قیزدی اوتوروبدی، بیر دانا دئو ده باشین قویوب بونون دیزینین
اوستونه یاتیبدی. قیز دییر:

– ملک محمد نه جور گلدین بورا؟

دییر:

– گلدمی دای!

دییر:

– ایندی بو دئو دورار سنی ده اؤلدورر، منی ده اؤلدورر.

^۱ - اصلینده وسط یازیلیب

دییر:

- به نئینیم؟

دییر:

- بونون جانی اوردا فرشین آلتیندادی، بی دانا شوشهدهدی، اونو گۆتوررسن، سالارسان یئره. اوندان بی دانا قوش قالخار، اونو دا اگر توتوب باشین اوزه بیلسن قورتولموشوق. یوخ کی باشین اوزمهسن، دوراجاخ سنی ده یییه، منی ده یییه. بو گئدر فرشین آلتین قووزار، دییر: - آلاسه سنه توکل،- گۆرر بلی بی دانا شوشه دی.

گۆتورر چیرپار یئره، بی دانا قوش قالخار ایچیندن، اونو دا توتار باشین اوزر، آتار اویانا. دئو هارای چکر، اؤزون چیرپار یئره اؤلر.

قیز دییر کی:

- بیزدن او یانا، ایکی دانا دا باجیمیز واردی.

بو گئچر، گئدر او بیرسی باغا. بلی گۆرر کی، بی دانا بوردا باغدی قشج قسردی، چبخار قصره گۆرر بی دانا قیز اوتوروب. دئو باشین قویوب بونون دیزینین اوستونه یاتیپدی. قیز دییر: - ملک محمد نچور گلدین؟ او بیرسی دئوین نئینه دین؟

دییر: - او بیرسی دئوی اؤلدورموشم. بونون جانی هاردادی؟

قیز دییر: - بونون دا جانی حیطده حووضون تکیندهدی. بی دانا شوشهدی، گۆتوررسن سالارسان یئره اوندان بیر قوش قالخار، اونو اؤلدوره بیلسن یاخامیز قورتولوب، اؤلدوره بیلمهسن سنی ده یییه جاخ، منی ده.

گئدر، دییر:

- آلاسه اؤزون کمک ائله!

شوشهنی چبخاردار حووضون تکیندن، چالار یئره اونون ایچیندن بی دانا قوش قالخار، بو دا توتار اونون باشین اوزر. دئو هارای چکر، اؤزون سالار یئره، قوتولالار بولار. قیز دییر کی: - بیزدن او طرفه بی دانا دا باجیمیز واردی.

گئدر گینه اورانین دا قاپیسین آچار، گۆرر بورادا گینه بی دانا باغدی، بی طرفه قسردی. چبخار قصره، گۆرر بلی، بی دانا قیز اوتوروب دی، دئو ده باشین قویوب بونون دیزینین اوستونه. قیز دییر:

- ملک محمد او بیرسی دئولری نئینه دین گلدین بورا؟!

ملک محمد دییر:

- اولاری اؤلدورموشم. بونون جانی هاردادی؟

قیز دییر:

- بونون جانی او اوجا رفدهدی^۱، هئچ کسین الی یئتیشمز.
ملک محمد گۆرر امکانی یوخودو اونو گۆتورسون. گئچر خنجری چیخاردار سوخار بونون
آياقلارینا.

دیو دییر:

- اه، بو کوپئی اوغلو میلچکلر ده قویمادیلار یاتام.

دییر:

- میلچک دئیل، ملک محمددی.

دئو گۆزون آچار، دییر:

- ملک محمد سنسن؟

دییر:

- بلی منم.

دئو دورار بونو آلا بویوزلارینا، چکر کهکشانا- اوجایا، دئیر:

- چالیم؟...

دئیر: یوخ! بیرآز دا چک!

او قدر دئیر تا بونون الی یئتیشر او شوشهیه، شوشهنی تئز گۆتورر الینه، دئو دئیر:

- چالیم!

ملک محمد دئیر:

- بودو با! چالسان یئره سنین جانین منیم الیمدهدی.

دئو دییر:

- اونو قوی یئرینه، سنی ائله یئندیررم روحون دا بیلمز.

دییر:

- اولسون، منی یئندیر یئره وئریم اؤزون قوی.

بونو یاواش- یاواش یئندیرر، بیر آز قالاندا ملک محمد شوشهنی چیرپار یئره، سینار،

ایچیندن بی دانا قوش قالخار، اونودا توتار باشین اوزر، بولارین یاخاسی قوتارار.

یاخاسی قوتارار، دورار قیزی دا گۆتورر، اورتانجی باجینی دا گۆتورر، آخیرده کی باجینی

دا گۆتورر گلر قویوا. اول بؤیوک باجی نی یوللار، ایپ باغلارلار بئلینه چکلر، دئیر:

- بؤیوک قارداش او سنینکی.

سورا اورتانجیل باجینی یوللار، دئیر:

- اورتانجیل قارداش بو دا سنینکی.

قالار اۋزونونكو، دئير:

- گل قيز سنى دە يوللييم.

قيز دئير:

- ملك محمد منى يوللاما، منى يوللاسان منى گۆرسه لر سنى اۆلدورلر.

كيچيك قيز هاميسيندان گۆزل ايدى.

دئير:

- يوخ من گنتسم سن گلمزسن. من تك- تنها بوردا نئينيه جاعام؟ گل سن اوزون اولده

گنت، منى سورا اوزون چك.

دئير:

- يوخ اولماز.

خلاصه قيز چوخ دئير، آز ائشيدر.

دئير:

- يوخ گل اول سنى يوللييم.

دئير:

- بس ايندى كى اوجوردى، منى يوللاسان، منى گۆرندن سورا ايپى كسه جاخلار. سن

گنده سن يئددى يئرین تكيه قارائليق دونيايه. بولار، بۆيوك قارداشين منن ائولنه جاق، من

ده بى دانا دئيرمان ايستيه جاق قيزيل دان، دارتسين اۆز- اۆزونه دولانسین قيزيل دارتسين.

بو دئيرمان گلسه من بيلرم كى سن گلميسن. بى دانا دا تشت ايستيه جاعام قيزيل دان،

ايچينده قيزيل خوروز تويوغو دۇيوشسونلر. بولار ايكي سى گلسه من بيلرم كى سن گلميسن.

دئير:

- اولسون.

قيزين بئلينه ايپ باغلار، بۆيوك قارداش چكر، گۆرر بابا بو قيز هاميسيندان گۆزلى.

دئير:

- هه گۆزلى ساخلييب اۆزونه، ايندى سنيكين سنه وئرم.

اوندان سورا ملك محمد ايپى سالار اۆز بئلينه بۆيوك قارداش بونو ايپين چكر، باشا بير آز

قالاندا ايپى كسر، ملك محمد گندر قارائليق دونيايه.

ملك محمد گندر قارائليق دونيايه، بلى گۆزون آچار، گۆرر بورا قارائليقدى ظولمتدى ائله،

بير از حالدان گنتميشدى، حالا گلر. دئير قوى دوروم گۆروم نه وار- نه يوخ؟! دورار ياواش-

ياواش، ياواش- ياواش گندر گۆرر بى دانا قيز گلير الينده بى دۇيرو پيلو. بو قيز ملك محمده دئير:

- جاوان هارا گنديسن؟

دییږ:

- من ایشیقلی دونیادان گلمیشم، ائله آواریام بوجور. سن هارا گئدیسن؟

دییږ:

- من ده شاهین قیزیام، بیزیم سویوموزون قاباغین بی دانا اژدها بیر مدّندی توتوب، گلن سویو چکیر جانینا، شهر اهلینه سو یئتیشمیر. قرار اولوب گونده بی دانا قیز آپارالار او اوتا، یئینجن مننه قانلی سو ذات گلسه قوتولسا اوندان جماعات استفاده ائلییر. ملک محمد دییر کی:

- من آجام، پیلوو قوی یئرہ من یئییم، سنین وریندن من گئدیم.

قیز پیلوو قویار یئرہ، ملک محمد یییر، دورار آیغا.

گئدرلر یئتیشلر چشمه یه، بلی گؤرر بی دانا اژدها آغزینا گلن سویو چکیر جانینا. ملک محمدی گؤرمک همان آغزین آچار، ملک محمد قوللارین آچار، قوللاری قیلینج اولار. دییر: - یا علی! یا محمد! باشیینان گئدر اژدهانین قارنینا. قوللار کسه-کسه، کسه-کسه گندر آخیرده قویروغوندا ایکی بؤلونر اژدها. ملک محمد حالدان گندر.

قیز بونو آیلدار، دییر:

- جاوان آیل، گئدیرم آتاما خبر وئرم کی اژدهانی بی دانا جاوان اؤلدوردو.

دییر: - گئت.

قیز دورار گندر، پادشاه گؤرر قیز قئیتدی گلدی. دییر:

- قیز نییه قئیتدون گلدین؟

دییر:

- آتا جان، اژدهانی بی دانا جاوان اؤلدوردو، ایشیخلیق دونیادان گلمیشدی اؤزو ده.

دییر:

- گئت اونو گتیر منیم یانیم.

گلر ملک محمدی آپارار شاهین یانینا. ملک محمد قول باغلار، ال اندیرر.

دییر:

- جاوان سن اؤلدوروسن اژدهانی؟

دییر:

- بلی من اؤلدوردوم اژدهانی.

دییر:

- مندن مننه ایستیسن! بو قیزی دا وئره جاغام سنه.

دییر:

- قبله عالم ساغ اولسون، من سندن فقط ایشیقلىق دونیانی ایستیرم.
دییر:

- بیزیم بی دانا قاف داغی واردی، اونون کله سینده سیمرغون ائوی واردی. گندرسن اونان دانیشارسان.

بو بوندان خداحافظلیق ائلر، گئدر سیمرغون سوراغینی تاپار. قاف داغی نین باشیندا گؤر
بلی بی دانا بؤیوک ائوی وار بونون، اوچ- دؤرد دانا بالاسی وار. بی دانا بالا اژدها گلیر بونون
بالالارین یئسین. توتار بالا اژدهانی اؤلدورر، یاریسین وئرر بالالارینا، یاریسین دا ساخلار
سیمرغون اؤزونه. ملک محمد چوخ یورغون^۱ ایدی. باشین قویار اوردا بیر طرفده هوشلنار
بیر آ. سیمرغ گلر گؤر کی بیر دانا جاوان اوردا یاتیب. دییر:

- سن ایدین، ناواخت ایدی منیم بالالاریمی ییردین؟
گئدر بی دانا دییرمان داشی گتیرر سالسین بونون کله سینا، اویاندان بالالار جیغان- ویغان
سالارلار کی ننه اونو سالما، او بیزی اؤلومدن قوتاریب فیلان. بودو با اژدها گلیردی بیزی
یئسین یاریسین کسیب بیزه وئریب، یاریسین دا ساخلایب سنه.
آپارار دییرمان داشین قویار یئرینه، گلر قانادلارین آچار ملک محمدین اوستونه،
قانادلارینین آلتیندان برق تولید اولار، ایشیق توشر.

ملک محمد بیر آز یاتاندان سورا گؤز لرین آچار گؤر گون چیخیب ائله بیل، دییر:
- بورا قارانیق ایدی، گون هاردان چیخیب! باخار گؤر سیمرغون قانادلارینین آلتیندان
برق تولید اولوب، قالخار.

سیمرغ دییر:

- جاوان منیم بالالاریمی اؤلومدن سن قوتاریبسان؟
دییر:

- بلی. سنین پایوی دا اوردا ساخلا میشام، گئدر سیمرغ اونو ییر، دییر:

- نمنا ایسته ییسن مندن؟!
دییر:

- سندن ایشیخلی دونیانی ایستیرم.

دییر:

- منیم گؤز لریم اوسته.

یئددی شقه ات ایسترم، یئددی تولوق سو ایسترم، سنی چیخاردام ایشیقلىق دونیایه.

دییر:

^۱ - اصلینده خسته دئییلیب

- باش اوسته.

قئیدر ملک محمد شاه، شاه دیر:

- قیبله‌ی عالم ساغ اولسون. گئتدیم سیمرغان دانیشدیم. دیر یئددی شقه ات ایستیرم، یئددی تولوق سو ایستیرم سنی چرخاردام ایشیق‌لیق دونیایه.

دیر:

- منیم باشیم اوسته.

پادشاه یئددی شقه ات، یئددی تولوق سو حاضر ائله، سیمرغان قانادلارین آچار هر شئی بیغالار بونون اوستونه ملک محمد اوزو ده مینر بونون اوستونه.

سیمرغان دیر:

- هر واخت دئدیم- یاندیم، سو وئره‌جاخسان. هر واخت دئدیم قاندیم، ات وئره‌جاخسان. ملک محمد پادشاه‌دان خداحافیظ‌لیق ائله. سیمرغان بونو گؤتورر گویون هاواسینا، آچار. هر واخت دئدی- یاندیم- سو وئیر. هر واخت دئدی- قاندیم- ات وئیر. آزار- چوخ آچار، بیر مدت یول آچار دیر:

- ملک محمد باخ گور نه گوروسن؟

باخار دیر کی:

- بی دانا «یکی قیرانلیق» ینکه‌لیخدا ایشیق گورورم.

دیر:

- یاخجی، آچار، آچار، آچار بیراز آزار، بیر آزار چوخ آچار.

دیر:

- باخ گور بو یول نه گوروسن؟

باخار دیر:

- بو یول بی دانا مژمئی ینکه‌لیخدا ایشیق.

دیر:

- یاخجی. بیر آزار گچر، بو ات قوتولار.

سیمرغان دیر: قاندیم.

ملک محمد گورر دای ات بوخو، بودونون بیر طرفیندن بیر آزار کسر آزار بونون آغزینا، سیمرغان گورر شیریندی، بو اتی ساخلار اورودونون بیر طرفینده.

دیر:

- ملک محمد باخ گور نمه گوروسن؟

ملک محمد دیر:

- سيمرغ هر يئر ايشيق دى.

سيمرغ بونو چىخارتدى ايشيقلق دونيايه قويدو يئره، دبير:

- دو يئرى گۇروم قىچلارين توتولمىيب كى !

ملك محمد دبير:

- سن گئت، من يئريرم.

دبير:

- يوخ من نياران قالارام، سن يئرى.

دورار ملك محمد يئريير، سيمرغ گۇرر ملك محمد آخسايير. چىخاردار اورودوندان اتى، او يارانين آلتيندان آغزىنين سويون ويارار، قويار يئرینه اوستونه ده آغزىنين سويوندان وورار، ملك محمد ينى قىچى بوتولنر دبير:

- ملك محمد من گئديرم، بو ايشيقلق دونيادان. آلا بو بير دسته توکومو ساخلا، هر واخت ايشين موشگوله دوشدو نمناه احتياجىن اولدى منيم توکومو توت اوتا، من او ديقه حاضير اولارام.

خودا حافىظلىق ائله دى، گئتدى. سيمرغ گئدر، ملك محمد دورار، بى دانا بى طرفدن درى تاپار «قديم كئچلر لار باشلارينا درى گئچيردرديلر»، گئچيردر باشينا، گئدر بى دانا زرگر توكانىنين قاباغينا دبير:

- من شاگيرد اولاجام!

زرگر دبير:

- عيبى يوخدو گل شاگيرد اول.

او زرگر شاگيرد اولار. زرگره دبير كى:

- اوستاد سىزىن مملكتده نه وار نه يوخ؟!

دبير:

- وآلاه بىزىم مملكتده شاهىمىزىن تويودو.

دبير:

- ياخجى دا، چوخ ياخجى. بير آز گئچر، او شاهين طرفيندن بير نفر گلر بو زرگرين توكانىنا كى پادىشاه بى دانا دبيرمان ايسته بير كى، اؤز- اؤزونه دارتيلسين قىزىل توكسون.

زرگر اؤز- اؤزونه دبير كى:

- بئله ايش اولماز كى!

ملك محمد دبير:

- دئنه، نئينك دوزلدريك من دوزلدرم.

ديپر:

- ملڪ محمد منى اؤلومه وئرسن ها!

ديپر:

- يوخ اوستا دئنن من دوزلدرم.

ديپر:

- عيبى يوخدو اوچ گون مهلت وئرين بيز اونو دوزلداخ.

اولار گئنددن سورا، بو ملڪ محمد ديپر:

- اوستا سن خاطير جمع گئت باشيوى قوى يات گئجه. سحر گل ديپرمان حاضيردى.

ديپر:

- ملڪ محمد باشووا دولانيم ها سنيين، منى اؤلومه وئرسن ها.

ديپر:

- اصلن بير ذره ده خيالات ائلمه ها، خاطير جمع اول.

اوستا گنددر ائوينه.

ملڪ محمد سيمرغون توكون توتار اوتا، سيمرغ او ديقه حاضير اولار:

- ملڪ محمد اميرين نمندهدى؟

ديپر:

- من بى دانا ديپرمان ايستيريم كى قيزيلدان، اؤز- اؤزونه دارتيلسين قيزيل توكسون.

ديپر:

- منيم گؤزلىريم اوسته.

سيمرغ گئتى، اونو بير ساعاتاجان حاضير ائلهدى، گئدى. گئدى قويدو اورا،

خوداحافىظلىق ائلهدى، گئتى.

سحر اوستا گلىدى. بلى گؤر قيزيل ديپرمان ايشليير اوردا، اؤز- اؤزونه قيزيل توكور. ديپر:

- سنه قوربان اولوم ملڪ محمد باشووا دولانيم سنيين، دو گؤتور ائله اؤزون بو ديپرمانى

چييينيوه آپار وئر شاها.

بو گؤتورر ديپرمانى چييينينه، گئيرر وئر. قيز كلاه فيرنكى دن باخار گؤرر ملڪ محمد

گليبىدى. ملڪ محمد ديپرمانى وئر گنددر. گئجه توى باشلار، بو زرگرين ده آدين قوياللار

«زرگر باشى».

گئجه بونو توييا چاغيراللار، بو دورار ملڪ محمد وصيت ائلر كى، ملڪ محمد من گئديرم،

توكاندا اول اؤزون.

ديپر:

- باش اوسته.

بو گئدر، اۋزو ده شاهنان جوت اوتورار.

زرگر باشی گئندن سورا، ملک محمد سیمرغون توکون توتار اوتا، سیمرغ حاضیر اولار.

دییر:

- سیمرغ منه بی دانا آت گتیررسن، بی دست پالتار^۱ گتیررسن قره، بی دانا دا شمشیر

گتیررسن. آت ائله اولسون کی یئرنن گۆی آراسیندا اوچسون، گۆرن اولماسین.

دییر:

- منیم گۆز لیم اوسته.

سیمرغ او دیقه گئتدی. بیر روبع آجان گتیردی. بو دور دو گئییندی، آتی میندی، شمشیری

گۆتوردی، یئرنن- گۆیون آراسیندا گئتدی گیردی مجلسه، کورکنین بونون ویردی،

اوستانین دا کورکون جیردی. اونان دا ظارافات ائله دی، گئتدی. گئتدی، توی یاسا دؤندی.

اوستا دوردی گلدی، ملک محمد دئدی:

- اوستا به نییه گلدین؟!

دییر:

- بابا توی یاسا دؤندی، بی دانا قره لتی گلدی، یئرنن- گۆیون آراسیندا کورکنین بونون

ویردی، منیم ده کورکومو جیردی.

دییر:

- هله اوستا سنین کورکووی نییه جیریددی.

دییر:

- بیلیمیرم کی.

توی یاسا دؤندی، تعزیه سی قوتارانان سورا، بو آرا قارداشین تویو باشلاندى.

قیز دییر:

- سندن ده بیر دانا تشت ایسترم ایچینده قیزیل خوروز، قیزیل تویوخ. قیزیل تویوغنان

قیزیل خوروز بیر- بیرین دؤیوشسونلر.

گللر گینه بو زرگر باشینا کی، قیز بوجور ایسته ییب دی پادشاهدان. زرگر اۋز- اۋزونه

دییر کی:

- بابا بو اولماز کی آخی.

ملک محمد یاواش جانا دییر:

- دئنن اولار.

^۱- اصلینده لیاس یازیلیب

ديير:

- آماندی ها كئچل، منی اؤلومه وئرسن.

ديير:

- یوخ خاطیر جمع اول.

ديير:

- یاخجی بیزه اوچ گون مهلت وئربن عیبی یوخدی.

بونا اوچ گون مهلت وئرلر. اولار گئندن سونرا ملك محمد ديير:

- اوستا گئت باشیوی قوی خاطیر جمع یات، سحر چاغی گل تشت حاضیردی.

ديير:

- باشووا دولانییم دا سنین كئچل.

اوستا گندر ائولرینه. بو سیمرغون توکون توتار اوتا، سیمرغ حاضیر اولار. ديير:

- ملك محمد امرین نمناهدی!

ديير:

- سیمرغ بی دانا تشت ایستیریم قیزیلدان، ایچینه قیزیل خوروز، قیزیل تویوخ

دؤیوشسونلر اؤز-اؤزلیرینه.

ديير:

- منیم گؤزلیم اوسته.

گندر، بیر روبه آجان گتیرر. گتیرر ملك محمد قویار اورا تشتی، اوتورار. سحر اوستا گلر،

باخار گؤرر بلی دا تشت آماده، خوروز-تویوخ دؤیوشور.

ديير:

- باشووا دولانییم ملك محمد دو ائله بونو اؤزون آپار.

دورار ائله اؤزو بونو وورار چیینینه آپارار. قیز دا اوردان باخیر دای کلاه فیرنگی دن. باخار

گؤرر ملك محمد گتیردی تشتی. خاطیر جمع اولار دای. ملك محمد تشتی وئرر قئیدر.

گنجه توی باشلانار. بو اوستا گینه تاپشیرار بو توکانی كئچله (همان ملك محمد)، ديير:

- من گئتدیم، توکانی تاپشیردیم سنه.

ديير:

- خاطیر جمع گئت.

زرگرباشی گتدی، گینه اوندان سورا سیمرغون بو ملك محمد توکون توتدو اوتا، سیمرغ

آماده اولدی:

- ملك محمد فرمایشین نمناهدی!؟

دییر:

- سیمرغ اوگونکی پالتارلاری ایستیریم. آتی، پالتارلاری و شمشیری.

دییر:

- باش اوسته. گندر او دیقه حاضیر ائلر گتیرر.

ملک محمد پالتارلاری گئیَر، آتی میَنر، شمشیری گؤتورر، یئرینن - گؤیون آراسیندا گندر

گیرر ایچری. کورکنین بوینون وورار، گینه بو اوستانین کورکون جیرار، قویار گلر.

گلر، بیر آز گئچر. اوستا گینه گلر، ملک محمد دییر:

- اوستا گینه نییه گلدین؟!

دییر:

- بابا گینه توی یاسا دؤندی، بیلیمیریک نمه دی یئرینن - گؤی آراسیندا بی دانا قرآلتی

گؤرسنیر. گلیر کورکنین بوینون وورور، منیم ده کورکومو جیریر، گندیر.

ملک محمد گولور، دییر:

- هله اوستا سنین کورکو به نییه جیریر؟!

دییر:

- بیلیمیرم کی نییه جیریر.

صاباح سحر اولدی، ملک محمد خبر وئیر^۱ کی ملک محمد گلدی.

بونا پئشواز - فیلان. ملک محمدین پئشوازینا گلیرلر. بو زرگر باشی دا گؤرر شاهین اوغلودی

بو، ائله اؤزو شاهده بو!

ملک محمد هله گندر. گل - گئت سووشاندان سورا، توی باشلانار.

بؤیوک باجینی وئرر وزیره، آرا باجینی وئرر وکیله، کیچیک باجینی دا اؤزو آلا.

توی باشلانار، اوچ دانا توی بیر یئرده.

داغلاردا گون چیراگی،

گول لرده شمع چیراگی،

یپیئرلر - ایچرلر

مطلبلرینه یئتیشلر.

^۱ - تلفراف ائله دی

آغاجدان قولچاغين ناغىلى (جار جار قىزى جار جار)

زىور عباسى

قايناق شىخى: آنام گۇھر خانىم فرقانى ھىروى (۱۳۲۶- ھىرى (تېرىز) دوغوملو ؛
اىلك مەكتەپ (ابتىدىي) سوادى وار.)



بىر ار- آرواد نىچە ايل بىرلىكىدە ياشايدىقدان سونرا ھلە دە اوشاقلارى اولمامىشىدى. اونلار داوا- دعا ائەلمەكدن جانا گلمىشىدىلر. اونا گۇرە دە اوشاق مسئلەسىنى الدن ساليب، اوتورموشدولار. آرواد خياطلىق ائلييردى، كىشى دە نجارلىق. بىر گون كىشى گۇرر خانىمى غصە ائەلمەكدن گون بە گون ارييب، ھر يىردن دە اياغين اوزوب، اوتوروب. تەمىم توتار گنج قىز شكىلىندە بىر مجسمە يونتالاسين، خانىمى مجسمە ايلە ائولرىندە دوموك اولوب، باشين قاتسين.

كىشى نىچە گون چالیشانان سونرا يوغون بىر آغاجين كۇتوگون يونتالييب، اۇزو بويدا بىر قىز شكىلىنە چىخاردىب، ائولرىنە آپارىر. خانىمى مجسمەنى گۇرندە اونو باغرىنا باسيب، چوخ سئوينير. تىز ساچلارنى كسيب، تخته قىزين باشينا ياپىشىدىرب، بىر گۇزل تىللى، اوزون ھۇروكلى قىز ائليير. او تخته قىزا وسمە، سورمە، انىك- كىرشان ياخيپ، ھر گون چۇلون



گۇزل گوللرى ايلە دوداقلارين رنگليير. خانىم خياط اولدوغونا گۇرە آللى- گوللو قوماشلار ايلە قىزا شلتە، تومان و آرخالىق دا تىكىر. خانىم داريخاندا پنجرەدن ائشبيگە باخاردى. او تخته قىزى دا گتيريب، پنجرەنين قاباغينا قويوموشدو، گوندە اونولا دردلىشيب، نازين چکردى.

گونلرين بىر گونوندە، شاهين اوغلو خدم- حشمى يەلە شكارا چىخمىشىدى. بىر جار يول گنديرلر، اما اوودان اثر اولمور.

يورقون- آرقين، بير دينچ آليب، يىمك- ايچمك اله گتيرمك اوچون، يول لارين بير كندين قيراغيندان سالىرلار. گنده- گنده اوغلانين گۆز و بير ائوين پنجره سينين قاباغيندا دوران بير گۆزل قيزا ساتاشار. بويورار:

- گندين او قيزى منيم يانيما گتيرين.

خدمه لر نجارين قايسىنى چاليب، خانيمدان قيزى شاهين اوغلونون يانينا آپارماق ايسته ديلر. خانيم ال- اياغين ايتيردى، گلدی دئيه بيزيم قيزيميز يوخدور، سۆزون آغزىندان قايتاريب، دئدى:

- قويون كيشيم گلسين، قيزين اؤزو ايله دانيشاق، سونرا دا قوشاق سيزين يانيزا آپارون. گئجه نجار ائوه گلندن سونرا، خانيمي ماجرانى اونا دانيشدى. نجارين ايكي الى اولدو بير تپه سي. دئدى:

- آرواد دئسك بو دوغرودان آدام دئييل، اينانماييب، بيزى اؤلدوره جكلر، گل دئيك بيزه سون گۆروش اوچون وقت وئرين. او زمانا كيمي آلايه قادر دى.

نجار شاهين اوغلونون ائلچى لرين يولا ساليب، ائوى قارائليق ائلييب، باشليير آلاها يالوارماغا. بو حالدا ايكي سي ده يوخلويورلار. اونلارين يالواريشى آلاها خوش گنديب، مجسمه به جان باغيشلايير، مجسمه اولور گۆزل، اوجا بويلو، سارى تئل لى، اوزو آغ، صورتى قيرميزى بير قيز.

سحر آچيلاندا، خوروز بانلاييب، قارقالار قاريلداياندا، نجار ايله خانيميسي يوخودان اويانيب، قورخو ياتير جانلارينا. اونلار داش كيمي دوشوب، ياتماقلاريندان بتر هويوخورلار. ال- اياق ائلييرلر قاجسينلار، بيردن گۆرورلر بير گۆزل قيز قاباقلاريني آليير. نجار ايله خانيميسي اونو گۆرنده آغزى آچيق قاليرلار. سونرا دا آلاها شكر ائلييب، قيزى باغريلارينا باسيرلار. ننه سي دئيير:

- قيزيم! بو ائوده گۆروب، ائشيتديكلرين بوردا قالسين، سن دانيشسان بيزى قويمازلار ديرى قالا.

سونرا دا بير بالاجا داشى قيزين جيبينه ساليب، دئير:

- قيزيم! سنى بيزيم اليميزدن آليب، شاهين ائوينه آپاراجاقلار. هر نه سوروشوب، دئسه لر، سن اينيب، دينمه، داش ديله گلنده، سن ده ديللن.

قيزى قوشورلار شاهين اوغلونون قوشونونا گندير قصره. قصرده هر كس قيزدان بير سۆز سوروشور، جواب ائشيتمير، بير كسه ده قوشولمور. لايد قاليب، يوللويورلار ميطباخدا پيشير- دوشوره ال يئتيرسين. قيز مطباخدا لالام- لال، كارام- كار، كورام- كور ايشه باشلييب، هر ليندن بير هونر ياغديرير. بالا- بالا هرزادى گۆروب- گۆتورور. هرزادى اؤرگشييب، اورداكى

قىزلار يېنان ساباغ باغلىير. قىز گۇروردو او بىرى قىزلار شاهين اوغلونا يىمك پىشيريپ، آپارماغا گۇره اۇزلىرىنى اوتا- كۆزه ووررلار. قىز اۆز- اوزونه فيكىرلشیر:

- من چوخداندى آتا- آنامى گۆرمه ميشم، من ده بير يىمك پىشيريپ، آپاريم شاهين اوغلونا، بلکه خوشونا گلدی، اجازه وئردی من ائويميزه گندم.

قىز بو فيکر ايله تاوانى اوتون اوستونه قويوب، ايچينه سارى ياغ تۇكوب، الينى گۆيه قالخيزيب، آشاغى گتيرنده، هر بارماغيندان بير قيرمیزی باليق دوشور تاوانين ايچينه. قىز باليقلاری قىزارديپ، وئير خدملر شاهين اوغلونا آپاريرلار. شاهين اوغلو باليقلاری گۇروب، دادينا باخاندا دئير:

- گندين بو يىمگى پيشيرنى منيم يانما گتيرون.

گتيريرلر گۇرور همان لال قىزدی. شاهين اوغلو دئير:

- جار جار قىزی، جار جار بو نهدی؟

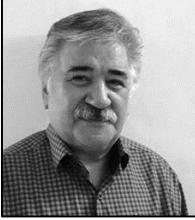
قىز گۇرور يئردی ديله گليب، ايستگين دئسين. دئير:

- قوربان! اورگيم دده نهمه بير تیکه اولوب، قوی گنديم اونلارين يانينا، ائشيتميشم من چيخاندا سونرا آلازلاييبلار.^۱

شاهين اوغلو قىزی مينديرير آتا، اونولا گنديرلر، نجارين ائوينه سارى. نجار و خانيميسى گۇرورلر بير اوجو- بوجاغى اولمايان کروان گلير. قىزلارين کرواندا گۇرندە، دئيرلر بس بير زاد اولوب، قىزی قايتارييلار اونلارين باشينا، ايندى دی کی، اونلارين باشلارين بدنلريندن آييرسينلار، اونا گۇره هوشدان گنديرلر. شاهين قوشونو قىزی آسيلي- قوسلى آتين داليسينا قوشدوقلاری کجاوه دن يئره ائنديريپ، ائوه ساری آپاريرلار. آتا- آناسی هوشدان آييلير، قىزی باغرينا باسيپ، ناخوشلوقلاری يادلايرندان چيخير.

شاهين اوغلو قىزی بير داها اونلاردان ائلچى ليک ائله دی. اونلاری دا گۇتوروب، قصره ساری يولا دوشدی. يئددى گنجه- يئددى گونوز توی توتدولار. داها «جار جار قىزی» آدی او مملکتين آداملارينين آغزيندان دوشموردو. جار جار قىزی هر شهر دن کئچنده، اورانين آداملاری ايله دانيشيب، ايستکلرين يئرینه گتيريدی. اونا گۇره عزيز ملکه لرین بيری اولدو. جار جار قىزی هر نه يه الينى ووراردی، قىزىل اولاردی. دوره مملکتلردن ده اونو گۇرمک اوچون بونلارين مملکتينه گليب، دوست اولان چوخ اولدو. اونلارين گۇزل قىز و اوغلانلاری اولدو و هاميسى بيرليکده خوشبخت اولدولار. ناغيل دئين ساغ، سيز سلامت اولون.

^۱ - آلازلاماق: نوخوشلاماق



شون لطیفه لریندن علی حاجیلی

♦ آعا شیخ

ائله اوجور کی قدیمکیلردن ائشیدیبیک کندلرده ییغیشیب بیر نفر آق ساققال باسواد و قرآن اوخویان گتیریمیشلر و بیر آیلیق اونا وئیریمیشلر، هم اوشاقلارا درس وئره، هم مذهبی مسایلدن دانیشا ناماز شکیات دئییب، کئنده ائلجه بیلن اولار.

گونلرین بیر گونونده بیر آعا شیخین بیر کئنده ایلی باش اولوبموش و گئدیرمش اؤز دیارینا چاتار بیر گدیک اوسته باخار باش آشاغی گؤرر بیر گؤزل چاییرلی - چیمنلی کند دره نین تکینده وار. خلاصه کئچمه لی دئییل، اوتورار گدیگین باشیندا الین قویار چنه سی آلتدا گئدر نقشه یه، بیردن باخار گؤرر نئچه نفر ایره میش قوجا کیشی او آشاغیدا دام کؤلگه سینده چوبوق چکیلرلر، گئدر اولارین یانینا دئیر:

- سلام علیکم ماشالله نه قشنگ کندیز وار، فقط او بیر دنه بؤوک قیه خراب ائله ییب، اگر او دیغیرلانا گله آشاغی کند آدمی نین یاریسین قیراجاق من باشارام دوعاینان اونو یئر به یئر ائله ییم.

خلاصه نه باشیزی آغریدیم اوزونو او کئنده یئر ائلر و بئش آی بؤر یئر، بؤر دولانار و بیر گون دئیر:

- کتابا باخیام آیین یئددیسینده قمردرعقرب دئییل، هر ائوده کندیر وار ییغیشدیرین انشاءالله قیه نی یئر به یئر ائیلرک.

گون اورتادان قاباق دستور وئردى خالق تامام ييغىلدى اورا و كندىرلرى دويونلەدىلر بىر-
بىرنە ايكي دور دولادى قاينان دورەسىنە، ايكي اوجون آلدى اؤز اليئە، سالدى چيگىننە،
باشلادى: انا انزلنا اوخوماغا.

و بىردن:

- ياعلى قاوازين وئرين بئليمە!

كندىن آدمى وار گوجلرى يله چكدىلر؛ گۆردولر خئير، هئچ باشا گلن ايش دئيل، بو حالدا
موللا اوتوردو يئرە، ووردو باشينا دئدى:

- من نه كول تۆكوم باشيما سىز قاوازا بىلمىرىز، قويايز منىم چيىنىم اوستە، آپارام
اويانى...

يئمكلر
و ايچه جكلر



سوغان شيله‌سی (شله پیاز)

حنا آریاپور

شخص منبع: مادر شوهرم حاجیه سکینه خانم
وحدت‌خواه، اهل خوی

شله‌ها مجموعه غذاهایی هستند که زمانی در ایران و به‌خصوص در آذربایجان بسیار متداول بودند، اما اکنون تنها شله‌زرد یا "ساری شيله" آن‌هم بیشتر به خاطر اینکه با سنن مردم گره‌خورده در مناسبت‌های مذهبی پخته می‌شود، حفظ‌شده این نوع شله بیشتر مصرف اجتماعی دارد یعنی در منوی غذای خانوادگی نیست بلکه بیشتر به منظور توزیع بین دروهمسایه‌ها پخته می‌شود، شله‌زرد همچنین اخیراً به‌عنوان دسر بعد از غذا در مهمانی‌ها سرو می‌شود. اما به جز شله زرد سایر شله‌ها عموماً از تداول افتاده‌اند.

از شله‌های مشهور آذربایجان می‌توان به "ساری شيله" یا شله‌زرد، "مرجومک شيله‌سی" یا شله عدس، "یارما شيله‌سی" یا شله بلغور، "اریشته شيله‌سی" یا شله رشته و... اشاره کرد.

شله‌ها از شوربا و یا آش سفت‌تر هستند، شوربا و بعضاً آش را تیلیت می‌کنند اما شله‌ها را هیچ‌گاه تیلیت نمی‌کنند چون آب چندان‌ی ندارد که نان آنرا جذب کند. اما غذای نرمی‌ست. سوغان شيله‌سی یا شله پیاز، شله‌ای است که علاوه بر اینکه خوراکی مغذی است، برای درمان سرماخوردگی و گلودرد نیز مفید است.

♦ طرز تهیه شله پیاز

مواد لازم شله پیاز برای ۳ نفر:

پیاز سفید: ۳ عدد بزرگ و یا ۴ عدد پیاز متوسط

برنج ایرانی: ۱ پیمانه (۲۵۰ میلی‌لیتر)

روغن: ۱ قاشق غذاخوری

آب: به میزان لازم
زعفران: در صورت تمایل به میزان دلخواه
نبات خورد شده: به میزان لازم
گلاب: نصف استکان



♦ طرز تهیه

ابتدا برنج را شسته و با روغن و آب داخل زودپز می‌ریزیم، سپس پیازها را نگینی خورد می‌کنیم و روی برنج می‌ریزیم و می‌گذاریم به مدت نیم الی یک ساعت بپزد (بستگی به زودپز دارد).

برنج و پیاز باید طوری پخته شوند که نتوان آنها را از هم تشخیص داد، (حاجیه خانم می‌گویند: گرک سوغان‌نان دویو بیر- بیریندن سئچیلمه‌سین) سپس نبات خورد شده را به آن اضافه می‌کنیم،

این شله در اصل سفید رنگ است اما اگر بخواهیم رنگ داشته باشد، کمی زعفران هم بدان اضافه می‌کنیم و اجازه می‌دهیم روی حرارت ملایم بماند تا نبات کاملاً آب شود و شله ما هم غلیظ‌تر شود.

اصولاً شله‌ها نباید آبکی باشند و باید حالت خمیری داشته باشد. در نهایت گلاب را هم اضافه می‌کنیم، گلاب برای معطر کردن شله است.

حاجیه خانم می‌گویند: چون برنج و پیاز هردو سردی (سویوقلوق) هستند، این سردی با اضافه کردن نبات که گرمی (ایستی‌لیک) است، تعدیل می‌شود و بسته به اینکه مزاج شخص که شیرینی‌دوست باشد یا نه، مقدار نبات می‌تواند کم یا زیاد باشد.

شله پیاز برای تسریع در درمان سرماخوردگی و سینه‌درد و سرفه‌های مزمن بسیار مفید است.



خیتاب لیلا ندایی

قایناق شخصلر:

حاج گل محمد
ندایی/دوغوم ایلی:
۱۳۱۴ / دوغوم یثری:
مغانا باغلی اولان
«کند» ده / یاشام
یثری: اردبیل



گول تاج اسفندیاری/
دوغوم ایلی: ۱۳۲۰/
دوغوم یثری: مغانا
باغلی اولان «کند» ده/
یاشام یثری: اردبیل.



هله آپارتمانلار سویوق چادراسینی شهرین باشیانا چکمه میشدن ایل لر اؤنجه، آذربایجان خالق بول- بول صمیمیتله دوستوق دولو بیر دوروملا شن یاشاپاردیلار. هر محله نین خانیملاری بیر یئره ییغیشیب بیر- بیرینه ایشلرینده یاردیم اندیب خوش گذرانلاری وار ایدی. مثلا بیر تندیر باشیندا دئییب، گولوب، ظارافاتلاشاراق بیر- بیرینه کؤمک اندردیلر. هر هفته بیرینین چؤرگینی بیشیرردیلر. تندیردن چیخان چؤرگین گؤزل اییی بوتون کوچهنی آلاردی باشینا. اوشلاقلار دا قاپی- باجادا های- کویله، قاچان- قاچان، ائوجیک- ائوجیک، بئش داش، قوناق باجی و اونلار تام شنلیکله لذت ایچینده اوشاقلیق دورانلارینی کئچیردیلر، هردن ده آجالاندا قاجیب قوجا ننه لریندن ایستی، دادلی کره- پنیر بلله سی آلیب، بلله لرینی دیشلرینه چکه- چکه اوینامقلارینین آردینی توتاردیلار.

بعضی گونلر خانیملار بیر یئره توپلانیب خیتاب چؤرگی بیشیردیلر. بو اسکی چؤرگین بیشیرمک طرزى سینه به سینه ننه لردن بالالار یا گلیب چاتمیشدیر. هر دؤنه بیرینین قاپیسیندا یا حیطینده بیشیریلردی. خیتاب تندیرده یوخ، ساج اوستونده بیشردی. تشته بنزر یئکه بیر میس قازان اوسته بیشیردیلر. اودون- چوبوق توپلاییب، اود کؤز سالاندان

سونرا، دالیسی صاف تشتی آغزی اوسته اودون اوستونه قویاردیلار یاواش- یاواش قیزیشیب ایستی لیگی چۆرگی بیشیرمک حالینا یئتیشدی.

آذربایجانین هر بیر یئرینده خیتاب بیر طرزده بیشیریلر، آنجاق موغان ائل- اوبالاریندا: «شومون» آدلی بیر یئلمه لی بیتگینی خیردا- خیردا دوغراییب، قوورولموش سوغانا آرتیریپ یئنی دن اوجاق اوستونده توو وئرلر، اونا بیر آز ایستی اوت، نعن، ساری کۆک و دوز ووروب قاریشديررار، ایچلیک آدلانان بو حاضیرلانان موادی قیراغا قویوب، سرینله یینجه ال وورمازلار. بیر گنجه قاباقدان حاضیرلانمیش کونده- کونده ائدیلن خمیری، اوخلو و ایله صافالیدیپ اوچ بوجاقلی شکله سالاندان سونرا حاضیرلانمیش مواددان لازیمی قدر وارقا حالتیه دوشموش خمیرلرین ایچینه یاییب خمیری بوکرلر، بوکولن اوجلاری کامیل بیر- بیرینه یاپیشدیریب ساجین اوستونه قویارلار. خیتابین بیر طرفی بیشندن سونرا چئویریپ باشقا طرفینی ساجین اوستونه قویارلار. اله گلن بو دادلی چۆرگی دوغال کره- پئندیر هابئله قایماقلی قاتیقلا یئیرلر.

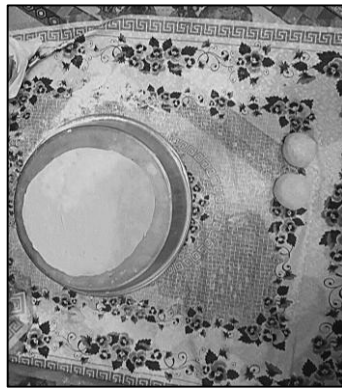
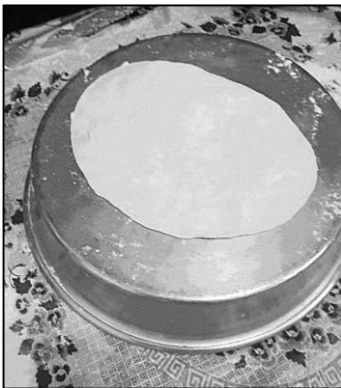
خیتاب اؤزل بیر مناسبت اوچون بیشیریلمز. بو چۆرک موغاندا چوخ قدیم زامانلاردان بری بیشیریلن چۆرکلردن ساییلیر. اونون هم فایدالی، هم ده دادلی اولدوغونا گۆره تئز- تئز بیشیریلیر. خیتابین ایچ موادی تره وزلردن اولدوغونا گۆره اونو دوندوروچونون بوز دولابیندا ساخلاما ق اولماز، بونا گۆره کی ایچ تره وزلر بیر- بیرینه یاپیشار یا دا چۆرک ایسلانیب خمیر اولار. لازم اولان زمانلار ایکی- اوچ گون دوندوروچون اوست قاتیندا ساخلانایلا بیلر. یوخاریدا قتید اولان طرزدن باشقا، خیتابی آشاغیدا یازیلان چئشیدلی طرزلرده ده بیشیرمک اولور:

۱- شوملا اسفناجی خیردا- خیردا دوغرانا، سونرا خمیرین ایچینه یاییلیب، ساج اوسته بیشیرلر، اوتای بو تاینیا بیر ذره ده بئله یاغ آرتیریلماز بو طرزده بیشیریلن خیتاب چوخ فایدالی اولور.

۲- آغ و قارا جییر خیردا- خیردا دوغرانیب، سودا بیشمیش یئر آلماسی ازبلیب جییرلره آرتیریلاندان سونرا، دوز، ساری کۆک، نعن، شوید و مزاجا اویغون باشقا چاشنیلار وورولار، مخلفات نازیکلشمیش خمیرین ایچینه یاییلیب، خمیری سلیقه ایله بوکولوب داغلاشمیش یاغین ایچینده اوتای- بو تایی قیزاردیریلار. بئله خیتاب ان دادلی خیتابلاردان اولار، آنجاق بوغ ایله بیشن خیتاب کیمی فایدالی اولماز.

۳- خیتاب بیشیرنین باجاریق و ذوقوندان آسیلی اولاراق، تویوغون دؤش اتیدن، یا دا چرخلنمیش قویون یا مال اتیدن و... استفاده ائدیپ خیتاب بیشیرمک اولار.

دئمك بوغ ايله بيشن بو دادلى، عطيرلى چۆرك آذربايجان مطبخى نين آن ساغلام يئمكلريندن بيرى ساييلير. خيتاب قانى آز اولان شخسه اولدوقجا فايداليدير. اينديلر خيتاب بيشيرمك ارادان گتمكده دير آنجاق هله ده موغان ين بير چوخ كندلرله ائلاتلارينين آراسيندا آز- چوخ بيشيريلير.



۲- تشتين داليندا آچيلان خيتاب چۆرگى

۱- بير گئجه قاباقدان حاضرلانميش
كونده- كونده ائديلن خمير



۴- مخلفاتى نازيكلشميش خمير ين ايچينه
يايىليب، خميرى سليقه ايله بوكوب
داغلاشميش ياغين ايچينده اوتاي- بو
تايين قيزاردارلار.

۳- «جينجىلين» يا «شومون» آدلى بير
يئممه لى بيتگيني خيردا- خيردا
دوغرارلار و سوغان و باشقا آرتيرمالارلا
قاتيب، ايچليك دوزلدلرلر.

اٹل بیلیمی



موسسه غیرانتفاعی آذربایجان اٹل بیلیمی

دوندوران (بهمن) آبی ۱۳۹۶

۹۷



عاشیق
یارادیجیلیغی
(عاشیق شعرى، عاشیق
موسیقیسی، عاشیق
داستانلاری و...)



موسیقی عاشیق، میراث گرانبها

اصغر علی نژاد

هنر موسیقی به عنوان یکی از اولین پدیده‌های احساسی بشر که آگاهانه در خدمت روح انسان بوده است از ابتدای تاریخ در بیشتر قبایل و فرهنگ‌ها به صورت مراسم و آیین‌های مختلف ظهور یافته و وسیله‌ای برای ابراز همبستگی جمعی و از بین بردن ترس‌ها، غم‌ها، ایجاد آرامش و شادی و حتی عبادت و پرستش در میان افراد قبیله بوده است. موسیقی شکلی از هنر است که احساس، عاطفه، ادراک و شناخت انسان را بدون نیاز به تکلم و زبان منتقل می‌کند. در عصر حاضر با وجود پیشرفت جوامع و ترکیب فرهنگ ملل گوناگون، موسیقی نیز اشکال متنوعی یافته و تأثیر متفاوتی بر انسان می‌گذارد. در دنیای امروزی از تأثیر هنر موسیقی استفاده‌های گوناگونی می‌شود که برای مثال در علم موسیقی‌تراپی به عنوان یکی از روش‌های درمان مورد استفاده قرار می‌گیرد که نتیجه‌ی قابل قبولی نیز به



همراه داشته است. بنابراین موسیقی به شدت بر جسم و روان انسان تأثیرگذار بوده و می‌تواند تمام لطایف و عواطف یک فرد را به تلاطم درآورد. چنانکه برخی از آهنگ‌ها به آدمی آرامش می‌بخشد، برخی موجب حزن و اندوه و برخی دیگر موجب تحرک و

شادی می‌شود. به همین خاطر موقع انتخاب و گوش دادن موسیقی باید خیلی دقت کرد. موسیقی زبان آرزوها، انتظارات و عواطف بشری بوده و هر قوم و ملتی بر اساس ویژگی‌های فرهنگی خود، موسیقی ویژه‌ای دارد. در این میان یکی از متنوع و بحث‌برانگیزترین موسیقی‌ها موسیقی آذربایجان است که اشعار و موسیقی فولکلوریک به ویژه عاشیق یکی از میراث‌های آذربایجان بوده و می‌توان مدعی بود که این ثروت گنجینه‌ای گران بهاست که هرگز تمام نمی‌شود. عاشیق که در ابتدا ریشه‌اش از اوزان‌ها و

باخشی‌ها بوده، از اجداد و پدران ما به ارث رسیده که سرشار از معنویت، جسارت، سادگی، صمیمیت، محبت و عاطفه است و به خاطر ویژگی‌هایش که محور آن انسان، زندگی اجتماعی و معنویات مربوط به زندگی انسان است در تمامی مناطق آذربایجان گسترده شده، به‌طوری‌که هیچ نقطه‌ای از آذربایجان را نمی‌توان یافت که این هنر بدان‌جا راه نیافته باشد. به‌عنوان مثال در زندگی عشایری به‌راحتی می‌توان پی برد که فولکلور و موسیقی عاشیق بخش مهمی از حیات آن‌هاست.

فولکلور میراثی است گرانبها که به‌سان آینه‌ای، سیمای مادی و معنوی هر قوم و ملتی را عکس می‌کند. در این خزینه، هستی، موجودیت، تاریخ، زبان، آداب‌ورسوم، باورها و بسیاری از عادات مردم را می‌توان دید. درواقع برای شناخت عمیق یک ملت و شناخت معنویات و علایق آن، باید آثار فولکلور ازجمله موسیقی، شعر و داستان‌ها و همچنین بازی‌های بومی و محلی و... را جستجو و مورد مطالعه قرار داد. آذربایجان و مردمانش نیز بنا به پیشینه‌ی بلند تاریخی، فولکلور خاص خود را دارند که می‌توان بخش عظیمی از آن را در قصه‌ها و داستان‌ها و اشعار هنر عاشیقی باقی‌مانده در مناطق مختلف آذربایجان یافت. می‌توان یادآور شد که در کنار موسیقی عاشیق، موسیقی ردیف و دستگاهی و به عبارتی مقامی آذربایجان نیز اهمیت و جایگاه خاصی دارد که در مقالات بعدی نیز مفصل به آن پرداخت خواهد شد.

درکل محتوای موسیقی آذربایجان اغلب با موضوعات عشق، پند و اندرز، صلح و دوستی، مقاومت و مبارزه، دفاع از حق مظلوم و ایستادگی در برابر ظالم که از اصلی‌ترین رسالت هنر و هنرمند بوده، از اندیشه‌ی شعرای بزرگ و تفکر عاشیق‌ها و موسیقیدان‌های مقامی آذربایجان نشأت گرفته و با فرم آهنگسازان، نوازندگان و خوانندگان، محصول شیرین و ماندگاری به نام موسیقی آذربایجان را پدید آورده است که امید است با کمک اهالی هنر و همچنین توجه ویژه‌ی دولتمردان به فولکلور و موسیقی آیینی کشورمان، این هنر والا و مقدس در جایگاه اصیل خود قرار گیرد.

در پایان این را می‌توان گفت که با رجوع به تاریخ و پیشینه‌ی موسیقی در مملکت ما، اهمیت و قداست این هنر بزرگ بر همه‌ی ما هویداست و هنرمندان این حوزه نیز وظیفه‌دارند تا سه نکته‌ی بزرگ و اساسی را پیش ببرند. اول اینکه انتقال سینه‌به‌سینه‌ی تجارب بزرگان و پیشکسوتانی که مهر و موم‌هاست بدون هیچ چشم‌داشتی با عشق و علاقه به حفظ و اشاعه‌ی این هنر والا می‌پردازند. دوم تشویق و ترغیب نسل جدید علاقه‌مندان و هنرجویان به یادگیری دانش و علم موسیقی. سوم اینکه احترام به مردم و تولید آثار خوب برای آنان، که این موارد نیز مسئولیت بسیار سنگین و دشواری است بر دوش هنرمندان، همچون بردن شمع‌ی در باد.

تيكان تپه (تکاب) ماحالی نين عاشيق مکتبی و عاشيق هاوالاری احمد اسدی



گۆزل آذربایجانیمیزین ان قدیم و ان اصیل مدنی ارثی اولان، عاشیق ادبیاتی و عاشیق موسیقیسی تاریخلردن سوزولوب گلن بیر وارلیق اولاراق، بوگونده یاشاماقدادیر. عاشیقلیق گلنگی اسکیلردن بری، شامان زامانلاریندان اسلام دؤورونه و اسلام دؤوروندن بوگونه قدر اؤزونو چئشیدلی آدلار و چئشیدلی اؤزلیکلره ساخلايیب، قوروپوبدور. اسکی چاغلاردا عاشیقلیغیمیز یوردوموز بویوندا بیر اولسا دا، زامان کئچدیگجه، چئشیدلی بؤلگه لرده اؤزونه مخصوص لمس تاپیب و اؤزونه مخصوص اؤزلیکلره صاحب چیخیب و بیر-بیرلری ایله فرقلنهرک، عاشیق مکتبیریمیز یارانیب. بیز بوگون عاشیق مکتبیریمیزده فرقلی هاوالارا نظر سالاندا، اونلارین روحلارینین بیر اولدوغونو گؤروروک.

حتی چوخلو هاوالاریمیز دا عینی دیر، یالنیز چالماقدا و اوخوماقدا فرقلنهرک، بعضی ریتمیک اولور، بعضی لرینده ریتم سینیر، بعضیلرده ده اوخونان سؤزلر اوزادیلیر و... ایندیليکده نچه بؤیوک عاشیق مکتبیمیز وار، اونلاردان اورمو عاشیق مکتبی، قاراداغ، هئشتری، شیروان، بورچالی، زنجان، همدان، قوم-ساوا، گؤیچه، قوبا-قوسارین و... آدینی چکمک اولار. بونلار ایله یاناشی کیچیک عاشیق مکتبلری ده وار. آما او قدر ده آنا عاشیق مکتبدن فرق ائتمه بیر و سئچيلمه بیر. کئچنلرده، خریطه نی اؤنومه قویاراق، مختلف مکتبلرین یئرلشدیگی شهرلره نظر سالدیم. اورمودان توتدو قاراداغا، زنجانا و... چئشیدلی شهرلرین عاشیقلاری ایله چوخلو مجلسلرده

بیر یئردە اولدوغوما گۆرە، آزدان- چوخدان عاشیق مکتبیرلرینین اؤزلیکلری و هانسی شهرلردە اولدوغونو بیلیردیم. بو آزادا تیکان تپە (تکاب) ماحالی دقتیمی اؤزونه چکدی. اورادان نه عاشیق تانییردیم، نه ده هاوالاریندان خبریم وار ایدی. بونا گۆرە ده بو ماحالین هانسی مکتبده اولدوغو منیم ماراغیمی اؤزونه جلب ائتدی و بو حاقدا آرتیق بیلگی الده ائتمک اوچون، آراشdırماغا باشلادیم.

اورمو، تبریز و نچە شهرین عاشیقلا رینین اورالاردا هانسی هاوالار چالیندیغینی و هانسی مکتبده اولدوقلارینی سوردوغومدا، کیمسه بیر بیلگی منه وئره بیلمه دی. بونا گۆرە ده بو ماحالدا اولان عاشیقلار و عاشیقلیق منیم ماراغیمی داهادا چوخ اؤزونه چکدی.

اورا گئدیپ، عاشیقلاری ایله گۆروشمگه قرار وئردیم. بیر گون تیکان تپە شهرینه گئدیپ، سورا- سورا بیر عاشیغین آدرسینی تاپدیم. عاشیغین، آدی "عاشیق منوچهر ولی پور" ایدی. ۱۳۵۳- جو ایله ائله تیکان تپەنین اؤزوندە دوغولوب و اهل حق تورکلریندن دیر (عاشیق منوچهرین آتا- بابالاری نچە یوزایلدن بری عاشیق اولوبلار).

عاشیغیمیز ایله گۆروشدوم و بو گۆروشدە چوخ اؤنملی اولان مسئلهلر اوزه چیخدی. بو مسئلهدن یالنینز ایکسیسینه باخساق، تیکان تپەنین نه قدر عاشیقلیق باخیمندان اؤنملی اولدوغونو بیلەجگیک؛

۱- اورادا اولان عاشیق قرو پوندا ایشلنن موسیقی آلتلری: ساز، کمانچا، قوال و بالاباندان عبارت دیر. بو دا هئچ یئردە تایی گۆرونمهین بیر عاشیق دسته سی دیر.

۲- او ماحالین اؤزونه مخصوص بیر نچە هاواسی واردی. ائله بو ایکی عامله نظر سالساق، بو شهرده یئنی عاشیق مکتبەنین اوزه چیخماغینا گرک ایناناق. نییه کی، هم هاوالاردا بیر آز فرق وار، هم ده عاشیق اوچلوگو یئرینه، عاشیق دۆردلوگو وار.

هله بونداندا علاوه، بیر یئنی تاپینتی دا ائله او عاشیغین یانیندا اولدو. عاشیغین یانیندا کی کمانچا چالانین، کمانچاسی گۆردوگوموز و ائشیتیدگی میز کامانچالاردان فرقلیدیر و من ایندیهدک، بئله کمانچا گۆرمه می شدیم. کامانچانین هم اوزو، هم ده آرخاسی دری ایله اؤرتولدور و هئچ بیر یئردە و ملتده بو کامانچایا تای بیر چالغی آلتی گۆرونمه ییب.

بیر نچە ساعات عاشیغیمیز ایله بیر یئردە اولدوم و بیر تعداد اورانین هاوالاریندان دا منیم ایستگیم ایله عاشیق چالدی و من ده ضبط ائتدیم. اوندان سونرا، تیکان تپە مکتبە

اوسته، دانیشتیقارلار آپاردیق و بو شهرده نئچه عاشیق اولدوغونو سوردوم و سوالیمین جوابیندا چوخ کدرلندیریجی جواب ائشیتدیم ؛
 "بو ماحالدا تکجه منم، عاشیقارلارین هامیسی وفات ائدیلمر".
 بو سؤزدن سونرا، چوخ اوزوله رک، نییه گنجلر بس بو صنعته گلمیرلر دئییه، سوردوم،
 جواب دا نئت و آشکار ایدی: «بو صنعت حمایت اولونمور»

بو صنعت حمایت اولونمور

آرتیق بورا دا محروم بیر منطقه دیر، ایلهده یوزلر بلکه ده مینلر نفر (چوخو جوانلار) بورادان آیری شهرلره، اؤزلیکلره تهرانا کؤچورلر.
 بو سؤزو دوشوندوگوموزده و تیکان تپه نین بوگونکو دورومونا باخیغیمیزدا عاشیغین سؤزونو هئچ ده یانلیش اولمایان بیر مسئله گؤره جگیک. عاشیق محروم دئدی:
 یئرئ گلمیشکن بیر مثال گتیریم ؛ سائین قالا ایله تیکان تپه آراسی ۹۰ کیلومترلیک بیر یولدور. بو ۹۰ کیلومترلیک یولدا، بیر دنه ده اؤرنک اوچون بنزین پومپو یوخدور.
 هله اوندان دا علاوه یوللاردا دئییه سن، قاجار و بیرینجی پهلوی دؤوروندن قالما یوللارا اوخشیایر. دوشونون، بیر نفر ایسته بیر، ماشینینا، تراکتورونا و یا هر نه یاناجاق لازم اولان وسیله سینه، یاناجاق دولدورا و فاصله سی ده شهردن ۴۵ کیلومتر اولا، گرک ۴۵ کیلومترلیک مسافه نی شهره گنده و ۴۵ کیلومترده قاییدا. بو اولدو ۹۰ کیلومتر، دولدوردوغو یاناجاغین یاریسی قوتاردی. اورانین محرومیتینه گؤره، اونلارلا میثال چکمک اولار.
 ائله بونا گؤره ده ایلهده نئچه مین نفر یئرلی اهالی اورادان کؤچرک، آیری یئرلره گئدیر و اونون عوضینده ایرانین غربی اوستانلاریندان بورا دولورلار. نییه کی اورمییه گندن یول نه قدر ده خراب اولسا، عوضینده او بیرری اوستانلارلا باغلانان یوللار، گئدیش- گلیشه یاخشیدیرلار.

هر حالدا ایندی دوروم بئله دیر، ایسته سک ده ایسته سک ده، بیزیم بوینوموزا دوشن اؤز کولتوروموزو و ادبیاتیمیزی قورویوب ساخلاماقدیر و عاشیق منوچهر کیمی قوچ ایگیدلری یاددان چیخارتماقدیر. نییه کی بیزیم کولتوروموزو اورالاردا یاشادیر. ائله بو سؤزله عاشیغیمیزدان آیریلدیم. اما تیکان تپه فیکری منی بوروموشدو.

بیرجہ لحظہ دہ بئینیمدن ائشیگہ چیخماییردی. عاشیغین اوخودوغو، گۆزل تیکان تپہ
 هاوالاری، تیکان تپہ گۆزللمه سی، تیکان تپہ شیکسته سی، جمشیدی، همدانی،
 عثمانلی و... هله ده ذهنیمده دیر و بو مکتبین نئجه آذربایجان بویوجا تانیتدیر یلماسینا هله
 ده دوشونورم.

دوزدور ایندی عاشیق منوچهر او ماحالین سونونجو و تکجه عاشیغی دیر ؛ آما تیکان تپہ
 عاشیقلیغی هله ده یاشاییر و هله ده بو مکتب دیری دیر، بونا گۆره ده گرک گله جگه اومودلو
 اولاق.



ساغدان سولا: عاشیق منوچهر ولی پور، احمد اسدی، علی حامدی، قوربانعلی صمدی،
 ایرج شریفی

ال ایشلری
(ائو وسایلی،
ایش وسایلی،
موسیقی آلتلری،
ساواش آلتلری،
دۆشه‌مه‌لر،
گئیملر، بزکلر و...)

چوخت؛ چوبی به جای دفتر حساب! احمد جوادی

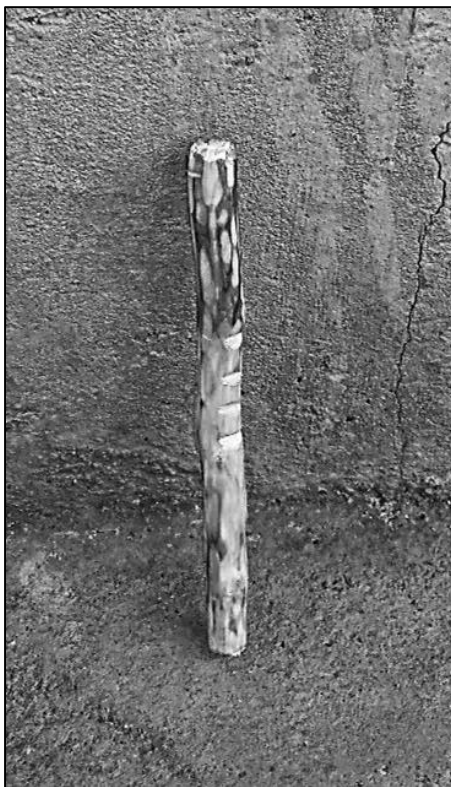


شخص منبع: رشید جعفری. ۶۰ ساله، شغل: قصاب. محل تولد و زندگی: چاربرج. سال گردآوری: ۱۳۹۶

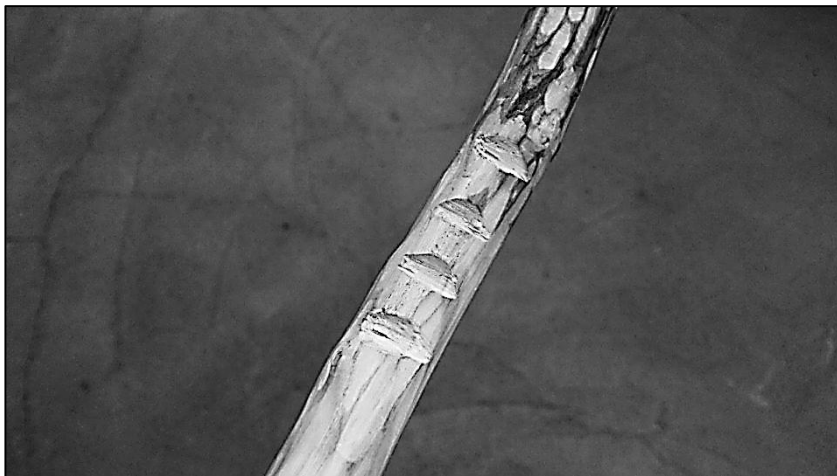
در زمان‌های قدیم در چهاربرج که نوشتن دفتر حساب مرسوم نبود و شاید سواد کافی برای این امر بین کسبه و بازاریان وجود نداشت، کسبه و بازاریان به‌ویژه فروشندگان نفت (نفتچی‌لر) و قصاب‌ها برای ثبت حساب‌های روزمره خود از وسیله‌ای استفاده می‌کردند که به آن "چوخت"/çuxat گفته می‌شد.

چوخت چوبی به اندازه نیم متر و به کلفتی انگشت اشاره بود که نام خریدار توسط شخصی با سواد روی آن حک می‌شد. هر خریداری که برای خرید گوشت مراجعه می‌کرد می‌بایستی که چوخت خود را نیز با خود می‌برد.

در این بین قصاب روستا نیز گوشت‌ها را به اندازه‌های مساوی تقسیم می‌کرد و با واحدهای وزن آن زمان وزن می‌کرد. برای مثال هر مقدار گوشت را یک پونزا



یا یک کیلوگرم در نظر می‌گرفت. خریدار اگر یک کیلوگرم گوشت می‌خواست، قصاب پس از تحویل دادن گوشت علامتی بوسیله چاقو روی چوخت ایجاد می‌کرد که این علامت شیار مانند را نیز چوخت می‌گفتند. اگر خریدار به مقدار دو کیلو گوشت می‌خواست، قصاب دو عدد شیار روی چوخت کنده کاری می‌کرد.



در روزها، هفته‌ها و ماه‌های آینده نیز به مرور با خرید گوشت بر میزان چوخت‌ها افزوده می‌شد تا سرانجام فصل برداشت محصول فرا می‌رسید. در این زمان هر خانواده چوخت‌های خود را نزد قصاب می‌بردند و بعد از شمارش تعداد آنها پول آن را نیز حساب می‌کردند یا عوض آن گندم و جو به قصاب می‌دادند.

نکته بسیار جالب در این بین وجود اعتماد و روح بالای راستی و درستی است که در جامعه و علی‌الخصوص بین کسبه و بازاریان برقرار بود و حساب دفتری مثل الان نزد فروشنده نگه‌داری نمی‌شد بلکه چوخت‌ها را بدهکارها نزد خودشان نگه می‌داشتند.



فولكلو یازی، فولکوشعر



شیرین خاٹیرہ لر زیور عباسی

گنچمیشلردہ ہر شہرین دورد بیر یانیندا اولان کندلردن، کؤچوب، گلنلر، ائل - طایفالیقجا، ائلہ شہرین، اؤز کندلرینہ لاپ یاخین یئریندہ اوتراق ائلہ ییب، محلہنی اوز آدلارینا تانیئتدیراردیلار. بو گون کیمی ماشین و تلفون اولمادیغی اوچون، آغیزدان - آغیزا و یا بیر-بیرلرینین قاپیلارینا گئتمک لہ قوناق چاغیریب، پاییز و قیش گنجهلرینی قاریداردیلار. او زمانلار بیر یئرہ ییغیشاندا، رادیو آچیلمازدی، تلویزیونون سریاللارینا دا باخیلمازدی، وقتی غنیمت ساییب، سؤز - صحبت ائدیب، دردله شیب، فیکیر چکردیلر. ناغیل و تاپماجا دئییب، گئتدیکلری سفرلردن دانیشاردیلار. گلن آئی و یا ایلین ایچیندہ نہ آلاقلارینی بیر-بیریندن مصلحت لشردیلر. ایندی بیرینین ائوینہ گئتمک اوچون تلفون ایلہ دانیشیب، خبر وئرمہ لی سن. بیر یئرہ ییغیشاندا دا، ہرہ نین باشی اؤزونہ قاریشیر، ہرہ اؤز ایچیندہ اوزو ایلہ دانیشیر. کچیکلی - بؤیوکلو ہرہ ہرزاددان خبر وئیر. آدامین اوزونہ باخاندا دا، او جورکی گرک، اورکلری قیزیشدیرمیر. ائلہ بیل ایستیرلر تئز قورتولوب، قاجالار. نئیلہ مک.... بو سؤزلری بوراخماق، سواللارین اوزونو سیلمکدہ یاردیم ائدیر...

یادیمہ گلیر آخشام اوستوندن، قوہوملارین بیرینین ائوینہ ییغیلیمیشدیق. آزی اللی - آلتیمیش اوشاق - بؤیوک اولاردیق. گنجه یاریلاریندان سونرا دوروب، اؤزوموزو باسدیریب، داراشلیق، بوروق - بوروق کوچہ لری سووشوب، خیوانا چیخدیق. ۱۳۵۶ - جی ایلین بالا چیللہ سنین آخیر گونلری ایدی. گؤی یئرہ قووشوردو، بیر بوران ایدی، گل گؤرہ سن، گؤز - گؤزو گؤرموردو. نفس چکدیکجہ، بورنوموزون پردہ لریندن، دامجی قیروو باغلیردی. بیر کؤکدہ یولون یاریسینی گلدیک، آزاراق گل - گئت وار ایدی. قوہوملارین ایکی ائویندن آیریلدیق، بیر ائویندن دہ، اون - اون ایکی باش یولا دوشدوک. ایکی سرباز قاباغیمیزی کسیب، دئدیلر:

- بيلميسيز حكومت نظامى وئريله جاخ؟ تئز گنديب، ائولريزه گيرين!
 آتا- آناميزين باشينا سانكى سويوق سو تۆكدولر. ال- آياقلاريني ايتيريب، «باش اوسته،
 باش اوسته» دئيه- دئيه يئيينلهديلر. گئچميش گئجهلرده بيز يئنىيتمه قيز- اوغلان
 اوشاقلارى، ميرتلاشا- ميرتلاشا، بند اول- اول، تلفون پوتكلارنى نين ايچينه گيريب، يالاندان
 تلفون ائليپ، بو يوللارنى ائويميزه گئدرديك. اما او گئجه باشيميز قالدى آياغيميزين آلتيندا.
 بوروق كوچهميزه گيريب، بيلمه ديك هاواخ قوهوملاردان آيريلميشيق! صباح تاريخ معلميميز
 دئدى:

- اوشاخلار! بو گونون تاريخين، كتابزون آشاغيسيندا يازون قالسين.
 محلهميزده سارى رنگى اولان تلفون پوتكاسى، يانيندا پوست صانديغى، اوز به اوزلرينده
 ده، خط واحد پوتكاسى (اتوبوس دوراغى) وارايدى. او زمان خط واحد بليطىنى ايكي قيرانا
 آلارديق. محله نين گوزرچى سى وارايدى. دونن گئجه شاختادان تلفون پوتكاسينا گيريب،
 دالدا لانميش ايميش. بئچارانى شاختا قورودوب، اؤلدورموشدو. ائله او گئجهلردن سونرا،
 گاهدان گلولة سسى، گاهدان دا آدمالارين سسى گئجهلر ائشيديليردى، اما ائشيكه چيخاندا
 هئچ كسى گورمك اولمازدى!!!

هر ايل قيشين سونلارى، حووضون بوزونو سينديريب، بالا- بالا ائو- ائشيكى يوماغا
 باشلارديق. فاب و چاي قوطولاريندان چيخان، نئچه وقت قاباقدان ييغديغيميز كيچيك
 كارتلارى آپاريپ، مدرسه ميزين يانيندا اولان بير يئره وئرديك. اوردا وانت ماشينى ايله
 كرخانالارين نمايندهلرى گليب ساخلاردى. او نمايندهلر كارتلاريميزى آليپ، يئرینه مجمعى،
 ليوان و آيرى شىلر وئردى. اسماعيل آغادان دا آينا، داراق، دوميله (باش تئلى) آق تور ياخا
 و باش سانجاغى آليپ، سئوينه- سئوينه گودرديك آتا- آناميزدا بايرام پالتارلاريميزى
 آلسينلار. اما او ايل بير كسين دونو آچيلميردى...

نئچه گون بايرامدان گئچميشدى. قوناغيميز گلدى. مامانيم ييرمى بئش تومن پول وئريب،
 بير آر باشيما اوخشايب، نصيحت ائله ييب، دئدى:

- قاش نعمت قصابدان بير كيلو چرخلنميش ات آل، كسرينه ده چور كچى رضادان تازا
 چورك آل تئز قئييت گل!

كوچهده گليرديم. اوغلانلار پيلدسته اويونون قيراغا قويوب، ايكي يولداشيمين
 قارداشلارى، قاچا- قاچا گليب منه دئدiler:

- چادراوی وئر باغلیخاچ کوچه‌نین او ال- بو الینه بیر آز والیبال اوینیاق، قوتولاندان سونرا گتیریب، وئررم.

من دئدیم:

- ائله درس اوخوموسان کی، تجدید گتیریب، رد اولورسان دا! گند ائویزه، امتحان واروندی! بونو دئدیم، قاچدیم. من قاچ، عسگر قاچ، اما او منی توتا بیلمه‌دی. تئوشویه- تئوشویه گیردیم ائویمیزه. بئچارا مامانیمین اورگی اوزولدو. دئدی بس نه اولوب!

لئسان یاغیشلاری نین وقتی ایدی. گؤیون ائله بیل قاپیسینی آچمیشدیلار سویو آخیدیردیلار. خیوانی سو آلمیشدی، یاغیش دوشموشدو کوچه‌لره، نوودانلار خاریلتی ایله ایشلییردی. منده یولداشیملار مدرسه‌یه گئدیردیم. اقا قیا آغاجلاری گول آچمیشدی. اونلاری دریب، اوستونو سویوب، توخومونو دیلیمیزین آلتینا قویوب، «امتحانیمیزی یاخجی وئراخ» آرزیلادیق. امتحانی قورتاردیق، خانم ناظم دئدی:

- اوشاقلار چادراسی اولانلار گئتسینلر ائولرینه، چادرالاری اولمایانلار دا اگر ائولرینه تلفونلاری وار زنگ ویریب، دئسینلر چادرا گتیرسینلر. اولاردا ائولرینه گئتسینلر. ائولری مدرسه‌یه یاخین اولانلار نئچه دانا چادرا دفتره گتیرسین، خانم معلم لر ائولرینه گئتسینلر، صاباح گتیریب، وئر لر.

سوروشدوق:

- نو اولوب؟

دئدی:

- مدرسه‌نین قباغیندا بیر عده دایانیب، چادراسیزلارا خیوانا چیخماق اجازه‌سی وئرمیرلر. بیز بئش قیز بیر یاشدا ایدیق. اوچوموز قاچیب، ائویمیزدن چادرا گتیردیک. مامانلاریمیز دا مدرسه‌نین قباغینا گلدیلر.

نئچه گوندن سونرا مدرسه‌ده ییغیشمیشدیق. چادرا اؤرتمه‌ین معلم‌لریمیزین بیرینی گؤردوم. اوشاغی نین دونیا یا گلمه‌سینه آز قالیردی، لاپ قارنی بورنوندایدی... چادرا اؤرتموشدو، اما باشماقلارین تای- دییشیک گئیمیشدی. بیر قارا ایدی، بیر قیرمیزی! بیز گولدوک، چادرانی سالدی باشماقلاری نین اوستونه، گیردی حیطده، بیر یئر ییغیلان سویون ایچینه...

امتحانلار قورتولاندان سونرا مامانیم منی منصور (بهشتی) دورد یول آیریجیندا اولان «سازمان زنان» ادلی بیر فنی ایش اؤیردن یئره یوللادی. اوردا خیاطلیق، آش، پیشمیش و شیرینی دوزلتمک، آرایشگریک و ال گولو تیکمگی مفتہ اؤرگدیردیلر.

۱۳۵۷- جی تحصیلی ایلی نین باشلانیشی آلقاق- اوجالی ایدی، درس اوخوماسی دا اوندان بتر اولدو. پاییزدان بللی ایدی، قیش بتر سویوق اولاجاق. پاییزین آخیرلاری ایدی. سازاقلی یئل ائله اسیردی، سانکی تولکو، تویوق بوغور! آباغیمی خیوانا قویماغیمی گۆردوم، اوزاقدان سسلر گلیردی، اما بیر کس گۆزه دیمیردی. گۆزوم ساتاشدی خیوانین اورتاسینا، دستهسی ایله گۆی بیرمی تومن لیکلر، سئل- سو کیمی آیاق گۆتوروب، خیابان اوزو آشاغی نه گئدیر! اوسته ساری باخندا گۆردوم صادرات بانکین شوشه لرینی سیندیریلار. صندلی، میز، تایپ ماشین، دفترلر و... خیابانین اورتاسینا توللانیر. کارمندلری ده هوروت- هوروت باخیرلار... بیر ۱۲- ۱۳ یاشلی ساریوز اوغلان اوشاغی قاپی نین کرکرسینه ال آتیپ، یثیرندن اوینادیردی. او گون هر یئر باغلی ایدی، الیم آباغیمدان اوزون قاییدیب، ائویمیزه گلدیم...

من تصمیم توتمودم او ایل درسیمی قورتاریپ، اکابیر معلمی اولوب، بی سواد ائو خانیملارینا یازیب- اوخوماق اؤیردم. اما انقلاب قاباغیما تازا بیر یول قویدو. تازا مدرسه و تازا فیکیرلر...! داها او سۆزه باخان قیز دئییلدیم. دانقارلاشمیشدیم. گۆزوم آچیلیب، آریلاریم اوجالمیشدی... چوخ یاخشی درس اوخوبوردوم... سوت، نفت، پارچا، قاب- قاشق، فاب، شکر، یاغ، دویو صفلرینده دوروردوم، اؤزوم کوپن صاحیبی اولمودم! بالا- بالا قیتراقلیق باشلانیردی... آتام بیر تای نخود، بیر تای دا یارما آلمیشدی، ائویمیزی یئر آلماسیز قویموردی، دئیردی:

- بیز یئتدی تومن لیک گۆرموشوک، بیر اوندا گۆره سن هئچ زاد تاپیلمادی...

قورد سگان نکيه دوالفقاری



أليمدە بير نايلون آيين اويون يانلاريمى باسا- باسا بازاردان گليرديم گوردوم دربندين باشى
آدام گتيريب. بير هممه دى گل گورسن. آياغيمى يئىنلتيديم. گوردوم اوزاخذان كئچل
عاباسين قيزى، تين تين مصمه، دابانا قووت لؤك دوه كيمي قاچير. گوللو چادراسين باغلييب
بوينونا؛ آشاغادان شالوارى نين آغى ديزلرى نين اوستونده. آياغين گؤتوردوكجه، يئكه
سينه لرى نين بيرى آلما دير، او بيرى سبده ساليير. آياغيندا بير جوت جيري ق نه وئريم دمپايا.
يىخيلسا؛ يئكه تيكهسى قولاغى نين ديبى اولاردى. ياخينلاشدى؛ اوجا سسله دئديم:
- آى قيز بير داين گوروم باش آپاريسان ميه؟ نولوب بو هول و ولا ندى؟

دئدى:

- هئش خالا، قورد سگان اولوب، گئديرم دؤحتور چاغيرام.

دئديم:

- بير آز يواش قيز يىخيليب، كله پرت اولارسان ها.
آلاهدان گيزلين دئيل سيزدن نه گيزلين، توكوم ده ترپشمه دى. ايرلى لديم گوردوم،
كوچه اهلى ممه يئىندن پيه يئينه اوردا. أليمدە كيلرى قويدوم يئرە اوتوردوم پيلله ده.
بيرى اؤز اولوسو يادين دوشوب، حزين- حزين آغليردى، بيرى دئيردى:
- بابا قوجانين اولومو توى بايرامدى. دينجلدى ياخاسى قورتولدو! قوجانين حالواسى نه
ياپيشار آما...

- بيرى ددهسى احسانينا حالوا چالسا نه بتر اولار ها. قارنيميزى ياسدان چيخارداريق.
و ايكي بالاجا قيز اوشاغى نين بورون سويويلا شريت چكيپ، سونرا بورونلارين جانا سينر
قوللارينا سيليرديلر.

- بى وارثدى اونون حاقيندا بير اوجالى صلوات چئويرين- دئدى بيرى.

- والاہ بدوارث بی وارثدن یازیخدی ها. گۆرمه دین کور حسنین اوشاخلارین، جنازه یترده، دوشموشدولر بیر بیرینین جانینا. ایندی ده هر گون کفنین، سوموگویون، یئددی آرخا دۆننن سواریرلار- چولاق حبیب دئدی.

اؤز- اؤزومه دئدیم:

- دوز دئیبلر ها اؤلؤگ... دادلی اولار. به ناواخدی بو آدملار هاردایدیلار؟ قره یئر، قورو یئرده بو آرواد گنجه- گوندوز آجی باسوز قالاندا، اؤسکورمه دن جییرلری آغزینا گلنده، بولار هانکی پیهنین دیبینده ییدیلر؟ قورد کیمی یالقیز قالان، گون چؤرگینه محتاج اولان بو سکان اولان کوچه ده، بو قدر آدام یاشاییرمیش؟

بیر خاطره یادیم دوشدو هم کدرلندیم، هم ده گولدوم. بیر گون گۆردوم بو یازیق قاپیلاریندا اوزو قویلو دوشوب اؤسکورور هر اؤسکوردوقجا دا او آهنگده او... ور، بیر ایکی جاوان اوغلان دوروب، بونا باخیب قاه- قاه گولورلر. گئچدیم یاپیشیب، قاوزادیم. دئدیم:

- بالا گولمویون باشیزا گلر.

گئدیپ بیر استکان ایلیق سو، اؤسکورمه شربتی وئردیم. بیر آز ساکینلشدی. دوزدو اؤلوم بیر دوه دی هامی نین قاپیسیندا هیخلانا جاق، آنجاق آله دوشمنه ده بئله اؤلوم گۆسترمسین. آله کیمسه نی اوجادان آچاغا ائندیرمه سین.

- دئییرم اولماسا تعزیه سی سیزین ائویزه اولسون؟- اوزون لعا دئدی.

اؤزومه گلدیم. گۆردوم دئیسه سن بولار منه یوخو گۆروب لر. بیر هفته یئییب، ایچیپ، دئییب، گولسونلر. نولاجاخ امیر بازاری داغیل سین، بولارا بیر دستمال قال سین. دئدیم:

- یووع، لعا خانیم واللاه چوخ زور وورساخ اونون کفن- دفنن، قبر پولون وئرریک بیز. تعزیه نین خرچین وئرسه ییدیم بونون دؤحتورونه، بلکه ده بو تئزلیکده اؤلوموئییدی. آنجاق دونیانین قویروغو اوزوندو.

منه ده يازار دئديلر!

ذكه ذوالفقارى

نئجه ايل اۇنجه يەدك ادبياتين بوروشوق، داراشلىق، قارانلىق كوچه لرينده آوارا گور دولانيرديم. نه ايشيم ايشيدير نه آليم بوش. هر دن قلم آليم فارسجا بير شئيلر يازيرديم. آنجاق سياست قانيدا اولدوغو اوچون، سياستدن يازاندا مالانصرالدى نين باغلى بيزوو تك ائله قاچيرديم كى، دؤنوب اوخوياندا زهله م چاتلاييردى!

عشق دن يازاندا دولاشيق بير شئيلر اولوردو، چون حقيقتده نه عشق گؤرموشدوم، نه ده باجاسيندان باخميشديم. اولموردو داي. من ده دورمادان هاميسين جيريپ، قولوم گلديكجه تونازليرديم. بئله اولوردو كى، اونو آله ييب دؤنوب كپگه قاتيب اوتوروردوم. ايتيگي ايتن آداملار تك اؤز باشيما دولانيرديم. سامانليقدان ايينه آختايرديم. آلك- و لك ايلييرديم. بير ايب اوستونده ده دورموردوم آخى سياستدن فلسفه يه، اوردان در هؤول پسيكولوژويا، سونرا شعره، رومانا. اوخو ها اوخو...

تور كچه يازيلان كتابلار، منيم عطشيمي سؤندورسه لر ده آنجاق بعضا يازديقلارين، آنلايا بيلميرديم. اوندا دا ديل- داماغيم قورويور، يانغى اولوردوم.

كور قوشون كونو آلاه يووادا يئتيرن كيى، من ده ائله اوندوغوم يئرده، عزيز دوست و اوستاديم سوسن خانيم رضى يله تانيش اولدوم. منى ائل بيلمينه دعوت ائتدى. كور آلاهدان نه ايستر ايكي گؤز، بيرى ايرى، بيرى دوز مثلى. دورما تبريز من گلديم دئديم. بير چوست بير چاريق دابانلاريمي چكه تچكه قاچديم. گؤردوم بابا بورا منيم اؤلن يئر يم ايميش. اوردا قلمى وئرديلر آليمه دئديلر ياز... باشلاديم يازماغا. آليم تيتره يه- تيتره يه ايلك مكتب اوشاغى تك غلط غولوطدان يازديم. اورداكى اوستادلار حوصله يله سهولر يمي دوزلتديرلر. آنامدان اتشيدن ناغيلار مثل لر بير- بير ياديما دوشوردو يازيرديم و بئله اولدو يازار اولمايان يئرده منه ده يازار دئديلر!

هۇۋوشنە ذكىه ذوالفقارى

دى آيى نىن ايكىنجى يارىسى اولماغىنا رغما، نه قار واريدى نه سويوق. هامى دئىيردى:
 - بودا آلاھىن معجزەسىدى بو فصلدە بئلە؛ ھاوالار گۆرن اولمايىب.
 من مطباخدا؛ قاب يىوان سىنكىن باشىندا ناھاردا يئىدىگىمىز بولاشىق قابلارى رىكالايب
 ؛ۋز اۋزومە مېزىلدانئىردىم. باجىمدا تاقا تاقىلا؛ مطباخى يىغىشدىرىردى. سوويون
 شىرىلتىشى؛ باجىمىن سسلى ايشلەمگى بىر خاص وضعيت ياراتمىشدى.
 چايدان گاز اوجاقى نىن اوستوندى قاينايردى؛ مطبخ بتر بوغلانمىشدى.
 - قىز آلىم باتىقدى او پنجرەنى آچ نفس چكە بىلمىرم. - دئدىم باجىما.
 پنجرە كوچەگە آچىلىردى و چوخ واختلار سس ائشپە چىخماسىن دئپ؛ باغلى قالاردى.
 - دۆرد دانا قابى اۋزوۋە ايش ائلىيىسن، گۆتور او چاى دملە؛ ونون دا خوتون آل!
 - ھە شىرتىقلاسام سىنكىن كىمى تئز قورتولار. من تكلى - دىبلى يىوارام سەنە باخما.
 - بابا آچ او پنجرەنى سەن آلاھ.
 - اوندە گۆردوخ بتر قاچاقچ اياق سسى گلدى.
 بىرى دئدى:
 - ايسسىست.

سونرا شاراق گوللە سسى...! سانكى بىزىم مطباخدا گوللە آچىلدى. من ائلە قىشقىردىم
 آلىمدەكى بوشقايى آتدىم قاچدىم ائوھ. باجىم منىم آرخامجا تىترىپە - تىترىپە گىردىك اوتاغا.
 انام يازىق بىلمەدى نجور چادراسىن آتسىن باشىنا. - يا ابلفض - دئىب ؛ بىزى دە گۆتوردو
 بىرلىكدە گندىب؛ دالى حىطدن دووارىن دالىسىندان مىسا - مىسا كوچەگە باخىردىق.
 كوچەدە بىر ھاى - كوى قويدو كى گل گۆرەسن. يان قونشوموزون ۋرى ايكى ۋلى قانلى
 قاۋازايب گۆپە؛ آلاھ اكبر دئىپە - دئىپە قاچىردى. قونشولارىن ھامىسى تۆكولموشدو ائشىگە.
 گوللو چادراينان اياقلارىندا شئپىك، خانىملار ھوروت - ھوروت بىر - بىرىنە باخىردىلار. گۆزلر
 تپەلردن باخىردى سانكى. كىچىك قىزلار آنالارىن چادراسىنىن آلتىندا گىزلىنىشىدلر.
 كىشىلرىن اىچىندە دە ھەممەيدى.

- آلاھ لعنت ائله سىن گوللەينن ووردو.

- كىمى؟

- ايكى اوچ جاوان اوغلانى؛ ايكى پاسبان قوواليردى اوزاخدان گوللە آچدى.

- آى آلاھ لعنت ائله سىن.

- بابا نه ايشيز وار آخى دولتى بو، باشارماق اولماز كى.

- هه دوزدو، دئيرلر بولار اوتايدان گليبلر، كومونىست ديلر.

- ايمانين وئرمە! چوخ سؤز دئيرلر، نه كومونىستى، ملت جانا گليبدير.

- نه كومونىستى او دولتين سؤزودى. لاپ خالص موسلمانديلرلار.

- بلى اؤلمز خديجه گؤرر نوه - نتيجه، قوى آتلارين سورسونلر.

- ايواى باجى دئيه سن گولە دَين بير خانيمدى. - من دئديم.

- خانيم!!!..... ايوايى.

- قورخماين قىچيندان دَيب. آپارديلار بيمارستانا- باجيمين ارى دئدى.

گئجه ؛ ۵۷ انقلابيندا بو خاطيره نى لبتابدا يازديم، ياتديم.

سحره ياخين حيات يولداشيمين سسىيله يوخودان ديك آتيلديم. " دئو- زاد يوخودا گوروردون؟ بياخدان سسليرم نييه باغيريردين. دور آل- اوزون يو صبحانه حاضيردى. گوزومو آچديم. بس يوخويموش!

اويرنجى قيزلارلا قراريميز مدرسه نين قاباغيدى. اوتوز قيرخ نفر اوغلانلى- قيزلى ييغيشيب، مركزه سارى شعار وئره- وئره گئديرديك. ياشاسين آزادليق. ياشاسين آذربايجان. سس بوغازلاريميزى ييرتيردى. اوزلر هئچ بيرى گورونموردو، تڪجه من اوزومو اؤرتمەميشديم. بيرى باغيردى: تورك ديلينده مدرسه اولمايدى هر كسه....

بير اوندا گوردوك آلرينده قالخان باشلاريندا قارا بؤرك اون- اون بئش آللى توفنگلى، يئكه پر، قولو زوربا قارشيميزا چيخدى. من قورخمدان بير آز دا سسىمى اوجالتديم. ياشاسين آزادليق، ياشاسين تورك دئينده- بير گوللە آچيلدى. سول طرفدن سينەم گؤينه دى. دوستلارين سسى اوجالدى. هره بير طرفه قاچدى. آلیمى آتديم سينەمە، باخديم گوردوم قان فيشقيرير. يئنه وار گوجومله قيشقيرديم:

- يا آزادليق يا اؤلوم...

أريم دئدى:

- آلاھ خير ائله سىن.

شمی نین تو یو محمد علی اوجاقی نیارق



شمی نئچه گون تو یوندان قاباق «باغرو داغلاری» اتک لریندن گیلان ماحالینا ساری گئدیر کی، توی دوگوسون آلیب گتیرسین. قاییداندا "اسبینه" داغی اطرافیندا برک قار کولگه دوشور. داها یولونو داوام لاندیرا بیلیمیر. نهایت یولون قیراغینا ییخیلیب طالعینی گۆزله مکده اولور.

نیارا کندی اها لیبسی خصوصیله عابله عضولری شمی نین یوبانماسیندان چوخ نیگران اولورلار. قونوم-قونشولار، اقربالار قارداشی یلا بیرگه شمی نین دالینجا گئتمگه حاضیرلانیرلار. قالین پالتار گئییب، اله آغاچ آلیب «اسبینه» طرفه یولا دوشورلر. «قارا سو» چاپیندان کئچیب سرعتله اؤزلرینی «اسبینه داغی» نا چاتدیریرلار. هره بیر طرفده شمی نی سسله ییر:

- آی شمی، آی شمی...

آنجا شمی دن هارای اولمور. نهایت شمی نی یول قیراغیندا ییخیلمیش حالدا گؤرورلر. قارداشی شمی نی دیزی اوسته آلیر و دانیشدیرماق ایسته ییر:

- شمی دین، دانیش! سنه نه اولوب؟ قارداشین قوربان قارداش...

شمی دن جواب اولماییر.

قارداشی بو حالی گؤروب چوخ نیگران اولور. اختیارسیز گۆز یاشلاری النیر. یولداشلارین اورک وئرمه سی ده قارداشا تاثیر ائله مییر.

نهایت یولداشلاردان بیر قاطیرا مینیب، شمی نی ده قوجاغینا آلیر و کنده دوغرو یولا دوشورلر. آبان آیی اولدوغونا باخمایاراق قار آسماندان ائله النیر سانکی قیشین اورتا آیی دیر. یولدا نه بیر کاروان گۆزه دگیر، نه ده کی بیر سس ائشیدیلیر. قیی وورورسان قولاق توتولور. بیر آز یول گئندن سونرا قوردلارین اولاماسی اورکلرده داها آرتیق نیگرانلیق یارادیر. آنجا

بو نيگرانليغى ھىچ كىم اوزە چىخارمىر. و بىرى بىرىلرېنە بىلە سۆزلەلە اورك وئرمك
ايستەيىرلر:

- قىوراق گىلن! كندە آز قاليريق آى...

ھر حالدا خصوصيلە بىلە بىر حالدا آلاھا توكل ائتمكدن باشقا بىر شئى نظره گلرمى؟!
ھر بىر آددىما بىر قەد كندە ياخيىنلاشسالار دا، قاطيرىن اوستە اوتوران شىمى نىن يارى
يولدا جانى چىخماسىن ياواش - ياواش ھىسّ ائدىردى.

بىر حالدا كى، قونوم قونشو و ائل طايغالار توى اوچون شىمى گىلە گلەمىشىدىلر. گىجە نىن
يارىسى شىمى نىن لوو خىرىنى ائشىتىدىلر. ھىچ كىم بو آجى حادثەنى اينانا بىلمىردى. آخى
چوخ آغىر و اولدوقچا نىسگىلى بىر حادثە ايدى. جنازەنى قاطىردان ائندىرن كىمى واى
شوون سسى گىجە نىن سكوئونو سىندىردى. توى لوويا دۇندو، اىلاھى بو نە تقدير!
ھر حالدا تقدير بىلە يىمىش آلىن بازىسىندان قاقچماق اولماز. حقيقتى اينانمالى يىق آجى
اولسا دا.

شىمى نىن جانسىز بدنى گىجەنى ائودە قالير و سحر تئزدن كند اھالى سى طرفدن آغىر
حزن ايلە كندىن قبرستانلىغىندا تورپاغا تاپشىرىلير.
شىمى نىن قارداشلارى، باجىلارى و خصوصيلە آناسى عۇمرونون سونونا دك بو آغىر مصىبەتە
آغلايىپ، گۆز ياشى تۆكدولر. بو واقەدن اللى ايلە ياخىن كئچمىش اولسا دا قونشولار توپو
لوويا دۇنن بگىن آناسى نىن نىسگىلى اوخشامالارىن ھلە دە ياددان چىخارمايىپلار.

گوللرېم دن - دن اولدو

درمەدېم دن - دن اولدو

من سندن آيرىلمازدېم

آى توپو ياسا دۇنن اوغول

آيرىلىق سندن اولدو

توى گۆرمەين بالام لاي لاي...



بیر فولکلوریک خاطرہ

ابوالفضل فردوسی

(متن بغدادی شاہسئون سولدوز طایفاسینین آغزی یلا یازیلیمیشدیر)

رحمتلیک آنام خدیجہ خانیم فردوسی دئییر:
باہاردا بیز قارقانا کوچئردیک. دووہلری قطر ائلئردیک. بیر آدامچیل لوکوموز^۱ واریدی
آدامی قاپیردی، یعنی آغزی نان آدامی دیشلئردی.
رحمتلیک ددهم (ابوالحسن فردوسی) قطرین قاباغین وئرئردی من چکیردیم. من ده قاباخ
دووهنین آفسارین توتوب تاولی^۲ گئئئردیم. او آدامچیل لوکون بیر پیس خویو دا واریدی،
اویودو کی جلوودارین دابانین آیاقلئردی. گئئئردیک دووہ منیم دابانیمی آیاقلادی. چوخ
اینجیدیم.

دده مه دئدیم:

- بو لوک منیم دابانیمی آیاقلئر.

رحمتلیک ددهم دئدی:

- انشالله بو دووهنین نقشی دیوارلاردا قالسین

ایندی او رحمتلیگین سؤزو یئرین تاپیب، داها ائلیمیزین کؤچو توکنیب.

^۱- لوک: کلی لؤک

^۲- تاولی: یئیین، سرعت ایله



شیفاهی تاریخ، مونوگرافی



علی کمالی نین ادبی ارثی بیر باخیشدا علیرضا صرافى

علی کمالی یازیلاری نین نشری

- علی کمالی (۱۳۲۳ - ۱۳۷۵) وارلیق مجله‌سی نین ایلک سایلاریندان اعتبارا یعنی ۱۳۶۰- جی ایلدن ایش بیرلیگینه باشلامیشدیر. سونرالار او وارلیغین یازارلار هئیتی عضوو کیمی ده چالیشمیشدیر.
- اونون باشلانیدیغی تحقیقی ایشلرین آنجاق آز بیر قیسمی وارلیقدا نشر اولموشدور، توپلانیب آما نشره وئرنمه‌دیگی ماتریاللار نشر اولدوقلاریندان بلکه ده یوز قات آرتیق‌دیر.
- جمعی ۲۵ یازیمی وارلیقدا نشر اولوبدور. بیرینجی یازیمی ۱۳۶۰- جی ایلین اردیبهشت آییندا وارلیغین ۲۵- جی سایندا نشر اولموشدور.

یازیلارین جغرافیاسی

- علی کمالی آراشدیرمالاری نین جغرافیاسی عموماً کئچمیشلرده "عراق عجم" دئییلن و بوگون تهران، البرز، قزوین، قم و مرکزی آدلارلا تانینان اوستانلارا عایید اولوبدور.

یازیلارین موضوعو و اهمیتی

- علی کمالی نین یازیلاری عموماً خالق ادبیاتی، عاشیق ادبیاتی یا دا شیفاهی تاریخ، کلاسیک و مکتوب ادبیات تاریخی و کئچمیش شاعیرلرین تانیتیمی موضوعلاریندادیر.
- عراق عجم (مرکزی ایران) ادبی محیطی علی کمالی دن اول علم عالمینه تانینمامیشدیر، اونا گؤره علی کمالی نین هر بیر یازیمی واقتیله ادبیاتیمیز اوچون یئنی بیر کشف سایلیردی.

یازی اسلوبو

- وارلیقدان نشر اولان یازیلاریندا بیر چوخ واقتلار اساس سؤزه باشلامازدان، ایرانین مرکزی تورکلری حاقیندا عمومی معلومات وئرلییر، سونرا اساس مطلب باشلانیر. بونا گؤره اکثر یازیلارینی ایکی مستقل بؤلومه آییرماق اولار.
- ایلک دفعه علی کمالی نین وارلیغا گتیرن پروفیسور غلامحسین بیگدلی اونو تانیتمدارکن یازیر:

- "بیز اثر و مقاله نین ساوه لهجه سینده چاپ اولماسینی مصلحت گؤروروک. " (یئنی تاپینتی لار و مدنی اریتمیزه بیر نظر- وارلیق- نومره ۲۵- اردیبهشت ۱۳۶۰ صص ۵۰- ۴۹).
بنله لیکله علی کمالی نین یازیلاری استثنا اولاراق معیار دیلده دئییل، ساوه شیوه خصوصیتلری اساسیندا نشر اولموشدور.

اثل بیلیمینده یئنیندن نشری

- علی کمالی نین چاپا حاضرلادیغی اونلارجا کتاب هله نشر اوزو گؤرمه میشدیر، الیمیزده آنجاق اونون تخمینا ۳۱- ۳۷ ایل بوندان اول وارلیغین ایلکین نومره لرینده کی مقاله لری وار، وارلیغین بو ساییلاری چوخ آز آدامین آرشویونده تاپیلییر، اونونچون ده علی کمالی مقاله لرینی بیر داها نشر ائتمه سی واجب ایشلردن ساییلییر.
- اثل بیلیمی درگیسینده نشر اولاجاق علی کمالی نین ادبی ارثینی علم دونیاسینا یئنیندن سونماق اوچون اونون یازیلارینی ساوه دانیشیق شیوه سینده دئییل، آذربایجان تورکجه سی نین معیار دیلینده وئرمگه چالیشاجیق.
- اثرلرین املاسی ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱- جی ایل لرده تصویب اولموش، اورتوگرافی سمیناری قرارلاری اوزره حاضرلاناچاق (دخیل عربجه کلمه لر استثنا اولاراق عموما اورژینال املا ايله وئرله جکدیر)
- اؤزل سایلار خارجینده بوتون عادی سایلاریمیزدا ان آیزندان علی کمالی نین بیر اثری نشر ائدیله جک.

"حاییف سنه مدحسرخان" عنوانلی یازیمی حاقدا

- بورادا تخمینا بیرینجی دونیا محاربه سی ایل لرینده باش وئرمیش، تاریخده یازیلمايان آما خالقین یادداشیندان قایناق لاندان عبرتلی حادثه لر دن بحث اولور.

- اثر همدانین جنوبوندا يئرلشن ملايرين "قولو كندى" نده اوز وئرن تاريخى بير حادثه نين روايتى دير. دئمك واقتيله ديل لره دوشن شيفاهى تاريخين منظوملاشميش روايتى دير.
- منظومه نى يازان همين كندين ساكىنى شعبان على يادگاردير. اونون قايناق شخصلى ده همين كندين قارى- قوجالارى او جمله دن "صاحب ننه" و "حاجعلى سيبيل" دير.
- بو يازى نين ايچرى تيترلى منيم طرفيمدن آرتيريليب.
- بو منظومه شعبان على يادگارى طرفيندن محلى شيوه ايله يازيلميشدير. آما على كمالى (پروفيسور بيگدلى نين رغمينه متن ين اهميتينه گؤره اونو ادبى لشديرير و يازير: "بو سؤلچك حقيقى و تاريخى اولدوغو اوچون سوژه نين و كؤكلو كلمه و عبارتلىن اصلتينى حفظ ائديب، شعر و نثرين فورمونو، محلى لهجه دن نسبتاً ادبى و هامى آنلايان توركى ديلينه چئويريب، بورادا نقل ائديريك."
- متنين ائديتورلوقوندا عيىنى سياستى تطبيق ائدرک من ده كؤكلو كلمه و عبارتلىن اصلتينى ساخلاياراق، بعضا على كمالى نين گؤزوندن قاچان يئرل شيوه خصوصيتلى ادبى ديلين قايدالارىلا دوزلتيديم.
- على كمالى متنده گئدن بعضى آدلار و لغتلىر حاقيندا ۳۰ دنه ديب نوت يازميشدير، من ايسه ۱۶ نوت دا اونلارا علاوه ائتديم، جمعى ۴۶ ايكي اولدو. بونلارين هاميسى ايسه يازينين سونوندا صفحە لرین اتگينه (اتک يازى اولارق) كؤچورولدو.
- اتک يازيلاردا آرتيرديغيم نوتلارين سونوندا (صرافى) انديسى، قالان نوتلاردا (كمالى) انديسى ايله مشخص اولوب.

حایف سنه مدحسن خان^۱ علی کمالی

عزیز وارلیق مجله‌سی‌نین کئچن سایلاریندا، آز- چوخ ایرانین مرکزی شهرستانلاری‌نین تورکلریندن، آد آپارمیشدیق، بوسایدا ملایرین تورک بؤلگونده واقع اولان، "قولو کندی" ندن ۸۰- ۷۰ ایل قاباق اورادا اوز وئرن مهم تاریخی حادثه‌لردن دانیشاجاغیق، آقای عباس غلامی ملایر تورکلریندندیر. او بو منطقه‌ده اؤز سازی و سؤزو ایله تورک دیلینی یاییب، قوروماقدا چوخ همت ائدیپ و اورانین تورک یازیچی و شاعرلرینی تانیتدیرماقدا، اهمیتلی نقشی واردیر. نئجه کی، "قولو کندی" لی آقای شعبان علی یادگارینی بیزه تانیتدیریبدير.

ایمان‌علی‌اوغلو آقای شعبان‌علی یادگاری، ۵۶ یاشیندا بیر کندلی رعیت اوغلو و رعیت بیر کیشی‌دیر، علمی تحصیلاتی فقط قدیم کند مکتب‌خانالاری سویه‌سینده‌دیر و اسلامی انقلابدان و خصوصاً "وارلیق" مجله‌سی‌نین نئچه سایه‌سی‌نی اوخویاندان سونرا وجودوندا اولان شاعرلیک غریزه‌سی اویانیپ و ۴- ۳ ایل‌دیر کی، شعر دئییب و سؤلچک^۲ یازماغا باشلاییب‌دیر. آشاغیدا گلن "حایف سنه مدحسن خان" عنوانینده داستان قولو کندینده و همدان، ملایر و نهاوند و حتی تهران اطرافیندا دوشن حقیقی اتفاقلارین ماجراسی‌دیر.

آقای یادگاری بو تاریخی، حقیقی سؤزلری قولو کندینین قاری آروادلاریندان و قوجا کیشی‌لریندن ائشیدیب و محلی تورکی لهجه‌سینده و مکتب‌خانا تحصیلاتی سطحینده قلمه کئچیرمیشدی. بو سؤلچک حقیقی و تاریخی اولدوغو اوچون سؤزه‌نین و کؤکلو کلمه و عبارت‌لرین اصل‌تینی حفظ ائدیپ، شعر و نثرین فورمونو، محلی لهجه‌دن نسبتاً ادبی و هامی آنلایان تورکی دیلینه چئویریپ، بورادا نقل ائدیریک. ایندی بو سیز بو دا آقای شعبان‌علی یادگاری‌نین "حایف سنه مدحسن خان"‌نین خلاصه اولونموش سؤلچگی.

♦ مدحسن‌خانین قولو کندینه گلمه‌سی

^۱- مدحسن: محمدحسن سؤزونون قیسادیلیمیشیدیر، عموماً مت‌حسن Mæətəsən کیمی تلفظ اولار

(صرافی)

^۲- سؤلچک: ناغیل‌ت داستان (کمالی)

بوردا ۸۰- ۷۰ ایل بوندان قاباق^۱، بیر کورد عائله‌سی نین قولو کندینه گلیب یئرلشمه‌لری و باشلاریندان کئچن ماجرالاری یازیلیمیشدیر.

قولو کندلی ملایر محالی نین تورک بؤلگونده، دؤرد طرفی داغ اولان یئرده "الوند" داغلاری نین گون چیخان طرفینده واقع اولوبدور. سؤلچگین اولینده دئمه‌لیم کی بوردا گلن کورد عائله‌سیندن اوچ قارداش: محمدباقرخان بؤیوک قارداش، محمدکریمخان اورتانجیل و محمدحسنخان کیچیک قارداش، محمدکاظمخان عمی‌لری، محمدابراهیمخان و محمدصفرخان باجیسی اوغلانلاری و اون بئش یاشیندا بیر جوان اوغلان آدی محمدقولوخان محمدکریمخان اوغلو (بوندان سووای هامی‌سی نین آرواد- اوشاغی وار ایمیش) بیر ده یاشلی باجی‌لاری (صفر و محمد ابراهیم‌خانین آنالاری) و اوتوز نفر ده آرواد کیشی قوللوچولاری قولو کندینه وارد اولدولار، کیشیلری هامی وقت و آروادلاری گاهدان آتلی گزیب و روس پنج تیری و مکنز توفنگی چیگینلرینه سالاردیلار.

اولده فقط اوچ قارداش گلیب، قولو کندینی سئچیب، بگنیب و اورانی اؤزلرینه یورد بیلیب و قاییدیپ کوردوستاندان (کوردوستاندا نه یئرده اولدوقلارینی هئچوقت هئچ کسه دئمه‌ییلر) آرواد- اوشاق و آیری آدمالارینی دا کؤچدوروب بو کنده گتیردیلر.

کوردلر ازل یولدان یورغون چاتاندا "کلبه غلام" کندين حرمتلی قوجالاریندان بیرسی کنده گئن و بول حیطی اولان بیر بوش قالمیش ائوی گؤستردی و اونلار اوردا اوتوراق ائتدیلر کی، او حیط الان دا قالیر و آدی پیرعلی حیطی‌دیر.

قوجا غلام بیله‌لرینه چؤرک و آیری لوازمی تئزلیکده یئتیریب و دینجلمک وسیله‌لرینی فراهم ائله‌دی، اولرده کندين اهالیسی آروادلی- کیشی‌لی اونلارا غریب قوناق اولدوقلارینا گؤره اورکدن کؤمک اولوب، قویمادیلار اوت- اودون و آذوقه بابتیندن کورلوق چکسینلر. کوردلر ده کندلی‌لرین محبت‌لری عوضینده اونلارا وعده وئردیلر کی، بوندان بئله، بیز ده قوماش، پالتار و آیری شئیلر گتیریب سیزه ده وئریک. اول دفعه کورد آتلیلاری گئدیپ بئش گوندن سونرا نچه یوز داوار چاپیب گتیریب و او کنده هر ائوه بئش باش داوار وئریب اوستو اؤرتولو دئییلر:

- سیز گرک بو داوارلاری بیزیم اوچون قیشدان چیخارداسیز.

کندلی‌لرده جرئت ائتمه‌دیلر دئسینلر، نه حسابا بیز گرک داوارلاری قیشدان چیخارداق؟ ائله او زمان کدورتین اول توخومو سپیلیب و خالایق کوردلرین توفنگلی اولماقلاریندان و

۱- بو یازی ۱۳۶۱ ده نشر اولوب کی ۸۰ یا ۷۰ ایل اوندان قاباق، تقریباً مشروطه انقلابیندان سونرا و قاجار دؤورونون سون ایل‌لری ایله مصادفدیر. (صرافی)

اۋزلىرىنىن جەھتسىز اۋلومە گىتىمكلىرىندىن ۋاھمەيە دوشوب، قورخودان دىنمەيىپ، حتى احتراملارنى داھا دا اتىردىلار.

◆ مدحسنخان خالقين گۇزونون اودون آلماتق اوچون كلبە غلامى دۇيدورمەسى
كوردلار او محالدا خالقين گۇزونون اودون آليپ، جانلارينا قورخو ساليپ، اۋزلىرىنى منطقەدە
مشهور ائتمك اوچون بهانه آختارىدىلار كى، بيريسين تاپيپ، تاپدالاسينلار، گۇرك شعر
ديلى ايله سۇز نئجە گليز:

تا "قولو كندى" تە كوردلر گلدیلر،
اونلارین شهرتی گئتدی دۇرد يانا،
كلبە غلام ائو گۇستردى اوندولار،
اولدولار اود كیمی دوشدولر جانا.

چاپيب گتيرديلر، ائلين داوارين،
تالان ائله ديلر يوخ ايله وارين،
كندلی يە دئديلر: - قيشدان چيخارين!
رعيتلر اورگی چئوريلدی قانا.

"نياز" كلبە غلام قارداشى اوغلو
صادق بيگله گنديب ائتدی چوغولو^۱
دئديلر: - كل غلام دئدی كۇپ اوغلو^۲
ائشيتجگين كوردلر اولدو ديوانا.^۳

مدحسنخان غيظه گليپ، قووزانيپ
قلبي آلووانيپ، باشى اودلانيپ
مد باقرخان يوخلاميشدى اويانيپ
دئدى: - صبر ائت، قولاق وئرمە شيطان!

۱- چوغولو: چوغوللوق، بيرینی آرخادا پيسلەمك (صرافي)

۲- كۇپ اوغلو: بير سۇيوشدور، "كۇپك اوغلو" سوزونون قيساديلميشى، تبريز و بعضى يئرلردە دھا دا قيساسى
"كۇپو" دا دئييلر (صرافي)

۳- بو مصراع اصلينده بئله يازيليپ: "بو سۇزدن كوردلر اولدو ديوانه" (صرافي)

مد کاظمخان هاردا ایدی، تاپیلدی
دانش - دئیش اولدو، تصمیم دوتولدی
بو خبر دیل به دیل خالقا چاتیلدی
قوجا غلام دوشدو دام نادانا.

سلمی ناز^۱ لچگین گئتدی ساخلادی
خان آیاغین اوپوب دخیل باغلادی
ووردولار تا قوجا - جوان آغلادی
باخمادیلار آغ ساققالا، جونا

مروا ننه^۲ گئدیپ قرآنی گتدی
خانین باجیسی نین اتگین دوتدی
مدحسنخان آلیب قرآنی آتدی
اٹله بیل کی، انسان دؤنوب حیوانا
کوردلر سرمست اولوب، توفنگ آتدیلار
قوجانی ووردولار، اوزالاتدیلار^۳
آغ ساققالین قان ایله بویا تدیلار
کیچیک کند اوغردی بؤیوک طوفانا
خلاق یالواریب دندیلر خان وورما:

اجازه وئر، وورماسینلار دا بسدیر،
قوجا غلامین وورماغی عبثدیر.
جانی چیخیر بو آخرین نفسدیر
گل قوجانی اولدورمه، گئچ قرآنا!

کوردلر گئنه ووردولار، کندلی لر تهدید اٹله ییب:

۱ - سلم ناز: سروناز - قوجا غلامین آروادی. (کمالی)

۲ - مروا ننه: مرواری ننه - کلبه غلامین قارداشی مرادعلی نین قیزی. علی قوجانین آروادی ایمان علی نین آناسی کی، ایمانعلی ده آقای شعبان علی بادگاری نین آتاسی دیر. (کمالی)

۳ - اوزالاتماق: اوزالتماق (صرافی)

بیری دئدی: تانیرسیز "سالار تاجی"^۱
بو اونا رعیتدیر، وئرر خراجی
اونون توفنگچیسی وار آلا ر باجی
گئدیپ دئمک، سن باغیشلا او خانا!

مدحسنخان دئدی: - هئچ کسدن قورخمام،
خانی گؤرسم باج آلمامیش بوراخمام،
شیرلردن باج آلام، شاهلارا باخمام.
توفنگ آتیپ، آتی گتدی جولانه.

دئدی: - کندلی اؤز ائوینه قاییتسین
قوجا ماجراسین بیر عبرت ائتسین
گرک شهرتیمیز دؤرد یانا گئتسین
صولتیمیز چاتسین تمام ایرانا.

خالق غلامی پالاس اوسته سالدیلار
آرواد- اوشاقلارین آووندوردیلار
قانلی لباسلارین ائوده سويدولار
دؤنموشدو، بدنی، کباب بیر یانا

غلام بیر ایل یاتدی تاختا قیچیندا
اوشاقلاری یالقیز قالدی بیچینده
بو داستان دا گزدی کندلر ایچینده
اولمادی بیر عارض اولان سلطانا

خانلار آدی او ماحالدا اوجالدی
قوجا عجیزلشیب آرتیق قوجالدی
بیر ایل کئچدی، غلام آز- ماز بارالدی
یئنگی چیخدی ائودن گلدی ایوانا

^۱ - سالار تاج: همدان، توپسرکان و ملایر آراسیندا واقع اولان "آلفاوت" آدیندا کندی مالکی و او منطقه ده و قولو کندی، حؤکمران اولان بیر ارباب ایمیش. (کمالی)

غلامین واریدی بیر نورلو اوزو
تورکلر ایچره قوجادیر خالقین گۆزو
"یادگاری" سؤیلر بو یانیق سؤزو
انسان نهدن ستم ائیلر انسانا؟

خالقین اورگی قوجانین حالینا یاندی، اما بیر طرفدن ده کندی اونلارین گۆزلریندن
دوشوب ائله بیل کی، یاتاجاق یئرلری ایچینه ایلان گیریدیر، نچه نفر خصوصا قوجا کلبه
غلامین چوغوللوغون ائدن آداملار اولمایا کی، کوردلر اونلارین آیاق چکمگیندن قوخو چکیب،
بدبین اولسونلار، اونلار، اللری دؤشلیرنده غلام اولموشدولار.

اما کندین غیرتلی تورکلری نین اورکلری غصه دن اوپولموشدو. هله لیک اللریندن ده بیر
ایش گلمیردی، بو حادثه نین خبری آیری کندلره یاییلیب او کندلرین اهالی سی ده اونلارین
ظالم لیگین و کلبه غلامین گوناھسیز دؤیولمگین ائشیدیب، کوردلردن چوخ آجیق لاری
گلیردی، کوردلرین قدرت و هیبت لری گون به گون آرتیب، او محال کندلرین مخلوقونا آغیر
جزا توتوردولار، بیر ده کی، کوردلر غریبه یولدان کئچنلری ده گتیریب، نچه گون ساخلایب
ایشلیدیب، اؤزلرینه بورج و قالا قاییرماغا مجبور ائدیردی لر. دگیرماندا یوک چکن، دگیرمانچی،
چاروادار، بزاز، عطار و گزینچی لری ده بئیارا^۱ گتیریردی لر و بو اؤزگه یئرلردن گلنلر ده
کوردلرین ظولم و جسارت و قدرت لری نین او منطقه ده یاییردی لر.

♦ بیر قوجا کورد چرچی نین مدقولو خان طرفیندن اؤلدورولمه سی

"ننه صاحب"^۲ دییر:

"داها کوردلرین آدلاری "خانلار" قویولوب، منیم ده "حسن کاکام"^۳ اونلارین یانیندا آتلی
قوللو قچو اولموشدو، من ده کی، بیر سکگیز یاشیندا قیز ایدیم، اونون یانیندا قلعه یه
گئتمیشدیم کی، او ایل بئش گون بایراما قالاندا بیر قوجا کورد چرچی^۴ بیزیم کندیمیزه
گیل^۵، داراق، گوزگو، خینا، نابات و آیری خیرداوات شئیلرین گتیریب و خرمن یئرلرینده
کنده ساری گلیردی، بورج ایچینده محمد کریم خانین جوان اوغلو محمد قولو خان دئدی:
- عمی حسن خان گۆرن کوردلر نئجه جان وئیرلر؟

^۱ - بئیار: پولسوز ایشلتمک، فا: بیگاری (صرافی)

^۲ - ننه صاحب: قوللو قچو حسنین باجیسی. (کمالی)

^۳ - حسن کاکا: حسن قارداش، قوللو قچو نوکر حسندیر. (کمالی)

^۴ - چرچی: خرازن لوازمی ساتان. (کمالی)

^۵ - گیل: صابون یئرینه ایشلیدیلن بیرنوع پالچیق (کمالی)

محمد حسنخان دئدى:

- گرک بیر کوردو اۆلدوره سن تا گۆره سن نجه جان وئر؟
محمد قولوخان قاچیب، توفنگینی گتیریب بورجدان نشانه گئدیپ، قوجا کوردو
گۆزله ییب، ووروب، یتره سریدی"

جلاد قان ایچمگه هوس ائله دی،
هله یئنگی قالخیب، ترکه^۱ جواندیر.
چیخدی بورجا ووردو چرچی گیللاندی^۲
قوجانین باشیندان سیچرایان قاندر.
مدقولوخان اؤزون بورجدان آتیدیر
بیر چیرپیمدا قوجا اوسته چاتییدیر
چاتیپ، گوروب، چرچی قانا باتیدیر،
گۆردو کوردون جانی چیخیپ چوخداندر.

آیاق ایله ووردو چرچی دولاندی،
اونون قانی ائائینا جالاندی،
غمملر گلیب، بیر-بیر اوسته قالاندی،
سرمست اولان یالقیز مدقولوخاندر.

ایشه گلن ائائینی گتیریب،
خان یانینا باخماق اوچون یئتیریب،
بو ظولمو گون گوروب، یولون ایتیریب
فلک کول اله ییب هاوا طوفاندر.

گلیب دئدی: - بیر تیر آرتیق وورمادیم
باشی اوسته یئیین گئتدیم دورمادیم
آما حاییف جان وئرمگین گۆرمه دیم
کوردلرین ده جان وئرمگی آساندیر.

^۱ - ترکه/باریکه= چیلیک کیمی اینجه و باش. (کمالی)

^۲ - گیللاندی= دیگیرلاندی/ غلط ائندی. (کمالی)

دئدىلر: - چوخ اورگين وار ماشالله!
ممتاز تيرانداز اولارسان ايشالله!
امتحانين ياخشى وئردين ايوالله!
بوندان بئله سنين ايچديگين قاندير.

يوخ ايدى كندلى ده دفينه جرأت
او نеше آغلایيب اتدیلر حرمت
توركلر غريبه يه ائدرلر عزت
آخر توركاوغلو، بير گوئل انساندیر.

بیری دئدی: - يييه سینی گتیرک،
بیری دئدی: - حکومته يئتیرک،
بیری دئدی: - آغ گتیرين گؤتورک،
حکومت يوخ، خانلار حؤکمو رواندير.

بیری گنديب، خاندان آلدی اجازه،
موللا گتيرديلر دوردو نمازه،
گور قازیلدی باسدیریلدی جنازه
خالقین باشاردیغی آه و فغاندير.

ادب ايله توركلر پالچیق قاتدیلا^۱
اؤز حسابلارینا او دم چاتدیلا
گوژدن سالیب، کندين داشین آتدیلا
تامام کند، ائله بیل، بیر قبرستاندير.

"یادگاری" دئییر: کؤنلوم دولوبدور
دونیادا چوخ ناحق قانلار اولوبدور
بو دونیا یا هرکیم گلیب، اؤلوبدور
بیر یاخشی، بیر یامان آخر قالاندیر.

^۱ - بو مصرع اصلینده بئله یازیلیب: ادبلی توركلر پالچيغين قاتدیلا (صرافی)

♦ همدانا یاخین کندلرین مدحسرخان آتلیلاری طرفیندن تالان اولماسی

اما بیر نچته وقت کئچیب، داخی قولو کندینین اربابلاری دا اؤز کندلرینه گله بیلمه‌دیلر و بو کند کوردلرین آدینا دولاندی و گئت- گئده کورد خانلارینین آوازه‌لری اوزاق کندلره و شهرلرده دوشوب، اونلارین موقعیتلری همدانا "شوه‌رینلی امیرنظام" ۱ دا خبر وئریلدی. کورد خانلاری یاووق اولان کندلردن بوغدا، آرپا، سامان و میوه و هر جور باج آلاردیلار و بیر نفر قاباقدا دوران یوخ ایدی.

حاج علی سیبیل کلبه‌غلامین بؤیوک اوغلو دئییر:

"کوردلر منی ده گوج ایله، اؤزلرینه آتلی قوللوقچو ائتمیشدیلر، بیر گون قیرخ آتلی همدانا گندیب، مصلی ۲ آیاغیندا بیر بؤیوک کاروانسرادا کی، هله ده اورانین طاقلارینین خرابه‌لاری قالیر.

منزل ائتدیک گئجه‌نی اورادا قالدیق، اثرته‌ده قوللوقچولارین بیرسی چؤله چیخیب، باخیب گلیب دئدی:

- آی خان نه یاتیبسان کی، خیوانلاری تمام محاصره ائدیبلر، باش تاپدیق کی، امیرنظامین آداملاری و حکومتین همدان شهرینده اولان نظامی لری مسلح اولوب، بیزی دوتماغا گلیرلر. محمدحسن خان دئدی:

- قلیان آلتی‌نی گتیرین!

قلیان آلتی‌نی یئیندن سونرا دستور وئردی کی، دورون دروازه آچیلاندا چیخین هر اون نفریز بیر طرفده هر کچیچک حادثه‌نی نظره آلین، اگر گولله ده آتدیلا، من دستور وئرمه‌میش، تیراندازلیق اولماسین!

بو دستورلاری وئریب، اؤزو هامیدان قاباق، آت اوسته، توفنگ الینده آماده ائشیگه سوردو، آتلیلار دؤرد بوجاق شکلینده اوزلری دؤرد طرفه توفنگ لرین لوله‌لرینی دوتوب، شهردن چؤله چیخدیق، اؤزو ده فارسی دیلی ایله بو مضموندا سسلندی:

۱- امیرنظام: مهدی بامداد (تاریخ رجال ایران) کتابی‌نین ایکینجی جلدی‌نین ۲۹۶- جی صفحه‌سینده یازیر: عبدالله خان قره‌گوزلو (ساعداالسلطنه- سردار اکرم امیرنظام) مصطفی قولوخان اعتمادالسلطنه‌نین اوغلو و همدانی قره‌گوزلو طایفاسی‌نین خانلاریندن و ایرانین متمول و ملاکلاری‌نین اول طرازلاریندانیدی، ۱۲۸۸ هـ ش و ۱۳۲۸ هـ ق. ابوالقاسم ناصرالملکون کابینه‌سینده کی، او مالیه وزارتینده عهده‌سینه آلمیشدی، تا اورپادان گلنه امیرنظام لقبی اولان عبدالله خان موقتاً مالیه وزیری اولدو. ۱۲۹۴ هـ ش ده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله‌نین کابینه‌سینده کی اونون باش‌وزیرلیگی دؤرد آیدان آرتیق طول چکمه‌دی، امیرنظام مالیه وزیری ایدی. (کمالی)

۲- مصلی: جماعت و اجتماعی نامازلاری قلیان یئر. (کمالی)

- آهای بوینو اینجه قاتمالار، چکیلین یول وئرن، قیرخ تیرله ایکی یوز نفرین اؤلمگینه راضی اولمایین تا صاباح دئمه سینلر نچه یوز آدام ناحق اؤلوبدور.

الحق سؤزو نظامی لره تاثیر ائدیپ، شهردن چیخاندا هئج تیر آتیلما دی، شهردن چؤله توفنگچی قومامیش دیلار، لیکن بیزیم ایزیمیزه دوشدولر.

محمدحسن خان دئدی:

- او وقت کی، من تیر آتدیم سیز برق کیمی کئچین گئدین، ایکی یوز آرشین اونلاردان فاصله دوتوب، بیر تیر، قاباقدا گلن آتین دوشوندن ووردو کی آرا قاریشیدی و بئش دقیقه چکمه دی کی بیز اونلاردان تخمینا ایکی مین آرشین اوزاقلادیق، داخی تعقیب اولماقدان خبر اولما دی، تا قولو کندینه گلدیک، اوچ گون او ماجرادان کئچدی، خان دستور وئردی: - ناهاردان سونرا حاضر یاراق اولون گئدک امیر نظامین "شوهرین" ۱ قلاسینی گئجه لیکده چاپپ گتیرک.

دئدی:

- آخی قوربان شوهرینه بلد دگیلیک.

دئدی:

- من بیر نفر همدانا گؤندرمیش کی، بیر آیرسی ایله گئدیپ شوهرینه بلد اولوب، "آب شنا" کۆرپوسونده بنادیر، بیزه قووشسونلار دوروب، آتلاری مینیپ، گلدیک آب شنا کۆرپوسونده اونلاری گۆردوک، دئدیله کی - شوهرینه بلد اولموشوق، خبر وئردیلر کی، امیرین هر گئجه قالا دا اون نفر قراولی وار، ولی بو گونلرده اؤزو قالا دا یوخدور، بئله کی معلوم اولور تهرانا گئدیبدیر. سؤزون قیساسی آلتی ساعت گئجه دن گئدنده شوهرین قلاسینا چاتیپ، قراوللاری آلداتدیق، مدحسرخان اؤزو میخلاری ووروب، اون نفر ایله داما گئدیپ، اورادا قراوللاری "الری یوخاریدا" ساخلا دیپ، قالانین قاپیسینی آچدیله، آتلایار بیردن قلعه ایچینه تۆکولوب چپا وولا ال قویدولار، اثاثیه لری و امیرین هم ده آیری قره گۆزلولرین قیمتلی ائو ایچیلرین گۆتوروب، ایشی او یئرده یئتیردیله کی، مظفرالدین شاه قیزی و امیر افخمین "قمرالسلطنه" ۲ آدیندا گلینی نین طوی پالتارلارین دا غارت ائله دیله. اما بیرسینه اهانت و تجاوز اولونما ییب و هئج کسه حتی بیر کیچیک یارا دا وورولما دی.

۱- شوهرین: بیر بؤیوک بورجلو و قالالی و همدان قره گۆزلو طایفاسی نین مرکزی و همدانین گون چیخان طرفینده واقع اولان کندیر. (کمالی)

۲- قمرالسلطنه: مظفرالدین شاهین قیزی افتخارالملک / احتشام الدوله قره گۆزلونون آروادیدیر. (کمالی)

◆ چهلگز ساواشی

"حاجلی سیبیل" دئییر:

"غارت اولونان زادلاری گؤتوروب "ئوک" دن رد اولدوق "چهلگز داغی" آياغیندا هاوا ایشیقلاندی. محمدباقرخان دوربین سالیب، هر طرفه باخیردی کی، بیردن دئدی:
- آی اوشاقلار اودور امیرین قوشونو گلیر، گئنه بورادا بیر ناحق جنگ اولاجاق، چکیلین داغ دالینا، سنگر دوتون، یوخسا بونلار، بیزدن ال چکن دئییل لر، بورا دا گؤرک گؤتوروب نه دئمک گرک؟"

چهلگز داغی نین^۱ دؤندوک دالینا

مدحسنخان آت بوینونا دولاشدی.

مکنز توفتگی یله نشانه گئتدی،

اول تیر ده ووردو جلودار آشدی.

دئدی: - ووردوم دوشمن جلودارینی،

ایندی قیرین امیر آتلی لارینی!

تا عالم تانیسین کورد خانلارینی

امیرنظام بیلسین کیملن قاداشدیم.

توز قوزاندی چهلگز دره سیندن،

سس وئردی داغ و داش تیر سسیندن،

قیامت قوپموشدو، آت نعره سیندن،

هر کسه تیر دگدی قانا بلشدی.

دیریدی: - یاتمیشدیق داشلار دالیندا،

هرکس سنگر دوتوب اؤز مکانیندا.

ایکی یوز قورد، قیرخ اصلان میدانیندا

قورخودان اوز دوتوب گؤیه اولاشدی.

^۱ - چهلگز داغی: الوند داغی نین گون چیخان سمتینده واقع و او دره نین اتگینده کی داغلارداندیر و همداندا ملایرین تورک بؤلگه نونه اسکی گندن یایاقلار (پیادهلر) یولو اوردان و ائوک کندیندن کئچیرمیش. (کمالی)

جوانلار دوشدولر هر بيرى يل تك،^۱
آتلار شاهه قالخيب، قاچديلار يئل تك
دامدان، آتدان قان آخاردى سئل تك
مد كريمخان اوندا عجب ساواشدى.

طاقت گتيرمهدى قوشون ميداندا،
نئچهسى جان وئريب نئچهسى جاندا،
آتليلارين قورخاقلارى قاچاندا،
گؤردوك مردلر قاليب نامردلر قاشدى.

دوشمن تير آتанда داشا دگردي
سركردهسى آجيخلانيب سؤگردي
بير آت بيزدن اؤلدو، چوخا دگردي
حيوان دوشوب، قان پالچيqa بولاشدى.

مدحسنخان دئدى: - دا تير آتمايىن!
قاچانلارين آردلارى جاق گئتمه يىن!
يئره دوشونلره آزار ائتمه يىن!
داها بسدير هر نه تيره ساتاشدى.

دئدى: - قاچين يارالارى باغلايىن
يىيه سيز آتلارى دوتون ساخلايىن!
يىغين توفنگلرى يئدك چاقلايىن!
بيردن گؤردوز گئنه دوشمن داراشدى.

احتياطلا قاچيب گيرديك ميدانا،
گؤردوك اون بير نفر باتيب آل قانا.
دؤردو اؤلوب، قالان يئتيشيب جانا
توز- تورپاقدان دؤرد جهته توتاشدى.

^۱ - يل: پهلوان، قوچاق. (كمالى)

بیری یالواریردی منی اۆلدورمه
آتامین اورگین یاریب بۆلدورمه
بیریسى اۆلو تک رنگی آغارمیش
بیری منی گۆرچک تنز قوجاقلاشدی.

دئدی: - یارالی نین کۆینگین جیرین!
یاراسین باغلایین، قانین سیلدرین!
هر بیرینه جام یاریسی سو وئرن!
بویوردوغو امره قوشون دالاشدی.

زخمی لره دئدی: - عفو ائدین بیزی
یولداشلاریز گلیب تاپارلار سیزی.
بیزه امر ائله دی وورون مهمیزی
بیز هئی ووردوک آتار داغا دیرماشدی.

آتلیلار یوخسا دا "چهلگز" دورور
"یادگاری" قلم نه یاخشی وورور؟
گۆرون دونیا گونده نه بساط قورور
نه یاراماز آداملار یاراشدی؟

حاجلی سییل دئییر:

"چهلگز داغیندا جنگ توکنیب، بیز کنده گلدیک، شوهریندن گتیرن قوماش و لباس و
شئیلردن قوللوقچولارا و آیری آداملار دا چوخ وئردیلر.

البته کئچمیشده ده اۆزلریندن، اضافه قالان زادلاری کند خالقینا وئردیلر.
اما نئجه کی، اوستاددان قالمیش سۆزدور کی، "باغواندان چیخماز اوغلان اۆلمک آجیسی
و ایلانندان دا چیخماز قیوروق قیریلماق آجیسی" او جنگده امیر آداملارین اۆلمگی و

۱- بو "دئییم" بیر فولکلوریک حیکایه یه دایانیر: دئییرلر، باغوانین بیری باغدا بیر ایلانلا یولداش اولموشدو، باغوان
گونده ایلانلا بیر بارداق سوت وئرن، ایلان دا سودو ایچیب، گندر یوواسیندان بیر اشرفی قیزیل پول گتیریب،
باغوانا وئرمیش، بله لیکله باغوان دولتلنیر، بیر گون ییغدیغی پوللارلا آروادینی دا گۆتوروب، حاجا گئتمه لی
اولور، اوغلونا تاپشیریر کی من گلینجه گونده بیر بارداق سوت توكوب، قویارسان بو داشین اوستونه، ایلان گلیب،
سودو ایچیندن سونرا گتیریب سنه بیر اشرفی وئره جک، من گلنه کیمی اشرفی لری ییغ ساخلا!
باغوان آروادی یلا یولا دوشورلر، اوغلان دا نئجه گون آتاسی نین تاپشیریغی بنا عمل ائدیر. سونرا اۆز یانیندا دئییر،
بو نه ایشدی، قوی ووروم ایلانی اۆلدوروم، یوواسینی داغیدیپ اشرفیلری ده بیر دیلیک الیمه کئچیریم. الینه

ئۇنىڭ سويولماق خېرى تمام ولايتى دوتدو، اميرنظاما بو ايش چوخ آغير اولدو و بونلارا گۆره ده همدان و تهراندان كوردلرين دوتماق يا اۆلدورمگينه امداد ايستهدى، تهراندان آنجاق بو تئزليگله اونا حۆكم گلن دئيىلدى و بير ده كورد خانلارى گون به گون اۆزلىرىنه يار-يولداش، قوللوقچو يىغيب، اۆزگه خالقلارى دارام ائتميشدىلر و اوزامان او تۆكولومون اهاليىسى هامى عرض و داد و شكايته اونلار يانينا گليردىلر و خانلار دا اۆز اختياري دادگاهلاريندا شكايتهچىلرين عرض حاللارينا چاتيپ، عادلانه حۆكم وئريب، تئزليكله حۆكملىرى اجرا ائديردىلر. "

◆ مدحسن خانين قرهسورانلار قارشى حملەسى

ننه صاحب، دئيير:

"حسن كاكام كى، آتلى قوللوقچو اولموشدو، بير گنجە ائوہ گليب دئدى:
بير غريب آرواد نھاوند شھرىندن خانلار يانينا شكايته گليب دئيير كى، "قرهسوران" منيم جوان اوغلو مو اۆلدوروبدور، اگر سيز منيم اوغلو مو قانىنى آليب و قرهسورانين باشىنى گتيريب، بورا دا منە وئرمە يە سيز، چارقادىمى گۆتورون سالىن اۆز باشىزا و دئىن كى بيز كيشى دگىليك، ايندى بنا اولوب من و سگگيز نفرده آيرى آتلى محمد حسنخانين اۆزويله گئدك، نھاوند و بروجردين اورتا يولوندا اولان قرهسوران پاسگاهىنى دوتوب، قرهسورانلارين بيريسى نين كى، قارى نين اوغلو مو اۆلدوروبدور باشىنى كسيب گتيريب، بو آروادا وئرك.
ننه صاحب دئيير:

"حسن كاكام گنجەنى ياتيپ، صاباح دوروب محمد حسنخان و سگگيز نفر آيرى آتلى ايله گنديب هفته باشىنا گلدىلر.
حسن كاكام يولداشلارى يله نھاونده گنديب، قرهسورانى اۆلدوروب، باشىنى. گتيرمكدن بئله تعريف ائردى:

بير داش گۆتوروب، دورور ايلان يوواسى نين باشىندا، ايلان چىخاندا داشى آتير ايلان، داش ديير ايلانين قويروغونو قيرير، ايلان دا آجىقلانيب، اوغلانى سانجبر. اوغلان ايلان زھرىندن اۆلور.
ئنجە گون سونرا باغوان مكدن قايدىر، حال ماجرادان خبردار اولور، قيرخ گون اوغلونون ياسين توتور، سونرا ايلانين يوواسى آغزىنا گنديب، دئيير:
- گل بير داھا كئچميشده اولان كيمى يولداش اولاق، من سنە سود وئريم، سن دە منە اشرفى گتير.
ايلان دئيير:

- بو ايش داھا اولماز، سن منى گۆرونجه اۆلن اوغلون يادىما دوشەجك. من سنى گۆرونجه قيريلان قويروغوم، باغواندان چىخماز اوغول آجيسى، ايلاندا دا چىخماز قويروق آجيسى. (صرافى)
۱- قرهسوران: يول قاراوولو (راھدار). (كمالى)

بیز اون آتلی، یولا دوشدوک یئل کیمین
 دره‌دن، تپه‌دن آخدیق سئل کیمین
 "الونده" چیخاندا ائل لری گۆردوک
 تیرینگه لر اوخوردوق "بولبول" کیمین.

آتلا ریمیز دیرناقلاری ناللاتمیش
 توفنگیمیز رکابلاردان ساللانمیش
 قورخودان هرچاتان تعظیم ائلردی
 هرکس بیزی گۆرموش، بیر جور آنلاتمیش

هر وعده ده بیر بوتون لش یئمیشدیک
 یا بییه‌سی راضی، یا پول وئرمیشدیک
 اوزاقدان باخاندا "تاون" گۆرسندی
 یئدیک، ایچدیک بیز مطلبه یئتیشدیک.

او گنجهنی قالدیق بولاق باشیندا،
 کئشیک چکدیک قره‌سوران قاشیندا.
 قره‌سوران بیزی گۆردو "دور" دئدی؛
 بیر قوچاق کیشی‌یدی، اوتوز یاشیندا

داشدان ایدی قره‌سورانلار بورجو
 بئش نفر، اۆزلری چوخ دا وورو جو
 دۆرد یولون باشیندا بورج تیکلمیشدی
 ایگیتلیکده هر بیر یسی بیر گورجو.

مدحسنخان دئدی: - سیز دالدا دورون!
 بورجون دئشیگیندن دئ جگین وورون!
 چاغیردی هئی قره‌سوران رئیس
 "با تو کاری دارم زود بیا بیرون!"

^۱ - تیرینگه: ماهنی. (کمالی)

رھزن الړین بیرى چىخدى ائشىگه
دۇردو بورج ایچینه، دۇردو كئشىگه
قرار اولدو بیزدن گئتسین اوچ نفر
اونلار ایله دورسون دى- دانیشیغا

اوچ نفرین بیرى حسنخان ایدی
یئددى نفر قالان نگهبان ایدی
دئدى: - اگر بیز گیریشدیک، تئز چاتین
بیزیم دیلگیمیز قانا قان ایدی.

بورجا گیرجک بیردن آرا قاریشدى
یئددى نفر دالدان چاتیپ گیریشدى
یئتیشنده دوتوب، چاندىق قوللارین
قارى اوغلونو اؤلدورن دانیشدى.

دئدى: - منیم او سئودیگیم آلمیشدى
یانار آتشلره جانیم سالمیشدى
رقیبى اؤلدوردوم آلام یاریمی
بو حسرتلر اورگیمده قالمیشدى.

مد حسنخان دئدى: - خرابدیر ایشین
گرکدیر قارى یا آپارام باشین
بیر تیر ووردو، دؤزدوک تا جانى چىخدى
باشین کسدیک، ییخدیق بورجون دام- داشین.

دۇردونو بوراخدیق، بوش یولا سالدیق
گلدیک گئنه گئجه بولاقدا قالدیق
گوندوزلری گلدیک، گئجه لر یاتدیق
باشى گتدیک آرواد یانینا آتدیق

^۱ - رھزن: یول کسن، اوغرو. بوردا قرهسوران منظوردادیر نئجه کی، قرهسوران قاجاریه عهدینه شهرلر آراسینداکی یوللاردا قراوول دورانلار دئیردیلر، سونرالار مملکتین صاحبسوزلیگینه گۆره قرهسورانلار اؤزلری یول کسن اولوب، اونلارین یوللاردا، بورج و قالالاری اوغرولار و یول کسنلرین ییغیناق یئرلری اولموشدو. (کمالی)

تاری یامان قوللاری یله یاماندی
"یادگاری" پیسه قارغیش یازاندی
بو حکایت حقیقتین عینی دیر
هامیسی دوغرودور، دئمه یالاندی.

◆ تهرانا یاخین داش کاروانسارائین تالان ائتمه سی

ننه صاحب دئییر:

"بیر آی بو مرحله دن گئچدی، بیر گون حسن کاکام گلیب خوداحافظلیک ائدی، دئدی:
- ننه صاحب منی حلال ائله، بو کوردلر آخری یا بیزی اؤلومه وئرلر، یا دا کی، اؤزلری
اؤلدورلر. الله اؤزو بیر جور وسیله فراهم ائله سین کی بیز بونلارین چنگیندن چیخیب
قورتولاق.

دئدیم:

- گئنه نه اولوب؟

کاکام دئدی:

- کوردلر ایندی دئییرلر، آت- قاطیر گؤتورون، گئدک گوندوزلر هر کس گوردو دئیین
گئدیریک دوز گتیرک. گئجه لر ده یاتین تا گئدیپ تهران داش کاروانسراسینی^۱ کی اورا دا
چوخ پول، قوماش و جنس وار و پوللو کاروانلار اورایا گلیرلر، چاپپ گتیرک.

ننه صاحب دئییر:

"حسن کاکام خوداحافظلیک ائدیپ کوردلرله یاناشی گئدیپ، تهرانین داش
کاروانسراسینی چاپپ، ایگیری یکی گوندن سونرا اوتوز قاطیر یوکو جنس گتیردیلر.
جنسلرین هامیسی قیمتلی و بیر مقداری دا پول و قیزیل ایدی. گتیرن ماللاردان کئچن
دفعه لر کیمی یوخسول آدمالار دا بعضی شئیلردن وئردیلر."

◆ قولو کندی ساواشی و کوردلرین کئندن قاچماسی

ننه صاحب دئییر:

"کوردلر چوخ ناموس پرست ایدیلر، ائله کی، ساز- دوهول ووروب، اوینایاندا بیر آرواد باشینی
قاییدان چیخاریب یازییا باخا بیلمزدی، یکی ایل اولوردو کی، او خانلار بو آزادا همه کاره

^۱ - تهران داش کاروانساراسی، تهران ایله ساوا یولونون اوستونده آجی چاپین قیراغیندا واقع اولوب و رباط کریمه
یاووق و اورادان تهرانا حدوداً ۴۰ کیلومتر دیر. (کمالی)

اولموشدولار، هر يئرده گوجلو و اهميتلى مال اولايدى، چاپيب گتيريرديلر، آما اوچونجو ايل قوس آيينين اولى خبر گلدى كى، "شوهرينلى اميرنظام" شاهدان دستور آليب، كوردلرى دوتماغا گلير، كوردلر دؤهول چالديرىب، كند خالقينى بير يئره ييغيب، بو خبرى وئرديلر"

قولو كندى كوردلرينى دوتماغا،
شاهدان حؤكوم گليب، فرمان اولوبدور.
اميرنظام مامور اولوب بو امره
انتقام آلماغا دوران اولوبدور.

سرهنك عليرضايا^۱ امر اولوب گئتسين
يانى جاق قارداشى "زين العابدین"
خانلارى دوتسون تا احسن دئييلسين
اميرنظامدان بو عنوان اولوبدور.

قوللوقچو هر نه كى، وار آزاد اولسون!
اهالى نين اوركلرى شاد اولسون!
قالا- بورجون توپراغى بر باد اولسون!
چونكى "قمر"^۲ رختى تالان اولوبدور.

قوشون گليب گنجه سنگرده ياتدى،
دؤرد طرفدن يايليم گوللر^۳ آندى.
سورسات و آذوقه قوشونا چاتدى
مدحسنخان شيرتك غران اولوبدور.

پيغام گلدى كندى توپا باغلاريق،
كوردلر قاچسalar دا سيزى داغلاريق،
بو كندين اهلينه يامان چاغلاريق،
كندين حالى چوخ پريشان اولوبدور.

^۱ - سرهنك عليرضاخان نظره گليركى بو سرهنك ده قره گؤزلولردن اولسون. (كمالى)

^۲ - قمرالسلطنه دئمكدير. (كمالى)

^۳ - يايليم گولله: هوايى تيرلر. (كمالى)

سرھنگ امان نامہ وئردی کی آلیں،
تسلیم اولون هامی سلامت قالین،
تھرا نا یوللارام من کورد خانلارین
امر اولان یئرلری تھران اولوبدور.

کند خالقی نین قورخو دوشدو جانینا،
چاره بیلیب، گئتدیلر خان یانینا،
قورخودان دوشدولر خان آیاغینا،
کی، بیزه ظولم ایکی یاندان اولوبدور.

مد حسنخان دئدی: - بیز تسلیم اولماق^۱
یا اولدورروک بیر- بیر یا دیری قالماق
اؤزوموزو دیری زنجیره سالماق
بو جوابدان سرھنگ چوخ یان اولوبدور.

زین العابدین سرھنگین قارداشی،
جوان ایدی، ایگیرمی ایکی یاشی،
جوان افسر ایدی، اولموش یوز یاشی،
دئدی: - بیزه چوخ دار میدان اولوبدور.

بو دره دن تک گندرم یووخونا،
الیم ائله کی، قالایا، توخونا،
تک باشیما ال تاپارام چوخونا،
بیر بورجا مین نفر حئیران اولوبدور.

سالیب گوجه، گئتدی او بورجا ساری
قبرستان آلتیندان گلدی یوخاری
گئتدی سنگر دوتسون بورجا قانشاری
یوز باشی گور نئجه اوغلان اولوبدور؟

قارالتی گؤرسننده "محمد قولوخان" بورجدان گؤزله ییب باشیندان ووراندا زین العابدین
دیگیرلنپ گلیب، گؤل ایچره دوشدو.

^۱- اولماق: اولماق، قالماق، سالماق:، قالماق، سالماق، معناسیندادیر. (صرافی)

مدقولوخان گۆردو بىر باش ترينير،
هدف آليب، بورجدان گوللەنى آتدى.
گوللە دگدى "زينل"۱ گۆل ايچرە دوشدو
سرهنگين قارداشى آل قانا باتدى.

خيز باغلادی محمد قولوخان گۆلە
كى، زينل توفنگين گتيرسين الە
تا بو ايشدن فخرلر ساتسين الله
بىر تير دگدى او دا گۆل ايچرە ياتدى

اوچ گنجه، اوچ گوندوز جنگ اللهديلر
عرصەنى بىر- بىرە تنگ ائيلهديلر
يول كسيب گئت- گلى لنگ ائيلهديلر
ساختا سرهنگ آداملارين بوزلاتدى.

مد حسنخان گنجه سياست ائتدى،
تير آتا- تير آتا هئى گئرى گئتدى،
طايفاسى بلا قاچدى، كندلى قايتدى
سرهنكى خام ائديب، بو نوع آلداتدى.

جنگ توكندى ايكي لش گۆلدە قالدى،
سرهنگ قارداشى نين نعشيني آلدى،
مد قولوخان غنچه ايكن سارالدى،
آچيلماميش سولوب، خالقى آغلادتى.

"يادگارى" دئير: - انسان ساز اولسون
بو دونيادا اۆلوم- ايتيم آز اولسون
قوى قارا قيش گئتسين، گۆزل ياز اولسون
الله بيزى كمال اوچون ياراتدى.

۱- زينل: زين العابدين - ين قيساديلميشى. (كمالى)

کوردلر گئجه‌لیکده امام دره‌سیندن قاچیب گئتدیلر و سرهنگ ده اونلاری دوباره داماسالماق اوچون هئچ زادلارینا ال وورماییب، قارداشی نین نعشینی گۆتوروب آپاردی و محمد قولوخانی دا کندلی لر دفن ائله‌دیلر.

◆ مدحسرخان دسته‌سی نین بیر داها کنده قاییتما‌سی و کندیلرین طرفیندن توتولما‌لاری

کوردلر گلن ایل بایرامدان سونرا گئنه گلیب، اؤز ایشلرینه مشغول اولدولار، داخی قوشوندان خبر اولمادی تا گلن قیش گئنه قوشون گلیب داغلاری دوتدو، اکینجی ایلده گئنه کورد خانلاری گئجه‌لیکده الدن چیخدی‌لار.

اوچونجو ایل قوشون گئنه قیشین اولینده گلیب، تمام دره‌لری، تپه‌لری داغلاری دوتوب، هامی یئرده سنگر قازیب، نئچه عراده ده توپ داغلاردا نصب ائله‌دی، سرهنگ کوردلردن ایسته‌دی کی، تسلیم اولسونلار، آما اونلار تسلیم اولماییب، کند خالقینا دئدی‌لر:

- صاباح، آق قار، قیرمیزی قانلا بویانا جاق‌دیر و بو قیرمیزی قونداقلی توفنگلر ایله گلن نظامی‌نی قانینا بله‌یه‌جگیک، آهای کندلی لر سیزده گئدین توفنگلریزی گتیرین، ساواشدا بیزه یار اولون.

بورا دا گرک دئییل‌سین کی، کوردلر داخی هئچ کسه آزار و اذیت ائله‌میردی‌لر. اطراف کندلرین اهالی‌سینه ده مهربانلیق و کۆمکلک ائدی‌دی‌لر و بونلار گۆره ده گون به گون حرمتلری آرتیب و خالقین علاقه‌لری اونلار چوخال‌میشدی.

سرهنگ علیرضاخان کی، قارداش اوّلومونو اونودوب، اونون قانیندان کئچن دگیلدی، قولو کندی خالقینی فشارا قویوب، اؤزونون باجاریق‌سیزلیغینا گۆره، کوردلرین دوتولما‌غینی اونلاردان ایستردی و اوچ گون مهلت وئرمیشدی کی، کندلی لر کوردلری دوتوب، تحویل وئرسینلر، بو دا بیر چتین ایشدی. ایستر- ایسته‌مز قولو کندینده کوردلر ایله دوشمن اونلار قرار ائتدی‌لر، گئجه شام یئییلن یئرده اول یاووق و اونلار کوردلرین اعتمادی اولان قوللو قچولار، سونرا قوچاق آدمالار، سوفره اوستونده خانلاری دوتسونلار، بونا گۆره قرار اولدو، اول مخصوص قوللو قچولار صلاح و مصلحت ائله‌مک عنوانینده ایچری گلیب، اسلحه‌لری قوجا قلاسینلار، بونلاردان سونرا تمام جوانلار و حاضر اولانلار هجوم گتیریب، دوتماق باشلان‌سین کی، بئله ده اولدو. نئجه کی:

حسن سلام وئریب، گیریپ اگلشدی

رنگی روفو قاچدی باخجاق توفنگه

مدحسرخان باخیب شبه‌یه دوشدو

دئدی: - چهره‌ن نه‌دن دوشدو بو رنگه؟

دئدی: - خان بیز سیزه پیس اولمامیشق
 نئچه ایلدیر مگر نه ائله میشیق
 بیر- بیر ایلن، بیز دوز- چؤرک یئمیشیک
 بهتان یاخیب، قولاق وئرمه جفنگه!

تا گلدیلر "محمد اوشاقلاری"^۱
 ایتی لشدی حسن خان قولاقلاری
 نوکر حسن تیتیردی دوداقلاری
 خان بیلدی کی، دوشوب دام نیرنگه

مدحسنخان یئردن دوروب قووزاندی
 حسن توفنگلر اوستونه اوزاندی
 خان بیلدی کی، وضعیت نامیزاندی
 سسلندی: قارداشلار اوز قویون جنگه

اما سسینه، سس وئرن اولمادی
 گئچمیشلر تک ائو بوشالیب دولمادی
 هر نه کی، چالیشدی او قورتولمادی
 خان اوخشاردی گولله دگمیش پلنگه.

نئچه سی دوتموشدو مدحسنخان
 بئش نفردن آرتیق واریدی جانی
 گؤز آلتدان کئچیردی بو یان- او یانی
 کی، اولسا ال تاپسین توفنگ، فشنگه

مدحسنخان گؤردو کی لاعلاجدی
 باسیب خالق، میدان اورتادان آچدی
 پنجره دن باغ ایچره دوشدو قاچدی
 گئنه دؤرون دوتوب سالدیلار تنگه.

^۱ - محمد/ صادق بیگین قارداشی. (کمالی)

باغچادا دوشدولر اونون جانينا
 على سيبيل^۱ چاتيپ ميندى دالينا
 بير نفر سول، بير نفر ساغ يانينا
 باسيپ ايکيسيني گتيردى چنگه
 .
 آخر اسير اولدو ممدحسنخان
 سونرا بئشينده دوتدولار غافلدا
 قول- قول باغلاندى آلتى پهلوان
 رمز وئريلدى دؤهول ايله سرهنگه
 .
 الله گوج وئرندە طولم ائله مه بين
 حاقلينين حاقيني ناحق قيلمايين
 دونيانين ايشيني عبث بيلمه بين
 "يادگارى" سن ده باخ عار و ننگه

♦ سرهنگين قورخاقليني و نامردليگي

"کندلى لر کوردلری دوتوب، هر نه کنددن رمز و علامت وئردیلر کی، داغلاردان سرهنگ قوشونون آیری سرکرده لری یا اقلا سربازلار گلیب کوردلرین دوتماغینی گؤرسونلر، قوشون اهلی نین بیرینده ده کنده آياق قويماق جراتی اولمادی، تا اینکی، کند اهلیندن نچه نفر داغا گندیپ ماجرانی اولدوغو کیمی خبر وئردیلر. سرهنگ ایکی نفر گروگان ساخلاييب و بير سرباز کنده گؤندردی، سرباز گلیب، اونلاری قولو باغلی گؤروب، خاطر جمع اولوب داما چيخيب دامدا رمزی اود يانديريب، سرهنگه اطمینان وئردی، جناب سرهنگ یوز توفنگچی ايله کنده وارد اولوب، اسیرلری قولو باغلی گؤروب، کندیلرین سؤزونو ایناندی. اسیرلری گئجه نی بير دیواری محکم اولان سویوق یئرده (قوجا غلامین الان دوران ائوينده) قول- قیچلاری باغلی ساخلاييب، او گئجه دوستاقلارا نچه نفر قراوول قويدولار، ساباها دک سویوق، آجلیق و قورخو اونلارین امانلارینی کسمیشدی، تک محمدحسنخانین اؤز روحیه سی الدن گئتمه ييب، بلکه یولداشلارینا دا اورک وئیردی، او گئجه کلبه غلام سرهنگدن اجازه آلیب، اسیر اولان ائوده تندیر ایسیدیب، کورد خانلاری نین بوز آغیزلارینا، ایسسی لقمه لر یئتیردی، محمدحسنخاندان ائله او گئجه کلبه غلامدان حاللیق آلدی. سرهنگ علیرضاخان سحر یوخودان دوروب امر ائله دی کی، کندین تمام خالقینی خبر

^۱ - علی سيبيل: علی جان، حاج علی خان، کلبه غلامین بؤیوک اوغلو. (کمالي)

ائتسینلر، جماعت توپلانیب بئله بیلیردیلر کی، ایندی سرهنگ قولوباغلی اسیرلری اول بیر- بیر استنطاق ائدیب، سونرا محاکمه اوچون تهران ساری یولا سالار، اما سرهنگ اسیرلردن ایستهدی کی، ائودن تک- تک چؤله چیخسینلار، کوردلری قورخو بوروموشدو کی، محمد حسنخان اونلار نهیب ووردو کی، "بیر اؤلن، ایکی اؤلمز" و اؤزو اول نفر ایدی کی، ائودن یازیا چیخدی، سرهنگ یئددی آددیملیقدان اونا بیر تیر ووردو، اما محمد حسنخان ییخیلمايیب، سرهنگه یوققوش دانیشدی^۱ کی، دؤرد تیر ده بیر- بیر آردیجا یئنی دن اونا دؤشه دی و محمد حسنخانین ایگیت آرخاسی یئره گلدی، سرهنگ قالان بش نفری ده ائودن چیخاتدیریب گولله لره تاپیشیردی، خانلار قولوباغلی و اسیرلیک حالیندا تیره باران اولاندان سونرا سرهنگ امر ائله دی اؤلولرین باشلارین کسب، نیه لره ووردولار^۲.

سرهنگ نئچه ایل قولوکندی محاصره ائدیب و نئچه یوز قوشون ایله باشارمادی کوردلره ال تاپسین، اما کندیلره وسیله سی و حيله ایله دوتوب، اسیر اولوب و قوللاری باغلی اولان حالدا اونلاری گولله له دی و سونرا امر ائله دی بیر کاغذ یازدی یار کی، مثلاً بو آلتی نفر ساواش و دؤبوش میدانی مغلوبه اولندا، تیره دوشوبلر و کندلی لری ده مجبور ائتدی، او کاغذی مؤهورله ییب، بارماق باسسینلار، اهالی ده قورخودان یالان مضمونلو کاغذی مؤهورله ییب، بارماقلا دیلار، نظامیلر ده کسکک باشلاری نیه لرده ووروب تهران جایزه آلماق اوچون آپاردیلار. آرواد- اوشاقلارین وئجه گلمه یلرینی بوراخدیلار کی، هر کسین هر یئرده ائل- طایفاسی وار اونون یانینا گئدیب، کدرلی حیاتینی باشا آپارسین، فقط نئچه خیردا و سود امر اوشاق اؤز آنالاری یانیندا قالدیلار کی، سرهنگ و قوشونون سرکرده لری ائله بیل کی، گؤزل جئیرانلاری قوزولاری ایله شکار ائدیبلر، اونلاری دا آنالاری ایله یاناشی آپاردیلار.

سرهنگین امری یله او آلتی باشسیز بدنلری غسل سوز، کفن سیز، ناماز سیز و تلقین سیز بیر بؤیوک چوخورا تۆکوب اوستلرین باسدیردیلار.

قولو کندنی نین اهالیسی سرهنگین بو یاراماز عمل لریندن و اونون اسلام دینینه اعتناسیزلیغیندن چوخ- چوخ ناراحت اولدولار، البته قوشون کئندن خارج اولاندان سونرا، کندلی او آلتی جسدی چالدان چیخاریب هر بیرینه مقدس اسلام دستوری ایله غسل وئریب، کفن له ییب، ناماز قیلیب، تلقین اوخویوب، هر بیرینی بیر مزاره قویوب و حرمت ایله توریاغا تاپیشیردیلار، اما قولو کندنی نین تورک اهالیسی هرچند اول کوردلرین یاراماز حرکتلریندن ناراحت اولموشدولار، اما گئتدی کجه اونلارین گؤستردیکلری ایگیتلیکلرینه گؤره و دولتلی لردن آلیب، یوخسوللارا وئردیکلری اوچون و هابئله اونلارین مظلوم اؤلگمی و

^۱ - یوققوش دانیشماق: دیک دانیشماق، فا. جواب سربالا دادن. (صرافی)

^۲ - بیر روایت اؤلنلرین باشلارینی سرهنگ دستوری ایله علی سیبیل کسیدیر. (کمالی)

اٲولرى نىن تالانا گىتمگى و اهل و عىاللارى نىن اسىر اولوب، اىگىتلىرى نىن غرىب كورلانماقلارى^۱ اوچون ده چوخ اوركلرى يانىب، سرهنگىن انصاف سىزلىغىنا خاطر و هامىسىندان آرتىق محمدحسنخان بىر نوع عىارلىق صفتلىرىنه گۆره، كوردلره مخصوصا محمدحسنخان بىر اؤزونه درىن علاقه و محبت باغلايىب و كندىن پاك اوركلى خالقى حسرت ايله محمدحسنخان اۋلندن سونرا بو بىتى وصف الحال اولاراق دۋنه- دۋنه اوخوياردىلار:

"حايىف سنه مدحسنخان

حايىف سنه آى قوچ اوغلان"

دئىن لنلره گۆره بو حادثه اوستو اۋرتولو قالمايىب و قولو كندى نىن بۋىوكلرى و اۋلنلرىن ائل طايغالارى نىن قالان جانلى باشلىلارى، كورد خانلارى نىن دوتوب، اسىر اولوب، سونرادان اسارت حالىندا قولو باغلى اۋلدورولمكلرى نىن خبرىن تهراندا حكومت يىتيردىلر كى، سرهنگ عليرضاخان و قوشونون آبرى سر كرده لرى و امىر نظام قره گۈزلو اوچون بىر محاكمه ده تشكيل اولوندو، ولى بىر نتيجه اله گلمه دى."

اما قوچاق مدحسنخان راجع من بئله دئمىشم:

داغلار كىمى بۋىوك بالا

تىكدىردىن بورج ايله قالا

اىستردىن اىل لرجه قالا

حايىف سنه مدحسنخان

صولتلى ايدىن اصلاندان

جراتلى ايدىن قافلاندان^۲

ايتى ديرناقلى طرلاندان^۳

حايىف سنه مدحسنخان

"امىر" ايله ائتدىن جنگى

چاپدىن كاروانسرا سنگى

گاه عربى، گاهى زنگى^۴

حايىف سنه مدحسنخان

۱- كورلانماق: قوبلانماق، مزارا وئرىلمك (صرافى)

۲- قافلان: پلنگ. (كمالى)

۳- طرلان: بىر جور اوو قوشى. (كمالى)

۴- بورادا ايهام وار هم شاه اسماعىل ناغىلىنده كى عرب زنگى و هم عرب قومى و زنگى قومى منظور دادىر. (كمالى)

گوجون نامرده بیلدیردین
 "قره سورانی" اؤلدوردون
 داش قالالاری سیندیردین
 حاییف سنه مدحسنخان
 .
 هئچ قورخون یوخ ایدی جنگدن
 اورکلی ایدین سرهنگدن
 قاییتمازدین تیپدن، هنگدن
 حاییف سنه مدحسنخان
 .
 داغلار دولاندا قوشوندان
 تیتره دی جنب و جوشوندان
 دریغ او عقل و هوشوندان
 حاییف سنه مدحسنخان
 .
 خبرسبز کندلی گیریشدی
 قاچدین قیچین موه گئشدی
 "علیجان" دالدان ایلشیدی
 حاییف سنه مدحسنخان
 .
 سویوق یثرده قالدین شامدان
 حاللیق آلدین غلامدان
 خوشون گلمزدی بدنامدان
 حاییف سنه مدحسنخان
 .
 راست اوتوردو، اگری دوردو
 سرهنگ سنه حيله ووردو
 آلتی اسیری اؤلدوردو
 حاییف سنه مدحسنخان
 .
 ایکی آرشین بویون دوشدی
 باجین ساچلارینی آشدی
 سرهنگی گوروب ساواشدی
 حاییف سنه مدحسنخان

باجين باشين فوجاقلادی

سینه‌سین چاپراز داغلادی

قوشون حالینا آغلادی

حاییف سنه مدحسنخان

قالدی قابدا کالیش آشین^۱

تهراناجان گئتدی باشین

غسل‌سوز کورلاندی^۲ لشین

حاییف سنه مدحسنخان

سن دستان اولدون دیل‌لرده

قهرمان اولدون ائل‌لرده

سسین گورولدار یئل‌لرده

حاییف سنه مدحسنخان

"یادگاری" دئییر غمدن

اولان دمدن، اولن دمدن

حاییف اولسون دوشدون جمدن

حاییف سنه مدحسنخان

^۱ - کالیش آشی = قوروت، یارما و چوغوندور ایله عمله گلن بیر جور آشدیر. (کمالی)

^۲ - کورلانماق: تویدانماق، مزارا قویماق. (کمالی)



من چالديرانام جواد قصاب زاده، "شواق"

باغیریم اولادلاریمین ساواشیندان تۆکولن قانلارلا یارالیدیر. باتی آذربایجان ایلی نین اوجقار یئرلریندن بیریم. دوست و قارداش تورکیه اۆلکه سیله 143 کیومتره لیک بیر سینیریم وار. ائل ایچینده غریب یاشایان بیر شهرم، سانکی بو دونیادا یوخام...

هر کیمسه نین یادداشیندان چیخان بیر شهر، قارغینمیش بیر یورد، وارلیغیندا یوخسول، یوخسول لوغوندا جؤمرد

نه گوزل دئمیش شاعیر:

چاییرلی چمنلی داغلی چالديران

یوللاری خوش گونه باغلی چالديران

ایرانین ایکینجی محروم شهری آدلانان بو شهرین آیین یازیسیندا، سیاسال چکیشمه لر بیتمز بیر اولای دیر و بونون سونوجوندا گلشیمه دن گئری یه ساخلانیلمیش بیر شهر دیر. پلدشت و شوط شهرلریله بیرلیکده، آپ ارنلر یوردو، داش ماکی، باغیریندان آیریلان بو گؤزل یایلاق شهری منطقه آزاد ایچینه هله هله دیر، آیینمیش.

باتی آذربایجان ایلی نین قونشو اۆلکه لرله سینیری اولان باشقا شهرلر کیمی، دؤلتدن سینیردا آلیش- وئریش اوچون حاقلارینی آراماقدا؛ آما هله بو حاق اونا وئریلمه ییب...

شاشیردیجی بو کی، مجلس ده کی وکیلی، عینی زاماندا ماکو، پلدشت و شوط شهرلری نین ده وکیلی دیر. او اوچ شهر منطقه آزاد آما چالديران دوستاقدا بیر آسلان کیمی باغیرماقدا، قاندالانیب...

◆ عمومی معلومات

بو بئش يوز ايلدن آرتيق تاريخى اولان شهر، قونشو شهرلر گۆره داها چوخ باغرىندان كۆچن عاييله لر شاهيد اولوب، ايستمه دن.

گۆزل داش ماكى يا، آيدىن لار بسله ين قهرمان شوطا، شمس ديارى خويا و گۆزل انسان لارى نين كۆنول لرى انسان عشقيه دولو چاپارا شهرينه يولو وار چالديرانين. شهرين تام اورتاسيندان، توركيه سينيرينا راحتجاسينا، قره دره گۆزل ليكلرينى سئير اندركن، ياريم ساعاتا وارا بيلرسينيز.

چالديران شهرى، ۱۵۱۴ ميلادى ايلينده، ايكي سويداش دؤلتين آمانسيز ساواشينا شاهيد اولان بير يثردير. بير آنا كيمي آلپ ارنلرى نين گؤوده سينى باغرينا باسيب آغلان يورد چنلى و دومانلى داغلار ايچينده دوشن بير باييردير. باييلدان هاواسى، بولبول لرى مست ائدن يايليم لارى نين گول لرى و ايرانين كولرسيز شهرى آدلانان يئر، مركزى و آواجيق (دشتك، زردشت)، دئييلن ايكي بخشى و ايكي يوزه ياخين كندى وار.

سون وئرى لر گۆره: ۴۵۰۶۰ نفر توپلومو بسله بير جان داماريندان. بو توپلومون ۲۳۰۳۶ نفرى كيشى و ۲۲۰۲۴ نفرى ايسه قادين دير. بو سايدان ايسه ۱۹۴۶۷ نفر شهرده و ۲۵۵۹۳ نفر ايسه كندلرده ياشام لاريني سوردورمكده ديرلر. چالديرانين توپلام مساحتى ۱۹۹۱ كيلومتر مربعدير. هوندورلوگو دنيز سويه سيندن ۱۵۰۰ دن ۳۵۰۰ متره يه قدر يئر- يئر ديشمكده دير.

◆ اؤزوندە تارىخ و ميت ولوژى ساخلايان توپونيملر

بو گۆزلردن ايراق قالان شهرين، ۱۷۷ كندينده ياشام هاواسى هله ده توتور و ايش سيزليق دندى يله ۲۲ پارا كند، آغيت لار يازير كؤچوب گئدن انسانلاريني اؤزلمكدن. آخار- باخار چايلارى نين آدلارى دا؛ يايلا لارى كيمي گۆزلدير، چالديرانين: گلين بوغان، قيزلارچايى، يار چايى و... داغلارى نين سرت ليگينه باخميا يراق، آدلارى زيروهه سينه چيخماغا هوسلنديرير انسان اوغلونو: قيز قاچان، تكه ليك، قوتسال خوروزلو داغى، مورش داغلارى و...

قىرخلار بؤلگه سينده، هله- هله چالديران اوواسينا يئتيرمه دن، سيلديريم قايلار و انگين داغلارين آراسيندا، ايكي سويداش قوشون ايلك دفعه چارپيشميش و دولو- دولو مزار باغرىندا قازميش باشى گۆره جكللى چالديران. بلكه ده اوندا بو آغيت چالديران ملتى ايچينده شاه اسماعيله دؤنوك بير ديلك كيمي يئشميشدير:

اويان اويان شاه اسماعيل گۆر نه لر اولدو

دره لر، تپه لر قان ايله دولدو

ایک ساوش یثری قیرخلار اولورسا، **لالوتپه‌سی** یا **دالاله تپه‌سی** چالديرانين آمانسیز ساوایشی‌نین شهیدلری‌نین آدینا وئريلمیش یئر، تام شهرین ایچینده دیر بو گون. دئییلن لره **بوزقالا** یا **دبذ قالاسی** اونودولماز ایگیدی‌میز کور اوغولویا عایدیر و ایندی ده او یئرده بو آددا بیر کند وار ایگیدلر یوردو چالديرانين. بونا داییر بلگه‌میز، چالديرانين ائلی‌نین سینه‌سیندن بئله گل‌میش:

کور اوغلونون بوز قالاسی
عرشه دایاندی ناله‌سی
اؤردک ایله قاز بالاسی
چؤل‌لرده یالقیز قالماسی

هابئله **زرشهر**، بؤلگه‌ده، **چالديران** و **آواجیق** آراسیندا اسکی‌لردن وار اولموش بیر شهرمیش کی ایندی اورادا قارا و آغ داشلاردان باشقا بیر اثر گؤرونمور. دئییملره گؤره آغ داشین اورتاسیندان بیر شیره سوزورموش. هله ده او داشین اورتاسی اوپولموش، دلیک و بوم- بوشدور و قوناق‌لاری گؤزله‌ییر...

بیر آز آرتیق گزسه‌نیز، گؤرسینیز عشقین معنولارانه‌لر یاپدیردیغینی؛ **سعدل کندی**‌نین یانی باشیندا، چالديران ساوایشی‌نین آناسینا ایشلنن آنیتین آرخاسیندا کی پوکه‌لی داغلاردا، **شیرین فرهاد** دییه داغدا قازیلان بیر زاغا وار. چوخور کند و بوزقالا هوندورلوکلریندن گلن سویون شاققیدیس‌ی‌یلا بیرلیکده شیرین فرهاد زاغاسینی سئیر ائتمک باشقا بیر دویغودور سانکی. او عشق زاغاسینا هردن کیلسه ده دئییلیر آغیزلاردا.

دلیک داش آدیندا دا کندی وار چالديرانين. بو کنده بویوک بیر قایا یووارلاق شکیلده اورتادان دینمیش و او داشا گؤره کندین آدی دلیک داش قالیر.

خیدیرلی کندینده **قیرخ پیلله** دئییلن بیر یئر وار تام قیرخ پیلله ایمیش، یئر آلتینا دوغرو قازیلیمیش و گئدیر بلکه سونسوزلوقا دوغرو.

خالق آراسیندا، **تخت روان**، **شاه گلن**، **حراملو** و بیر نچه کند **جنگ تپه کندی** کیمی، هامیسی چالديران ساوایشینی آندیران آدلاردیرلار. اؤرنک اوچون: **تخت روان** سولطان سلیمین کراالیک تختی‌نین دوشرگه‌سی اولموشدور.

شاه گلن کندی شاه اسماعیلین ساوایش اوچون چالديران کنچیش یثری و **حراملو** دا سولطان سلیمین حرم قادینلاری‌نین قونوشلاناتن یثری... ان دوغروسونو تانری بیلیر البته.

◆ چالديراندا خيدير نبى

خالق آراسيندا باشقا شەرلەر تاي چالديرانين دا اؤزونه اؤزگو عادتلىرى و اويونلارى وار كى ايللر بويو يئددى دن يئتميشه اويقارلىق، انسانى انساندان آييرماميشدان، چالديرانليقلار بو اويونلار ايچينده، آرخاداشلار يلا جۇمردجه سينه ياريشيرلارميش.

بو گونكى چالديراندا، ياواش- ياوش يادلاردان چيخماغا دوغرو گئدن گۆزل عنعنهلردن بيرى خيديرننى عنعنه سيدير. چالديرانليقلار گۆره قيشين ياريسيندا بو عزيز گون قوتلانمايدير. ندى ايسه خيدير پيغمبرين قيشين اوغلان چاغيندا هر يئرى دولانيب و قاردا بوراندا قالانلار يول گۇستريرميش. اونا گۆره قيشين قيرخ بئش گونو اؤتن گونون آخشامى پيلاو ايله كيشميش پيشيريلير و قيزلار، گلينلر پاي يوللانير. بوتون ائولرده ده بو گون قوتسال ساييلير.

◆ اويونلار

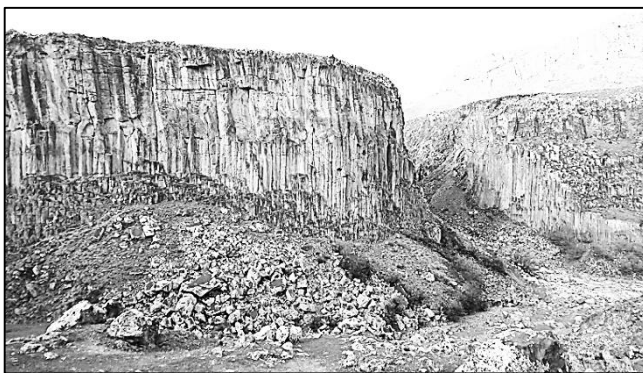
هابئله آشيرما، آغاجين تاپ، آنا منى قوردا وئرمه، بيز دارينى سپهريق، ايت قوسدو، آششيق اويونو، قاريش آتما، جوراب- جوراب، اليم ياندى چك يوخارى، چكيشمه، خسته گول، دهم من قورد دئييب، بابا وئر قيلينجى، گيزلن پاچ، آنام من قور دئييب، تاپ يولداشين، هاوالان، اززلى، جيزيق، سيليم سوپوروم، قولاق بورما، قجيمه داش، قوناق باجى، پيشدى پيشدى، قار گوللەسى، ايكيليک دسته، چوز (چ حرفى ضمه)، چوققورا دوشمك، آرادا ووردو، توپ عربى، هاى گۆى گله گۆى گله، يومورتا دؤيوشدورمك و... سايا گلمز اويونلاردان نئچه سيدى.

ياز موسيمينده، قانلار جوشا گلنده، ائلات توم وارليقلاريني ييغيب، آران بولگه سيندن، دوغانين ياشام سىرلاريني چئشيدلى لذتلره قاتماق اوچون چالديران يايلاقلارينا كۆچورلر. بير گۆرسنيز سيز ده يازى بورادا، چالديراندا، ياشاماق ايسترسينيز بلكه. دوشونسنيز: گولن و قيزاران آيلاريندا يام ياشيل بره لرده، آل الوان چيچكلر ايچينده، قوزولارين مله ييشينده، بولبوللرين اؤتمه لرينده، كپنكلرين عشق رقصينده، دوم دورو بير هاوادا، اوزوك قاشى كيمى فيروزه يه اوخشار چالديرانين بارون سدى نين گۆركملى گؤلونون يانى باشيندا، عرب ديزه سى شاله سى نين كناريندا، مچيت لى يايلاغيندا، يا دا، يايلىملار دؤشوندە سئوديكلىرله بيرليكه باليق اوليرسينيز، شغالى اوتلار دررسينيز، آرخاچلاردا گوبه لك آرايارسينيز، اوشقون دادارسينيز، چاشور توپلار يارسينيز؛ هم ده فره لى چيل كهليك لرين سايرمالار ييلا بيرليكه...

يا دا سينييرين يانى باشيندا قونشو اۆلكه نين گۆى اوزونو سئير ائدير سينييز. گۆزله يين، خيال قوشونوز بير آندا اوچا بيلير... نه گۆزلدير اۆزگورلوك، دئييلمي؟ آما سينييلار، يالنيز قوشلار و بولوتلار آنلامسيزدير سانكى بيزلره يوخ... اۆزونوزه فيسيلدا ياراق دئيير سينييز. دا يانين... يوخسا سيز ده شاعير اولدونوزمو؟
 مندن گوناھ گئتدى. دئمەدى دئمە يين.
 قالين ساغليقلا.



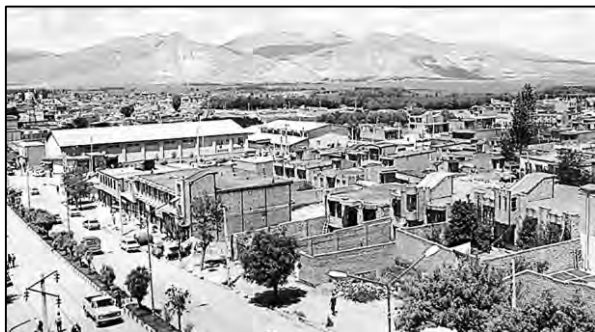
عرب ديزه شالالەسى



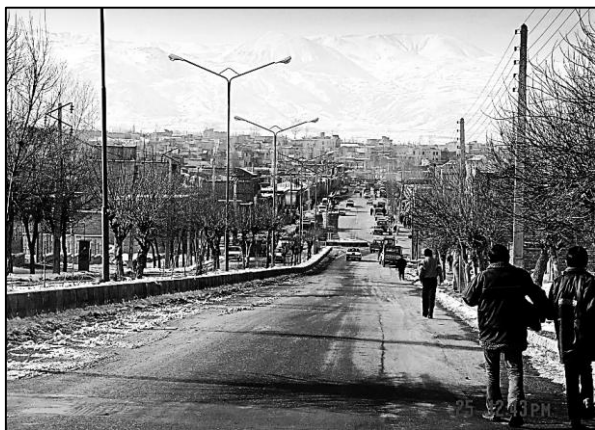
قىرميز يلىق درەسى



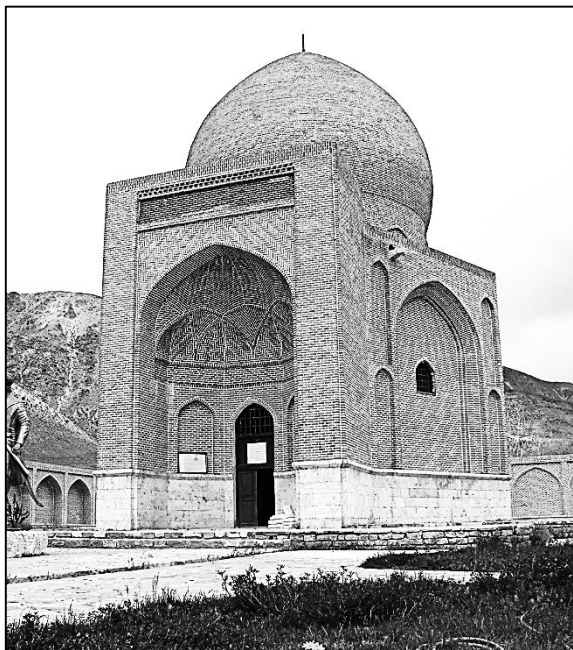
یا یلاق



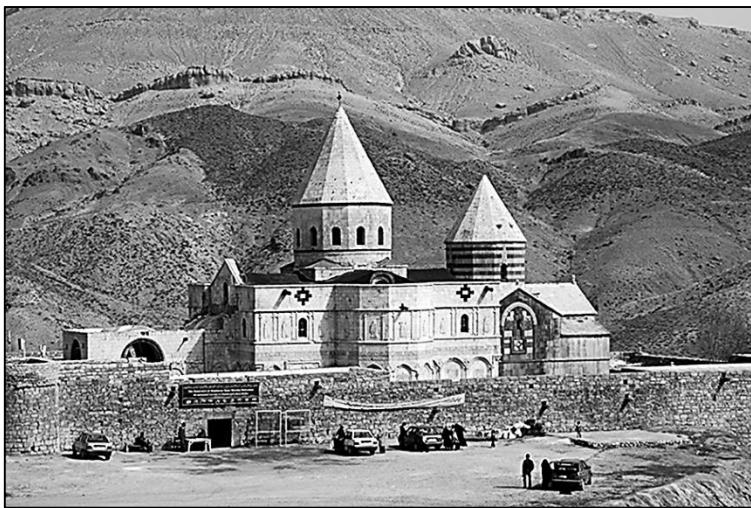
چالديران شهري



چالديران شهري



سید صدرالدین مقبره‌سی - چالديران



قره کيلسه



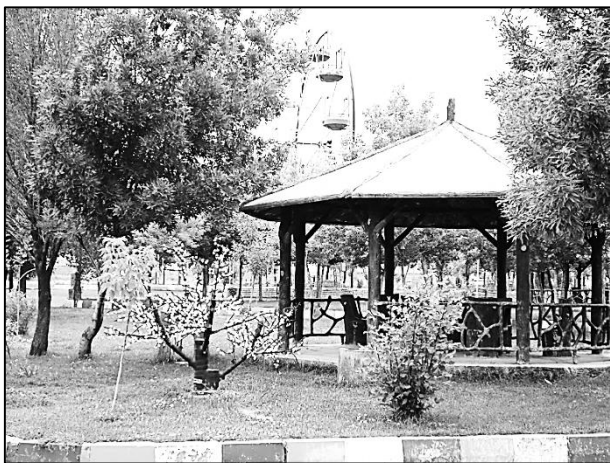
شاه اسماعیل میدانی



چالديران يا يلاقلاری



شاه اسماعیل آنیتی



ملت پارکی چالديراندا

رويا خانيم راک حاقيندا اؤزل صفه‌لر

- رويا خانيم راک ائل بيليمي عايله‌سى نين ان چاليشقان عضولريندن ساييلير.
- ۱۳۵۰- ده مراغادا دونيايا گؤز آچميش و ۱۳۶۸- ده ائولنيب و ايکي ايل سونرا هميشه‌ليک تبريزه کؤچموشدور.
- بو گونه کيمي درگيميزده ۱۶ يازيسي نشر اولموشدور.
- ۱۳۹۱- جي ايلدن اعتبارا ائل بيليمي موسسه‌سينده چاليشير.
- يازيلاري عموما ناغيل يا دا خالق مراسيملري حاقدا اولوب، عيني حالدا ائل بيليمي توپلانتيلاريندا و يا فرقلي مناسبتلره گؤره کنچيريلن مراسيملره گؤره راپور يازيب، درگيده نشر ائتميشلر.
- توپلاديني فولکلور نمونه‌لري اکثرا تبريز يا دا مراغايا عاييددير.
- رويا خانيم راکين خياطليقدا دا تخصصي وار و آذربايجان خالق گئييملريني تیکميش و سرگيلرده اشتراک ائتميشدير.
- ائل بيليمي چرچيوه‌سينده تئاتردا دا چاليشمالاري اولموشدور.



قىسا اۆز گئچمىش



۱۳۵۰ يىلىنىڭ شەبىرىن ۲۷- سىنىدە، ماراغا شەھرىنىدە ئانادان اولموشام؛ ھەمىن شەھردە بۇيويوب مەدرىسە يە گئتمىشەم. ۱۳۶۸- دە ئولنىپ، ايل يارىم سونرا، يەنى ۱۳۷۰- دە ياشاماق اوچون تېرىزە گلمىشەم، چون حىيات يولداشيم تېرىزلى دېر، بونون اوچون سوروشاندا ھارالىسان؟ دئىيرم مراغالى. اما عۇمرومون يارىدان چوخو تېرىزدە كئچدىگى اوچون داھا چوخ تېرىزلىم.

ايكى اولادىم وار، ۶۹ دوغوملو بىر قىز و ۷۶ دوغوملو بىر اوغلان.

چوخ چوخ كىچىك ياشلارنىدان ھنر و ادبياتا ماراغلى ايدىم، اليمە قلم آلا بىلدىگىم گوندن رىسەم چكىپ و اوخوما يازما اۇيرىندىن اليمە دوشن ھەر يازىنى اوخوموشام؛ ان چوخ ناغىل كىتابلارى و رومانلار ماراغمى چكرلر.

اوشاقتن، ھەر زامان بۇيوك بابا يا بويوك نەملە گۇرۇشسەيدىم، ايكى اوچ ناغىل دئدىرتمەدن ال چكمزديم؛ ناغىل لار دونياسى منىم سحرلى دونيامدى.

اوخوما، يازما اۇيرىندىن سونرا، آتا- آنامىن آلدىغى كىتابلار، سونرا دا بۇيوك بابامىن و بۇيوك دايىمىن كىتابخاناسىنداكى بوتون رومان و ناغىل كىتابلارنى اوخوياردىم، مراغانىن عومى كىتابخاناسىندا دا اويە اولموشدوم، كىتاب امانت آلىپ اوخوياردىم، بىر يئره قوناق گئىندە كىتابخانالارى اولسايدى، ائوھ دۇنىدە بىر قوجاق امانت كىتاب پىنان دۇندىم، و بو عادت بو گونە قدر دوام ائدىپ.

چوخ اوخودوغوما گۇرە يازىلاريم دا گۇزل اولاردى، او زامانلار بىزىم انشا درسىمىز وارىدى، ھەر ايلىن ايلك انشاسىن اوخودوغومدا مەلم طرفىندىن سورغويا چكىلردىم، سونرا بىر يئردىن كوپى چكمەدىگىمى آنلايىپ، تشويق ائدردىلر، ھنر و ال ايشلرىندە دە باشارىلى ايدىم، گۇزل رىسىملر و ال ايشلرى اليمىدن چىخاردى؛ درزىلىگى راھنمايى نىن ايكىنجى كلاسىن قورتاراندان سونرا ياي تعطىل لرىندە چوخ ابتدائى اولاراق اۇيرىشدىم.

دېرىستانا كئچىدە بىر يانلىش سئچىم اوزوندىن، باشارىلى اولدوغوم ھنر و ادبياتدان اوزاق دوشدوم و علوم تجربى اوخودوم، سونرا دا ھەن ئولندىگىم اوچون درىسە دوام ائدەبىلمەيدىم، دانىشاھى تحصيلاتىم يوخدور.

ايل لر بويو خىياطلق ائدىپ بو ايشدە چوخ باشارىلى اولدوم، باشقا ال ايشلرىندە دە الى سولو ايدىم، ھەر ايشىن اوجوندان قولاغىندان بىر آز اۇيرىشەم گۇزلىجە يئرىنە يئىرە بىلم.

۱۳۸۸- دە فرانك خانىم فرىدن تانىشىدىم و بو تانىشماق گۇزل بىر دوستلۇغا دۇنوشدو.

فرانک خانیم ادبیاتا ماراغللی اولدوغومو ائشیدینجه تورکجه اوخویوب، یازا بیلدیگیمی سوروشدولار، منیم اوخودوغوم تک تورکجه کتابلار بؤیوک بابامین کتابخanasینداکی "کور اوغلو" و سهندین "سازیمین سوزو" شعر کتابی ایدی.



فرانک خانیم بیر ایکی سایلی ائل بیلیمی بولتیندن منه وئریب اوخومای ایسته دی؛ سونرا دا منیم یازماق اوچون شوق و ماراغیمی گؤرونجه منی تورکجه یازماغا تشویق ائتدی؛ من او آنا قدر بیر سطریر بئله تورکجه یازمامیشام، بوتون فارسجا یازدیقلاریمدا اؤز کؤنلوم اوچون یازدیقلاریمدیر دندیگیمده، منه چوخ گؤزل بیر جواب وئردی، عؤمروم بویوجا اونودمایاجاغیم بیر جواب:

- بیز آنادیلیمیزه بورجلویوق، دیلیمیزی دیری ساخلاماق اوچون نه قدر باشاساق تورکجه یازیب اوخومالی ییک، سن باشلا یاز، یقین بیل، بیر صانددیق خانانین قاپیسینی آچماق کیمی دیر، سن قاپینی آچیب باشلاسان، دالیسی اؤز- اؤزونه تۆکولوب گله جک. من ده باشلادیم؛ ایلک تورکجه یازدیغیم یازی "مهربان نهم" آدلی یازی ایدی. بو یازی فرانک خانیم و خانم نیگار خیایونین زحمتلری قبوللانماقلاریلا، ائل بیلیمی نین ۵۱- ۵۰- جی قادین اؤزل ساییندا ۱۳۹۱- ده چاپ اولدو. بونو دا دئمه لییم، ۱۳۹۱- ده ائل بیلیمی نین آیلیق توپلانتی لاریندا حاضیر اولوب، اشتراک ائدیردیم.

بو یازیدان سونرا، مراغا شهرین فولکلوریک دبلر و رسملرینی آراشدیریپ و یازماغا باشلادیم، توی و ائلچیلیک، اوشاق دوغوب بؤیوتمک، آخیر چرشنه و بایرام، محرم... و آرادا دا بیر یازدیغیم فولکوناغیل و آذربایجانین قدیم ناغیل لاری، هم ده ائل بیلیمی خانیملاری نین چالیشمالاریندان یازدیغیم راپورلار، او گوندن بوگونه قدر چاپ اولوبلار. سون ایکی اوچ ایلده ائل بیلیمی اوپه لری نین خصوصا خانیملارین بوتون فرهنگ چالیشمالاریندا اشتراک ائتمیشم.

۱۳۹۴- ده "بنیاد فرهنگ و ادب آذربایجان" ایله گؤزل بیر ایش بیرلیگی ایچینده، سینما ناجی ده اجرا ائتدیگیمیز چیلله مراسیمینده، ائل بیلیمی خانیملاری نین اجرا ائتدیگی فولکلوریک نمایشده گلین شکوفه خانیم رولونو اویناییب و بو مراسیمدن سونرا خانم دکتر احمدی، او زامان بنیاد فرهنگ و ادب آذربایجانین رئیسی ایله بیرلیکده همین ایلین "جشنواره حجاب و عفاف" نمایشگاهیندا اشتراک ائتمگه قرار وئردیک.

بو جشنواره تبریزین ۲۹ بهمن مجتعمینده برگزار اولدو و منیم خانم دکتر احمدی نین بؤیوک بابالاری نین قاجار زامانیندان قالما، رسمی پالتارین اوستوندن تیکدیگیم پالتار، ایکینجی مقامی سنتی پالتارلار سیراسیندا قازاندی. ۱۳۹۵- ده آقای رضا سرابی اقدام بازار موزه سی نین قورولوشو اثناسیندا مندن نئچه دست آذربایجانین قدیم پالتارلاری مدلینه، پالتار موزه ده درزی لیک حجره سینه قویماق اوچون تیکمه می ایسته دیلر، من ده جان و کؤنولدن قبول ائدیب و بو ایستکلرینی یئرینه گتیردیم.



سون بیر ایله آذربایجانین قدیم ناغیل لارینی یاواش- یاواش بیغیب یازیرام، بو ناغیل لاری یازماغین یانیندا یئری گلنده ناغیل لاری ائشیدنلره ناغیل ائلیرم.

۹۶- جی ایلهده شهر یورین ۶- ۵- ۴ سیندا ائل بیلیمی مؤسسەسی اولاراق، بومی محلی قولچاقلاری کمپینینده اشتراک ائدیب، گؤزل قولچاق سرگیسی و فرهنگی ایشلرین یانیندا، آذربایجانین قدیم ناغیل لاریندان نئچه سینی دوزلندیگیمیز کاراکترلر و بیر قولچاقین اشتراکی یلا اوشاغلار و بؤیوکله اجرا ائتدیک و بؤیوک ایلگی گؤردوک.

بو مؤسسەده چالیشماق و فولکلوریک آذربایجان ناغیل لاری، هم ده اؤز ناغیل لاریمی یازماق ایندی لیک منیم گؤرمک ایسته دیگیم ایشلر دیلر، سونرا بو ناغیل لاری بیر یئره بیغیب کتاب شکلینده چیخارتماق دا منیم اوچون گؤزل بیر آماج دیر، انشالله بو ایشلرده باشاریلی اولایلم.

لازم بیلیرم عزیز دوستوم فرانک خانیم فریددن منی آنادیلیمده اوخویوب یازماغا تشویق ائدیب و ائل بیلیمی مؤسسەسیله تانیشدیرماغلاری اوچون و عزیز دوستوم و دیرلی اوستادیم خانم سوسن نواده رضی دن بو ایل لر بویوندا هر زامان منیم دالیمدا دوروب، حمایت و یازماغا تشویق ائدیب، هر ایشه ال آتدیغیمدا اؤز گون وئریب و هر زامان یانلیشلاریمی دوزلدیب، منه چوخ گؤزل شئیلر اؤیرتدیکلری اوچون تشکر ائلییم.

بو مکتبده استادلارین محضریندن اؤیرشمک اوچون چوخ شئیلر وار و من هله یولون باشیندا یام، امید ائدیرم اوستادلاریمالایق بیر اؤیرنجی اولام.



راضیه خانیم بهجت پور

"نوت: آشاغیدا اوخویا جانیغیل لارین قایناق شخصی راضیه خانیم بهجت پور دور
(دوغوم تاریخی ۲۷/۶/۱۳۲۹ مراغا شهرینده، آلتی کلاس ساوادی وار) رویا خانیم بونلاری
اوشاقلیقدا آنالاریندان انشیدیلر، بوگون اونلاری شخصی حافیظه لریندن کاغیز اوستونه
گتیریلر. ناغیلار تبریز دیالکتیله یازمیشلار."
(اغل بیلیمی رداکسیه هیتی)

• قاری ننه ایله قارقالار

بیری وار ایدی، بیری یو خودی، الله دان سورا هنج کیم یو خودی.
بیر قاری ننه وار ایدی، بو قاری ننه نین بیر بالاجا ائی وار ایدی؛ قاری ننه نین بالاجا
ائی نین بیر بالاجا دا باغچاسی وار ایدی.
بو بالاجا باغچادا بیر اییده آغاجی وار ایدی؛ هر ایل قاری ننه گۆزلردی یای قورتولا پاییز
گله، پاییزین اول یاغیشی یاغا، تا اییده لری دره.
آمما... هر ایل قاری ننه اییده لری دردی، گۆزدی اییده لری بیر اوزی یو خودی، اونون
اچون نه اییده لردن بییه بیلردی، نه ده بیرینه پشکش ائلییه بیلردی.
بیر ایل قاری ننه اؤز-اؤزونه دیبیر:
- بو ایل اییده آغاجینی گوده جاغام، گۆرم بو اییده لری باشینا نه گلیر؟ بیر اوزلری وار،
بیر اوزلری یوخ!
او ایل باهار اییده آغاجی گوللنیر سورا دا گوللری تۆکور بارلانیر، قاری ننه هرگون
گۆزلرینی دۆرد آچیر اییده آغاجین گودور.

بیر گون گوژورور بعلییی، بیر دسته قارقا گلدیلر، اوتدولار اییده آغاجی نین بوداغلاریندا، یئ
ها یی، اییده لرین بیر اوزلرین دیمدیکلییب یئدیلر، یئدیلر دویدولار، اوچوب گئتدیلر.
قاری ننه دئدی:

- سیزه دییرم، منیم اییده لریمی بییرسیز؟
صباحلاری قاری ننه اوجاگی یاندرار، شیشلری قویار اوتاا.
قارقالار گلیب بوداغلاردا اوتورماق همان شیشلری باسار یانلارینا، قارقالار چیغیرا-
چیغیرا، باغیرا- باغیرا، قاریلدا- قاریلدا اوچوب، گئدیلر.
بیر نئچه گون قاری ننه گلن قارقالارین یانلارینا داغ باسدیخان سورا داها هئچ قارقا،
قاری ننه نین باغچاسینا دولانماز؛ قارقالار گلیرلر قونشولارین باغچالارینا، اوتورورلار
دووارلارین اوستونده، آما اییده آغاجی نین یاخینینا بئله گلماغا جرات ائله مزلر.
گون او گون اولور اییده لرین هامیسی یئتیشیر، قاری ننه بیر نئچه اییده دریر گوژورور به
به! اییده نه اییده، قاییغی قیپ- قیرمیزی مخمل کیمی، دادی شیپ- شیرین بال کیمی،
هر بیرى بادام یئکه لیخدا ساغ سالیم اییده دیلر.
اوزون توتور دووار اوستونده اوتوران قارقالارا سسلنیر:
- قارقالار، قارقالار، گلین گلین، اییده یئتیشیدیی.
قارقالار دا سسلنپ قاری ننه نین جوابیندا دئیلر:
- قاری ننه گله ممروخ، یانیمیز پیشیدیی.

● خوروزنان پادشاه

بیری وار ایدی، بیری یوخ ایدی، الله دان سونرا هئچ کیم یوخ ایدی.
قدیم زامانلاردا بیر اوغلان وار ایدی، بو اوغلانین بیر خوروزی وار ایدی، هرگون اوغلان
گئدردی ایشله ماغا خوروزو دا اؤتوردی کوللوگه، خوروز کوللوکده دولاناردی، آخشام
اوغلان ایشدن قئیدردی خوروزو دا گوژوردی گئدردی ائولرینه.
بیر گون گینه اوغلان گئدر ایشه، خوروز دا گئدر کوللوکده، دولانار، دولانار، تورپاقلاری
دشله لر بیردن بیر دانا بیستی تاپار.

بیستینی تاپدیغینا گوژه چوخ سؤوونر، باشلار باناماغا:
- قوققولو قوقووو بیستی تاپمیشاام، قوققولو قوقووو بیستی تاپمیشاام...
او قدر باننار، های- کوی سالار شاه بونون سسینی ائشیدر؛ قراووللاری چاغیرار دییر:

- گندون بو خوروزون بېستېسىنى توتون الينن آلون، منيم باش قولاغىمى آپاردى.
 قراوولار گندرلر خوروزى تاپارلار بېستېسىنى اليندن آلارلار؛ خوروز گينه باشلار باناماغا:
 - قوققولو قوقووو شاه مننه محتاج ايمىيش، قوققولو قوقووو شاه مننه محتاج ايمىيش...
 شاه گينه خوروزون سسىنى ائشيدر، حيرصلر، قرووللار چاغيرار ديير:
 - آپارون بو بى حيا خوروزون بېستېسىنى وئرون اؤزونه، منيم آبىرىمى آپاردى!!!
 قراووللار آپارارلار خوروزون بېستېسىنى وئرلر اؤزونه، خوروز بېستېنى آلار گينه باننار
 ديير:
 - قوققولو قوقووو شاه مننن قورخار ايمىيش، قوققولو قوقووو شاه مننن قورخار
 ايمىيش...
 شاه خوروزون سسىنى ائشيدر حيرص باغىرساغين كسر، قرووللار چاغيرار ديير:
 - بو خوروزون دىلى چوخ اوزوندى، اوز وئردوخ آستار ايسته دى، گندون توتون گتيرون
 وئرون آشپز پيشيرسين يئيه جاغام بو ديل اوزون خوروزى.
 قراووللار گندرلر خوروزى توتارلار آپارارلار شاهين قصرى نين آشبازخاناسينا، وئرلر
 آشبازا دييرلر:
 - شاه امر ائليپ بونو پيشير.
 آشبازلار خوروزى سالارلار لگنده داغ سويون ايچينه للكلرينى يولسونلار، خوروز باننار
 ديير:
 - قوققولو قوقووو نه ايستى حمام ايمىيش، قوققولو قوقووو نه ايستى حمام ايمىيش...
 خوروزى لگندن چىخارديب، سالارلار قازانا قويارلار اوجاق اوسته باشلار قئينه ماغا؛ خوروز
 باننار ديير:
 - قوققولو قوقووو نه داغجا تيان ايمىيش؛ قوققولو قوقووو نه داغجا تيان ايمىيش...
 خوروزى چىخاردارلار قويارلار زعفرانلى دويو دؤروسونون اوستونه، آپارارلار شاهين
 قوللوقونا، خوروز باننار ديير:
 - قوققولو قوقووو نه آغجا تپه ايمىيش، قوققولو قوقووو نه آغجا تپه ايمىيش...
 شاه خوروزى گؤتورر قويار آغزينا، خوروز باننار ديير:
 - قوققولو قوقووو نه قرانليغ اوتاغ ايمىيش، قوققولو قوقووو نه قرانليق اوتاغ ايمىيش...
 شاه خوروزى اودار خوروز گندر شاهين بوغازينا، باننار ديير:
 - قوققولو قوقووو نه دارجا دالان ايمىيش، قوققولو قوقووو نه دارجا دالان ايمىيش...
 شاه خوروزى اودار خوروز گندر يئتيشر شاهين قارنينا، باننار ديير:

- قوققولو قوقووو نه لئهلمه دره ايميبش، قوقولو قوقووو نه لئهلمه دره ايميبش...
 خوروز او قدر شاهين قارنندا قاچار اويان- بويانا اوزون چالار در- دووآرا شاهين قارنى
 سانجیلانار، ديبير:
 - اى وای اؤلدوم،
 دورار قاچار سو باشينا. خوروز داها شاها امان وئرمز شاهين... ونى ييرتار پيريلدار چيخار
 ائشيگه، بانار ديبير:
 - قوققولو قوقووو شاهين... تى ييرتيلدى، منيم جانيم قورتولدى، شاهين... تى ييرتيلدى،
 منيم جانيم قورتولدى، قوققولو قوقووو...

● قارى ايله پيشيك

بيري واريدى بيري يوخودى، اللهدان سونرا هئچكيم يوخودى. بير قارى واريدى، بو
 قارى نين بير پيشيكى وار ايدى. بو قارى چوخ پينتى بير آرواديدى، ائو ايشى زادى
 گؤرميذى؛ بير گون زيركلنر دورار ائوى سوپورر؛ ائوى سوپوروركن بير بيستى تاپار.
 سئوينجك بيستينى گؤتورر بازارا گنديب بير آز حالو آلا، حالوانى گتيريب قويار طاقچايا،
 پيشيگينه ديبير:

- من چوخ يورولموشام، قوى بير آز ياتيم، دوروم حالواميزى يئياخ.
 قارى ياتار، پيشيخ طاماجينى توتانماز، ايستر آتيلسين طاقچادان حالوادان يئسين، ال
 اياغى زوير دوشر قارى نين باشينا، جيرماغى ايليشر قارى نين گؤزونون آلتى ديديلر.
 قارى دا يوخودان ديسگينيب آتيلار، گؤزو ده ديديلديغينان، حيرصنليپ جهرهنى آتار
 دؤر پيشيگين باشى ياريلار، بو ايكيسى ساواشيب، ساواشيب سونراسيندا قاضى يانينا
 گئدرلر.

قاضى اولان بيتنى سوروشار؛ قارى ديبير:

- من ائوى سوپورمزديم.

قاضى:

- پينتى ايميشسن قارى.

قارى:

- بوگون دوردوم ائوى سوپوردوم.

قاضى:

- زيركلنمى سن قارى.

قاری:

- ائودن بیر بیستی تاپدیم.

قاضی:

- شانسون گتیریپ قاری.

قاری:

- گئتدیم بیر آز حالوا آلدیم.

قاضی:

- گوئلون ایستیپ قاری.

قاری:

- گتیریپ قویدوم طاقچایا.

قاضی:

- بوغازی تمیز ایمیشسن قاری.

قاری:

- پیشیک آتیلدی حالوانی یئسین.

قاضی:

- نفسی ایستیپ قاری.

قاری:

- دوشدی منیم گوزومی جیرماخلادی.

قاضی:

- سورمه چکیرمیش قاری.

قاری:

- من ده جهره‌نی آتدیم پیشیگین باشی یاریلدی.

قاضی:

- تئلینی داریرمیشان قاری.

قاری باخار پیشیگه، پیشیک باخار قارییه، قاری دییر:

- دور گئداخ حالوامیزی یئیاخ پیشیییک.

دورروب گندرلر ائولرینه، حالوالارینی یییرلر.

● اصالت ناغیلی

بیری وار ایدی، بیری یوخودی، الله دان سونرا هئچ کس یوخودی؛ قدیم زامانلار بیر ولایتده بیر پادشاه واریدی، بو پادشاهین بیر دور قاشلی اوزوگو واریدی، پادشاه بو اوزوگو چوخ سئوردی.

بیر گون پادشاه اوزوگونی تاخندا گؤرر اوزوگون قاشینا بیر قره لکه دوشوب، نه قدر دورو سیلر یووار او قارا خال گئتمز.

وزیری وکیلی چاغیرار دییر:

- تنز اولون تاپون گؤروم نه اولوب منیم اوزوگومون قاشینا.

وزیر وکیل هر کسدن سوروشارلار بیر جواب تاپانمازلار، شاه دا بولار حربه بیچر، دییر

بس سیز نه تهر وزیر وکیلسیز بیر بالاجا مسئلهنین ده جوابینی تاپاممیسیز؟

وزیر دستور وئرر شهرده جار چکرلر:

- قبله ی عالمین اوزوگونون قاشینا بیر خال دوشوب هر کس بونون علتینی بیلسه گلکسین
دئسین، جایزه آلسین.

صباحیسی بیر کاسیب کیشی گلر شاهین سارایی نین قاپیسینا دییر:

- من مسئلهنین جوابینی بیلیرم.

کیشینی آپارارلار شاهین یانینا؛ شاه دییر:

- آی کیشی دئنه گؤروم نه اولوب منیم اوزوگومه؟

کیشی بیر اوزوگه باخار دییر:

- قبله ی عالم ساغ اولسون، بو دورون ایچینده بیر قورت وار، او قورد ایچریدن دورو بییر،
اونون اوچون دوره قارا خال دوشوب.

شاه دییر:

- سفتهلهمه آی کیشی، دوره نئجه قورت دوشر؟ وئررم قاشی سیندیرارلار، ایچینن
قورت چیخماسا وئررم جلاد بوینووو ویرار هاا.

کیشی دییر:

- عالم ارخیین اولون بو دوروده قورد وار.

شاه وزیره دییر:

- بو دورو سیندیرین گؤروم نئجه قورت وار؟

هر نه... دورو سیندیرارلار گؤررلر بعلییی، ایچینده بیر قورت وار.

هامی کاسیب کیشی نین عاغلینا هوشونا حیران قالارلار؛ شاه کیشی نین عاغلینا آفرین

دئییب دستور وئرر:

- آپارون آشبازخانییه بو کیشینی قشح جه یئدیردون، ایچیردون.
صباح پادشاه کیشینی چاغیرار قوللوغونا، دییر:
- سنین غولونن درایتونن چوخ خوشلانمیشام، گل سننن چیخاخ گرماغا.
شاه دستور وئر مهتر آتینی گتیرر، مینر آتا، کیشی یه دییر:
- بو آت منیم لاپ یاخجی آتلا ریمین بیریدی، نه دئیسن بو آتا؟
کیشی بیر آز باخار آتا دییر:
- قبله ی عالم ساغ اولسون آت یاخجی آتدی، آما سو قیراغینا یئتیشنده بیر آز میغایات اولون سیزی سویا سالا بیلر.
شاه دییر:
- بو نئجه سۆزدی آی کیشی؟ لاپ ائله ایندی سورورم سو قیراغینا گۆرم اگر منی سویا سالماسا وئره جاغام بوینووو ویرسینلار.
سورا دا آتی چاپیردار چای قیراغینا، آت دۆرد نال قاچار قاچار، آما چای قیراغیندا بیردن کیشنر گیرر چایین ایچینه.
خدم حشم قاچارلار شاه ی سودان چیخاردارلار؛ شاه کیشینی چاغیرار دییر:
- آفرین سنه، سورا دا دستور وئرر آپارون بو کیشینی آشبازخانییه گۆلو نه ایسته سه یئسین ایچسین.
صباح پادشاه کیشینی چاغیرار قوللوغونا، دییر:
- آی کیشی سن چوخ عاگیل لی بیر آدامسان منیم تشکیلاتیمی، بارگاهیمی گۆردون دئنه گۆروم منیم اؤزومه شاهلیغیما نه دیی سن؟
کیشی باشین سالار اشاغیییه دییر:
- پادشاه منی بو بیر دانا سؤالدان معاف بویور، آیری سۆز نه سوروشوسان سوروش جواب وئریم.
شاه گومانا دوشر، دییر یوخ، اولماز، گرک ائله بو سؤالیمین جوابین وئره سن، یوخسا وئررم اؤلدورر لر بیله وی.
کیشی لایید قالار دییر:
- قبله عالم ساغ اولسون، جواب وئره جاغام آما اول امان ایستیرم.
شاه دییر:
- امان وئر دیم، دانیش.
کیشی دییر:

- پادشاھا سن چوخ ياخجى بىر آدامسان، آما اصىل زاده دئىيلسن، سن ايندى شاھسان،
آما شاھ اوغلو دئىيلسن.

شاھ بو سۆزو ائشىدىب چوخ غضبلنر، جلادى چاغىرار كىشى نىن بوينون وىردىرا.
كىشى دىير:

- قبله عالم سن منھ امان وئرمىشدون، اولمىيھ سۆزونن دؤنھ سن؟
شاھ گۆرر بىلى ۱۱۱، امان وئرىب، قروووللارى چاغىرار دستور وئرر كىشىنى سالارلار زىنداننا.
شاھ كىشىنى آتار زىنداننا، آما فىكىر خىالاتى باشىن نان آتامماز، دىير:
- آى اوغلان بو قاباغجان دا هئچ كىمىن بىلمه دىغى ايكى مسئلھ نىن دھ جوابىن دوز
دئمىشىدى، بو ايشىن ايچىندھ بىر ايش وار.

فىكىر خىالات قورت كىمى دوشر شاھىن بئىنىنھ، گئجھ خىالاتدن ياتامماز، گون
چىخماق همان گئدر آناسى نىن يانىنا، دىير:

- آنا دوزون دئنه گۆروم منىم آتام كىمدى؟ منىم اصلىم هارداندى؟
آناسى دىير:

- اوغول سقئھ لھ مىسن؟ سنىن آتان شاھ ايدى، سن دھ اونون شاھزاده سى دىن.
شاھ دىير:

- آنا يا دوغروسون دئىى سن، يا بوردا بو قىلىنچىنان اۆزومى اۆلدورھ جاغام.
آناسى لايىد قالار، دىير:

- اوغولم منىم اريم شاھ ايدى، اۆزونھ بىر شاھزاده اىستىردى، آما من هر نه بويولو اولوردوم
اۆلو دونيا يا گليردى، سون دفعه شاھ حربھ كسمىشىدى اوشاق اۆلسه منى دھ اۆلدورھ جاغ
ايدى، قىرىن آشبازىنىن دا خانىمى منن بىر بويولو ايدى، بىر ايكى گون منىم سانجىم
توتمامىشدان قاباخ سنى دوغموشدى، منىم دھ اوشاغىم دوغاندا اۆلدى، ماما آتا- آناواى
راضى سالىدى سنى آلب قويدوخ اۆلن اوشاغىن يئرئنه؛ سن آشباز اوغولسان، آما منىم اۆز
اوشاغىمى نان ذرھجھ فرقون يوخدى.

شاھ بونو ائشىدىب، يوللار كىشىنى زىنداننان چىخاردىب گتيرلر.
دىير:

- سن دوز دئيردىن آى كىشى، آما ايندى دئنه گۆروم بو مسئلھ لرىن جوابىنى هاردان
بىلدون؟

كىشى دىير:

- قبلھى عالم ساغ اولسون او كى دورودى، اگر ائشكىدن بىر شئى اولسايدى اوزوگھ سىز
بىلردوز، بس ائشكىدن بىر شئى اولمامىشىدى، آتالارىمىز ياخجى دئىيلر: آغاچى ايچىن نن

قورت ييپر، بس بيلديم دورو ايچرىدن قورت قارالديب. او كى آت ايدى، آتين قيچلارينا باخديم گوردوم قيچلارنى نين توكى اوزوندى، بيلديم بو آت كورپه ليخدا گاميشلارنان بير يئرده بۇيويوب، گاميش سوتو اميب، اونون اوچون گاميشلار تاي سويو سۇويوب، سو گۇرنده اۇزون ده، مينين ده سويو آتاجاق.

سيزده قوربان، مسئله لره جواب وئردىخجا، هر سفرينده منه انعام، خلعت وئرمك عوضينه، دستور وئردوز منى آپارالار اشبازخانايي قارنيمي دويورالار، بير اصلتلى شاهزاده انعام خلعت وئردى.

پادشاه كيشى نين جوابلارينا آفرين گتيرر، سورا دا ديير:

- من اصلزاده بير شاه اولميه بيلرم، آما سنين كيمي غيلى بير وزيريم اولسا، يولومدان چاشاندا دوز يولو منه گۇرسديب، مملكت ايشلرينده غيلى تدبير تۇكسه، عادل و ياخجى بير شاه اولاي بيلرم، نه ياخجى سن منه وزير اولاسان بيرليخدا بو مملكتى دولانديراخ.

كيشى ده ديير:

- قبله عالمه جانيم قوربان، هر نه بويورسان گۇزوم اوسته.

كيشى شاهي وزير اولدو، ايكيسى بيرليخده مملكتى دولانديرماغا باشلاديلار.

يئدى، ايچدى، يئرینه گئچدى.

گويدن اوچ آما دوشدو، بيرين من يئديم، بيرين رۇيا يئدى، بيرين ده غيل دئين.

اُتل سلسلے ۶ - جی ضمیمہ

۹۷

دوندوران (بہمن) آبی ۱۳۹۶

۹۷ - جی سای ین ضمیمہ سی

اہمیت و جایگاہ فولکلور گفت و گوی ویژه آناج با علیرضا صرافی



اهمیت و جایگاه فولکلور

گفت‌وگوی ویژه آناج با علیرضا صرافی



توضیح: این مصاحبه در تابستان سال ۱۳۹۵ انجام شده، بخش نخست آن در شماره ۸۰ نشریه ائلبیلیمی (شهریور ۹۵) به چاپ رسید، معه‌ذا چون شماره‌های بعدی ویژه‌نامه محرم و ویژه‌نامه استان‌های مرکزی بود، به خاطر حفظ فلسفه ویژه‌نامه، چاپ قسمت‌های بعدی آن (جمعاً در ۴ قسمت) به تعویق افتاد. حال آنکه برخی دوستان خواستار نشر کامل متن مصاحبه بودند، لذا تصمیم گرفتیم کل متن مصاحبه به صورت ضمیمه یکجا انتشار یابد که اینک ملاحظه می‌فرمایید. "هئیت تحریریه ائلبیلیمی"

گروه فرهنگی آناج: فرهنگ هر منطقه، شناسنامه مردمان همان محل می‌باشد که تک تک افراد ناخودآگاه از نیاکان و پدران خود به ارث می‌برند. ایران نیز به لحاظ قدمت تاریخی دارای تنوع آداب و رسوم و عقاید گوناگونی است و به همین دلیل دارای فولکلوری غنی نیز می‌باشد. غنی بودن فرهنگ از هر جنبه در منطقه چند هزار ساله آذربایجان از دیرباز تا کنون به مراتب بیشترین توجهات را به خود اختصاص داده است. این توجهات چه در زمینه معرفی و آشنایی با مبانی و چه در پیشگیری از تحریفات امروزه در بخش‌های مختلف فولکلور آذربایجان، تلاش زیادی را می‌طلبد.

پایگاه خبری آناج، به منظور بررسی اهمیت فرهنگ بومی منطقه آذربایجان در ایران که اشتراکاتی نیز با فرهنگ تاریخی و مدنی و حتی دینی با آن سوی ارس دارد، گفت‌وگوی صمیمانه خود با «علیرضا صرافی، فولکلور شناس تبریزی» که خود متولی فرهنگ بومی منطقه زیبای آذربایجان می‌باشد و در این راه فعالیت‌های ارزشمندی به جای آورده است را، تقدیم مخاطبان گرامی می‌کند.

آناج: لطفا خودتان را معرفی کنید و در مورد فعالیت‌ها و بیوگرافی تان بفرمایید؟

صرافی: بنده اصالتا اهل تبریزم و در ارومیه به دنیا آمده‌ام. از دانشگاه صنعتی شریف در رشته مهندسی عمران فارغ‌التحصیل شده‌ام و در همین رشته ساختمان فعالیت دارم. قبل از ورود به دانشگاه به ادبیات زبان مادری علاقمند بودم و کمابیش مطالعاتی داشتم، از زمان ورود به دانشگاه فعالیت‌های فرهنگی را شروع کرده و به تدریج گسترش دادم که این دوران مصادف با اواخر زمان شاه بود. گروهی بنام گروه پژوهش‌های فرهنگی تشکیل دادیم و در اواسط دهه پنجاه عاشیق‌ها را از آذربایجان، (تبریز و خوی) دعوت کردیم و بعد از این کار، یک موج بزرگی به راه افتاد و بیشتر دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه‌های تهران و امیرکبیر و علم و صنعت این کار تکرار کردند و آنها نیز از عاشیق‌ها دعوت کردند. از آن زمان موسیقی عاشیقی در جامعه در سطح دانشگاهی مطرح شد. کلاس‌های فولکلور تشکیل دادیم و از اساتید فولکلور دعوت می‌کردیم و سخنرانی‌هایی در این زمینه ترتیب می‌دادیم که در آن اساتید بزرگی سخنرانی کردند. این موارد فعالیت‌های قبل از انقلاب بنده بود.

بعد از انقلاب نیز همچنان کارهای فرهنگی انجام می‌دادم. در نشریه وزین "وارلیق" فعال بودم و افتخار شاگردی دکتر نطقی و آقای دکتر فرزانه و دکتر هیئت را داشته‌ام و از راهنمایی‌های مشفقانه و سخنان پرمغزشان بهره‌ها برده‌ام. مقاله‌هایم از سال ۱۳۵۹ در نشریه وارلیق چاپ شد. (آن زمان هنوز دانشجو بودم) بعدها نیز همکاری‌هایم علاوه بر "وارلیق" با نشریات دیگر از جمله نشریه "آذری" که مرحوم استاد بهزاد بهزادی، مسئول آن بودند در جریان بود، قبل از انتشار آذری نیز ایشان یک کتاب ادواری بنام "اثل دیلی و ادبیاتی" داشتند که هر سه ماه یک بار چاپ می‌شد. من در هیئت تحریریه این مجموعه مسئولیت داشتم. بعد از مدتی مجوز نشریه‌ای بنام "دیلماج" بنام من صادر شد که در طول سه سال و در ۳۶ شماره منتشر شد و بعد در مهر ۱۳۸۶ بنا به دلایلی که جزئیات آنرا هم نگفتند، جلوی انتشار این نشریه گرفته شد.

سال بعد یعنی ۱۳۸۷ مقدمات ثبت موسسه غیرانتفاعی "آذربایجان ائل بیلیمی" را شروع کردیم و همزمان یک بولتن داخلی تهیه کردیم. مجوز رسمی این موسسه در اردیبهشت سال ۱۳۸۸ صادر شد. یک دفتر برای این کار داریم و از آن زمان تا کنون ۷۸ شماره نشریه اختصاصی در موضوعات فولکلور (یا ائل بیلیمی) و مردمشناسی و لغات محلی (پئرل سؤزلر) چاپ شده است.

همچنین تعدادی کتاب تخصصی نیز در زمینه فولکلور نیز به چاپ رساندیم و تهیه و نشر یک سری کتاب‌های ادواری نیز با عنوان "ئلدن" در این همین زمینه شروع کرده‌ایم که اکنون شماره سوم آن نیز در آستانه چاپ است.

تا کنون به بیش از ۱۰ کنگره فرهنگی در کشورهای خارجی دعوت شده و در سوئد، آلمان، ترکیه و آذربایجان در همین زمینه فولکلور و مسائل فرهنگی سخنرانی‌هایی داشتیم. از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ داوطلبانه در دانشگاه‌های مختلف ایران مثل دانشگاه تهران، امیرکبیر، علم و صنعت، خواجه نصیرالدین طوسی و تربیت مدرس و... تدریس کرده‌ام. در دانشگاه آزاد تبریز هم یک دوره پودمانی ۴ واحدی پیش‌بینی شده بود که بنده و سه تن دیگر از اساتید زبان و ادبیات ترکی در این درس چهار واحدی تدریس کردیم. البته در سطح ایران نیز بیش از پنجاه بار در دانشگاه‌های مختلف تهران، تبریز و ارومیه و فرهنگ‌سراهای مختلف کشور سخنرانی داشتیم و مقاله‌هایم در تعداد زیادی از نشریات منتشر شده است. کتابی در زمینه فولکلور هم نوشته‌ام که تا به امروز سه بار (دوبار اول آن به صورت جزوه درسی در دانشگاه‌ها بوده) چاپ شده است.

آناج: اسم کتاب چیست؟

صرافی: اسم کتاب "ادبیات شفاهی ترکان ایران" است. در این کتاب ضمن اینکه فولکلور را به صورت کلی معرفی کرده و شاخه‌های آن را نیز توضیح داده‌ام، سعی داشته‌ام که مثالی‌های به کار رفته در آن را از ادبیات شفاهی کل ترک‌زبانان ایران انتخاب کنم، اعم از فولکلور ترک‌زبان‌های آذربایجانی و خراسانی و قشقایی.

آناج: بفرمایید تعریف فولکلور چیست و چه چیزهایی را شامل می‌شود؟

صرافی: معنای لغوی فولکلور دانش مردم، فرهنگ مردم یا فرهنگ توده است. معادل ترکی فولکلور "ئل بیلیمی" یا "خلق بیلیمی" می‌باشد. چون کلمه خلق بار معنایی دیگری نیز دارد، لذا ما ترجیح دادیم از کلمه "ئل" استفاده کنیم.

معرفت و دانستنی‌های هر شخص یا جامعه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

- یکی آن آموزه‌هایی که به‌صورت آکادمیک در آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و عموماً یک سری علمی هستند که منشاء غربی دارند.
- یکی هم آموزه‌هایی است که ما از خود جامعه و پدر و مادر و نسل‌های پیشین می‌آموزیم، این دسته اخیر عموماً در مقوله دانش مردم یا فولکلور جای می‌گیرد.

در یکی از اشعار ناظم حکمت بنام تورک کؤیلوسو (کندلیسی)، مصرع‌هایی وجود دارد که در آن روستایی را این چنین وصف می‌کند:

"او توپراقدان اؤیرنیب... کتاب‌سیز بیلن‌دیر!" یعنی او "از خاک آموخته و دانای بی‌کتابست".

خود خاک خیلی چیزها به انسان می‌آموزد، چیزهایی که گاه از کتاب نمی‌توان آموخت.

این درس‌های خاکی، (یا درسی که انسان‌ها از خاک و نیابوم خود می‌آموزد و از مسیر کتاب و مدرسه و دانشگاه به انسان نمی‌رسد)، دانش مردم یا فولکلور شمرده می‌شوند. محل ثبت و ضبط این دروس سینه‌پیشینیان است، تجارب و آموخته‌های زندگی طی قرون متمادی در سینه مردم حک شده و سینه به سینه منتقل می‌شود. در کتاب‌های معمولی نمی‌توانید این موارد را پیدا کنید ولی وقتی کتاب سینه پدر و مادر خود را می‌گشایید چیزهای زیادی از آن یاد می‌گیرید. به همین دلیل در آذربایجان اصطلاحاً به برخی دانایان قوم "سینه‌دفتر" می‌گویند. این افراد دفتر بزرگی در سینه خویش دارند، به عبارت دیگر معلومات شفاهی بسیار بالایی دارند. آنها وارثین ادبیات و علوم شفاهی مردمند.

آناج: می‌توانید چند مثال از این دانش مردم یا فولکلور بزنید؟

صرافی: مثلاً طب سنتی یکی از همین علوم شفاهی‌ست، بیشتر ما کمابیش چیزهایی از آن می‌دانیم و اغلب نوعی معالجه قبل از مراجعه به پزشک وجود دارد که در بسیاری موارد هم جواب داده، ما این علم شفاهی طب سنتی را در مکتب و مدرسه نیاموخته‌ایم بلکه از مادران و پدران و بزرگترهای خود سینه به سینه شنیده‌ایم.

فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی هر دو به یک شدت در معرض آسیب‌های تهاجمات فرهنگی و تکنولوژیک هستند.

صرافی: فولکلور مجموعه ادبیات و هنرها و آداب و رسوم و باورها و علوم سنتی و... منتسب به مردم را در بر می‌گیرد. در کنار این‌ها که همگی بخشی از معنویات یا فرهنگ معنوی

مردم را تشکیل می‌دهند، ما فرهنگ مادی هم داریم این فرهنگ نیز مشخصه‌هایی دارد و با تولیدات تکنولوژیک متفاوت است.

مثلا ببینید الان در این اتاقی که ما هستیم همه چیز مربوط به تکنولوژی غربی است و هیچ کدام از این وسائل، فرهنگ بومی را تداعی نمی‌کند. از میز و صندلی و میکروفون و دستگاه ضبط صوت حتی عینک و کت و شلوار بنده همه پیشاپیش در غرب ابداع و اختراع و متداول شده و بعدها وارد جامعه ما گردیده است.

اما در بخش‌های سنتی‌تر جامعه ما مثلا در روستاها و ایلات و شاغلین حرفه‌های سنتی و خانواده‌های سنتی شهری، برخی لباس‌ها و وسایل کار و... استفاده می‌شود که ادامه همان فرهنگ مادی بومی مردم ماست.

این وسایل و ابزارآلات که معمولا تولید دستی دارند، اگر با نیازهای روز مطابقت نیابند و یا راحتی و راندمان مناسبی نداشته باشند، به تدریج از میدان عمل خارج می‌شوند و می‌توان آنها را برای نمایش در موزه‌ها گذاشت. البته نه در موزه‌های آثار باستانی، بلکه در موزه‌های مردم‌شناسی.

همانطور که ادبیات و هنرهای بومی، در امواج تهاجمات فرهنگی غرب تحت فشار قرار می‌گیرند، این فرهنگ مادی مردم نیز تحت فشار تهاجمات تکنولوژیک غرب قرار دارد. فرهنگ یا فولکلور مادی نیز بخشی از میراث پدران ماست. پس فولکلور شامل کلیه مولفه‌های معنوی و مادی فرهنگ مردم است.

آناج: فرهنگ مادی شامل چه مواردی می‌شود لطفا توضیح بیشتر بدهید؟

صراف: مثلا لباس‌ها و ظروف سنتی آشپزخانه، وسایل بازی‌های سنتی، وسایل کار در حرفه‌های مختلف سنتی اعم از حرفه‌های شهری، روستایی و عشایری، آلات موسیقی سنتی، المان‌های به کار رفته در معماری سنتی و... همه جزو این فرهنگ مادی مردم محسوب می‌شود. کف فرش خانه‌ها (اعم از فرش و گلیم جاجیم و ورنی و گبه و...) همچنین نقش و نگار بدیع آن‌ها و وسایل کار مربوط به این تولیدات، وسایل سنتی کشاورزی (که با آمدن تراکتور اغلب کنار گذاشته شدند)، همگی فرهنگ به ارث رسیده از گذشتگان و کاملا بومی بوده، بخشی از فرهنگ مادی مردم ماست.

این مجموعه فرهنگ مادی، بخشی از علم مردم‌شناسی است و در حیطه اتنوگرافی و فولکلور مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همه این موارد به همراه جزئیات مادی و معنوی‌اش را به عنوان فرهنگ مردم یا فولکلور می‌شناسیم.

فرهنگ مادی شامل چیزهایی است که اصطلاحاً در ترکی می‌گوییم "گۆره‌نک" یا آنچه که جلوه مادی دارد و با چشم دیده می‌شود.

فرهنگ معنوی یا "گله‌نک" شامل باورها، مراسم‌ها و عادات‌ها و آداب و رسوم و ادبیات شفاهی و... است که جلوه مادی ندارند و با چشم دیده نمی‌شود و فولکلور به معنای عام خود اعم از مادی یا معنوی مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی جامعه است که منشا خارجی ندارد و ریشه در زاد و بوم و پیشینه تاریخی خود مردم دارد.

آناج: آیا این‌ها که شمردید، همه به درد می‌خورد؟

صرافی: اینکه فولکلور تا چه حد لازم است و آیا همه اجزای آن به درد می‌خورد موضوع بحث من نیست، مسلماً بخشی از آن‌ها حیطة کارائی خود را از دست داده‌اند، اما همان‌ها هم بخشی از دارایی و ارثیه ما محسوب می‌شوند، حتی اگر از آن بهره‌مند هم نشویم، حفظ و حراست آن بر ما فرض است. ضمن اینکه اگر ارزش‌ها و پتانسیل‌های موجود در فولکلور را شناسایی کنیم خواهیم دید که می‌توانیم با برنامه‌ریزی روی همین ارثیه پدران خود، دروازه‌های اشتغال و تولید ثروت را به روی فرزندانمان باز کنیم.

آناج: اعتقادات مذهبی و دینی چه رد پای در فولکلور آذربایجان دارند؟

صرافی: بسیار زیاد. مذهب یک سری اعتقادات و باورها و الگوهای رفتاری است. با این تعریف بخش وسیعی از فولکلور معنوی مردم در چارچوب مذهب قرار دارد. البته می‌دانید از برخی مقوله‌ها و از جمله از دین و مذهب چندین روایت و قرائت وجود دارد، طبعاً در حیطة فولکلور نباید انتظار داشته باشیم که افراد عامی قرائتی آکادمیک یا حوزه‌وی از دین و مذهب ارائه دهند. بلکه ما در فولکلور، یک قرائت عامیانه و مردمی از دین و مذهب داریم. مذهبی که در کتاب‌ها وجود دارد و دقایق آنرا فقهای دین می‌دانند، مذهبی مدون و رسمی است. توده مردم نیز همه مسلمانند اما عموماً مذهبی غیرمدون و شفاهی دارند که از پدران و مادران خود آموخته‌اند، این قرائتی از دین است که در همه جوامع جهانی بدان برمی‌خوریم.

مثلاً مادر بزرگ خود را در نظر بگیریم که چگونه خدا را پرستش می‌کند؟ این پرستش از روی عادت و عرفی است که از نسل‌های پیش بدو رسیده نه الزاماً از روی مطالعه کتب دینی. قرائت مادر بزرگ از دین مسلماً با قرائت یک عالم دینی تفاوت‌هایی دارد. داستان شبان و موسی در مثنوی را حتماً می‌دانید که چوپانی با سادگی تمام خداوند را مدح و تعریف

می‌گفت و موسی چون شنید بر وی عتاب کرد، اما از سوی خداوند وحی آمد که او نیز بنده ماست و تو نباید او را از ما دور کنی. در این داستان شاهد برخورد دو قرائت از دین هستیم، که خداوند هر دو را پذیراست.

در سرتاسر فولکلور گویی حس و حال و روحی حاکم است، ما روح توده مردم را در آن حس می‌کنیم. هیچ دوبیتی و یا ضرب‌المثلی نیست که نشانی از بی‌دینی داشته باشد. مذهب آشکار یا پنهان در بطن و اعماق آن موجود است. بخش مهمی از فولکلور اعتقادات و مراسمات و اساطیر است، یعنی همانها که در تمامی مذاهب نیز وجود دارد.

آناج: آیا برخورد حکومت‌ها با مذهب می‌تواند به فولکلور مردم نیز لطمه بزند؟

صرافی: بله چنانکه مراسم محرم و عاشورا در آنسوی ارس نیز نظیر این سوی ارس عینا رایج بود، اما چون این‌ها مراسمی مذهبی شمرده می‌شدند، حکومت کمونیستی سابق که در راستای مذهب‌زدایی حرکت می‌کرد، این مراسم را ممنوع کرد. در حالی این مراسم‌ها شکل بومی شده و فولکلوریک مذهب ما هستند که بعدها در طی صدها سال به تدریج تکوین یافته و طی نسل‌های مختلف به ما رسیده است.

آناج: این موارد را چگونه می‌توانیم از هم جدا کنیم؟ یا چگونه و تا چه حدی می‌توانیم این موارد را کاملاً مذهبی و یا کاملاً فولکلور بدانیم؟

صرافی: در واقع خط و مرز روشنی این وسط وجود ندارد و بسته به خواست و اراده افراد یا حکومت‌ها این حد و مرز تغییر می‌کند. چنانچه در آنسوی ارس حکومت‌های سابق تمام مراسم محرم و سفره‌های نذری را به حساب مذهب گذاشته و در راستای امحای آن پیش رفته‌اند، اما در این سوی ارس چون مخالفتی صورت نگرفته، همچنان در فرهنگمان پابرجا مانده است.

فولکلور و مذهب چنان به هم تنیده شده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد.

آناج: درباره سفره‌های نذری توضیح بیشتری بدهید؟

صرافی: نذر یک آرزو و خواسته‌ای است که بنده با خدای خود عهد می‌بندد، اگر خواسته‌اش برآورده شود در راه خوشنودی او خیرات دهد. یکی از شیوه‌های این خیرات سفره‌های نذری است که بیشتر در میان خانم‌ها معمول است. این سفره‌ها که بنام‌های سفره

حضرت ابوالفضل یا سفره حضرت علی اصغر و سفره حضرت رقیه و... نامیده می‌شوند هر کدام اسلوبی دارند، هر کدام خوردنی‌های خاص خود را دارند و حتی کسانی که برای این مهمانی دعوت می‌شوند نیز متفاوت‌اند. در برخی سفره‌ها فقط بچه‌ها را دعوت می‌کنند و در



صدر می‌نشانند و به آنان ارج می‌نهند، در برخی بزرگ‌ترها را. بعضی از سفره‌ها ساده و ماحضری‌ست برخی بسیار مجلل و باشکوه، بعضی از سفره‌های نذری در ایام خاصی و بامناسبتی گشوده می‌شود، اما بعضی‌ها به محض برآورده شدن حاجت، همه اینها برای خود شان و مقامی دارند و هر یک نیز داستانی که شان آن سفره را بیان دارند.

مجموعه آداب و رسوم سفره، اعتقادات و داستان‌های سفره بر پایه ایمان و اعتقاد مردمی است که در راه خوشنودی خداوند بخشش می‌کنند، یعنی یک پشتوانه مذهبی قوی دارد و در عین حال همه این‌ها عین فولکلور مردم ما محسوب می‌شوند.

آناج: آیا به نظر شما فولکلور آذربایجان در زمینه‌های فرهنگ و موسیقی در سال‌های اخیر مسیر اصلی خود را طی کرده و یا طی می‌کند؟ یا از مسیر واقعی و اصلی خود منحرف شده‌است؟

صرافی: چون شما روی موسیقی تاکید کردید، من هم پاسخ این سوال را با تاکید روی موسیقی می‌دهم. در آذربایجان متأسفانه یک خلاء بزرگ فرهنگی وجود دارد، می‌دانید بخش اعظم فولکلور را ادبیات شفاهی تشکیل می‌دهد، وقتی می‌گوییم "ادبیات" و یا می‌گوئیم "شفاهی"، هر دوی این‌ها نشان می‌دهد که ابزار مورد استفاده ما "زبان" است. اما یک سری محدودیت‌هایی در به کارگیری زبان ما وجود داشته و در زمان رژیم پهلوی شدیداً با آن مخالفت شده، این در ادبیات شفاهی ما تأثیرات منفی به جای گذاشته است.

در آذربایجان هیچ نهاد دولتی که متولی فرهنگ ما باشد و در این مورد برنامه‌ریزی کند، وجود ندارد. کار الزاماً به دست افرادی علاقه‌مند از خود مردم و با امکانات محدود شخصی پیگیری می‌شود. گاه به‌طور اتفاقی و مناسبتی مراسم‌هایی مثل همایش عاشیق‌ها و موسیقی و... اجرا می‌شود که متولی آن بیشتر «NGO» ها و موسسات مردم‌نهاد است، در بسیاری از

این موارد نهادهای دولتی عمدتاً مجوز اجرای برنامه را با شرط و شروطی صادر می‌کنند، صدور مجوز به یک برنامه مقطعی پیشنهادی یک چیز است، اما برنامه‌ریزی هوشمند کوتاه‌مدت و درازمدت فرهنگی و سرمایه‌گذاری و تربیت کادرهای حرفه‌ای و ایجاد رشته‌های دانشگاهی و... یک چیز دیگر است.

مثالی از پنجاه سال پیش بزنم. قبل از انقلاب یک سازمان دولتی بنام سازمان ملی فولکلور تشکیل شده بود، (به نظرم در سال ۱۳۴۶) و تا ده یا یازده سال فعالیت داشت. در این سازمان لباس‌ها و بسیاری از رقص‌های محلی از نقاط مختلف ایران (مثل بجنورد و آذربایجان و گیلان و جنوب خراسان و از اقوام مختلف قشقایی و کرد و لر و بلوچ و...) را جمع‌آوری کردند. (می‌دانید که ما اقوام زیادی در ایران داریم و زیبایی تمام این گلستان رنگارنگ اقوام ایران به همین تنوع خیره‌کننده و رنگ‌های چشم‌نواز و اشتراکات و تفاوت آن‌ها، همه این فرهنگ‌ها جزو میراث فرهنگی مشترک ماست که باید از آن‌ها مراقبت کنیم).

گروهی از هنرمندان و فعالین فرهنگی به‌صورت آبرومند و با بودجه دولتی استخدام سازمان مزبور شدند تا رقص‌های مختلف محلی را اجرا کنند. در آن زمان این کارها آنقدر آبرومند اجرایی شد که جنبه ملی و هویتی برای ایران پیدا کرد. اگر یک هیأت خارجی به ایران می‌آمد برای خوش آمدگویی به آنان، در فرودگاه تعدادی با لباس‌های محلی به استقبال رفته با دادن گل و اجرای کوتاهی از رقص محلی در یک فضای بسیار شاد و صمیمی به آنان خوش آمدگویی می‌کردند.

تصور کنید وقتی میهمانی وارد یک شهر می‌شود در بدو ورود شناخت چندانی از آنجا ندارد، لحظه ورود به یک شهر غریب مسافر خارجی چنین احساسی دارد، اگر در اولین برخورد دختر و پسری را ببیند که با گشاده‌رویی و لباس‌های شاد محلی (که جلوه‌ای از هویت کشور یا منطقه‌اش را نمایش می‌دهد)، به استقبالش آمده و خوش آمدگویی می‌کنند، مطمئناً این در برداشت وی از مردم آن‌شهر و منطقه تاثیر مثبتی خواهد داشت.

بعدها در تالار رودکی نیز برنامه‌های متعددی برگزار کردند. شرایطی فراهم شد تا از قسمت‌های مختلف ایران با فرهنگ‌ها و لباس‌ها و رقص و موسیقی‌های متنوع دعوت کرده، برای میهمانان خارجی و داخلی کشور اجرا کنند. خوب اکنون نیز می‌توان چنین اقداماتی کرد.

موسیقی آذربایجان، اگر متولیان فرهنگی استان‌های شمال غرب کشور بدان توجهی در خور نمایند، جذبه بزرگی دارد. اگر یک مسافر خارجی در بدو ورود به ایران چهره‌های عبوس و پرخاشگری ببیند این تصور ذهنی برای مدت‌ها ملکه ذهن او می‌شود که ایرانی‌ها ذاتاً خشن و عبوسند و در بازگشت به کشور یا منطقه خود همین دیدگاه منفی را به دوستانش

نیز انتقال خواهد داد. حال آنکه مردمی که در فرهنگ خود چنین موسیقی‌یی دارند، نمی‌توانند مهربان نباشند.

من معتقدم مسئولین، نمایندگان مجلس و سایر اولیای امور دیر یا زود به این پتانسیل توجه خواهند داشت. پوشیدگی و حجاب موجود در لباس‌های سنتی ما کامل‌تر از لباس‌های متداول امروزی است. لباس‌های محلی در عین اینکه موهای سر یا قسمت‌هایی از صورت و دست‌ها را می‌پوشانند، داری طرح‌ها و رنگ‌های زنده و شادی نیز هستند. استفاده از این پتانسیل‌های فرهنگی ضمن تلطیف و صمیمی کردن فضای شهرها، به علت تکیه بر زاد بوم خود مردم، باعث ایجاد حس غرور ملی می‌شود، متأسفانه بهره‌گیری از لباس‌های محلی موضوعی ست خیلی مظلوم و مغفول واقع شده است.

آناج: این سخنان شما بدین معنی است که شما در این مورد انتقاد دارید؟
صرافی: بله. اگر بخواهید انتقاد نکنم؟

آناج: هدف ما بهبود و پیشرفت فولکلور است. هدف ما انباشته شدن مکتوبات نیست بلکه می‌خواهیم با مطرح کردن این موضوعات ارزش داشته‌هایمان را که به فراموشی سپرده شده است مطرح سازیم و تلنگری به مسئولین زده باشیم تا راه چاره‌ای اندیشیده شود.

سوال بعدی من این است که به نظر شما جوانان و نوجوانان چرا با فرهنگ اصیل فولکلور آشنا نیستند و با این فرهنگ بیگانه‌اند؟ و آیا این روند در چند سال اخیر پیشرفت داشته است یا نه؟

صرافی: البته پیشرفت‌هایی انجام شده است ولی همان موضوع بیگانه ماندن را که فرمودید هنوز معضل مهمی است. ما با این معضل در خیلی جوامع هم درگیر هستیم. مسئله جهانی شدن همانطور که در مورد اقتصاد تحول بزرگی است، فرهنگ جامعه را نیز متحول می‌کند. جهان به نوعی به سمت همسانی فرهنگی پیش می‌رود و این جهت‌گیری برگشت‌ناپذیر است. لذا در صورتی که نهادهای اداری جامعه (اعم از دولتی یا مردمی) اراده و برنامه آگاهانه‌ای در حفظ و احیای ارزش‌های فرهنگی بومی نداشته باشند، این روند با شتاب فراوان و مخربی جریان خواهد داشت.

برنامه‌ریزی لازمه‌ای برای مهندسی فولکلور

صرافی: اینکه عرض کردم این مسائل باید مهندسی شود و نگاه ماکرو و جامع به آن‌ها داشته باشیم و طوری کار کنیم که گذشته‌ها از بین نرود و فراموش نشود، این مسئله به خودی خود امکان‌پذیر نیست. بلکه باید در این مورد برنامه‌ریزی انجام شود و هزینه‌هایی صرف شده و سیاست‌گذاری‌های صحیحی نیز انجام شود.

اکنون کجاست دانشگاه فولکلور ایران؟ در سرتاسر دنیا در این زمینه وسیع و حائز اهمیت، امکان آموزش عالی تا سطح دکترا وجود دارد. در این دانشکده‌ها پروفیسورهایی به عنوان استاد در حال تدریس‌اند. ما در این زمینه حتی در سطح لیسانس و فوق دیپلم نیز کسی را آموزش نمی‌دهیم، حتی در سطح دبستان و دبیرستان نیز ادبیات شفاهی تدریس نمی‌شود. در کل ایران این فقر زیرساخت‌های فرهنگی مشهود است، برخی مناطق نیز مانند آذربایجان با مشکلی مضاعفی روبرو هستند.

ادبیات یک قوم که که صرفاً ادبیات مکتوب و کلاسیک او نیست. بسیاری از اقوام اصولاً ادبیات کلاسیک مدونی ندارند. ادبیات شفاهی تاریخاً مقدم بر ادبیات مکتوب است. این ادبیات نیمی از حجم ادبیات ما را تشکیل می‌دهد. اما نه تنها دانشکده مستقلی در این زمینه نداریم، حتی در دانشکده‌های ادبیات موجود نیز ادبیات شفاهی تدریس نمی‌شود. حداقل می‌توان آنرا به عنوان یک درس مستقل و چند واحدی تدریس کرد.

چنانچه می‌بینیم در حوزه فرهنگ کشور ما مقوله فولکلور از قلم افتاده و جایگاهی برایش تعریف نشده است. در حالیکه بر پایه همین فولکلور می‌توان بزرگ‌ترین و اصیل‌ترین کارهای هنری را انجام داد.

مکتب پست مدرنیسم نیز در عرصه هنر از همین تطبیق دادن سنت‌ها با مدرنیته به وجود آمده است.

آناج: آیا می‌توانید مثالی از همین مکتب پست - مدرنیسم برایمان بزنید؟

صرافی: چند سال پیش در یکی از مزون‌های مد فرانسه یک دیزاینر یا طراح لباس با بهره‌گیری از طرح و نقش قالی "نقش ماهی" تبریز پارچه و لباس زیبایی طراحی کرد، این یکی از جلوه‌های همان مکتب پست مدرنیسم در هنر طراحی لباس است.

سوال من اینست که چرا طراحان فرانسوی این پتانسیل را در نقوش و رنگ‌آمیزی سحرانگیز سنتی ما کشف کرده و میلیون‌ها درآمد کسب می‌کنند اما خود ما از این ثروتمان بی‌خبریم.

اکنون شما خانم خبرنگار در مقابل من با یک مانتو- روسری مشکی روی یک صندلی با روکش چرم مشکی رنگ نشسته‌اید، حتما خودتان متوجه هستید که این منظره چقدر خفه و دلگیر است، اینجا رنگ سیاه لباس شما در کنار رنگ سیاه صندلی، هر دو به یک میزان خشن، رسمی و عبوسند. این سیاهی هیچگاه روحیه شاد شما را انعکاس نمی‌دهند. اما اگر روی همین مانتوی شما طرحی از یک قالیچه نقش بندد آنگاه ما با یک خلاقیت هنری روبرو می‌شویم که هم نشانی از هویت فرهنگی ما را دارد، هم چشم‌نواز و زیباست، هم به دلیل بهره‌گیری از نقوش آشنای فولکلوریک یک حس صمیمی و خودمانی القا می‌کند. با اینکه فقط در قالیچه‌ها و گلیم‌هایمان هزاران موتیو متنوع با رنگ‌های زیبا و گرم داریم اما نمی‌دانم چرا از آن همه تنوع و شادابی و زیبایی هیچ استفاده‌ای نمی‌کنیم و فقط رنگ‌های سیاه و خاکستری و دلگیر را برای پوشش برارزنده می‌دانیم؟ در مورد لباس اگر بتوانیم جلوه‌های بصری هنر بومی و فولکلوریک را به نوعی با لباس‌های عادی تلفیق کنیم، می‌توان گفت سبک طراحی ما متأثر از همین مکتب هنری پست‌مدرن‌ست.

آناج: آیا بر این باورید که با استفاده از رنگ‌های مختلف، جامعه نیز بشاش‌تر نشان داده می‌شود؟

صرافی: بله دقیقا. نه اینکه بشاش‌تر به نظر برسد، بلکه ذاتا بشاش‌تر و سرزنده‌تر می‌شود.

آناج: در صحبت‌های قبلی گفتید که فولکلور می‌تواند منبع اشتغال و درآمدزایی شود آیا می‌شود مثالی در این مورد ارائه کنید؟

صرافی: همین فرش را در نظر بگیرید. فرش بخش از فرهنگ مادی سنتی ماست، ما فرش را در مقوله "دوْشه‌مه‌لر" دسته‌بندی کرده‌ایم. می‌دانید یکی از بزرگ‌ترین صادرات ایران بعد از نفت، فرش دستباف است. قالیبافی یکی از حرفه‌های سنتی و فولکلوریک جامعه ماست در آذربایجان به‌خصوص فرش‌های تبریز و هریس و... بسیار معروفند.

قبلا فرش را بیشتر برای مصارف خانگی و نه بازار می‌بافتند، در بسیاری از روستاها زنان اوقات بیکاری را صرف فرش‌بافی می‌نمودند و فرش دستباف خود را نیز در خانه خود استفاده می‌کردند. در دوره قاجار عده‌ای تاجر تبریزی وارد این صنعت شدند و نه تنها بازارهای اروپا، بلکه سلاویق و علائق مردم اروپا را نیز کشف کرده و یک سری سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی روی آن انجام دادند. به تدریج حوزه‌های تخصصی ایجاد شد و یا توسعه یافت، یک عده

رنگرزی، عده‌ای بافندگی، گروهی طراحی و تعدادی نیز در بخش ترمیم و رفوگری و... مشغول به کار شدند. برخی از تجار به اطراف و اکناف ایران از اصفهان و کرمان و غیره سفر کرده و به بافندگان کم‌بضاعت هم مصالح اولیه، هم نقشه دادند و هم تعهد کردند دستمزد قالی سفارشی را به آنان پرداخت کنند. در نتیجه به تدریج یک هنر دستی سنتی و فولکلوریک ما تبدیل به محصولی برای صادرات گردید و تولید ارزش افزوده‌ای کرد که از قبل آن تاجر، رنگرز و طراح و رفوگر و بافنده و... همه بهره‌مند شدند.

اکنون همین صنعت فرش به تنهایی ثروت زیادی به این منطقه می‌آورد، افراد زیادی را صاحب کار کرده و مانع بیکاری (که خود منشأ ترویج فساد و انحراف و اعتیاد افراد جامعه است) می‌شود.

در واقع با ورود سرمایه‌داران و تاجران ملی این پتانسیل جامعه کشف شد و کسب در این رشته رونق گرفت و در کل ایران رواج داده شده است. تاجر فرش نام فرش تبریز را به جهانیان شناسانده‌اند. هم اکنون نیز مشهورترین فرش جهان به این نام یا به‌طور کلی بنام فرش ایران شناخته می‌شود. فرش تبریز ممکن است در خوی یا مرند بافته شود اما به نام فرش تبریز خرید و فروش می‌شود.

ما نظیر این کار را در مورد بسیاری از صنایع دستی و سنتی یا فولکلوریک کشور می‌توانیم انجام دهیم.

آناج: اکنون در چه زمینه دیگری غیر از فرش چنین پتانسیلی وجود دارد که ایجاد اشتغال و ثروت کند، اما هنوز ظرفیت‌های آن کشف و استفاده نشده است؟
صرافی: یکی دیگر از زمینه‌های بکر طب سنتی است.

اجازه دهید اول طب سوزنی چین را مقایسه کنم: شاید پنجاه سال پیش هیچ کس اطلاعی از وجود چنین زمینه و پتانسیلی در دنیا نداشت. آن زمان این یک روش کاملاً سنتی و محلی در چین برای معالجه بود. بعد یک عده‌ای دانشمندی چینی با حمایت دولتی آمدند و در این زمینه آزمایشات و مطالعات متعددی انجام دادند نهایتاً علم شفاهی طب سوزنی را توسعه داده، مدون ساختند. اکنون شاهدهیم که رشته جدیدی در پزشکی وارد شده بنام طب سوزنی که افراد برای تحصیل در این رشته باید حتی به چین بروند، اکنون در خود چین و بسیاری از کشورهای جهان کلینیک‌ها و مطب‌هایی که خدمات طب سوزنی می‌دهند در حال گسترش‌اند. متخصصین طب سوزنی از این محل درآمد کلانی عاید خود و کشورشان می‌کنند.

ما نیز می‌توانیم چنین قدم‌هایی در زمینه طب سنتی خودمان برداریم. به علت تنوع آب و هوایی، داروهای گیاهی زیادی در سرزمین ایران وجود دارند، بسیاری از این گیاهان در کوه و دشت به صورت وحشی رشد می‌کنند. به نظرم باید در این حوزه سرمایه‌گذاری همه جانبه کرد. لذا باید:

- هم کلیه آموخته‌های طب سنتی را بی‌کم و کاست از زبان عطارها، شکسته‌بندان و معالجه‌گران سنتی در شهرها و روستاهای مختلف جمع‌آوری و دسته‌بندی کرد که این مرحله از کار در حیطه پژوهشی مردم‌شناسی قرار دارد و دقیق‌تر بگویم مرحله جمع‌آوری و ثبت طب عامیانه یا فولکلوریک میراث فرهنگی گذشتگان است.
- هم روی گیاهان و روش‌های طب سنتی در دانشگاه‌ها، کارها و طرح‌های تحقیقاتی تعریف کرد که این نیز در حیطه کارهای پژوهشی و تحقیقاتی در سطح آکادمیک محسوب می‌شود.

- هم به ایجاد مزارع گیاهان دارویی و پرورش آن پرداخت که این نیز در حوزه مهندسی کشاورزی است و در بخش کشاورزی ایجاد اشتغال می‌کند.
- هم صناعی برای ساخت انواع قرص و شربت از گیاهان دارویی ایجاد کرد که این نیز در رشته صنعت داروسازی اشتغال‌زایی می‌کند.
- هم رشته‌های تخصصی دانشگاهی در زمینه طب گیاهی و سنتی و... ایجاد کرد و... می‌بینید که چه اشتغال‌زایی گسترده‌ای در این زمینه وجود دارد که متأسفانه مغفول مانده است.

برعکس در کشور ما برخورد معکوس می‌کنند و طبیبان سنتی را حتی تحت تعقیب و پیگرد قانونی نیز قرار می‌دهند. (فکر کنید اگر ابن‌سینا اکنون در ایران بود، وی را به جرم شیادی می‌گرفتند و جریمه می‌کردند و تعهدنامه می‌گرفتند که هرگز اجازه ندارد نسخه‌ای از داروهای سنتی را برای مریضی صادر کند).

در رشته طب سنتی ایران موارد بسیار مهم و زیادی وجود دارد که اگر حمایت از طرف دولت شود مانند طب سوزنی چین در دنیا مطرح خواهد شد.

با طب سوزنی، چین در دنیا مطرح شد، چینی که از چند هزار سال پیش صاحب این علم بود ولی آنرا مدون و فرموله نکرده بود، بعدها توانست آنرا جهانی کند و تاریخ و تمدن خود را نیز به مردم جهان نشان دهد. مطمئناً این رشته برای کشور چین هم عایدات مادی و هم عایدات معنوی فراوانی داشته است.

برای کار طب سنتی در ایران به سرمایه‌گذاری و متولی مخصوص این کار نیاز داریم و مشکل ما این است که متولی برای این کارها وجود ندارد. متأسفانه مسئولین ما برنامه خاصی در این مورد ندارند و زمان مسئولیت آنان و سمت سازمانی آنان نیز کوتاه و گذرا است درحالی که این موارد برنامه‌ریزی درازمدت می‌طلبد که فرصت رسیدن به اهداف و رفع موانع و اشتباهات اولیه را به برنامه‌ریز بدهد. این موارد جزء پروژه‌های ملی محسوب می‌شوند و دولت‌ها باید به این پروژه توجه درخوری داشته باشند.

ما از گیاهان دارویی خود می‌توانیم صدها داروی جدید به پزشکی جهان هدیه کنیم که در هیچ جای دنیا وجود ندارد و عرصه‌ای بی‌رقابت است.

آناج: چه مواردی دیگری از اشتغال‌زائی و کسب در آمد در تولیدات فولکلوریک

وجود دارد؟

صرافی: توریستی که به یکی از شهرهای ما می‌آید دوست دارد چیزی به عنوان سوغاتی بخرد و با خود ببرد؟ هر چند ما انواع تولیدات سنتی داریم ولی متأسفانه فقط چند قلم آن در حد باکیفیت و توریست‌پسند در بازار ارائه می‌شود. اگر ده‌ها تیمچه و سرای فرش در بازار داریم باید صدها مکان دیگر نیز به سایر تولیدات سنتی اختصاص دهیم.

لباس‌های محلی می‌تواند در سطح جامعه احیا شوند، بر روی لباس‌های محلی نیز می‌توانیم نوآوری و طراحی‌هایی انجام دهیم و آنرا با نیازهای امروزی منطبق سازیم.

صرافی: ما می‌توانیم محلی را به اجرای رقص‌های محلی اختصاص دهیم. که طی آن توریست‌ها با لباس‌های محلی و موسیقی و رقص‌های پرمحتوای ما آشنا شوند و حتی در رقص‌ها شرکت کند و همین لباس‌های محلی و سی دی آهنگ‌های شاد رقص را به عنوان سوغات به همراه خود ببرند.

لباس‌های محلی می‌تواند در سطح جامعه احیا شوند، بر روی لباس‌های محلی نیز می‌توانیم نوآوری و طراحی‌هایی انجام دهیم و آنرا با نیازهای امروزی منطبق سازیم. می‌توان لباس شهری پوشید و در آن لباس‌ها فقط از موتیف‌های معین فولکلور خودمان استفاده کنیم. قشقای‌ها و ترکمن‌ها و کردها در این بخش بسیار بهتر از سایر اقوام عمل کرده‌اند، قشقای‌ها در سطح شهر شیراز، فیروزآباد و سمیرم و.... در تمامی مراسم‌های عروسی خود

لباس محلی قشقایی می‌پوشند، هیچ کس لباس غربی نمی‌پوشد. الزاما باید لباس محلی بپوشند، این یک رسم و سنت فراگیری شده‌است. الان مراکز بزرگی از تولید لباس سنتی و زیبای قشقایی در شهرهای مختلف استان‌های جنوبی وجود دارد، خوب این‌ها هم اشتغال‌زایی و درآمدزایی دارد، هم چهره شهرها را با هویت فرهنگی بومی آراسته می‌کند.

آناج: می‌توان این طور متوجه شد که شما فولکلور را تنها شعر و موسیقی و.. نمی‌دانید و طب سنتی را نیز بخشی از فولکلور می‌دانید؟

صرافی: بله گفتم که فولکلور یعنی دانش مردم. طب سنتی نیز در مقوله دانش مردم است. ما این نوع طبابت را از پدران خود و با استفاده از سنن شفاهی آموخته‌ایم و پدران ما نیز از نسل‌های پیشین آموخته‌اند، لذا در مقوله فولکلور جای می‌گیرند.

آناج: در آن صورت وظیفه یک دانش آموخته رشته پزشکی در زمینه طب سنتی چه می‌شود؟

صرافی: مثلا فردی که از دانشگاه مدرک دکتری پزشکی اخذ کرده و یا مهندس شیمی و دکتر داروساز است اگر گرایش به سوی تحقیقات علمی دارد، می‌تواند به عنوان یک پژوهشگر داروساز، طب سنتی را هم مطالعه کند. طبعاً برخی داروها که از طبیعت بدست می‌آید می‌تواند جایگزین داروهای شیمیایی شود و در برخی موارد حتی بهتر از داروهای شیمیایی جوابگوست. در مواردی نیز که اساساً داروی شیمیایی نداریم، داروی گیاهی تنها داروی ممکن خواهد بود. اگر این کشفیات مستند و مبتنی بر آزمایشات متعدد باشد، در این صورت می‌توان طی کنفرانس‌های علمی به دنیا اعلام کرد که در ایران چندین داروی جدید کشف شده که چنین ویژگی‌های منحصر به فردی دارند.

نکته مهم دیگر اینکه چون این گیاهان داروئی احتمالاً فقط در ایران آن‌هم در کوه و دره خاصی می‌روید لذا تا سال‌ها هیچ کشوری نمی‌تواند در این زمینه با ما رقابت کند. آن دارو بنام ایران ثبت می‌شود. صادرات دارو درآمد کلانی عاید کشور خواهد کرد. چرا که وزن کم و قیمت بالایی دارد.

در عین حال دانشمندان کشور نیز زمینه جدیدی در علم پزشکی گشوده‌اند که افتخارش به همه ما می‌رسد.

آناج: پس به نظر شما زندگی جامعه ما فاصله زیادی با سنت پیدا کرده است؟

صرافی: متأسفانه بله.

آناج: لطفا راهکارهای پیشنهادی و لازم را برای پرکردن این خلاء بیان کنید.

صرافی: وقتی شما می‌فرمایید فاصله زیادی بین زندگی ما و سنت ایجاد شده این نشان می‌دهد کارهای زیادی می‌توانستند انجام دهند که نکرده‌اند. توسعه توریسم کلیدی برای توجه جدی به فولکلور است. چون در دنیا یک رشته مهم صنعت توریسم، توریسم فولکلور و مردم‌شناسی است. توریست‌ها فقط برای دیدن آثار تاریخی به کشورهای مختلف نمی‌روند برخی از توریست‌ها برای شناخت مردم مناطق مختلف آن کشور بدان جا سفر می‌کنند و بعد از برگشتن به کشور خود آشنایی کاملی از فرهنگ و رقص و لباس و بازی و خوردنی‌ها و غذاها بدست می‌آورند و از همین فرهنگ‌های بومی سوغاتی‌هایی نیز تهیه کرده به همراه می‌برند.

یک راهکار پیشنهادی برای پر کردن خلا موجود در فولکلور، توجه به توریسم مردم‌شناسی است.

آناج: احیای فولکلور آذربایجان چه نقشی می‌تواند در آماده سازی تبریز برای میزبانی سال ۲۰۱۸ داشته باشد؟

صرافی: شهر تبریز به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۸ معرفی شده است. درخواست من از شما اینست که به مسئله توریست مردم‌شناسی توجه جدی داشته باشید، متأسفانه آثار تاریخی در آذربایجان اغلب در اثر زلزله یا سیاست‌های سوء توسعه شهری از بین رفته و مانند برخی شهرها مثل اصفهان جذبه بالایی برای جلب توریست ندارند. اما در توریسم مردم‌شناسی آذربایجان بی‌تردید حرف اول را در ایران می‌زند و در این زمینه می‌تواند نقش بزرگی داشته باشد.

در آذربایجان سه نوع شیوه زندگی شهری و روستایی و عشایر هنوز هم به صورت موازی در کنار هم همزیستی می‌کنند و هر کدام از این‌ها، دارای خرده‌فرهنگ‌های خاص خود هستند. شناخت این فرهنگ‌ها از نظر یک توریست بسیار جذاب است.

اگر توریست‌ها موسیقی و رقص‌های سنتی ما را در فضای آزاد یا در سالن‌های اختصاصی ببینند، پای ساز و صحبت عاشیق‌های ما بنشینند و هنر مجلس‌آرایی و داستان‌پردازی آنها را ببینند. از طرف دیگر لباس‌های محلی و صنایع دستی (که همگی جزو فرهنگ مادی و سنتی و بومی ماست) را مشاهده کنند. غذاهای بسیار متنوع و سنتی ما را بچشند، موزه‌های مردم‌شناسی ما را بازدید کنند، در این صورت توشه‌ی پرباری از سفر به آذربایجان خواهند بست.

باید فضای سنتی بازارهای ما عرصه‌ای برای فروش و تبلیغ محصولات سنتی و فولکلوریک برای توریست‌ها باشد.

رستوران‌های ما باید بتوانند تنوع غذاهای سفره آذربایجان را برتابد. تنوع رنگ و مدل در غذاهای ما به خودی خود جذبه دارند که باید از آن بهره برد.

بازار سنتی ما باید این چهره مردانه و زن آزار خود را تغییر دهد، برای اشتغال زنان چه به صورت فروشنده، چه به صورت هنرمند و صنعت‌گر باید فضاهایی باز کرد. مثلاً اگر تعدادی بانوی هنرمند در بخشی از دکانی در بازار سوزن‌دوزی کنند و در همان جا به فروش برسانند. یا گوشه‌ای از رستوران‌ها زنی با لباس محلی نان داغ بپزد و یا در بازار فرش فروشان چند زن و دختر قالیباف مشغول کار شوند که هم شیوه و زحمات بافندگی قالی را برای توریست به نمایش بگذاریم و هم به سئوالات او پاسخ داده و معلوماتش را تکمیل کنیم و هم همانجا قالی و گلیم و جاجیم و... بفروشند، این کمپلکس تولید و فروش کارائی بازارهای شرق را به اصالت اولیه خود را (که بازار تنها محل فروش نبوده بلکه در کنار آن کارگاه‌های تولید نیز حتماً شامل می‌شده) بهتر نمایش داده می‌دهد.

می‌توان هنرمندانی از زنجان و اورمیه و لالچین همدان.... برای تهیه و فروش چاقو و صنایع دستی چوب و سفال.. به بازار تبریز بیاوریم و مستقر کنیم، آنوقت بازار ما جذبه بالایی برای توریست‌ها پیدا خواهد کرد.

بازار تاریخی تبریز پتانسیل تبدیل شدن به یک مرکز بزرگ جلب توریست در سطح جهانی را دارد.

می‌دانید بازار سنتی تبریز ما در یونسکو ثبت جهانی شده و بزرگ‌ترین سازه تاریخی سرپوشیده جهان است که در عین حال هنوز فعال است و بهره‌برداری می‌شود. یعنی اینجا کاربری موزه و آثار تاریخی صرف ندارد، بلکه محل زندگی و کسب و کار هزاران نفر است. مغازه‌دارها از صبح تا شب زندگی خود را در همان بازار می‌گذرانند. آنها در کنار کار خود به وقت اذان به همان مساجدی که داخل بازار است می‌روند و نمازشان را می‌خوانند. ناهارشان را آنجا میل می‌کنند دوباره به کار مشغول می‌شوند.

اگر به این بازار زیبا و تاریخی کاربری توریسم‌محور تعریف کنیم، آنگاه بازار تبریز بزرگ‌ترین قطب توریسم در کشور و شاید منطقه خواهد شد.

اگر چنین تحولی را بتوانیم به وجود بیاوریم مطمئناً ثروت این منطقه و این شهر دوچندان شده و امید زندگانی در بین مردم نیز افزایش خواهد یافت و جوانان این مرز و بوم ترجیح خواهند داد تا در شهر خود بمانند و به شهرها و کشورهای دیگر مهاجرت نکنند.

آناج: آیا منظورتان از توریست، مهمان یا جهانگرد خارجی است؟

صرافی: منظورم از توریست هم توریست خارجی و هم توریست داخلی است. در واقع کسانی که از شهرهای مختلف ایران برای گردش به آذربایجان می‌آیند نیز توریست محسوب می‌شوند، حتی اگر آنان اصالتاً تبریزی باشند و خویشاوندان تبریزی داشته باشند ولی چون برای گردشگری به تبریز می‌آید توریست‌اند.

آناج: انس با فرهنگ بومی در بین ما در چه حدی است؟ مسئولین تا چه حدی در ایجاد علاقه به فرهنگ بومی موفق بوده‌اند.

صرافی: به نکته مهمی اشاره کردید، لازمست هر مردمی با خود و فرهنگ خود آشتی کنند و مانوس باشند لذا برای این کار باید برنامه‌ریزی کرد. متأسفانه در این حوزه بی‌برنامگی کامل مشهود است. در بین مسئولین افراد فهمیده و فکور بسیاری می‌شناسم که واقعا تمایل دارند در این زمینه کارهایی انجام دهند ولی متأسفانه عمر مدیریتی آن‌ها این اجازه را نمی‌دهد و اگر حتی کاری را آغاز کنند، مسئول بعد از او ممکن است کار او را ادامه ندهد و زحمات آن مدیر درد آشنا نیز نیمه‌کاره رها شود.

آناج: آیا مراکز فرهنگی مردمی در مورد شناخت فولکلور در استان‌های آذربایجان و تبریز وجود دارد؟

صرافی: بله، اطلاع دارم که گروه‌هایی در حوزه شعر و ادبیات تشکیل شده‌است. جلسه‌هایی با عناوین "شعر آخشی" و یا نقد و بررسی شعر به صورت رسمی و یا به صورت محفلی و در خانه‌ها برگزار می‌شود. اهالی موسیقی نیز برای خود کانون‌هایی رسمی و محفلی دارند، که در کلاس‌های آزاد و کلاس‌های رسمی به طور حرفه‌ای رقص و نوازندگی سازهای مختلف آموزش داده می‌شود. حجم فعالیت‌های فرهنگی که به همت مردم و به‌خصوص جوانان در تبریز و ارومیه و بسیاری از شهرها انجام می‌گیرد، نسبت به بیست، سی سال پیش صدها برابر شده است، گروه‌های کودک نیز وجود دارند که به کودکان متون زبان مادری و دیکلمه شعر و رقص و موسیقی و غیره آموزش می‌دهند در همه این فعالیت‌های فرهنگی، فولکلور یکی از قوی‌ترین مولفه‌ها را تشکیل می‌دهد...

اما در این میان مؤسسه ما (آذربایجان ائل بیلیمی) تنها مرکز جمع‌آوری و پژوهش در زمینه فولکلور است.

آناج: منابع مالی مؤسسه شما از کجا تامین می شود؟

صرافی: تمامی امکانات ثابت و هزینه‌های جاری مؤسسه توسط اعضای مؤسسه تامین شده و می‌شود. ما تا کنون هیچ کمک هزینه‌ای از دولت در مورد این فعالیت‌ها درخواست نکرده‌ایم، البته اگر درخواست کنیم به امید خدا کمک خواهند کرد. معه‌ذا تا کنون ریالی وام نیز نخواستیم و نگرفته‌ایم. ما بخشی از دارایی خود را در طبق اخلاص قرار داده و صرف تشکیل و پیشرفت کارهای این مؤسسه کرده‌ایم. اینجا یک نهاد غیرانتفاعی است، درآمدی که ندارد، پس انداز خود را نیز در آنجا خرج می‌کنیم. هزینه‌ها را اعضا و دوستان مؤسسه بر اساس توانایی خود تقبل کرده‌اند که ماهانه یا مقطعی پرداخت می‌کنند.

آناج: مؤسسه اثل بیلیمی چند سال است فعالیت می‌کند و اهم فعالیت‌هایش چه

بوده است؟

صرافی: تقریباً بیش از هفت سال از تاسیس این مؤسسه می‌گذرد. تلاش‌های مداوم و جدی زیادی در این زمینه انجام شده است. تا کنون کلی متون دست اول فولکلور و لغات محلی جمع‌آوری و به صورت بولتن داخلی بین اعضا و علاقه‌مندان به طور مجانی پخش کرده‌ایم. این مستمرترین و مهم‌ترین فعالیت ما بوده، قریب ۸۰ شماره تا کنون منتشر شده یعنی هشتاد ماه کار. (البته در سال گذشته وقفه موقتی در انتشار آن پیش آمد.) ولی در نگاه کلی به هیچ وجه فعالیت‌هایمان کم‌تر نشده، بلکه مرتباً رو به پیشرفت بوده‌است. در سال‌های اخیر و به خصوص پارسال در فضای مجازی نیز در زمینه فولکلور فعالیت‌هایی انجام می‌دهیم. کانالی تحت عنوان اثل بیلیمی هست، هر چند این کانال الزاماً توسط اشخاص مؤسسه مدیریت نمی‌شود ولی در انطباق با سیاست ما کار می‌کنند.

از جمله کارهای مهم سال گذشته ایجاد یک موزه مردم‌شناسی بود. در سردرود برای تاسیس موزه مردم‌شناسی پیشنهادی دادیم و اعضای شورای شهر و شهرداری آنجا نیز قبول کرد. لوازم مورد نیاز برای تاسیس موزه را نداشتند و وسایل زیادی که از طرف مردم به مؤسسه ما اهدا شده بود را به مدت ۶ ماه در اختیار آن موزه به عنوان امانت قرار دادیم. حدوداً ۲۵۰ یا ۳۰۰ وسایل اتنولوژیک که در سال‌های بسیار دور توسط مردم استفاده می‌شد را برای راه‌اندازی در اختیار این موزه گذاشتیم. با آن‌ها قرارداد بستیم به مبلغ صفر ریال! تنها تعهد شهرداری امانتداری و حفاظت از اشیا در طول شش ماه و بازگرداندن سالم آن‌ها به مؤسسه است.

پس از تاسیس این موزه مردم به طور خودجوش حدود ۲۰۰۰ وسیله و اشیا اتنوگرافیک یا مردمشناسی به موزه اهدا کردند. علت اهدای داوطلبانه وسایل توسط مردم این بود که در آنجا سنگ بنای موزه و راه اندازی آن به روش کاملاً مردمی و مدنی و بی‌مزد و منت توسط موسسه ما صورت گرفت. اکنون حتی برخی از علاقه‌مندان سردرودی مبالغی از جیب خود خرج می‌کنند تا چیزهایی بخرند و به موزه بپارند. ما افتخار می‌کنیم که در کنار شهرداری و مردم فهیم سردرود، شهر حسین خان باغبان را صاحب یک موزه مردم‌شناسی غنی کرده‌ایم.

آناج: این نوع حرکت در سایر شهرها نیز می‌تواند رخ دهد و جرقه‌ای برای شروع فعالیت گسترده در سراسر ایران باشد؟

صرافی: البته که می‌تواند، مهم‌ترین عامل برای موفقیت این نوع کار، مردمی بودن آن است. دولت در همه جای دنیا می‌تواند فقط این نوع کارها حمایت کند مانند کاری که شهرداری سردرود کرد.

زمین و امکانات به مردم داده شد و مردم در آن جا فعالیت کردند و با مدیریت ما صاحب یک موزه شدند با کمترین هزینه.

دوستان و همکاران موسسه ما محل را آماده‌سازی کرده، به چپ‌نشین اشیا اتنوگرافیک و دکوراسیون داخلی موزه پرداختند، فضای موزه را مرتب و تمیز و... کردند و ویتринаها را چیدند. چون این اقدام کاری مخلصانه و خداجویانه بود، ادامه راه را نیز خود مردم سردرود طی کردند.

در شهرهای دیگر مثل تبریز یا سایر شهرها اگر مکانی برای این کار وجود داشته باشد می‌توان موزه مردم‌شناسی با مشارکت خود مردم افتتاح کرد. چون همه مردم در خانه خود لوازمی دارند که از زمان بسیار قدیم مانده و علاقه خاصی به آنان دارند اما از پوسیدگی و زوال آن هراس دارند، این افراد وسایل خود را به موزه تحویل می‌دهد تا از آن محافظت شود ضمناً علاوه بر خود او دیگران نیز آنها را ببینند.

آناج: لباس‌ها و وسایلی که در خانه‌های مردم بدون استفاده و بی‌اهمیت است با نمایش آنها در موزه برای بازدید توریست و سایر مردم شاید در فرد بیننده یک فرهنگ خاصی را القا کند. به نظر شما چه مدت زمانی نیاز است تا فرهنگ فولکلور غنی آذربایجان به درجه قابل قبولی از احیاء برسد؟ و چه مقدار مدت زمان برای این کار نیاز است؟

صرافی: تا برنامه‌ریزی مدونی صورت نگرفته باشد نمی‌توان در مورد زمان انجام کاری، صحبت کرد. اصلی‌ترین مطلب این است که باید نهادهایی در این زمینه ایجاد شود که زیرساخت‌های لازم را ایجاد و اگر موجود است آنرا تصحیح کند. برای ایجاد زیرساخت، باید دانشگاهی به این زمینه اختصاص داده شود و مدارس مخصوصی در این رشته تاسیس شود و تعدادی افراد به‌طور حرفه‌ای آموزش ببینند و در این رشته مدرک تخصصی کسب کنند.



این ما هستیم که باید زمینه فعالیت را برای آن‌ها فراهم کنیم.

بدون برنامه مدون هزار سال هم بگذرد، اتفاق خاصی نخواهد افتاد. از طرفی عوامل و برنامه‌های مخربی نیز در کار است که به‌صورت سیستماتیک عمل می‌کند و فرهنگ ما را تخریب می‌کند. پس بنابراین اگر از یک طرف تلاش ساختاری در این زمینه می‌کنیم، از طرف دیگر نیز نباید اجازه دهیم برنامه‌های مخرب این فرهنگسازی را تخریب کنند. برای مبارزه با عوامل مخرب فرهنگ (که در راس آن تهاجم فرهنگی است) نیز برنامه و هدف‌گذاری لازمست. به دلیل ابهام در وجود برنامه‌های مدون و دخالت عناصر ضدفرهنگی، من نمی‌توانم زمان دقیقی برای آنچه که شما احیای فرهنگ غنی آذربایجان می‌نامید تعیین کنم.

آناج: در بین صحبت‌های خود فرمودید که باید مدارس عالی، نهادها و دانشگاه‌هایی در این زمینه تشکیل و فعالیت کنند، آیا این امکان وجود دارد که از همان مقطع قبل از دبستان و در مهد کودک‌ها در مورد فرهنگ بومی برنامه‌ریزی کرده و کودکان را آموزش داد؟

صرافی: طبعاً می‌توان از این سن‌های کم نیز آغاز شود، از همان شعرها (قوشماجا‌های کودکان) و... که به زبان ساده در فولکلور ما موجود است می‌توان در مهدکودک‌ها استفاده کرد. یاد گرفتن این اشعار برای بچه‌ها بسیار راحت‌تر و لذت‌بخش‌است مثلاً شعر معروف «اوشودوم‌ها اوشودوم» را می‌توان به راحتی به کودک آموخت چون تکرار کلمات و قوافی ساده آن شعر را تا آخر و زنجیروار تداعی می‌کند لذا کودک به راحتی یاد می‌گیرد. مثلاً این چند مصرع شعر کودک را مرور کنیم:

اوشودوم آا اوشودوم

داغدان آلما داشیدیم

آلماجیمی آلدیلار

منه ظولوم قیلدیلار

من ظولوم دن بزارام

درین قویو قازارام

درین قویو و....

در این شعر علاوه بر قافیه‌های (اوشودوم- داشیدیم، آلدیلار- قیلدیلار، بزارام- قازارام) هر کلمه‌ای که مثلاً در مصرع دوم است، در مصرع سوم نیز همان به‌عنوان کلیدی برای تداعی معانی آمده است، (اوشودوم، آلما، من، ظولوم، درین قویو) تکرار شده‌اند. قانون‌مندی رفتار مغز به این صورت است که مطلبی که قبلاً یاد گرفته و احیاناً فراموش کرده‌ایم با یادآوری کلمه کلیدی و آغازین بقیه جمله را به یاد می‌آوریم. این شعرها طوری‌ست که کودک به سادگی به ذهن می‌سپارد و با گفتن هر مصرع، همان مصرع در به یادآوری مصرع بعدی کمک کند. چه خوب است شاعرانی که برای کودک شعر می‌سرایند به این موضوع مهم توجه کنند. در تمامی "قوشماجا"ها این نکته رعایت می‌شود کودک وقتی با سرعت تمام به شعری که می‌خواند مسلط می‌شود، اعتماد به نفس او نیز بالا خواهد رفت.

در شعرهای فولکلوریک کودکان، کودک ناخودآگاه، برای یادآوری
مطالب و مصرع‌ها از خود شعر کمک می‌گیرد.

صرافی: در تمام شعرهای فولکلوریک کودکان این صنعت رعایت شده است. وقتی کودک می‌تواند به راحتی شعری را حفظ کند و بدان مسلط شود اعتماد به نفس بالایی نیز به دست می‌آورد، این پارامتر نقش مهمی در تربیت کودک دارد. ولی در شعرهای جدید (و گاه ایدئولوژیک) و شعرهایی بکه به زبان غیرمادری سروده می‌شود چنین مواردی کمتر رعایت می‌شود و کودک به خاطر اینکه دچار لکنت و مکث و فراموشی می‌شود اعتماد به نفس خود را از دست داده از غافله عقب می‌ماند.

اختصاص دادن یک یا نیم ساعت تایم فولکلور و آذربایجان شناسی در متون درسی مدارس

صرافی: تمامی کتاب‌های درسی پر از شعرهایی از شعرای کلاسیک است و حتی متون آموزشی نیز پر از لغات عربی و گاه لغات مهجور است که همان کلمات سخت، فقط در همان درس از کتاب مورد استفاده قرار گرفته و در هیچ‌جا و هیچ زمان دیگری مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. ولی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه فولکلوریک به‌طور مکرر در کوچه و بازار و محیط کار و میهمانی استفاده می‌شوند. چرا بایستی به کودکان لغات مهجور از متون قدیمی را آموخت، اما او را از آموختن اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایی که مرتباً در زندگیش به درد خواهند خورد محروم ساخت.

به نظر بنده در این زمینه در حق همه و حتی هموطنان فارسی‌زبان نیز ظلم شده است و آنان نیز در طول تحصیلات دوازده ساله خود در مدارس با فولکلور شهرهای خود آشنا نمی‌شوند.

آناج: آیا مسئولین استانی یا کشوری در زمینه فولکلور آذربایجان تا کنون اقدامی کرده‌اند؟

صرافی: بلی ظاهراً یک سری اقداماتی انجام شده است. اما به نظر من بیشتر به‌صورت گذرا و گاه انفعالی (یعنی بعضاً به‌خاطر درخواست و فشار مردم، نه اینکه اثباتاً خودشان برنامه‌ای داشته باشند) بوده است. کلاً نوعی بی‌برنامگی و پراکنده‌کاری دیده می‌شود. بهتر است پیشاپیش کنگره و همایشی در مورد ضرورت احیای فولکلور انجام شود. روش‌های بهره‌گیری از فولکلور در بالابردن اشتغال و تولید ملی بیان شود. من چنین اراده‌ای را در ارگان‌های مسئول نمی‌بینم، البته شاید برنامه‌هایی در جریان است که هنوز نمود خارجی پیدا نکرده است.

چه بودجه‌ای برای احیا فولکلور اختصاص داده شده؟ منظورم احیای فولکلور تمام مناطق و فرهنگ‌های ایرانی‌ست. اعم از خراسان، فارس، کرمان، بلوچستان، ترکمن صحرا، کردستان، لرستان و اعراب خوزستان و... فولکلور همه آنها نیاز به توجه، سرمایه‌گذاری و توجه ویژه دارند. چه پروژه‌هایی در رابطه با فولکلور تعریف شده؟ کدام گروه‌های خدمات مشاورتی در زمینه فولکلور تشکیل شده؟ چند کارشناس ویژه در این رشته وجود دارد؟ کدام سازمان دولتی برای هدایت و راهگشائی در این امر تشکیل شده که در کنار آن ان. جی. او ها باشد؟ این سئوالاتی است که بایستی از مسئولین کرد و وظیفه رسانه‌های ماست.



آناج: حداقل به عنوان اینکه این درخواست پررنگ تر شود و همان طور که تبریز در سال ۲۰۱۸ پایتخت کشورهای اسلامی خواهد بود، ولی با یک نگاه عمیق و کلی به سطح شهر تبریز فعالیت خاصی که

در این مورد جلب توجه کند را نمی یابیم. مخصوصاً خلاءهای زیادی در حاشیه شهر بیداد می کند. بفرمایید یک سال آینده کدام کارهای لازم و مهم باید انجام شود؟

صرافی: من نیز مانند شما در این زمینه هیچ برنامه جدی ندیده ام. وضعیت ما شبیه محصلی است که به او گفته اند مثلاً یک ماه دیگر امتحان دارد، اما او تا چند روز پیش از امتحان فقط دفع الوقت کرده، استراحت می کند و می خوابد. به خود می گوید که کاش الان فردای روز امتحان بود و خیالم راحت بود. من چنین حالت و روحیه ای را اینجا مشاهده می کنم، نوعی بی برنامه گی و بی هدفی.

از کارهایی که می شود کرد اینکه همایشی در زمینه راهکارهای کوتاه مدت و درازمدت برای آماده سازی تبریز به عنوان پایتخت گردشگری جهان اسلام برگزار کرد تا بدانیم چه پروژه هایی و با هدف رسیدن به چه مقاصدی باید در سطح شهری و منطقه ای تعریف کرد. نمایندگان مجلس بایستی وزرای ارشاد و کشور و نهادهای ذیربط را به چالش بکشند و از آنها بודجه و لایحه های اجرایی جدی طلب کنند.

اگر خود مسئولین در این مورد اطلاعاتی ندارند، لازمست از فعالین این رشته و اساتیدی از نقاط مختلف ایران، حتی از کشورهای پرسابقه در امر توریسم را برای مشاوره دعوت کنند. باید کتاب های ارزشمند و نفیسی در مورد آذربایجان و جاذبه های توریستی آن چاپ شود و به میهمانان به عنوان سوغات اهدا شود.

در مورد غذاها و سفره آذربایجانی تا به حال کتابی چاپ نشده، در حالی که تنوع غذا در مطبخ ما در ایران زبانزد است. موسسه ما می خواهد در این زمینه کتابی منتشر سازد، ولی اگر بخواهیم کتاب نفیس باشد و بتوان به میهمانان هدیه کرد حداقل صد میلیون تومان سرمایه اولیه نیاز دارد. این کارها بدون حمایت بخش دولتی امکان پذیر نیست.

ان. جی. او. ها نیز باید پروژه هایی را مطرح سازند تا بتوان بعد از دو سال از توریست ها

پذیرایی آبرومندانه‌ای کرد. کم‌تر از چند ماه دیگر سال ۲۰۱۷ از راه می‌رسد. یعنی بیش از یک سال تا سال ۲۰۱۸ باقی نمانده است.

آناج: این وظیفه بیش‌تر بر عهده شهرداری است؟

صرافی: بله شهرداری، سازمان میراث فرهنگی و اداره ارشاد و جهانگردی بیشترین وظایف را بر عهده دارند. همچنین استانداری و نهادهای وابسته به آن که نسبت به سایر ادارات ارشدیت دارند نیز مسئولند. این‌ها می‌توانند نشست‌های فکری برگزار کنند با مشاورانی که در این زمینه تجربه و مطالعه دارند، مشورت کنند و اگر خود طرح‌ها و ایده‌هایی دارند برنامه‌ریزی کنند و تامین بودجه کرده اجرا کنند. البته شاید سپردن این کار به چند شرکت ارگانیزاتور خارجی نتایج بهتری بدهد، آنان تجارب خوبی در این زمینه دارند.

آناج: رسانه‌ها چه وظیفه‌ای دارند؟

صرافی: در این ارتباط رسانه‌هایی چون شما باید همت مضاعف داشته باشید و همه را به چالش بکشید. ما می‌توانیم از فرصت طلایی سال ۲۰۱۸ حداکثر استفاده را بکنیم و چهره شهر را دگرگون سازیم. افراد زیاد و نمایندگانی از کشورهای مختلف در آن سال به اینجا خواهند آمد. باید کاری کنیم که پس از بازگشت، طوری کشور ما را به هموطنان خود معرفی کنند که بقیه نیز علاقمند به مسافرت شوند و روند جذب توریست مرتباً شتاب بیشتری بگیرد.

آناج: حرف پایانی یا پیشنهاد و انتقاداتتان را می‌شنویم.

صرافی: شما به عنوان یک رسانه مخاطب‌هایی دارید رسالت بزرگی بر گردنتان است. شما در حد وسع خود در زمینه احیاء و کشف پتانسیل‌های مربوط به فولکلور و توریسم مردمشناسی و... باید کارهایی انجام دهید. باید به‌طور جدی ضعف‌ها و نارسائی‌های موجود در این زمینه را کشف و کالبدشکافی کنید.

از طرف دیگر شما ارباب رسانه در جلب مشارکت مردمی نقش مهمی دارید. بنابراین جلب مشارکت عمومی و ترویج فرهنگ توریست‌پذیری بسیار حائز اهمیت است.

امیدوارم بتوانیم سال ۲۰۱۸ را آبرومندانه برگزار کنیم، کسانی که تبریز سفر می‌کنند خاطرات خوشی با خود به ارمغان ببرند.

در نهایت نیز از توجه ویژه شما به فولکلور غنی آذربایجان و تلاش برای احیای فرهنگ اصیل و بومی منطقه‌مان نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

توپلانیب یایمیلانان ماتریالالارین جغرافیاسی

